مذاکرات هسته‌ای

۵+۱

توافق ژنو

E3/EU+3 - Iran Talks Genève, 20-22 novembre 2013

دکتر محمد حسن دریایی



بسم الله الرحمن الرحيم

مذاکرات هسته‌ای

۵+۱

توافق ژنو

دکتر محمدحسن دریایی



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۹۲

سرشناسه: دریایی، محمدحسن
عنوان و نام پدیدآور: مذاکرات هسته‌ای با ۱+۵ توافق ژنو /محمدحسن دریایی
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری: ۲۸۴ص.
شابک: 978-964-423-927-4
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه
موضوع: توافق‌نامه هسته‌ای ژنو، ۲۰۱۳م. ۲۴ نوامبر
موضوع: انرژی اتمی ـ ایران ـ سیاست دولت
موضوع: انرژی اتمی ـ ایران
شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۴م۴۵د/KZ ۵۶۷۵
رده‌بندی دیویی: ۳۲۷/۱۷۴۷۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۰۳۱۴۴



انتشارات اطلاعات
تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت‌جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱
تلفن: ۶ـ۲۹۹۹۳۴۵۵ تلفن دفترتوزیع‌وفروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲
فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن ۲۹۹۹۳۶۸۶
فروشگاه شمارهٔ (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

مذاکرات هسته‌ای با ۱+۵؛ توافق ژنو
تألیف محمدحسن دریایی

صفحه‌آرا: رحیم رمضانی — طراح جلد: رضا گنجی
حروف‌نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

چاپ اول: ۱۳۹۲ — شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه
قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۴ـ۹۲۷ـ۴۲۳ـ۹۶۴ـ۹۷۸ — ISBN: 978-964-423-927-4

تقدیم به روح پاک شهدای هسته‌ای کشورمان

فهرست

فصل اول

مقدمه و طرح موضوع

ظهور پدیده‌های جدید مانند انرژی هسته‌ای که در نتیجه تسریع در ابداعات بشری در قرن بیستم رخ داد، سامان دادن به این نوآوریها، قاعده‌مند کردن بکارگیری آنها و ایجاد رویه‌هایی برای بهره‌برداری بهینه از آنها را ضروری ساخت. وضعیت استفاده و در اختیار داشتن انرژی هسته‌ای به عنوان یک واقعیت عینی توسط کشورها، به شدت روی جهت‌گیری آنها در هنجارسازی و قاعده‌مندی موضوع هسته‌ای اثرگذار بوده است به نحوی که دارندگان به شدت در تلاش بوده‌اند که با تولید و بازتولید اصول قواعد و هنجارها، هویت خود به عنوان مالکان انحصاری این دانش و تکنولوژی را تثبیت نمایند و از گسترش آن به سایر کشورها جلوگیری نمایند.

تعاملات بین دارندگان دانش فنی هسته‌ای و کشورهای فاقد آن در خلال نیم قرن گذشته سبب شد که حقوق بین‌الملل در دو زمینه وضعیت استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و وضعیت استفاده نظامی و دستیابی به سلاح هسته‌ای قاعده و هنجار سازی نماید. استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز حق لاینفک همه کشورها است. اما استفاده‌های نظامی از آن فقط محدود به پنج کشور هسته‌ای شده است که متأسفانه حتی امکان بکارگیری سلاح هسته‌ای در شرایط حاد دفاع از خود برای دارندگان حفظ شده است. وضعیتی که جهان را با یک تهدید جدی مواجه ساخته

است. امنیت بشریت گروگان خواست تعداد محدودی از کشورها شده است. وضعیتی ناعادلانه که به رغم تلاش اکثریت کشورهای جهان در خلال نیم قرن گذشته تغییر چندانی در آن رخ نداده است. بدتر از آن اینکه کشورهای هسته‌ای حتی در راه استفاده صلح‌آمیز سایر کشورها مانع تراشی جدی می‌کنند و حق قانونی آنها را به رسمیت نمی‌شناسند و یا در راه اجرای آن مشکلات زیادی ایجاد می‌نمایند.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور غیر هسته‌ای بر طبق آموزه‌های دینی خود به ویژه فتوای مقام معظم رهبری، تعهدات حقوقی بین‌المللی و محاسبات استراتژیک منطقه‌ای مبارزه با سلاح هسته‌ای و نابودی کامل این سلاح‌ها را مهمترین هدف خود اعلام کرده است. طی دو دهه گذشته نگارنده شخصاً از نزدیک شاهد بوده است که کشورمان چه به صورت ملی و چه در قالب فعال کردن سایر کشورهای عدم تعهد و کشورهای اسلامی، بیشترین مبارزه را برای نابودی سلاحهای هسته‌ای و رسیدن به خلع سلاح هسته‌ای انجام داده است و در تمامی مجامع بین‌المللی همواره از عدم پایبندی کشورهای هسته‌ای به تعهدات خلع سلاح هسته‌ای به شدت انتقاد کرده و خواهان یافتن روشی برای عملیاتی کردن تعهدات کشورهای هسته‌ای در این زمینه شده است. نگارنده به عنوان یک عضو کوچک دستگاه دیپلماسی کشورمان تلاشهای زیادی جهت گسترش آرمانهای خلع سلاحی کشورمان بر اساس فتوای مقام معظم رهبری در کنفرانس خلع سلاح ژنو، گروه کاری سازمان ملل در زمینه خلع سلاح، جلسات کانونهای اندیشه و نهادهای غیر دولتی و سایر نهادهای بین‌المللی در ژنو، وین، انسی، بروکسل، اسلو به عمل آورده است. در همین راستا با اتکا به مفاهیم مترقی مندرج در فتوای مقام معظم رهبری، کشورمان از جمله طراحان و بانیان موج نوظهور بررسی ابعاد غیر انسانی سلاح‌های هسته‌ای بوده است. رهیافتی نوین که جمایت بیش از ۱۵۰ کشور جهان ازجمله برخی از کشورهای غربی است را به دنبال داشته و اولین جلسه آن سال ۲۰۱۳ در نروژ برگزار شد و دومین جلسه آن قرار است اوایل سال ۲۰۱۴ در مکزیک برگزار شود. این موج جدید که با حمایت گسترده نهادهای غیردولتی و افکار عمومی جهانی روبروست بر این اصل اساسی آموزه‌های دینی ما استوار است که سلاح هسته‌ای به خاطر ماهیت فوق مخرب و عدم قدرت تمیز بین نظامی و غیر نظامی و آثار غیرقابل کنترل بر موجودات و محیط زیست، سلاحی غیر انسانی است و با اتکا

به حقوق انساندوستانه ناظر بر مخاصمات مسلحانه سلاحی غیر قانونی و غیر مشروع است. این ابتکار گامی اساسی در جهت غیر مشروع کردن سلاح هسته‌ای و اعمال فشار همه جانبه به کشورهای هسته‌ای برای نابودی این سلاح‌هاست.

در عین حال که کشورمان بیشترین مبارزه را با سلاح هسته‌ای به عمل می‌آورد معتقد است که باید حق کشورهای غیر هسته‌ای در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای محترم شمرده شود و در این زمینه پرچمدار دفاع از حقوق خود در زمینه استفاه صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است. کشورمان هیچگونه مانعی را در این زمینه نمی‌پذیرد و معتقد است طبق مقررات بین‌المللی و تحت نظارت آژانس بین‌المللی این حق را دارد که به نحو حداکثری از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده نماید و در کلیه مراحل تولید، توسعه و استفاده صلح‌آمیز از این انرژی نه تنها نباید با موانع غرب روبرو شود بلکه غرب و دول هسته‌ای موظفند که نهایت تبادلات صلح‌آمیز در این زمینه را فراهم سازند. کشورمان معتقد است که این حقوق به صریح‌ترین وجه ممکن در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، قرارداد پادمان کشورمان و اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شناسائی شده است. تصمیم‌گیری در مورد اینکه تا چه میزان این حق اجرایی شود به عهده صاحب حق، یعنی کشورمان می‌باشد. بنابراین زمانی که کشورمان تصمیم می‌گیرد حقوق هسته‌ای خود را اجرایی کند نباید با مانعی روبرو شود. اما متأسفانه غرب و کشورهای هسته‌ای برخلاف تعهدات بین‌المللی خود، با ایجاد شبکه نهادینه‌ای از موانع و استفاده ابزاری از برخی نهادها مانند شورای امنیت، به صورت سیستماتیک پیچیده‌ترین لایه‌های فشار را علیه کشورمان اعمال داشتند. در همین راستا دفاع از اجرای حقوق هسته‌ای کشورمان بیش از یک دهه است که مهمترین موضوع سیاست خارجی کشورمان بوده است. در این زمینه نیز نگارنده این افتخار را داشته است که به عنوان یک عضو کوچک دستگاه دیپلماسی، طی دو دهه گذشته درجلسات کنفرانس بازنگری معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، جلسات شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سایر جلسات بین‌المللی از حقوق حقه کشورمان برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای دفاع نماید.

برنامه کشورمان در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای ریشه در نیازهای انرژی کشورمان، شاخصهای جمعیتی آن و نیازمندیهای واقعی آن به عنوان یک کشور

درحال توسعه دارد. این برنامه هیچ ارتباطی به یک جناح و گرایش خاص ندارد و حتی نوع حکومت نیز در آن بی‌تأثیر است کما اینکه شروع برنامه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان، قبل از انقلاب اسلامی پایه‌ریزی گردید و در دوران بعد از انقلاب نیز تقریباً توسط همه دولتها فارغ از نوع و گرایش سیاسی آنها ادامه یافت و تکمیل گردید. تنها تفاوتی که بین دولتهای مختلف مشاهده می‌شود در روش تأمین شرایط برای تداوم برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان است. در این زمینه در حالیکه دولتهای متعدد از جمله دولت فعلی، معتقدند که باید با اعتمادسازی و تعامل با آژانس شرایطی فراهم آورد که در یک بستر غیر سیاسی بتوان بیشترین بهره‌مندی را از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشیم، دولت نهم و دهم روش متفاوت تقابل و رهیافت طلبکارانه از دنیا، بر اساس حقوق مصرح کشورمان طبق معاهده NPT را برگزید. اینکه کدام روش مناسبتر بوده است موضوع این کتاب نیست. هدف اصلی این کتاب این است که با بررسی همه‌جانبه مذاکرات با ۱+۵ در قالب برنامه اقدام ژنو ازجمله بررسی نقدهای موجود به این مذاکرات به این سؤال جواب دهد که آیا هدف حفظ ساختار اصلی دستاوردهای صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان در مذاکرات منتهی به توافق روی برنامه اقدام ژنو تأمین شده است یا خیر؟ آیا بر اساس برنامه اقدام ژنو آسیب جدی به برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان وارد شده است یا خیر؟ اصولاً آیا برنامه اقدام ژنو زمینه‌ای برای تداوم کلیه برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان فراهم می‌آورد یا خیر؟ اثرات مثبت و منفی این برنامه اقدام روی منافع ملی کشورمان به عنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای چیست؟ انتقادات چشمگیر موجود در فضای رسانه‌ای کشور علیه این برنامه اقدام تا چه میزان واقعی و مبتنی بر نظرات کارشناسانه فنی است؟

با توجه به اینکه تداوم روند یکطرفه، هدفمند و برنامه‌ریزی شده تولید و باز تولید انتقادات و سکوت تیم مذاکره‌کننده و یا عدم انعکاس مناسب نظرات آنها در فضای رسانه‌ای کشور، همچنین ارائه برخی دفاعیات ناقص و صرفاً محدود به برخی از جنبه‌های برنامه اقدام ژنو از سوی مدافعین و طرفداران، ممکن است یک تصویر غیر واقعی از برنامه اقدام ژنو در اذهان ملت بزرگوار ایران ایجاد نماید و این موضوع با توجه به اهمیت آن در بلندمدت خسارات جدی به دنبال خواهد داشت، نگارنده تصمیم گرفت که با استفاده از بیست سال تجربه خود در زمینه تحقیق و نگارش متون خلع

سلاحی و همچنین حضور در مذاکرات عمده بین‌المللی دراین زمینه، نسبت به بررسی بیطرفانه و مبتنی بر نگاه کارشناسی برنامه اقدام ژنو، اقدام نماید. بدیهی است که هدف نگارنده به هیچ‌وجه جانبداری از برنامه اقدام ژنو نیست کما اینکه شخص نگارنده نسبت به برخی جنبه‌های این برنامه اقدام انتقاد دارد و این انتقادات را از طرق مقتضی به مسئولان امر منتقل کرده است. با شناختی که از استاد ارجمند جناب آقای دکتر ظریف موجود است، این اطمینان وجود دارد که ایشان نقد سازنده را بهترین روش برای صیقل دادن اندیشه‌های موجود در نظام گفتمانی حول برنامه اقدام ژنو می‌دانند. امید است در آینده با تداوم فراهم آوردن زمینه برای استفاده از همه ظرفیتها و نظرات کارشناسی در کشور،گامی مهم در زمینه تقویت بیشتر همه جانبه نگری موجود در مذاکرات فراهم شود.

نگارنده معتقد است گام برداشتن در مسیر آتی مذاکرات هسته‌ای بدون شناخت همه جانبه و دقیق برنامه اقدام ژنو میسر نمی‌شود. از طرفی در شرایطی که کشورمان با مذاکرات پیچیده دور بعدی مواجه است باید از همه ظرفیتهای موجود استفاده کرده و زمینه‌ای برای نقدهای دلسوزانه فراهم شود تا افرادی که با اغراض خاص درصدد تخریب برای رسیدن به مقاصد خود هستند، مجالی دراین زمینه نیابند. آنچه در این شرایط به منافع ملی کشورمان کمک می‌نماید ارائه نقدهای دلسوزانه و پرهیز از تشویش اذهان عمومی با روشهای تخریبی، فراهم آوردن زمینه‌هایی برای توجه و جمع‌آوری این نقدها خارج از مسیرهای رسانه‌ای و گسترش فرهنگ نقدپذیری با هدف ایجاد یک اجماع ملی قوی برای حمایت از مذاکرات در دورآتی است. بدون شک بهره‌گیری از ظرفیتهای عظیم کشورمان در همه زمینه‌ها، ازجمله دیپلماسی، بزرگترین پشتوانه برای کسب نتیجه مطلوب در دور بعدی است.

در راستای بررسی همه جانبه توافق ژنو در این کتاب ، نگارنده با استفاده از روش تحلیلی توصیفی در صدد است تا بعد از طرح موضوع در فصل حاضر، در فصل دوم رهنمودها و نظرات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در زمینه هسته‌ای را ارائه دهد. درفصل سوم به بررسی مبانی استفاده از انرژی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل بپردازد. در این فصل مهمترین مبانی حقوقی موجود در زمینه انرژی هسته‌ای در قالب اساسنامه آژانس و معاهده NPT مورد بررسی قرار می‌گیرد. موضوع حق و تفاوت آن

با اجرای حق و اینکه اجرای محدود حق اصل حق را سلب نمی‌کند مورد بررسی قرار می‌گیرد و رویه کشورها در این زمینه بررسی می‌شود. سپس تاریخچه‌ای مختصر از تلاشهای ایران در دوران قبل و بعد از انقلاب برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در فصل چهارم ارائه می‌شود. در فصل پنجم نیز به بررسی روند مذاکرات و مفاد برنامه اقدام ژنو پرداخته می‌شود. در این فصل ضمن ارائه متن اصلی برنامه اقدام به دو زبان انگلیسی و فارسی، روند مذاکرات حول برنامه اقدام و مذاکرات کارشناسی برای اجرایی شدن آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. نگارنده قصد دارد در فصل ششم به نقد سؤالات و ابهامات در ساختار و روش مذاکره بپردازد در این فصل سؤالات، ابهامات و انتقادات مطرح در زمینه شکل، ساختار و نحوه انجام مذاکرات در قالب ۲۹ محور عمده مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل هفتم واکاوی برنامهٔ اقدام در زمینهٔ هسته‌ای توافق ژنو درقالب ۲۸ محور اصلی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. درفصل هشتم کنکاشی در چگونگی لغو تحریم‌ها حول ۱۴ محور عمده مطرح خواهد شد. در فصل نهم آثار منطقه‌ای و بین‌المللی مذاکرات ژنو مطرح خواهد شد. فصل دهم هم به ضمائم اختصاص دارد که در آن آخرین قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که مبنای بسیاری از محاسبات در برنامه اقدام ژنو است به همراه متن NPT و اساسنامه آژانس ارائه می‌شود.

فصل دوم

دیدگاههای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر انقلاب در مورد فناوری و مذاکرات هسته‌ای

الف ـ مقدمه

همانگونه که در فصل قبل بیان شد تلاشهای انجام شده از سوی نگارنده در تبیین مبانی مترقی فتوای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) در زمینه منع سلاح‌های هسته‌ای و جلب توجه‌اندیشمندان غربی به ریشه‌های عمیق دینی این فتوا از نظر ابعاد انساندوستانه عجین شده در لایه‌های مختلف آن، سبب تنویر افکار بسیاری از آزاداندیشان جهان وکانونهای فکری و سازمانهای مردم نهاد غربی شده است. به نحوی که تعدادی از نهادهای مردمی فعال در زمینه خلع سلاح هسته‌ای و بانیان موج جدید جهانی ایجاد شده در زمینه غیرمشروع کردن کلیه سلاح‌های هسته‌ای با توجه به ابعاد و اثرات وخیم غیر انسانی آنها (Humanitarian aspects of Nuclear weapons)، از فتوای مقام معظم رهبری در زمینه خلع سلاح هسته‌ای الهام گرفته‌اند. آنها به صراحت این موضوع را به نگارنده اعلام نموده و با لحاظ دستورکاری تحت عنوان مبانی منع اخلاقی ـ مذهبی سلاح‌های هسته‌ای در جلسات خود به بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر این موضوع می‌پردازند. امید است در داخل کشورمان نیز تلاش نمائیم که با برگزاری جلسات مباحثه زمینه درک عمیق مبانی مترقی نهفته شده در فتوای مقام

معظم رهبری در زمینه حرمت سلاح هسته‌ای را فراهم نمائیم و با تأمل و دقت در رهنمودهای معظم له در زمینه فناوری هسته‌ای و مذاکرات هسته‌ای، راه خود در این زمینه را پیدا کنیم.

با توجه به اینکه تبیین ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران تنها با درک صحیح و کامل رهنمودها، نظرات و فتاوای مقام معظم رهبری میسر است، دراین فصل مجموعه‌ای از نظرات و فتاوای معظم له بیان می‌شود. قطعاً با دقت کافی به این مجموعه، درک بهتری از ماهیت واقعی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی پیدا می‌کنیم که بر این اصل اساسی استوار است که انرژی هسته‌ای باید برای همه فراهم شود و سلاح هسته‌ای در دست هیچ کس قرار نگیرد.

ب ـ فتوا در مورد حرمت سلاح‌های هسته‌ای

ـ جنجالی که راه می‌اندازند، با هدف این است که ما را متوقف کنند. می‌دانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ این را فهمیده‌اند، دانسته‌اند. من شک ندارم که دستگاه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در این کشورهایی که جلوی ما ایستاده‌اند، اطلاع دارند و می‌دانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. واقعاً سلاح هسته‌ای به صرفهٔ ما نیست؛ علاوه بر اینکه از لحاظ فکری و نظری و فقهی، ما این کار را خلاف می‌دانیم و این حرکت را حرکت خلافی می‌دانیم. ما استفادهٔ از این تسلیحات را گناه بزرگ می‌دانیم و نگه‌داشتنش را یک کار بیهودهٔ پرضررِ پرخطر می‌دانیم و هرگز دنبالش هم نمی‌رویم. آنها هم این را می‌دانند، اما روی این نقطه جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده که از لحاظ شرعی و مبنایی، با ساخت و کاربرد سلاح هسته‌ای مخالف است. [1]

ـ ما اعتقاد به بمب اتم و سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی و دینی ما، بکار بردن اینگونه وسائل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است،حرام است؛ این، ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده.[2]

ـ وقتی از بمب هسته‌ای استفاده می‌کنند، فقط دشمنان کشته نمی‌شوند، بلکه کسانی هم که دشمن نیستند، کشته می‌شوند و این بر خلاف عقیده و روش

---

۱. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران (۹۱/۶/۹)

۲. دیدار با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (۸۶/۱۰/۲۲)

ماست. بمب هسته‌ای خوب و بد و تر و خشک را با هم می‌سوزاند، کار نظام اسلامی نیست[۱].

ـ ما به کارگیری سلاح هسته‌ای را با احکام اسلامی مخالف می‌دانیم؛ این را صریحاً بیان کرده‌ایم.[۲]

ـ موضع جمهوری اسلامی ایران مبنی بر «ممنوعیت ساخت و بکارگیری سلاح اتمی» براساس اعتقادات دینی و نه برای خوشامد آمریکا و کشورهای غربی است[۳].

ـ ملت ایران هم از لحاظ مبنای اسلامی و فکری با این‌جور تسلیحات مخالف است، هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف است.[۴]

ـ جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیایی را گناهی بزرگ و نابخشودنی می‌داند[۵]

ـ سیاستمداران دروغگو و منافق آمریکایی برای این‌که هدف پلید خود را پنهان کنند، ایران را متهم می‌کنند به این‌که می‌خواهد کلاهک هسته‌ای درست کند؛ سر موشکهای بالستیک پرتاب کند! کجا پرتاب کند؟! ما با دشمنان خود اینطوری رفتار نمی‌کنیم. کاربرد بمب اتمی برای نابود کردن ملتها کار خود آمریکایی‌هاست. غربی‌ها هستند که سلاح شیمیایی ساختند و آن را در اختیار صدامی‌ها و بعثی‌ها گذاشتند. اسلام به ما این اجازه‌ها را نداده است. ما از علم برای پیشرفت استفاده می‌کنیم؛ این بهانهٔ آمریکایی‌هاست.[۶]

ـ ما در پی سلاح هسته‌ای نیستیم و این مسئله را غربیها به خوبی می‌دانند زیرا دستیابی به سلاح هسته‌ای برخلاف منافع سیاسی و اقتصادی کشور و مخالف دستورهای دین اسلام است بنابراین، نظام جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصول خود و بدون هراس از هیاهوها به مسیر پیشرفت علمی ادامه خواهد داد و دنیا هم نمی‌تواند بر اراده مردم ایران تأثیر بگذارد.[۷]

۱. سخنرانی در دیدار با کارشناسان جهاد دانشگاهی (۸۳/۴/۱)
۲. سخنرانی در حرم امام راحل (۸۵/۳/۱۴)
۳. سخنرانی در شانزدهیمن اجلاس سران جنبش عدم تعهد (۹۱/۶/۹)
۴. سخنرانی در حرم امام راحل (۸۵/۳/۱۴)
۵. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد (۹۱/۸/۹)
۶. سخنرانی در حرم رضوی (۸۴/۱/۱)
۷. دیدار با رئیس جمهور تاجیکستان (۸۴/۱۰/۲۸)

ـ فشار می‌آورند برای اینکه این حرکت را متوقف کنند. ما می‌خواهیم به دنیا اثبات کنیم که داشتن سلاح هسته‌ای، قدرت‌آفرین نیست؛ به دلیل اینکه قدرتهایی که سلاح هسته‌ای دارند، امروز دارای سخت‌ترین مشکلاتند. آنها با تهدید هسته‌ای بر دنیا مسلط شدند، اما امروز این تهدید دیگر کاربرد ندارد. ما می‌خواهیم بگوئیم ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و اقتدار را در سلاح هسته‌ای نمی‌دانیم و اقتدار متکی به سلاح هسته‌ای را هم می‌توانیم بشکنیم. ان‌شاءالله این ملت این کار را خواهد کرد.[۱]

ـ «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همهٔ امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد». ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفهٔ همگان می‌دانیم.[۲]»

ـ ما اعتقاد به بمب اتم و سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی و دینی ما، بکار بردن اینگونه وسائل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است؛ این، ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده. ما دنبال چیزی می‌رویم که قدرتهای سلطه‌گر حقیقتاً از آن باید بترسند، الآن از همان می‌ترسند و آن، بیدار کردن روح حماسه و عزت اسلامی است در همه امت اسلام.[۳]

ـ ما خواستار بمب اتم نیستیم و حتّی با داشتن سلاحهای شیمیایی مخالفیم. حتّی زمانی که عراق ما را مورد حمله شیمیایی قرار می‌داد، اقدام به تولید سلاحهای شیمیایی نکردیم. این مسائل با اصول ما موافق نیست.[۴]

ـ سیاست هسته‌ای ما واضح است؛ ما اهل استفادهٔ از سلاحهای مخرب جمعی

---

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع دانشمندان هسته‌ای (۹۰/۱۲/۳)

۲. رهبر معظم انقلاب در پیامی به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح و عدم اشاعه که فروردین ماه سال ۹۰ در تهران برگزار شد، فتوای تحریم استفاده از سلاح‌های اتمی را تکرار کردند.

۳. سخنرانی در دیدار با پرسنل ناوشکن جماران (۸۸/۱۱/۳۰)

۴. سخنرانی در دیدار با مردم مشهد (۸۲/۱/۱)

نیستیم؛ اما آنها هم بدانند که در مواجههٔ با ملت، از این‌جور تهدیدها و این‌جور گنده‌گوئی‌ها طرفی نخواهند بست[۱]

ج ـ فرآیند و نتایج مذاکرات ژنو در مورد برنامه اقدام

اینها فرزندان انقلاب و مأموران جمهوری اسلامی هستند که با تلاش فراوان در حال انجام دادن مأموریت سخت خود می‌باشند و «هیچ‌کس نباید آنها را تضعیف کند، مورد توهین قرار دهد یا سازشکار بداند».[۲]

بأذن الله از این مذاکرات ضرری هم نمی‌کنیم بلکه تجربه‌ای در اختیار ملت قرار می‌گیرد که مثل تجربه تعلیق موقت غنی‌سازی در سالهای ۸۲ و ۸۳، ظرفیت فکری و تحلیلی مردم را بالا خواهد برد.[۳]

یک دهه قبل در مذاکرات با اروپایی‌ها، با نوعی عقب نشینی، تعلیقی را که در واقع تحمیل شده بود پذیرفتیم اما بعد از دو سال تعلیق و تعطیلی بسیاری از کارها، همه فهمیدیم که حتی با این‌گونه کارها، مطلقاً امیدی به همکاری طرفهای غربی وجود نخواهد داشت. اگر این کار را نمی‌کردیم ممکن بود برخی مدعی شوند که اگر یک بار عقب‌نشینی می‌کردید مشکلات حل و پرونده هسته‌ای عادی می‌شد، اما با تجربه تعلیق موقت، همه درک کردند که طرفهای ما دنبال اهداف دیگری هستند، لذا کار و پیشرفت را مجدداً شروع کردیم.[۴]

به مذاکرات جاری خوش بین نیستم چرا که معلوم نیست نتایجی را که ملت انتظار دارد به همراه بیاورد اما معتقدیم این تجربه ایرادی ندارد به شرط اینکه ملت بیدار باشد و بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد.این اقدام، یک تجربه و احتمالاً یک کار مفید است. اگر نتیجه گرفته شود چه بهتر اما اگر نتیجه گرفته نشد، معنایش این خواهد بود که برای حل مشکلات، کشور باید روی پای خود بایستد.[۵]

مسئولان، به اظهارنظرها و اقدامات طرف مقابل، دقت و توجه لازم را داشته باشند.

---

۱. سخنرانی دردیدار با پرستاران (۸۹/۲/۱)

۲. سخنرانی روز یکشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۲ برگرفته از سایت ایران هسته‌ای

۳. همان منبع

۴. همان منبع

۵. همان منبع

آنها از یک طرف لبخند می‌زنند و اظهار تمایل به مذاکره می کنند اما از طرف دیگر بلافاصله می گویند، همه گزینه‌ها روی میز است. حالا مثلاً چه غلطی می خواهند بکنند معلوم نیست. رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به سخنان یکی از سیاستمداران آمریکایی که خواستار بمباران اتمی ایران شده بود، خاطرنشان کردند: اگر آمریکاییها راست می گویند که در مذاکرات جدی هستند، باید به دهان این افراد یاوه‌گو بزنند و دهان آنها را خرد کنند.[۱]

ـ ما از تحرک دیپلماسی دولت از جمله سفر نیویورک حمایت می کنیم زیرا به دولت خدمتگذار اعتماد داریم و به آن خوشبین هستیم اما برخی از آنچه که در سفر نیویورک پیش آمد بجا نبود، چون ما دولت آمریکا را غیرقابل اعتماد، خودبرتربین، غیرمنطقی و عهدشکن می‌دانیم.[۲]

د ـ تحریم‌ها و فشار بین‌المللی

ـ البته من این را به شما عرض بکنم؛ شماها می‌دانید، این فشارهایی که اینها می‌آورند فشار تحریم و تهدید و ترور و اینها نشانهٔ ضعف اینهاست؛ این نشان می‌دهد که هرچه آنها می کنند، ملت ما را مستحکم‌تر و پایدارتر می کند. ملت می‌فهمد که درست به خال زده، می‌فهمد که هدف را درست انتخاب کرده، حرکت را خوب پیش برده؛ لذا دشمن را عصبانی و خشمگین کرده.[۳]

ـ این حرکت هم فقط حرکت هسته‌ای نیست. خب، امروز بهانهٔ آنها بهانهٔ هسته‌ای است؛ تحریم می کنند، به بهانهٔ هسته‌ای. مگر چند سال مسئلهٔ هسته‌ای در کشور ما مطرح است؟ سی سال است که تحریمها وجود دارد. آن وقتی که مسئلهٔ هسته‌ای نبود، چرا تحریم می کردند؟ مسئله، مسئلهٔ مقابله و معارضهٔ با ملتی است که خواسته است مستقل باشد، خواسته زیر بار ظلم نرود، خواسته ظالم را افشا کند و در مقابل ظلمِ ظالم بایستد و این پیام را به همهٔ دنیا بدهد؛ داده‌ایم، ان‌شاءالله بیشتر هم خواهیم داد. تحریم و فشار سیاسی و اینها هم اثری نخواهد کرد. وقتی که

---

۱. سخنرانی روز یکشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۲ برگرفته از سایت ایران هسته‌ای

۲. سایت ایران هسته‌ای سخنرانی مقام معظم رهبری ۱۳ مهر ۱۳۹۲، در هفتمین مراسم مشترک دانش آموختگی، تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاههای افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران، در دانشگاه هوایی شهید ستاری.

۳. همان‌منبع

یک ملت تصمیم می‌گیرد بایستد، وقتی که به حمایت الهی و به قدرت درونی خود و استعداد درونی خود باور داشت و باور کرد، چیزی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد[۱].

ـ می‌گویند مقابله با جمهوری اسلامی برای سلاح هسته‌ای است، دروغ است؛ این را ما اول با حدس بیان می‌کردیم، بعد در مذاکرات و مبادلات بین‌المللی برای ما روشن شد که آنها می‌دانند جمهوری اسلامی دنبال سلاح هسته‌ای نیست؛ این را قبول دارند، و واقعیت هم همین است؛ در عین حال مسئلهٔ سلاح هسته‌ای را مطرح می‌کنند. پس ادعای اینکه این فشارها، این تحریمها، این محاصره‌ها، این دشمنی‌ها و خصومتها به‌خاطر مسئلهٔ سلاح هسته‌ای و مسئله توان هسته‌ای است، یک دروغ است؛ این دروغ بودن هم یک واقعیت است.[۲]

ـ ما در فکر یک کار علمی، یک کار اقتصادی و یک کار مطابق مصالح ملی هستیم؛ ملت ما این را می‌خواهند؛ ما هم ایستاده‌ایم.[۳]

ـ اما آنها هم بدانند که در مواجههٔ با ملت، از این‌جور تهدیدها و این‌جور گنده‌گوئی‌ها طرفی نخواهند بست. ملت ایران اینها را با همهٔ ادعاهایی که دارند، در مقابل خود ذلیل خواهد کرد و به زانو درخواهد آورد.[۴]

هـ ـ تأکید بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و رد کامل سلاح هسته‌ای[۵]

ـ ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ به همان دلیلی که گفتم. اما اگر از این‌که ملت ایران این فناوری فاخر و برجسته را که متعلق به خود اوست و بومی است، دارد، ناراحتند، باز هم به آنها می‌گویم مطمئن باشید که ملت ایران زیر بار نخواهد رفت. آنچه که امروز محققان، دانشمندان و دولت ایران در زمینهٔ فناوری هسته‌ای انجام می‌دهند، وظیفهٔ بزرگ آنهاست و کار بزرگی است و این کار برای جلوگیری از وابستگی

---

۱. همان منبع

۲. سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام (۹۱/۵/۳)

۳. سخنرانی در نماز جمعه تهران (۸۴/۵/۲۸)

۴. سخنرانی در دیدار با پرستاران (۸۹/۲/۱)

۵. در تهیه بخشی از مطالب این فصل از مجموعه تهیه شده توسط علی غلامپور و محمدعلی رباط‌جزی، تحت عنوان رهنمودهای مقام معظم رهبری، منتشر شده از سوی وزارت امور خارجه استفاده شده است.

به بیگانگان و برای حفظ استقلال ملی است، که به آن نیاز دارد.[۱]

ـ همان‌طورکه مسئولان کشور در باب مسئلهٔ انرژی هسته‌ای گفته‌اند، هدف ما مطلقاً ربطی به سلاح هسته‌ای و انحراف این حرکت علمی و فناوری به سمت سلاح نیست؛ اما ازاین فناوری هم ملت ایران صرف‌نظر نخواهد کرد؛ این، حرف اصلی ماست. روش‌های کاری و دیپلماسی و ارتباطات و مناسبات بین‌المللی‌اش را هم مسئولان کشور سازماندهی می‌کنند و پیش می‌برند.[۲]

ـ در مسئلهٔ هسته‌ای، حرف ملت ایران حرف معلومی است، مسئولان هم بارها گفته‌اند. ملت ایران یک ملت با استعداد، با فرهنگ، بزرگ، توانا، با نشاط و جوان است و این‌جور ملتی صبر نمی‌کند که اجازه بدهند تا به فلان پیشرفت علمی یا فلان پیشرفت فناوری دست پیدا کند؛ نه، این‌جور ملتی خودش وارد می‌شود، مرزهای دانش را هم می‌شکنند و عبور می‌کند.[۳]

ـ جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست، و نیز هرگز از حق ملّت خود در استفادهٔ صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد. شعار ما «انرژی هسته‌ای برای همه، و سلاح هسته‌ای برای هیچکس» است.[۴]

ـ بین فناوری هسته‌ای و سلاح هسته‌ای، خلط مبحث می‌شود؛ حقیقت قضیه غیر از اینهاست، در حالی که این دو ربطی به همدیگر ندارند. سلاح هسته‌ای بر غنای بالای نود درصد اورانیوم و با تکنولوژی پیچیده متوقف است و کسی دنبالش خواهد رفت که انگیزه‌اش را داشته باشد. ما انگیزه‌اش را نداریم؛ ما احتیاجی به بمب هسته‌ای نداریم. ما تا امروز اگر بر دشمنان خودمان غلبه کرده‌ایم، با بمب هسته‌ای غلبه نکردیم.[۵]

ـ ما اصلاً، منطقاً و مبنائاً با سلاحهای کشتار جمعیِ به این شکل موافق نیستیم. در زمان جنگ هم ما سلاحهای میکروبی و شیمیایی را ممنوع دانستیم.[۶]

ـ ما به سوخت هسته‌ای نیاز داریم. نیروگاه‌های هسته‌ای باید به وجود بیاید. خوراک

---

۱. سخنرانی در دیدار با هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (۸۳/۴/۱)

۲. سخنرانی در نماز جمعه تهران (۸۴/۷/۲۹)

۳. سخنرانی در نماز جمعه تهران (۸۴/۷/۲۹)

۴. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران (۹۱/۶/۹)

۵. سخنرانی در دیدار با هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (۸۳/۴/۱)

۶. سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام (۸۲/۵/۱۵)

این نیروگاه‌ها باید در داخل تولید بشود. اگر قرار شد برای خوراک این نیروگاه‌ها به خارج متوسل بشویم و محتاج باشیم، امور کشور نخواهد گذشت.[۱]

ـ ملت ایران بارها اعلام کرده که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ امروز هیچ ملت عاقلی، هیچ مسئولان عاقلی، به دنبال تسلیحات هسته‌ای نمی‌روند.[۲]

ـ اینکه می‌گویند «ما نمی‌گذاریم ایران سلاح هسته‌ای درست کند»، یک تقلب در حرف زدن است. مگر بحث سر سلاح هسته‌ای است؟ در قضیهٔ هسته‌ای ایران، بحث بر سر سلاح هسته‌ای نیست؛ بحث سر این است که شما می‌خواهید جلوی حق قطعی و مسلّم ملت ایران را ـ که غنی‌سازی هسته‌ای و استفادهٔ صلح‌آمیز از توان داخلی خود ملت ایران است ـ بگیرید. البته این را هم نمی‌توانید و ملت ایران آنچه را که حق خودش است، انجام خواهد داد.[۳]

ـ فناوری اتمی و هسته‌ای غیر از ساختن بمب اتم است. فناوری هسته‌ای رشد علمی در رشته‌ای محسوب می‌شود که دارای خواص بسیار است.[۴]

ـ انرژی هسته‌ای و توانایی تولید سوخت هسته‌ای، در طول سالهای نه چندان دورِآینده، یک نیاز مبرم و قطعی برای ملت ایران است. اگر ملت ایران امروز برای کشور خود فناوری هسته‌ای را تحصیل نکند، چند سال بعد، آن روزی که این جوانها وارد بازار کار و فعالیت می‌شوند، آن روزی که جمعیت ملت ایران میلیونها نفر از حالا بیشتر است؛ آن روز، ملت در یکی از اساسی‌ترین نیازهای خود مجبور است دستش را به طرف بیگانگان و احیاناً دشمنان دراز کند. مثل اینکه امروز ما نفت نداشته باشیم؛ نفت یک منبع تمام شدنی و تجدیدناپذیر است. نفت تا ابد که باقی نمی‌ماند.[۵]

ـ آنچه که امروز محققان، دانشمندان و دولت ایران در زمینهٔ فناوری هسته‌ای انجام می‌دهند، وظیفهٔ بزرگ آنهاست و کار بزرگی است و این کار برای جلوگیری از وابستگی به بیگانگان و برای حفظ استقلال ملی است، که به آن نیاز دارد.[۶]

---

۱. سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام (۸۹/۵/۲۷)

۲. سخنرانی در دیدار با پرستاران (۸۹/۲/۱)

۳. بیانات در دیدار مردم آذربایجان (۹۱/۱۱/۲۸)

۴. سخنرانی در دیدار با مردم مشهد (۸۲/۱/۱)

۵. سخنرانی در دیدار با هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (۸۳/۴/۱)

۶. همان منبع

ـ امروز در مسئلهٔ انرژی هسته‌ای، در سطح بین‌المللی همه پذیرفته‌اند که ایران بر سرِ این خواستهٔ بحق و حق طبیعی خود، محکم ایستاده است.[۱]

ـ انرژی هسته‌ای برای کشور یک ضرورت و نیاز بلندمدت است.[۲]

ـ آنان نمایش علم‌گرایی و جهانی‌سازی علم می‌دهند و آنگاه با پیشرفت دانش در جهان اسلام مقابله می‌کنند و سربرآوردن فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز در کشورهای اسلامی را، گناهی بزرگ می‌شمارند.[۳]

ـ انرژی هسته‌ای یک فناوری باارزش و محصول یک دانش پیشرفته است و برای زندگی مردم لازم است. بسیاری ازنیروگاه‌های دنیا درکشورهای پیشرفته، نیروگاه‌های هسته‌ای است. تولید برق، یکی ازکارهای دانش و فناوری هسته‌ای است و برای یک کشور امتیاز است؛ اینها می‌خواهند ملت ایران این امتیاز را نداشته باشد؛ دعوا سر این است؛ منتها به دروغ می‌گویند ما می‌ترسیم ایران بمب اتمی درست کند.آنها می‌دانند که ساخت بمب اتمی دربرنامهٔ ما نیست.[۴]

ـ آنچه امروز در تبلیغات غربی‌ها ـ بخصوص آمریکایی‌ها ـ در مورد انرژی هسته‌ای گفته می‌شود، هدفش این است که ملت ایران را از پیشرفت علمی و فناوری محروم کند. این حق مسلم ملت ایران است؛ هم علم است، هم فناوری است، هم سلامت محیط‌زیست است، هم دارای مصارف پزشکی است، هم امید و چشم‌انداز پیشرفت برای جوانان کشور است، و بدیهی است که ملت ما این را از دست نمی‌دهد.[۵]

ـ اتم‌شناسی و علوم هسته‌ای یکی از بزرگترین دستاوردهای بشری است که می‌تواند و باید در خدمت رفاه ملت‌های جهان و رشد و توسعهٔ همهٔ جوامع انسانی باشد. گسترهٔ کاربرد علوم هسته‌ای طیف وسیعی از نیازهای پزشکی، انرژی و صنعتی را پوشش می‌دهد که هریک از اهمیت شایسته‌ای برخوردار است. به این دلیل می‌توان گفت که فناوری هسته‌ای جایگاه برجسته‌ای را در حیات اقتصادی به خود

۱. سخنرانی در دیدار با مردم گرمسار (۸۵/۸/۲۱)

۲. سخنرانی در دیدار با مردم مشهد (۸۶/۱/۱)

۳. پیام به کنگره عظیم حج (۸۳/۱۰/۲۹)

۴. سخنرانی در صحن جامعه رضوی (۸۴/۱/۱)

۵. همان منبع

اختصاص داده است و با گذر زمان و افزایش نیازهای صنعتی، پزشکی و انرژی به طور فزاینده‌ای اهمیت آن بیشتر خواهد شد و به همین میزان، تلاش برای دستیابی به انرژی هسته‌ای و بهره‌گیری از آن نیز افزایش می‌یابد. ملّت‌های خاورمیانه که مانند دیگر ملّت‌های جهان تشنهٔ صلح و امنیّت و پیشرفت‌اند حق دارند که با بهره‌گیری از این فناوری، جایگاه اقتصادی و موقعیّت برتر نسل‌های آتی خود را تضمین کنند. شاید یکی از اهداف غبارآلود کردن فضا در مورد برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران این است که مانع از توجه جدی ملت‌های منطقه به این حق طبیعی و ارزشمند خود شوند.[۱]

ـ استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای ضرورت و نیازی اجتناب ناپذیر برای آینده کشور و همچنین قدرت علمی برتر برای پیشرفت در عرصه‌های مختلف است.[۲]

ـ این، حق ملت است و کسی قادر نیست از این حق اغماض کند؛ بحمدالله اینها از استعداد جوان‌های ما جوشیده است.[۳]

ـ از این فناوری هم ملت ایران صرف‌نظر نخواهد کرد؛ این، حرف اصلی ماست.[۴]

ـ مسئله این است که ملت ایران حقی دارد و آن حق را مطالبه می‌کند. این حرف هم برای مردم دنیا قابل فهم است، هم برای دولت‌ها قابل فهم است؛ ولی معارض اصلی در این قضیه، دولت آمریکاست.[۵]

ـ چرخه تولید سوخت حق ماست و ما از این حق کوتاه نخواهیم آمد. ما می‌خواهیم سوخت را تولید کنیم. چندین هزار مگاوات، ما به سوخت هسته‌ای نیاز داریم. نیروگاه‌های هسته‌ای باید به وجود بیاید. خوراک این نیروگاه‌ها باید در داخل تولید بشود. اگر قرار شد برای خوراک این نیروگاه‌ها به خارج متوسل بشویم و محتاج باشیم، امور کشور نخواهد گذشت .بنابراین حق ماست و دنبال این را خواهیم گرفت.[۶]

---

۱. سخنرانی در دیدار با نیروی انتظامی (۸۹/۱/۲۲)
۲. دیدار با پرسنل وزارت امور خارجه (۸۴/۱۲/۲۲)
۳. سخنرانی دردیدار با مردم قم (۸۴/۱۰/۱۹)
۴. سخنرانی در نمازجمعه تهران (۸۴/۷/۲۹)
۵. همان منبع
۶. سخنرانی دردیدار با کارگزاران نظام (۸۹/۵/۲۷)

ـ استفادهٔ صلح‌آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین‌المللی، حق همهٔ کشورها است. همه باید بتوانند از این انرژی سالم در مصارف گوناگونِ حیاتی کشور و ملتشان استفاده کنند و در اِعمال این حق، وابسته به دیگران نباشند.[۱]

برخی دولتهای غربی حق استفاده ایران از انرژی هسته‌ای را به رسمیت شناخته‌اند؛ به رسمیت شناختن این حق مسلم و قانونی، امتیازی ظاهری و پوچ و بی‌معناست چرا که این حق در معاهدات جهانی به رسمیت شناخته شده و برای استفاده از آن نیازی به اروپاییها برای به رسمیت شناختن آن نداریم.[۲]

و ـ تأکید بر شفافیت و اعتمادسازی هسته‌ای

ـ حرفی که غربی‌ها امروز در مسئلهٔ چرخهٔ سوخت و غنی‌سازی به ما می‌زنند، این است: شما اطمینان دنیا را جلب کنید که نمی‌خواهید دنبال بمب اتم بروید. خودشان هم می‌دانند که ما دنبال سلاح اتمی نیستیم؛ اما درمقام بحث و چانه‌زنی و مذاکره حرفهایی می‌زنند، ولی تنها حرف آنها که قابل قبول است این است که ما باید اطمینان‌سازی کنیم. ما هم گفته‌ایم اطمینان‌سازی می‌کنیم.[۳]

ـ ما تعاملی که از سال گذشته با آژانس هسته‌ای داشته‌ایم، براساس همین بوده است؛ منتها اطمینان باید از راه‌های معقول باشد.[۴] زورگویی طرفهای مقابل، نشان‌دهندهٔ بی‌منطقی آنهاست؛ «شما باید غنی‌سازی را تعلیق بلندمدت کنید»؛ چرا و به چه دلیل؟ چه ربطی بین شفاف‌سازی و تعلیق یا توقف غنی‌سازی است؟ با هم هیچ ارتباطی ندارد.[۵]

ـ حرف‌های منطقی‌ای اینجا مطرح می‌شود. همین پیشنهاد منطقی مشارکت کشورهای اروپایی و غیراروپایی در برنامه‌های سوخت هسته‌ای ایران، یک پیشنهاد منطقی است؛ بیایند شریک بشوند؛ همکاری کنند.[۶]

۱. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد (۹۱/۶/۹)
۲. دیدار با اعضاء خبرگان (۸۴/۱۲/۱۸)
۳. سخنرانی دردیدار با مسئولان وزارت امور خارجه (۸۳/۵/۲۵)
۴. همان منبع
۵. سخنرانی دردیدار با کارگزاران نظام (۸۳/۸/۶)
۶. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام (۸۴/۱۰/۱۹)

ـ حرکتی که جمهوری اسلامی کرده، یک حرکت کاملاً همراه با اتمام‌حجت است. در طول دو سال و نیم، جمهوری اسلامی همهٔ راه‌های بهانه‌گیری اینها را بست و هر جا سوءظنی داشتند، وسیلهٔ رفع سوءظن آنها را فراهم کرد.

ـ بنابراین، در پایان کار، ناگزیر شدند اعلام کنند که مسئله، سوءظن به ساخت سلاح هسته‌ای نیست، بلکه مسئله، فناوری هسته‌ای است![1]

ـ تاکنون جمهوری اسلامی قبول کرده، که بیایند و عملیات غنی‌سازی‌ای را ببینند؛ تا بدانند که تبلیغات صهیونیست‌ها دروغ است. این یک راهِ مسالمت‌آمیز برای حفظ فناوری هسته‌ای است.[2]

ـ ما درگذشته نشان داده‌ایم که منطق داریم. گفتند می‌خواهیم شفاف باشید؛ گفتیم خیلی خوب، نماینده‌گان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بیایند بازدید کنند تا نگرانی‌شان برطرف شود. نظام جمهوری اسلامی منطق را شاخص کار خودش قرار داد. آن‌جایی که چیزی را قبول کرد، با منطق بود؛ آن‌جایی که چیزی را رد کرد، با منطق بود. هر جا هم خواستند زورگویی کنند، جمهوری اسلامی ایستاد و قبول نکرد. زورگویی طرفهای مقابل، نشان‌دهندهٔ بی‌منطقی آنهاست؛ «شما باید غنی‌سازی را تعلیق بلندمدت کنید»؛ چرا و به چه دلیل؟ چه ربطی بین شفاف‌سازی و تعلیق یا توقف غنی‌سازی است؟ با هم هیچ ارتباطی ندارد.[3]

ـ صهیونیست‌ها و هیأت حاکمه کنونی آمریکا که کینه و حقدشان نسبت به جمهوری اسلامی نهایت ندارد و حاضرند از هر وسیلهٔ رذالت‌آمیزی برای رسیدن به هدف خود استفاده کنند، شعاری را در دنیا درست کردند که: «ایران دنبال سلاح اتمی است» آنچه که تاکنون جمهوری اسلامی قبول کرده، این است که بیایند و عملیات غنی‌سازی‌ای را ببینند؛ که آنها هم آمدند و دیدند که وجود دارد و اجازه هم داشتند که هرجای دیگری هم که خیال می‌کنند عملیات غنی‌سازی هست، بروند و ببینند، تا بدانند که تبلیغات صهیونیست‌ها دروغ است. این یک راهِ مسالمت‌آمیز برای حفظ فناوری هسته‌ای است.[4]

---

۱. سخنرانی در دیدار با پرسنل نیروی هوایی (۸۴/۱۱/۱۸)
۲. سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام (۸۲/۵/۱۵)
۳. سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام (۸۳/۸/۶)
۴. سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام (۸۲/۸/۱۱)

ـ مسئولان کشور هم در مقابل تهدید دشمنان ذره‌ای هراس در دلشان احساس نمی‌کنند.[۱]

ـ امروز ملت و دولت ایران در صحنهٔ بین‌الملل از ابهت و اقتداری، بیش از گذشته، برخوردار است. حرف‌های منطقی اینجا مطرح می‌شود. همین پیشنهاد منطقی مشارکت کشورهای اروپایی و غیراروپایی در برنامه‌های سوخت هسته‌ای ایران، یک پیشنهاد منطقی است؛ بیایند شریک بشوند؛ همکاری کنند، ما که از حق مسلم خودمان دست برنخواهیم داشت؛ این، حق ملت است و کسی قادر نیست از این حق اغماض کند؛ بحمدالله اینها از استعداد جوان‌های ما جوشیده است.[۲]

ـ یاوه‌گوهای آمریکایی، باز نگویند «ایران می‌خواهد جنگ درست کند» یا «بمب اتم منفجر کند.» این مهمل‌گویی‌ها دیگر کهنه و منسوخ شده؛ اگرچه آنها باز هم از این مهملات می‌گویند؛ اما بدانند که ما جنگ‌افروز نیستیم. ما برطبق مبانی‌مان، با جنگ‌افروزی مخالفیم. اصول ما اقتضا می‌کند که پیام دوستی و صلح و محبت و امنیت و آرامش داشته باشیم چون ما حرف داریم. کسی که اهل زورگویی و چپو کردن است، دلش می‌خواهد که فضا شلوغ شود، تا او در وسط کار چپو کند. اما کسی که حرف حساب دارد، دلش می‌خواهد فضا آرام باشد، تا حرف حساب او را بشنوند.[۳]

ـ آنها که سلاحهای ضد بشریت را در زرادخانه‌های خود انبار می‌کنند، حق ندارند خود را پرچمدار امنیت جهانی قلمداد کنند.[۴]

ـ صلح و امنیت بین‌المللی از جملهٔ مسائل حادّ جهان امروز ماست و خلع سلاحهای کشتار جمعی و فاجعه‌بار، یک ضرورت فوری و یک مطالبهٔ همگانی است.[۵]

ـ انگیزه اصلی آمریکا و برخی کشورهای غربی دنباله‌رو آمریکا برای ممانعت از دستیابی ایران به حق طبیعی و علمی خود ، هراس از رسیدن ملت ایران به نقطه بالای توانائیهای علمی است. آنها در تبلیغات خود می‌گویند ایران مخفی‌کاری کرده است که این حرف بی‌منطقی است زیرا در همه کشورها، مسائل علمی در مرحله تحقیقات

---

۱. سخنرانی در دیدار با مردم پاکدشت (۸۳/۱۱/۱۰)

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام (۸۴/۱۰/۱۹)

۳. سخنرانی در دیدار با ارتش (۷۴/۱/۳۰)

۴. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران (۹۱/۶/۹)

۵. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران (۹۱/۶/۹)

اعلام نمی‌شود بلکه موفقیت در آن تحقیقات در مرحله خاصی اعلام عمومی می‌شود و بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران در مراحل مختلف راه‌اندازی تأسیسات هسته‌ای اعلام رسمی و عمومی کرد.[۱]

ـ جنجال تبلیغاتی که از چند سال پیش درخصوص انرژی هسته‌ای ایران به راه افتاده و همچنان ادامه دارد، نیز، عصبانیت جبهه استکبار در این قضیه نشان می‌دهد دستیابی ایران به فناوری انرژی هسته‌ای یک اقدام مؤثر در تقویت جبهه حق در جبهه‌گیریهای جهانی است.[۲]

ـ چند کشور غربی که خود دارنده سلاح هسته‌ای و مرتکب اینکار غیرقانونی‌اند، مایلند توان تولید سوخت هسته‌ای را نیز در انحصار خود نگه دارند.حرکتی مرموز در حال شکل‌گیری است تا انحصار تولید و فروش سوخت هسته‌ای را در مراکزی با نام بین‌المللی ولی در واقع در پنجه چند کشور معدود غربی، تثبیت و دائمی کنند.[۳]

ـ سازمان ملل متحد باید درخصوص رفع نگرانی‌های موجود در زمینه سلاح اتمی، تلاش جدی انجام دهد. از سازمان ملل متحد انتظار است که در این خصوص اقدامی انجام دهد.[۴]

ـ جمهوری اسلامی ایران تاکنون بر همین مبنا به تعهدات خود درخصوص ان‌پی‌تی عمل کرده است[۵]

ز ـ تأیید فرایند مذاکرات هسته‌ای با هدف رفع ابهامات احتمالی

ـ کاری که مسئولان کردند، کار درستی بود. با تدبیر و بدون پذیرش تسلیم و قبول حرف زور انجام شد تا توطئه‌ای که ازطرف آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها علیه جمهوری اسلامی طراحی شده بود، شکسته شود... آنچه که تاکنون مسئولان محترم، چه آقای دکتر روحانی و چه آقای رئیس جمهور و مسئولان دیگر، حقیقتاً زحمت کشیدند این است که با دقت و ملاحظه جوانب، کار کرده‌اند و حواسشان جمع است که... کاری

---

۱. سخنرانی در دیدار با وزیرامورخارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران (۸۴/۱۲/۲۳)

۲. دیدار رئیس جمهور ونزوئلا با رهبرانقلاب (۸۸/۱/۱۵)

۳. بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران (۹۱/۶/۹)

۴. همان منبع

۵. دیدار با مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (۸۶/۱۰/۲۲)

برخلاف مبانی و اصول انجام نگیرد.[۱]

ـ کاری که در کشور در این زمینه، چه در چالش بین‌المللی «مربوط به کار هسته‌ای، چه در خود کار هسته‌ای، دارد انجام می‌گیرد، کاری است که با حکمت و مشورت دارد انجام می‌گیرد... کار با مشورت، با تدبیر، از اول و در این دو سال و اندی هم همین جور بوده است و با فکر جمعی انجام گرفته است و پیشرفت کرده‌ایم. بعد از این هم همین جور خواهد بود.»[۲]

ـ امروز کشورهای اروپایی با یک ملت بیدار و با عزم و اراده مواجه‌اند. مسئولان کشور هم در مقابل تهدید دشمنان ذره‌ای هراس در دلشان احساس نمی‌کنند؛ طرفهای اروپایی مذاکره کنندهٔ انرژی هسته‌ای بدانند با چه کشوری صحبت می‌کنند.[۳]

ـ امروز در مسئلهٔ انرژی هسته‌ای، در سطح بین‌المللی همه پذیرفته‌اند که ایران بر سرِ این خواستهٔ بحق و حق طبیعی خود، محکم ایستاده است. این اقتدار در عرصه بین‌المللی، روحیهٔ مردم را بالا می‌برد. رشد علم و صنعت و فناوری در داخل کشور، فرصتهای خوبی را برای حل مشکلات به وجود آورده است.[۴]

ـ امروز اگر مسئولان کشور در بدست آوردن انرژی هسته‌ای کوتاهی کنند، نسلهای بعد آنها را مؤاخذه خواهند کرد.[۵]

ـ بمب هسته‌ای و قدرت انفجاری ما، ایمان ماست؛ و جوانان و مردم ما در دشوارترین میدان‌ها با کمال قدرت و با همهٔ ایمان ایستاده‌اند و بازهم خواهند ایستاد.[۶]

ـ چیزی که به یک نظام قدرت می‌دهد، بمب‌اتم نیست. قدرت نظام‌اسلامی ـ که آمریکا و بقیه قدرتهای عالم تا امروز نتوانسته‌اند و نخواهند توانست با آن مقابله کنند ـ قدرت ایمان نیروهای حزب‌الله است.[۷]

---

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری مدظله (۸۲/۸/۱۱)
۲. سخنرانی مقام معظم رهبری مدظله (۸۴/۷/۲۹)
۳. سخنرانی در دیدار با مردم پاکدشت (۸۳/۱۱/۱۰)
۴. سخنرانی در دیدار با مردم گرمسار (۸۵/۸/۲۱)
۵. سخنرانی در حرم رضوی (۸۶/۱/۱)
۶. سخنرانی در حرم امام راحل (۸۵/۳/۱۴)
۷. سخنرانی در دیدار با نظامیان (۷۱/۴/۲۲)

ـ آمریکا سیاهه بالابلندی از رفتارهای تروریستی و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی از تروریستهای سازمان یافته در کشورهای منطقه، پدید آورده است؛ از جمله ترور دانشمندان هسته‌ای ایران با همکاری موساد.[۱]

ح ـ رد کامل سیاست‌های راهبردی مبتنی بر بازدارندگی سلاح‌های هسته‌ای

ـ مگر از اول انقلاب تا به‌حال با ما دشمنی کم بوده است؟ مگر ما از اول انقلاب تا الآن بمب اتم داشته‌ایم؟ آنچه عزت و کیان این ملت را حفظ کرد؛ نظام اسلامی را سربلند و نام امام را جاودانه کرد، ایمان و عزم راسخ این مردم و ایستادگی و وحدت و یکپارچگی آنها بود.[۲]

ـ سلاح اتمی برای از بین بردن حکومت‌ها و سیستم‌ها و رژیم‌ها نیست؛ سیستم‌ها و رژیم‌ها با سلاح اتمی از بین نمی‌روند؛ سلاح اتمی فقط می‌تواند انسان‌ها و سرزمین‌ها را نابود کند.[۳]

ـ تعداد بمبهای هسته‌ای شوروی سابق احتمالاً از تعداد بمبهای هسته‌ای آمریکا بیشتر هم بود. شکست نخورد؟! پیروزی و شکست در صحنه‌های سیاسی دنیا با این چیزها نیست.[۴]

ـ امروز جمهوری اسلامی مسلّح به سلاحی است که از سلاح اتمی بالاتر و بُرنده‌تر است و آن، سلاحِ اراده و ایمان مردم و حضور و همراهی آنها با دولت است، که سلاح بزرگ ماست.[۵]

ـ ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدهای دشمن احتیاج به بمب اتمی و سلاح هسته‌ای ندارد. همدلی و همبستگی شما مردم و چنگ زدن شما به ریسمان الهی و ایمان دینی، مهمترین سلاح ملت ایران است؛ این سلاحی است که در طول بیست و شش سال بعد از پیروزی انقلاب تا امروز کارایی خود را نشان داده است.[۶]

---

۱. پیام به همایش مبارزه جهانی با تروریسم (۹۰/۴/۴)
۲. سخنرانی در دیدار با کارکنان آموزش و پرورش (۸۱/۴/۲۶)
۳. سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام (۸۴/۸/۸)
۴. سخنرانی در دیدار با هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (۸۳/۴/۱)
۵. سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام (۸۲/۵/۱۵)
۶. سخنرانی در حرم رضوی (۸۴/۱/۱)

ـ سلاح هسته‌ای نه تأمین‌کننده امنیت و نه مایه تحکیم قدرت سیاسی است، بلکه تهدیدی برای این هر دو است.حوادث دهه ۹۰ قرن بیستم نشان داد که داشتن این تسلیحات نمی‌تواند رژیمی همانند شوروی سابق را حفظ کند. امروز کشورهایی را می‌شناسیم که با داشتن بمب اتم،در معرض امواج ناامنی‌های مهلکند.[۱]

ـ ملت ایران هم از لحاظ مبنای اسلامی و فکری با این‌جور تسلیحات مخالف است، هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف است. تسلیحات هسته‌ای جز هزینهٔ ایجاد و هزینهٔ نگهداری هیچ فایده‌ای ندارد. تسلیحات هسته‌ای برای یک ملت قدرت نمی‌آورد؛ چون قابل اجرا و قابل استفاده نیست. آن کسانی که امروز بمب هسته‌ای دارند، خودشان خوب می‌دانند که اگر دست از پا خطا کنند و این سلاح هسته‌ای را به کار بیندازند، آن‌چنان دامن خودشان را خواهد گرفت همچنانی که یک روز تروریست‌ها را تقویت کردند، دامن خودشان را گرفت.[۲]

ـ ما قدرت واقعی را در تقویت اراده ملی و پیشرفتهای علمی ـ اجتماعی می‌دانیم نه سلاح اتمی.[۳]

ـ شعار ما «انرژی هسته‌ای برای همه، و سلاح هسته‌ای برای هیچکس» است. ما بر این هر دو سخن پای خواهیم فشرد و می‌دانیم که شکستن انحصار چند کشور غربی در تولید انرژی هسته‌ای در چارچوب معاهدهٔ عدم اشاعه، به سود همهٔ کشورهای مستقل و از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد است.[۴]

ط ـ دلایل بنیادی مخالفت‌ها با برنامه‌های صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای کشورمان

ـ می‌گویند ما با سلاح هسته‌ای در ایران مخالفیم و سلاح هسته‌ای یک خطر بزرگ است. کأنه ایران دنبال سلاح هسته‌ای است؛ این حرف برای فریب دادن افکار عمومی خودشان است.[۵]

ـ اجماع بین چند کشور انحصارطلبِ سیاسی است و اجماع اینها ارزشی ندارد.

---

۱. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد (۹۱/۶/۹)

۲. سخنرانی در حرم امام راحل (۸۷/۳/۱۴)

۳. همان منبع

۴. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران (۹۱/۶/۹)

۵ .سخنرانی در نماز جمعه تهران (۸۴/۵/۲۸)

ملت‌ها و کشورهای دنیا، همه در زبان و در دل، ملت ایران و حرکت نظام جمهوری اسلامی را در این راه تأیید می‌کنند و آن را می‌پسندند.[۱]

ـ جامعه جهانی به‌هیچ‌وجه با جمهوری اسلامی مخالف نیست.جامعه جهانی، یعنی ملتها و دولتهایی که از مستکبرین ناراضی‌اند.[۲]

ـ در تبلیغات جهانی آمریکایی و صهیونیستی، الآن مدتی است که جمهوری اسلامی ایران را به نظامی‌گری و افزایش سلاح متهم می‌کنند! می‌گویند: «ایران سلاحهای کشتار جمعی دارد! اینها سلاحهای اتمی درست می‌کنند! از فلان‌جا کلاهک اتمی آورده‌اند!» حرفهایی که هر عاقلی در دنیا، اگر تأمل کند، می‌فهمد دروغ است.[۳]

ـ امروز آمریکائیها وقتی می‌خواهند در باره مسئله هسته‌ای ایران موضع‌گیری کنند، چون نمی‌توانند صریحاً حق ملت را نادیده بگیرند و اعلام کنند که با حق یک ملت مخالفند، برای توجیه حرف‌شان در افکار عمومی دنیا، ایران را متهم می‌کنند که به دنبال تسلیحات هسته‌ای است. خودشان هم می‌دانند که دروغ می‌گویند.[۴]

ـ حق‌کشی‌های آمریکا در این منطقه یکی دوتا نیست. در مورد کشور خودِ ما، در مورد همین انرژی هسته‌ای شما ببینید چقدر کتمان حقیقت کردند؛ چقدر دروغ گفتند؛ چقدر با خواستهٔ یک ملت که حق طبیعی و مشروع خود را می‌خواهد مقابله کردند. ملت ما می‌گوید ما می‌خواهیم به صنعت هسته‌ای دست پیدا کنیم و از انرژی هسته‌ای در مسائل گوناگون زندگی صلح‌آمیز استفاده کنیم، آنها می‌گویند که ملت ایران به دنبال بمب هسته‌ای است! چرا دروغ می‌گویند؟ برای اینکه حرف باطل و زور خودشان را موجه جلوه بدهند، می‌گویند ایران به دنبال بمب هسته‌ای است! این حق‌کشی نیست؟[۵]

ـ مقابله آمریکا با جمهوری اسلامی عملاً در استمرار جنگ روانی با نظام و ملت ایران، معنا پیدا می‌کند و جنگ روانی هم نیاز به بهانه دارد که دولتمردان آمریکایی،

---

۱. سخنرانی در حرم امام راحل (۸۵/۳/۱۴)
۲. سخنرانی در دیدار با مردم آذربایجان (۸۸/۱۱/۲۸)
۳. سخنرانی در دیدار با نظامیان (۷۱/۴/۲۲)
۴. سخنرانی در حرم امام راحل (۸۷/۳/۱۴)
۵. همان منبع

امروز انرژی هسته‌ای را بهانه این کار قرار داده‌اند. در مقاطع مختلف هرگاه بهانه‌ای، پایان می‌یافت، سلطه گران آمریکایی بلافاصله بهانه دیگری طرح می‌کردند، چرا که آنان استمرار جنگ روانی با ملت ایران را راه اصلی مقابله با نظام اسلامی می‌دانند و به همین دلیل اگر امروز ملت و دولت ایران از حق خود درباره انرژی هسته‌ای عقب نشینی کنند، ماجرا پایان نمی‌یابد و آمریکایی‌ها بهانه دیگری می‌تراشند. [۱]

ـ ما با استکبار و با نظام سلطه مخالفیم، البته پیداست؛ آن دولتها هم با ما مخالفند؛ آن وقت سر قضیه هسته‌ای بهانه‌گیری می‌کنند. [۲]

ـ ملت ایران اثبات کردند که بدون تکیهٔ به آمریکا و قدرتهای مدعی، یک ملت می‌تواند به پیشرفت واقعی دست پیدا کند. این درس است؛ آنها از این درس می‌ترسند. آنها می‌خواهند به ملتها بباورانند که بدون کمک آمریکا و بیرون از حوزهٔ نفوذ آمریکا نمی‌شود پیشرفت کرد. [۳]

ـ یکی از مظاهر دفاع از عزت، انرژی هسته‌ای است.مسئله انرژی هسته‌ای، برای ما فقط این نبود که ما می‌خواستیم یک فناوری داشته باشیم، دیگران می‌خواستند ما نداشته باشیم؛ بخش دیگر قضیه این بود که قدرتهای متجاوز،زورگو می‌خواستند حرف خودشان را در این زمینه بر ملت ایران تحمیل کنند. [۴]

ـ آنقدری که اروپا و آمریکا به مسئلهٔ انرژی هسته‌ای تظاهر می‌کنند و وانمود می‌کنند؛ نگران نیستند. خودشان هم می‌دانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. یکی از اهداف عمدهٔ اینها این است که نظام اسلامی را مشغول کنند؛ ذهن مدیران، مسئولان، مجلس، دولت و دست‌اندرکاران گوناگون را از مسائل جاری و کاری کشور در بخشهای مختلف منصرف و غافل کنند. این مسئله هم که حل بشود، باز مسئله دیگری درست خواهد شد! [۵]

ـ انگیزهٔ دشمنان چیست؟ هر چیزی که بتواند یک ملت را به استقلال و به اقتدار ملی و خودجوش و درون‌زا برساند، آن چیز مبغوض مراکز قدرتی است در دنیا که همهٔ

۱. دیدار با اعضاء خبرگان (۸۴/۱۲/۱۸)

۲. سخنرانی در دیدار با مردم آذربایجان (۸۸/۱۱/۲۸)

۳. سخنرانی در حرم امام راحل (۹۱/۳/۱۴)

۴. سخنرانی در دیدار با هیأت دولت (۸۷/۶/۲)

۵. سخنرانی در دیدار با مسئولان نظام (۸۳/۸/۶)

دنیا را برای خودشان می‌خواهند؛ نظام سلطه این‌طور است.[۱]

ـ چرا پیشرفت علمی یک ملت و یک کشور، از نظر یک جماعتی در دنیا تهدیدآمیز است؟ چرا؟! چون انحصارطلبند؛ چون سلطه‌طلبند؛ چون ایران را طعمه فرض کرده‌اند. خواستند این کشور را با ذخائر و با موقعیت جغرافیایی ممتاز و برجسته‌اش، یکجا ببلعند. بیداری ملت ایران، بیداری جوان ایرانی و استعداد و درخشندگی پیشرفت علمی جوان ایرانی، نمی‌گذارد. لذا پیشرفت فنّاوری شما، انرژی هسته‌ای شما و پیشرفتهای علمی دیگرِ شما، آنها را عصبانی می‌کند.[۲]

ـ دشمنان دنیای اسلام می‌دانند که ما دنبال بمب اتم نیستیم. آنها از پیشرفت علم در این کشور، از پیشرفت فناوری در یک کشور اسلامی ناراحتند. یک کشور اسلامی‌ای که نشان داده که تسلیم سیاستهای آمریکا نیست و از آمریکا نمی‌ترسد. این کشور اسلامی باید به پیشرفت مهم‌ترین تکنولوژی امروز دنیا یعنی تکنولوژی هسته‌ای مجهز نباشد. آنها به خاطر این، فشار را وارد می‌کنند. البته ما تصمیم خودمان را گرفته‌ایم. ملت ایران در طول بیست و هفت سال بعد از انقلاب، با تجربه فهمیده است که تنها راه خلاصی از کید دشمنان ،توکل به خدا و صبر در میدان و مجاهدت است.[۳]

ـ امروز تهدیدها و جنجالهایی که دولتمردان آمریکا پی‌درپی می‌کنند، بیشتر ناظر به مسئلهٔ انرژی هسته‌ای و بدروغ تهمت ساختن سلاح هسته‌ای است. آنها بخوبی می‌دانند که ماجرای ساخت سلاح هسته‌ای یک افسانه است و هیچ واقعیتی ندارد. مسئلهٔ آنها این است؛ آنها از شکل گرفتن یک ایران قدرتمند و پیشرفته نگرانند. آنها با پیشرفت ملت ایران مخالفند.آنها نمی‌خواهند در این منطقهٔ حساس که بیشترین نفت دنیا را دارد و یکی از حساس‌ترین مناطق دنیاست ـ یعنی خاورمیانه ـ کشوری که مستقل و زیر پرچم اسلام زندگی می‌کند، پیشرفته باشد و از دانش و پیشرفت علمی و فناوری مدرن برخوردار باشد.[۴]

ـ آنچه امروز جنجال آمریکاییها علیه ایران را به‌وجود آورده و اینها را دستپاچه کرده، این است که ایران نیروگاه هسته‌ای را به‌وجود آورده و می‌تواند برق هسته‌ای

۱. سخنرانی در نماز جمعه تهران (۸۳/۸/۱۵)
۲. سخنرانی در جمع ایثارگران فارس (۸۷/۲/۱۳)
۳. سخنرانی در دیدار با اعضاء کنفرانس وحدت اسلامی (۸۵/۵/۳۰)
۴. سخنرانی در حرم رضوی (۸۴/۱/۱)

تولید کند و سوخت و خوراک آن را هم خودش در داخل تولید می‌کند. این، اولین نقطهٔ نگرانی اینهاست.[۱]

ـ دارندگان علم و فناوری در جهان، تلاش می‌کنند کشورهای دیگر مصرف کننده تولیدات آنها باشند به همین علت از پیشرفتهای علمی دانشمندان ایران از جمله در فناوری هسته‌ای ناراحت و عصبانی هستند.آنها در ظاهر می‌گویند ایران نباید بدنبال سلاح هسته‌ای باشد اما حرف حقیقی‌شان این است که ایران نباید دانش و فناوری هسته‌ای داشته باشد تا همیشه نیازمند فناوری‌های پیشرفته غرب بماند.[۲]

ـ دستیابی به دانش هسته‌ای یکی از نمونه‌های مؤید پیشرفت دانشمندان ایرانی است که درباره آن هیاهوی زیادی هم به راه افتاده اما علت اصلی جنجال غربیها، توانایی بومی دانشمندان جوان کشورمان در دستیابی به این فناوری پیشرفته است.[۳]

ـ زورگویان جهانی بخوبی واقفند که ما سلاح هسته‌ای نداریم بلکه آنچه آنها را نگران کرده دستیابی ملت ایران به دانش هسته‌ای است زیرا جهان استکبار نمی‌تواند بپذیرد که ایران اسلامی با شعارهای عدالتخواهانه و آزادی طلبانه خود، به رشد و توسعه و پیشرفت علمی دست یابد.[۴]

ـ غربی‌ها بخوبی می‌دانند که ما به دنبال بمب اتم نیستیم اما عصبانیت آنها به این دلیل است که یک کشور بدون اجازه آنها به این فناوری دست پیدا کرده است.[۵]

ی ـ عدم پایبندی کشورهای هسته‌ای به تعهدات خلع سلاحی خود، طبق معاهدات بین‌المللی

ـ برخی از دولت‌های هسته‌ای در سال‌های اخیر از نظریهٔ بازدارندگی در مقابل سایر قدرت‌های هسته‌ای بر مبنای «نابودی تضمین‌شده متقابل» هم فراتر رفته‌اند تا جایی که در راهبرد هسته‌ای این دولت‌ها، بر حفظ انتخاب هسته‌ای در برابر تهدیدات متعارف از سوی ناقضین معاهده عدم اشاعه تأکید شده است، درحالی‌که بزرگترین

---

۱. سخنرانی در دیدار با هیأت علمی (۸۳/۴/۱)
۲ ـ دیدار با نخبگان جوان کشور (۸۲/۷/۳۰)
۳. دیدار با رئیس جمهور تاجیکستان (۸۴/۱۰/۲۸)
۴. دیدار با ائمه جمعه کشور (۸۲/۷/۱۴)
۵. دیدار با رئیس جمهور ونزوئلا (۸۸/۱/۱۵)

ناقضین معاهده عدم اشاعه، قدرت‌هایی هستند که علاوه بر نقض تعهد خود در ماده ۶ معاهده برای خلع سلاح هسته‌ای، حتی در اشاعه عمودی و افقی این سلاح‌ها گوی سبقت را از دیگران ربوده و منجمله با کمک به‌تسلیح رژیم صهیونیستی به سلاح‌های هسته‌ای و حمایت از سیاست‌های آن رژیم، در اشاعهٔ واقعی این سلاح‌ها نقش مستقیم و مغایر تعهدات خود بر مبنای ماده ۱ معاهده ایفا کرده و منطقهٔ خاورمیانه و جهان را با تهدیدی جدی روبه‌رو کرده‌اند و در رأس این دولت‌ها، رژیم زورگو و متجاوز ایالات متحده آمریکا است.[1]

ـ کشورهای مدعی حفاظت از صلح و ثبات جهان،خود از بمب اتمی و سلاح کشتار جمعی استفاده می‌کنند؛ ادعای اینگونه کشورها در مورد تلاش برای جلوگیری از تولید و تکثیر سلاح اتمی، مانند ادعای یک قاچاقچی بزرگ است که خود را مسئول مبارزه با قاچاق می‌داند.[2]

ـ کشور ایران از جانب مقام درجه اول دولت آمریکا تهدید هسته‌ای شد؛ توقع این بود که سازمان ملل سریعاً با این تهدید مقابله کند.[3]

ک ـ کارشکنی آمریکا در روند مذاکرات هسته‌ای ایران

ـ آمریکایی‌ها مرتب از راه‌های گوناگون به ما پیغام می‌دهند که بیائید دربارهٔ مسئلهٔ هسته‌ای گفتگو کنیم؛ هم به ما پیغام می‌دهند، هم در تبلیغات جهانی‌شان این را مطرح می‌کنند. مسئولان بلندپایه و مسئولان میانی آمریکا بارها و بارها می‌گویند بیائید در کنار گفتگوهای ۱+ ۵ که دربارهٔ مسائل هسته‌ای بحث می‌کنند، آمریکا و جمهوری اسلامی دو به دو، دربارهٔ مسئلهٔ هسته‌ای ایران بحث کنند. من به این گفتگوها خوشبین نیستم. چرا؟ چون تجربه‌های گذشتهٔ ما نشان می‌دهد که گفتگو در منطق حضرات آمریکایی به این معنی نیست که بنشینیم تا به یک راه‌حل منطقی دست پیدا کنیم ـ منظورشان از گفتگو این نیست ـ منظورشان از گفتگو این است که بنشینیم حرف بزنیم تا شما نظر ما را قبول کنید! هدف، از اول اعلام شده است؛ باید

---

۱. سخنرانی در دیدار با خانواده ایثارگران (۸۹/۷/۲۸)

۲. دیدار با نخبگان جوان کشور (۸۲/۷/۳۰)

۳. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد (۹۱/۹/۹)

نظر طرف مقابل قبول شود. لذا ما همیشه اعلام کردیم و گفتیم که این، گفتگو نیست؛ این، تحمیل است و ایران زیر بار تحمیل نمی‌رود.[۱]

ـ آمریکایی‌ها مرتب و پی در پی پیغام می‌دهند که ما در پیشنهادِ مذاکرهٔ منطقی صادقیم؛ یعنی صادقانه از شما می‌خواهیم که مذاکره کنید و مذاکرهٔ منطقی بکنیم؛ یعنی مذاکرهٔ تحمیلی نباشد. من در جواب می‌گویم: ما به شما بارها گفته‌ایم که در پی سلاح هسته‌ای نیستیم، شما می‌گوئید باور نمی‌کنیم؛ ما چرا باید حرف شما را باور کنیم؟! وقتی شما حاضر نیستید یک سخن منطقی و صادقانه را قبول کنید، ما چرا باید حرفی را که شما می‌زنید که خلاف آن بارها ثابت شده است از شما قبول کنیم؟ برداشت ما این است که پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکایی‌ها، یک تاکتیک آمریکایی و برای فریب دادن افکار عمومی است؛ افکار عمومی دنیا و افکار عمومی مردممان. باید شما ثابت کنید این نیست. می‌توانید ثابت کنید؟ ثابت کنید.[۲]

ـ بر اساس تجربه و نگاه به صحنه، با دقت و کنجکاوی، برداشت ما این است که آمریکا مایل به تمام شدن مذاکرات هسته‌ای نیست. آمریکایی‌ها دوست ندارند گفتگوهای هسته‌ای تمام شود و مناقشهٔ هسته‌ای حل شود؛ وگرنه چنانچه آنها مایل به اتمام این مذاکرات و حل این مشکل بودند، راه‌حل، بسیار نزدیک و بسیار آسان بود. ایران در مسئلهٔ هسته‌ای، فقط می‌خواهد حق غنی‌سازیِ او که حق طبیعی‌اش است ـ از طرف دنیا شناخته شود؛ مسئولان کشورهایی که مدعی هستند، اعتراف کنند که ملت ایران حق دارد غنی‌سازی هسته‌ای را برای اهداف صلح‌آمیز در کشورِ خودش و به دست خودش انجام دهد؛ این توقعِ زیادی است؟ این آن چیزی است که ما همیشه گفته‌ایم؛ آنها همین را نمی‌خواهند.[۳]

ـ آنها می‌گویند ما نگرانی داریم که شما به سمت تولید سلاح هسته‌ای بروید چند تا کشور هم بیشتر نیستند، که اسم آوردم؛ اسم خودشان را می‌گذارند «جامعهٔ جهانی»! می‌گویند جامعهٔ جهانی نگرانی دارد. نخیر، جامعهٔ جهانی هیچ نگرانی‌ای ندارد. اکثر کشورهای دنیا طرف جمهوری اسلامی هستند و از خواستهٔ ما حمایت می‌کنند؛ چون خواستهٔ بحقی است. آمریکایی‌ها اگر می‌خواستند مسئله حل شود، این

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۲/۱/۱
۲. همان منبع
۳. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۹۲/۱/۱

راه‌حلِ بسیار آسانی بود؛ می‌توانستند به حق غنی‌سازی برای ملت ایران اعتراف کنند؛ برای اینکه نگرانی‌ای هم از آن جهات نداشته باشند، می‌توانستند مقررات قانونی آژانس هسته‌ای را هم اعمال کنند؛ ما هم از اول هیچ مخالفتی با اعمال این نظارتها و مقررات نداشتیم. هر وقت نزدیک به راه‌حل می‌شویم، آمریکایی‌ها یک سنگی می‌اندازند که جلوی راه‌حل گرفته شود. هدف آنها طبق تلقی و برداشتی که من دارم، این است که می‌خواهند این قضیه باقی بماند تا بهانه‌ای باشد برای فشار؛ که آن فشارها همان‌طور که خودشان گفتند برای فلج کردن ملت ایران است. البته به کوری چشم دشمن، ملت ایران فلج نخواهد شد.[1]

ـ قدرت‌های سلطه‌گر به مستقل ماندن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تمایلی ندارند؛ خشم آنان از مواضع آژانس مبنی بر نبود انحراف در فعالیتهای هسته‌ای ایران نشانه بارز این امر است. با توجه به فضای مثبت کنونی بین‌المللی درخصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران، حل صحیح این موضوع، آزمونی مهم و موفقیتی بزرگ برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود.[2]

ل ـ حمایت جمهوری اسلامی ایران از عاری‌سازی خاورمیانه از سلاح‌های هسته‌ای

ما شعار «خاورمیانهٔ عاری از سلاح هسته‌ای» را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست[3].

---

۱. همان منبع

۲. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد (۹۱/۹/۹)

۳. سخنرانی در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد (۹۱/۶/۹)

فصل سوم

حقوق بین‌الملل و انرژی هسته‌ای صلح آمیز

الف ـ مقدمه

قرن بیستم، قرن شتاب و سرعت‌گیری فوق‌العاده در نو آوریهای علمی اختراعات و اکتشافات بشری بوده است که این اختراعات بر روی نحوه زندگی، نظام قاعده‌مندی اختراعات، هنجارسازی برای پدیده‌های نوین و متعاقب آن هویت‌سازی و تنظیم مناسبات براساس نقش متأثر از هویت بسیار مؤثر بوده است. روابط دولتها و حتی روابط بین بازیگران غیر دولتی در سراسر جهان تأثیر بسزایی از پدیده‌های نوین داشته است. از جمله این اختراعات و اکتشافات، پیشرفت دانش بشری در زمینه شکافت هسته اتم و بهره‌برداری از انرژی هنگفت موجود در آن در ارتباط با مسائل نظامی و غیرنظامی بوده است. با توجه به اینکه معمولاً دولتها هزینه‌های تحقیقاتی خود را بیشتر مصروف بخشهای نظامی می‌کنند، بُعد نظامی دستیابی به انرژی هسته‌ای توجهات بیشتری را به خود مصروف داشت و رقابت زیادی بین قدرتهای بزرگ بر سر دستیابی به سلاح هسته‌ای بوجود آمد به نحوی که پروژه‌های مخفی از سوی کشورهای درگیر در جنگ جهانی دوم شکل گرفت و نهایتاً منجر به دستیابی تعدادی از کشورها به سلاح هسته‌ای گردید. اما در مورد حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و همچنین حق اعطای تضمین‌های امنیتی به اعضای معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای پیشرفت

چشم‌گیری صورت نگرفته است. در این فصل روند قاعده‌مند کردن انرژی هسته‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهیم. نگاهی به اساسنامه آژانس، معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و مقررات پادمان و تلاش غربیها جهت اعمال محدودیتهایی در زمینه دسترسی به دانش غنی‌سازی خواهیم انداخت. سپس موضوع اعطای تضمین‌های امنیتی به کشورهای غیر هسته‌ای و رای مشورتی دیوان در این زمینه را بررسی می‌کنیم. در این فصل همچنین موضوع تفاوت مفهوم مالکیت حق و اجرای حق مطرح و بیان خواهد شد که محدود کردن داوطلبانه اجرای حق به هیچ‌وجه خدشه‌ای به اصل مالکیت حق وارد نمی‌کند و رویه‌های کشورها دراین زمینه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ب ـ پیشنهادات مختلف برای قاعده‌مندکردن انرژی هسته‌ای

با دستیابی آمریکا به این سلاح، تلاشهای وسیعی توسط این کشور آغاز گردید تا با ایجاد یک سیستم بین‌المللی حقوقی، سلاح مزبور را منحصراً در اختیار خود داشته باشد و از اشاعه آن به دست سایر کشورها جلوگیری به عمل آورد. در این زمینه آمریکا با ارائه طرحهایی مانند طرح باروخ درصدد برآمد که انرژی عظیم ایجاد شده از هراس و نفرت جامعه بین‌المللی از عواقب وحشتناک انفجار هسته‌ای را بیشتر متوجه عدم گسترش این سلاحها نماید و این انرژی را به نحوی کانالیزه کند که ضمن انحصاری‌کردن سلاح هسته‌ای، از دستیابی سایر کشورها به این سلاح جلوگیری به عمل آورد. در این راستا ارائه برخی مشوقها مانند استفاده همه کشورها از فواید صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای یا طرح «اتم برای صلح»[1] با این هدف صورت گرفت که از اشتیاق سایر کشورها برای پیگیری طرحها و پروژه‌های تحقیقاتی اتمی بکاهد.

اما سایر کشورها بعد از جنگ دوم جهانی، با مشاهده عواقب وخیم استفاده از این سلاحها و آثار استراتژیکی که بر روابط کشورها دارد و برتری انحصاری که به دارنده این سلاح می‌دهد، همه تلاشهای خود را در سطح بین‌المللی صرف قاعده‌مند کردن گسترش استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از یک طرف و خلع سلاح و نابودی این تسلیحات از طرف دیگر کردند. در منشور ملل متحد «خلع سلاح» از جمله مسائلی

---

1. Atom for Peace

است که در حیطه بحث و بررسی مجمع عمومی مطرح شده است[1] ولی در عین حال منشور از نظام امنیت جمعی و اختیارات شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نیز سخن می‌گوید. آمریکا به عنوان تنها دارنده سلاح هسته‌ای بحث خلع سلاح را نمی‌پذیرفت و در مقابل از بحث عدم اشاعه حمایت می‌کرد.

در سال ۱۹۴۶ آمریکا طرح باروخ را مطرح کرد که طبق آن یک سازمان بین‌المللی برای توسعه و کنترل مراحل استفاده از انرژی هسته‌ای شکل می‌گرفت. مجازاتهایی علیه تخلف در استفاده از مواد شکاف‌پذیر برای ساخت سلاح هسته‌ای در نظر گرفته شده بود و بعد از تأسیس سازمان، ساخت همه سلاحهای هسته‌ای متوقف می‌شد و نظام رأی‌گیری در شورای امنیت نیز به نحوی تغییر می‌یافت که امکان تخلف با استفاده از حق وتو وجود نداشته باشد. همه این برنامه‌ها و پیشنهادات با این هدف صورت می‌گرفت که شوروی نتواند به سلاح اتمی دست یابد. شوروی هم با درک این مسئله مصمم‌تر از قبل به تلاشهایش برای دستیابی به سلاح اتمی ادامه می‌داد و طرح باروخ را نپذیرفت. در مقابل به نظر این کشور، اولویت باید روی امحای سلاحهای هسته‌ای باشد و سازمان مزبور اولین هدفش خلع سلاح باشد بنابراین مشاهده می‌شود که از همان ابتدا در بحث قاعده‌گزاری و هنجارسازی بین‌المللی تأکید دارندگان سلاح و تکنولوژی بر عدم اشاعه آن و تأکید آنهایی که به این سلاح و تکنولوژی دسترسی نداشتند بر خلع سلاح و نابودی ذخایر بوده است.[2] به هرحال این اختلاف نظرها مانع پیشرفت طرح باروخ شد. بعد از دستیابی شوروی به بمب هسته‌ای و با توجه به دو قطبی شدن نظام بین‌الملل رهبران دو قطب در موقعیت نسبتاً برابری قرار گرفتند. لذا در ۱۹۵۲ توافق کردند که کمیسیون خلع سلاح تشکیل گردد و در آن در قالب سازمان ملل همه جنبه‌های خلع سلاح متعارف هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی مورد مذاکره قرار گیرد. شدت بی‌اعتمادی دو بلوک نسبت به یکدیگر سبب شد که هیچ‌یک از پیشنهادات مطروحه در کمیسیون خلع سلاح ره به جایی نبرد.

از طرف دیگر در بعد گسترش استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی اتمی، رئیس جمهور

---

۱. رجوع شود به منشور ملل متحد ماده ۱۱ بند ۱.

۲. رجوع شود به:

The United Nations, «year book of the UN. Vol 1 0, 1956.

آمریکا آیزنهاور[1] با ارائه طرح «اتم برای صلح» زمینه‌های شکل‌گیری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را فراهم کرد. طرح آیزنهاور بر این پایه‌ها استوار بود که مواد هسته‌ای در اختیار یک سازمان بی‌طرف جهانی باشد و مواد هسته‌ای یادشده هم برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده شود.

ج ـ تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

مذاکرات و رایزنی با شوروی و سایر کشورها نهایتاً این طرح را تبدیل به اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کرد. سند مزبور که باعث ایجاد آژانس شد از ۲۶ اکتبر ۱۹۵۶ تا ۲۳ ژانویه ۱۹۵۷ برای امضا مفتوح شد و در ۲۹ ژانویه ۱۹۵۷ لازم‌الاجرا و آژانس ایجاد شد.

مهمترین وظیفه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گسترش استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز است. در ماده ۲ اساسنامه چنین بیان شده است که «آژانس خواهد کوشید که سهم انرژی اتمی را در صلح، سلامت و سعادت سراسر جهان تسریع کند و توسعه بخشد و تا جایی که بدان قادر باشد کسب اطمینان کند که هر کمکی که به وسیله آژانس یا بنا به تقاضای آن و یا تحت نظارت و سرپرستی آن به عمل خواهد آمد برای مقاصد نظامی استفاده نگردد.»[2] همچنین طبق مقررات آژانس گسترش استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در سراسر جهان، کمک به تحقیقات و رشد، دانش فنی در بکارگیری انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز در سراسر جهان از محورهای عمده فعالیت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.[3] علاوه بر اینها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ترویج و هدایت توسعه کاربردهای صلح‌آمیز هسته‌ای، برقراری استانداردهایی از بابت ایمنی هسته‌ای و حفاظت محیطزیست، ارائه کمکهای فنی و ترغیب افزایش همکاریهای فنی[4] در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و مبادله اطلاعات علمی و فنی در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و تشویق مبادله و تعلیم دانشمندان و کارشناسان در زمینه استفاده غیرنظامی و صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را نیز برعهده دارد. همچنین

۱. رجوع شود به سخنرانی ۸ دسامبر ۱۹۵۳ آیزنهاور در مجمع عمومی سازمان ملل.

2. IAEA statute, Article II, www. IAEA. org

3. Ibid. article III. P.5.

4. Technical Cooperation (TC)

با توجه به اینکه تأکید بر استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای هدف اصلی آژانس و دلیل وجودی آن است، در اساسنامه آن ترتیبات نظارتی و کنترلی بر مواد هسته‌ای برای جلوگیری از انحراف آنها به مقاصد نظامی نیز پیش‌بینی شده است. البته این مکانیزم نظارتی با انعقاد معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای[۱]، حالت منظم‌تر، سازمانه‌یافته‌تر و تکامل یافته‌تری یافت. به هرحال ماده سوم و دوازدهم اساسنامه آژانس ساز وکارهای لازم را برای نظارت بر عدم انحراف مواد هسته‌ای به مقاصد غیر صلح‌آمیز را پیش‌بینی کرده است.[۲]

به طور خلاصه می‌توان گفت که فعالیتهای عمده آژانس حول سه محور ذیل است: ۱ـ ارتقای همکاریهای فنی و ترویج همکاری در زمینه استفاده صلح‌آمیز؛ ۲ـ فعالیتهای کمک به کشورها در افزایش استانداردهای ایمنی هسته‌ای برای استفاده‌های صلح‌آمیز و کاهش خطرات ناشی از حوادث و اشتباه؛ ۳ـ نظارت و راستی آزمایی عدم انحراف مواد هسته‌ای به مقاصد نظامی.

از این سه محور دو محور ایمنی و همکاری فنی حالت «ارتقایی» [۳] و ارائه دهنده کمک دارد و محور آخری یعنی نظارت و بازرسی حالت «قاعده‌مندی» [۴] دارد. شایان ذکر است که هم فعالیت ارتقایی و هم فعالیت قاعده‌مندی آژانس در طول زمان حالت تکاملی داشته است و نظام بین‌الملل در هر مقطع با توجه به ساختار قدرت، توزیع قدرت، میزان رشد دانش بشری در زمینه علوم و تکنولوژی هسته‌ای، تهدیدات موجود علیه نظام موجود، محتوای تهدیدات و میزان پایبندی کشورها به هنجارهای موجود را مورد بازنگری قرار داده و متناسب با وضع موجود نسبت به تکامل فعالیتهای ارتقایی، تکمیل و افزایش سیستم‌های نظارتی در فعالیتهای قاعده‌مندی اقدام کرده است. تا هدف اولیه آژانس که همانا عدم انحراف مواد هسته‌ای به مقاصد نظامی است تضمین گردد.[۵]

---

1. Non - Proliferation of Nuclear weapons Treaty (NPT)

۲. در این خصوص قسمت B ماده ۳ و ماده ۱۲ و قسمتهای مختلف آن کاملاً گویا است.

3. Promotional

4. Regulatory

۵. رجوع شود به محمدتقی حسینی، سیر تکاملی نظارت بر فعالیتهای هسته‌ای صلح‌آمیز، تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان (تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی ۱۳۸۶)ص ۵۵۰-۵۰۲.

در کنار تحولات مربوط به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سایر ارگانهای بین‌المللی نیز تلاشهایی جهت قاعده‌مندی عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای صورت گرفت. اولین تلاش در این خصوص قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد تحت عنوان جلوگیری از گسترش بیشتر سلاحهای هسته‌ای در ۵ دسامبر ۱۹۶۱ می‌باشد. این قطعنامه به ابتکار ایرلند ارائه شد و به اتفاق آرا در مجمع عمومی به تصویب رسید. در این قطعنامه از کلیه کشورها درخواست شده بود که جهت انعقاد موافقتنامه عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای تلاش نمایند. ایرلند خواهان این مسئله بود که کمیته خلع سلاح (کمیته ده کشور) مأمور بررسی راههای مناسب عدم گسترش از جمله انعقاد معاهده‌ای بین‌المللی شود که بازرسی و نظارت بر سلاحهای اتمی را به عهده داشته باشد و کشورهای هسته‌ای به سایر کشورها کمک نکنند که این سلاحها را تولید کنند.

د ـ تلاش برای انعقاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

هر چند قطعنامه مزبور در مجمع عمومی با پذیرش و استقبال روبرو شد اما انعقاد یک معاهده الزام‌آور که راه اشاعه سلاح هسته‌ای را ببندد مستلزم اراده قاطع و توافق ابرقدرتها، با توجه به جو نظام دو قطبی بود. لذا با گسترش تفاهمات بین دو ابرقدرت، وقوع بحران کوبا که هشداری برای احتمال وقوع یک جنگ هسته‌ای بود و آغاز تشنج‌زدایی بین دو ابرقدرت نوعی تفاهم بین‌المللی نیز بین دو ابرقدرت مبنی بر لزوم انعقاد یک معاهده الزام‌آور بین‌المللی در زمینه عدم اشاعه ایجاد شد. بازتاب این تفاهم را در ارائه طرحهایی جداگانه از سوی آمریکا و شوروی در سال ۱۹۶۵ و ارائه طرح مشترک آنها در سال ۱۹۶۷ به کمیته هجده ملیتی خلع سلاح بود.[1]

ارائه طرح مشترک دو ابرقدرت و پیگیریهای مکرر دو ابرقدرت نیروی عظیمی در سطح جامعه بین‌الملل را ایجاد کرد که بیانگر این بود که بزودی معاهده‌ای الزام‌آور در این خصوص منعقد می‌شود. البته دیدگاههای مختلفی بین کشورها وجود داشت برخی کشورها خواهان تأکید بیشتر بر خلع سلاح هسته‌ای بودند و در کنار عدم اشاعه خواهان نابودی ذخایر سلاحهای هسته‌ای موجود بودند. از جمله این کشورها می‌توان

1. United Nations year book of the UN, vol 21, 1967.1

به هند، فرانسه، برزیل، آرژانتین، پاکستان، غنا، مالزی، الجزایر، آلبانی، کوبا و اوگاندا اشاره کرد. برخی کشورها مانند برزیل و آفریقای جنوبی نیز خواهان تضمین ارائه کمک از سوی کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای به کشورهای فاقد آن برای استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بودند. برخی دیگر از کشورها مانند ایران و پاکستان نیز خواهان ارائه تضمین‌های امنیتی رسمی از سوی دارندگان سلاحهای هسته‌ای به کشورهای فاقد این سلاحها بودند سوئد نیز خواهان یک سیستم فراگیر بازرسی بر کلیه فعالیتهای هسته‌ای بود به نحوی که کلیه فعالیتهای هسته‌ای صلح‌آمیز در دنیا از جمله فعالیتهای هسته‌ای صلح‌آمیز کشورهای هسته‌ای را نیز شامل شود.

کشورهای در حال توسعه مانند کوبا و هند و برزیل و... نیز از اینکه سیستم معاهده تبعیض‌آمیز است و شکاف بین باشگاه داراها و باشگاه ندارها را رسمیت می‌بخشند نگران بودند. همچنین بحث تلاش برای جلوگیری از اشاعه افقی و عمودی سلاحهای هسته‌ای نیز توسط هند مطرح شده بود.

منظور از اشاعه عمودی این بود که با انعقاد یک معاهده که ممنوعیت جامع آزمایش‌های هسته‌ای را شامل شود. از پیشرفت و توسعه سلاحهای موجود در جهان نیز جلوگیری شود.[1]

آمریکا و شوروی انتقادات موجود را وارد ندانسته و با ارسال یادداشتهای جداگانه برای کشورها و ترغیب آنها، تلاش نمودند که مذاکرات را به نحوی هدایت کنند که متن مورد نظر آنها، اساس معاهده و مورد پذیرش کشورها قرار گیرد. نهایتاً هم متن مزبور در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ به عنوان معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای به موجب قطعنامه ۲۳۷۳ مجمع عمومی‌پذیرفته شد در رأی‌گیری قطعنامه مزبور ۹۵ کشور رأی مثبت، ۴ کشور رأی منفی (آلبانی، تانزانیا، زامبیا و کوبا) و ۲۱ کشور رأی ممتنع دادند که عمدتاً کشورهای در حال توسعه بودند. بدین ترتیب معاهده در اول ژوئیه ۱۹۶۸ در لندن، مسکو و واشنگتن برای امضا مفتوح گردید و در ۵ مارس ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا گردید.[2]

---

۱. رجوع شود به محمدحسن دریایی، **نقش قدرتهای بزرگ در فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۶.

2. Thomas Johnson, the history of the NPT, (Washington DC, Carnegie, Carnegie endowment for peace 2000)

معاهده عدم اشاعه را سنگ بنای رژیم عدم اشاعه می‌نامند و حاوی مطالب و مفاد مهمی است که مهمترین تلاش بین‌المللی در زمینه قاعده‌مندی انرژی هسته‌ای و سلاح هسته‌ای است. ذیلاً به بررسی مفاد آن می‌پردازیم.

هـ ـ معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای محور اساسی تعیین‌کننده وضعیت حقوقی انرژی هسته‌ای

همانطور که بیان شد معاهده NPT نقطه اوج تلاشهای بین‌المللی جهت قاعده‌مند کردن انرژی هسته‌ای و سلاحهای هسته‌ای بود اما معاهده NPT دارای نقایصی است. این معاهده کشورها را به دو دسته «داراها» و «ندارها» تقسیم می‌کند و این تبعیض را رسمی می‌کند. بر طبق این معاهده کشورهایی هسته‌ای هستند که تا تاریخ اول ژانویه ۱۹۶۷ یک سلاح هسته‌ای یا وسیله انفجاری هسته‌ای را ساخته و منفجر نموده باشند.[۱] بدین ترتیب وجود سلاح هسته‌ای و در اختیار بودن آن برای کشورهای هسته‌ای طبق این معاهده برای کشورها رسمیت یافت. در مقابل کشورهای هسته‌ای بر اساس ماده ۱ معاهده NPT متعهد شدند که از واگذاری مستقیم یا غیرمستقیم سلاحهای هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری به دیگران خودداری نموده و کشورهای دیگر را به هیچوجه در این زمینه ترغیب و تشویق ننمایند. همچنین کشورهای هسته‌ای طبق ماده ۶ متعهد شدند که با حسن نیت، مذاکرات در رابطه با اقدامات مؤثر جهت توقف هرچه زودتر مسابقات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای، انعقاد پیمان خلع سلاح عمومی و کامل تحت کنترل سخت و مؤثر بین‌المللی را تعقیب نمایند. تعهد دیگر دول هسته‌ای این بود که حق همه کشورها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را به رسمیت شناختند و طبق ماده ۴ متعهد شدند که تبادل هرچه وسیعتر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را جهت مصارف صلح‌جویانه تسهیل کنند و طبق ماده ۵ منافع بالقوه هرگونه کاربرد صلح‌جویانه استفاده از انفجارات هسته‌ای را با رعایت اصل عدم تبعیض در اختیار کلیه اعضای این پیمان که فاقد سلاح هسته‌ای می‌باشند قرار دهند. بنابراین کشورهای هسته‌ای در مقابل تثبیت موقعیت ویژه خود که ارزش بسیار فراوانی داشت، یک سری تعهدات کلی پذیرفتند که شامل تلاش برای خلع سلاح، تلاش برای عدم

---

۱. ماده ۹ معاهده NPT بند سوم.

اشاعه و تلاش برای تسهیل استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بود. اینکه آیا این تعهدات عملی شد یا خیر نیاز به بررسی تاریخچه ۳۵ ساله NPT دارد. و اعتراضات و نارضایتی‌هایی که کشورهای غیر هسته‌ای در این زمینه دارند خود گویای کافی این مسئله است.[۱]

اما اینکه کشورهای غیر هسته‌ای در مقابل پذیرش این تبعیض و نابرابری تحت پادمان قراردادن تأسیسات هسته‌ای خود طبق ماده ۳ و تعهد سپردن برای عدم پیگیری برنامه‌های هسته‌ای نظامی طبق ماده ۲ چه به دست آوردند را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

- به رسمیت شناختن حق ذاتی و لاینفک همه کشورها برای بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز طبق ماده ۴ NPT و مقدمه این پیمان.
- حق مشارکت و بهره‌مندی از تبادل اطلاعات هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز تا حداکثر ممکن طبق ماده ۴.
- حق ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای طبق ماده ۷.
- حق بهره‌مندی از منافع انفجارات هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز.
- حق دستیابی به جهانی عاری از سلاح هسته‌ای و خلع سلاح کامل هسته‌ای طبق ماده ۶.

اینکه چه میزان این حقوق کشورهای غیرهسته‌ای تضمین شد و چه میزان توانستند به حق خود برسند را نیز باید در سابقه ۳۵ ساله NPT و اعتراضات مکرری که نسبت به عدم پیگیری ماده ۴ و ماده ۶ توسط دول هسته‌ای از سوی کشورهای غیرهسته‌ای مطرح شد پیگیری کرد. می‌توان گفت که دول غیرهسته‌ای جز یک قول خام توسط دول هسته‌ای چیزی ملموس از NPT بدست نیاوردند. تقریباً در هیچ اجلاس بازنگری NPT نبوده است که کشورهای غیرهسته‌ای اعتراضات شدیداللحنی را علیه دول هسته‌ای مطرح نکرده باشند و بسیاری از اجلاسهای بازنگری NPT به علت تعارض منافع بین دارندگان سلاح هسته‌ای و کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای و عدم عمل کشورهای هسته‌ای به تعهداتشان به بن‌بست رسیده و بدون نتیجه خاتمه یافته‌اند.[۲]

---

۱. رجوع شود به سخنرانی کشورها در اجلاس بازنگری NPT در سال ۱۹۹۵، www.Acronym.com

۲. محمدحسن دریایی، تحلیلی بر اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵، (تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵)

البته از نظر حقوقی مفاد ماده ۴ معاهده NPT بر حق ذاتی کشورهای غیرهسته‌ای برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید دارد و بیان می‌دارد که هیچ‌یک از مواد پیمان به نحوی تفسیر نخواهد شد که به حقوق غیرقابل انکار هر یک از اعضای این پیمان به منظور توسعه، تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای جهت اهداف صلح‌جویانه بدون هرنوع تبعیض و بر اساس ماده ۱ و ۲ این پیمان خلل وارد نماید.

همچنین همه اعضای این پیمان متعهد می گردند که تبادل هرچه وسیعتر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را جهت مصارف صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تسهیل نموده و حق شرکت در این مبادلات را دارند.

حق غیرقابل انکار کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی آنقدر مهم است که ماده ۳ معاهده NPT ضمن اینکه موضوع نحوه تحت پادمان قراردادن تأسیسات کشورهای غیرهسته‌ای را تحت بررسی دارد و موضوع انعقاد قرارداد پادمان بین کشور میزبان تأسیسات و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تحت بررسی دارد، موضوعی که بحث تضمین نظارت بین‌المللی بر عدم انحراف فعالیتهای هسته‌ای کشورهای غیرهسته‌ای را در بر می‌گیرد و بسیار مهم است در عین حال در همین ماده هم بحث حق غیرقابل انکار کشورها برای استفاده صلح‌آمیز مورد توجه ویژه قرارداد به نحوی که معاهده صراحتاً بیان می‌دارد که: «پادمانهای مقرر در این ماده به نحوی اجرا خواهد شد که ماده ۴ این معاهده رعایت گردیده و مانع از توسعه اقتصادی و فنی اعضا یا همکاریهای بین‌المللی در حوزه فعالیتهای صلح‌جویانه هسته‌ای شامل مبادله بین‌المللی مواد هسته‌ای و تجهیزات جهت فرآوری استفاده یا تولید مواد هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه بر طبق مقررات این ماده و اصل پادمان مطرح شده در مقدمه این پیمان نشود.»[۱]

همچنین ماده ۴ قرارداد پادمان[۲] بیان می‌دارد که «پادمان طبق این قرارداد باید به نحوی اجرا شود که:

الف) عدم جلوگیری از توسعه اقتصادی و فناوری کشور یا همکاری بین‌المللی

---

۱. رجوع شود به بند سوم ماده ۳ معاهده NPT.

2. INFCIRC/153

در زمینه فعالیتهای صلح‌جویانه هسته‌ای از جمله مبادله بین‌المللی مواد هسته‌ای.
ب) اجتناب از مداخله بی‌مورد در فعالیتهای صلح‌آمیز هسته‌ای کشور به ویژه در بهره‌برداری از تأسیسات هسته‌ای.
ج) هماهنگی با روشهای دقیق مدیریتی، که لازمه اجرای ایمن و اقتصادی فعالیتهای هسته‌ای کشور است.»

علاوه بر اینها حق ذاتی و لاینفک کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای موضوعی است که در بسته توافقی اجلاس بازنگری و تمدید معاهده که طی آن زمینه تمدید نامحدود معاهده فراهم شد مورد توجه قرار گرفت. ۷ پاراگراف از تصمیمات مربوط به اصول و اهداف به این مسئله اختصاص یافت و مجدداً در اصل چهاردهم این سند حق لاینفک کشورها در بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای بدون تبعیض مخصوصاً مورد تأکید قرار گرفت.[1]

همین حق در اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ نیز مورد تأکید قرار گرفت و بیان شد که هیچ‌یک از مقررات معاهده نباید خدشه‌ای به حق لاینفک کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای فراهم آورد.[2]

به طور کلی از مفاد و مقررات بیان شده در اسناد متعدد مخصوصاً اساسنامه آژانس معاهده NPT، اسناد کنفرانسهای بازنگری NPT و حتی قرارداد پادمان کشورها با آژانس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که حق لاینفک کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای منبعث از دو اصل کلی حقوقی می‌باشد.

۱) دستاوردهای علمی و تکنولوژیک میراث مشترک بشریت است و در انحصار کشور یا ملت خاصی نیست. این دستاوردهای علمی و تکنولوژیک مخصوصاً در زمینه علوم و فنون مرتبط با مباحث هسته‌ای باید با حسن نیت برای صلح و رفاه و آسایش بشریت بکار گرفته شود و نباید وسیله ایجاد وحشت، باج‌خواهی یا ایجاد سلطه باشد. بنابراین حق توسعه علمی و تکنولوژیک که یکی از حقوق اولیه بشر می‌باشد و طبق

1. NPT Review and extension conference, Decision on Principles and objectives, (New York, 1995) - p 15 .

۲. محمدحسن دریایی سند نهایی اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۰، تهران وزارت امور خارجه ۱۳۶۹. و استفاده‌های صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل، مجله سیاست خارجی، تهران، بهار ۱۳۸۷، ص۱۴۹ـ۱۲۳.

آن هر یک از افراد بشری از این حق بهره‌مند هستند که با استفاده از رشد و توسعه علمی زمینه رفاه و سلامتی بیشتر خود را فراهم سازند، حق لاینفک استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را تثبیت می‌نمایند و هرگونه محروم ساختن کشور یا ملتی از حق ذاتی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مخالف حقوق بشر و حق توسعه علمی تکنولوژیک بوده و خلاف حقوق بین‌الملل می‌باشد.

۲) دومین اصل حقوقی اصل استلزام تعادل بین حقوق و تکالیف کشورها در معاهدات بین‌المللی است. یک معاهده بین‌المللی نمی‌تواند صرفاً تعهد باشد. بلکه در مقابل تعهدات کشورها باید حقوقی نیز وجود داشته باشد. وجود حق در مقابل تعهد انگیزه برای عضویت را ایجاد می‌کند و سبب تداوم رژیم حقوقی شده و چون منافع بلندمدت کشورها را تضمین می‌کند پایبندی به رژیم مزبور را نیز تضمین می‌نماید.[1]

از طرف دیگر با توجه به اینکه برخورداری و تولید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز و جزئیات و لوازم آن توسط هیچ قاعده حقوق بین‌المللی منع نشده است، همه کشورها اعم از اعضای معاهده منع گسترش و غیر آن از این حق و جزئیات آن مانند غنی‌سازی و غیره، برخوردارند. معاهده منع گسترش، حق هسته‌ای را یک حق غیرقابل سلب دانسته است. طبق ماده ۴ NPT «هیچ چیز در این معاهده نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که حق غیر قابل سلب کلیه کشورهای عضو معاهده را .... دچار خدشه سازد...». صفت «غیر قابل سلب بودن» پیامدهای حقوقیِ ناشی از این عبارت را بدنبال دارد. بکار گیری این مفهوم بدین معنا است که اولاً کشورها به محض استقرار، اهلیت[2] برخورداری و تولید انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را دارا می‌شوند. ثانیاً معاهده NPT ایجادکننده حق هسته‌ای یا به بیان دیگر در مقام انشاء حق هسته‌ای نیست بلکه این معاهده در مقام اقرار به حق است. این حق همواره موجود است و حقوق بین‌الملل صرفاً اجرای آن را قانونمند و مقید نموده است. ثالثاً نمی‌توان حق غیرقابل سلب هسته‌ای را حتی در صورت انحراف برنامه هسته‌ای به طورکلی از کشوری سلب نمود مگر در موارد غیر کلی و در عوارض و قیود آن با رضایت کشور صاحب حق.

---

۱. رجوع شود به سخنرانی نماینده ایران در کنفرانس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵ در کمیته سوم www.un.org.

2. Capacity / eligibility

و ـ تلاش جهت محدود کردن حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای

همانگونه که بیان شد حق لاینفک کشورها برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی به کرات در اسناد متعدد بین‌المللی تکرار شده است و موضوعی نیست که به سادگی قابل انکار باشد. از طرف دیگر وقوع برخی حوادث سبب شد که دول هسته‌ای برای جلوگیری از انحراف فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به فعالیت‌های نظامی تدابیری را بیندیشند. از جمله این حوادث می‌توان به فعالیت‌های مخفی عراق برای دستیابی به سلاح هسته‌ای در دهه ۱۹۹۰ اشاره کرد. تا قبل از کشف این حوادث فرض اولیه کشورها، این بود که دول غیرهسته‌ای با حسن نیت قرارداد پادمان را امضا کرده و ضمن اعلام کلیه فعالیت‌های هسته‌ای خود، آنها را تحت پادمان قرارداده و با نظارت بین‌المللی آژانس زمینه انحراف آنها به مقاصد نظامی از بین خواهد رفت. اما کشف فعالیت‌های مخفی عراق نشان داد که سیستم پادمان دچار نقص است و فقط فعالیت‌های اعلام شده کشورها را تحت پوشش قرار می‌دهد و هیچ تضمینی وجود ندارد که فعالیت مخفی اعلام نشده دیگری وجود ندارد. بنابراین تدابیر برای تشدید مکانیزم نظارتی پادمان آغاز شد.

نهایتاً پس از چند سال مذاکره، پروتکل الحاقی (۲+۹۳) در سال ۱۹۹۷ تدوین گردید. اساس پروتکل الحاقی بدین نحو طراحی شده است که با اجرای آن تضمین لازم مبنی بر عدم وجود برنامه مخفی هسته‌ای به جامعه بین‌الملل داده شود. پروتکل الحاقی شامل مکانیزمهای پیشرفته و بسیار سختگیرانه بازرسی است که اصل بازرسی از هر مکان و در هر زمان را میسر می‌سازد.

از طرف دیگر با افشای برنامه‌های هسته‌ای کشورمان در زمینه چرخه سوخت، دول هسته‌ای و مخصوصاً غربی‌ها جنبه دیگری از نقطه ضعف سیستم نظارت بین‌المللی را متوجه گردیدند و روی آن بسیار تبلیغات گسترده‌ای راه انداختند.

غربیها با تقسیم‌بندی فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به فعالیت‌های هسته‌ای حساس صلح‌آمیز و غیر حساس صلح‌آمیز به صورت مغرضانه‌ای فعالیت‌های چرخه سوخت را در زمره فعالیت‌های هسته‌ای حساس قرار دادند. برای اینکه فعالیت‌های حساس خیلی به راحتی قابل انحراف به فعالیت‌های نظامی هستند آنها درصدد برآمدند که با ایجاد یک جنگ تبلیغاتی زمینه را برای معرفی تبعیض دیگری به NPT فراهم

آورند. آنها اعلام کردند که لزومی ندارد که همه کشورها چرخه سوخت داشته باشند. برخی مانند البرادعی صحبت از بانک سوخت بین‌المللی کردند که سوخت راکتورها را تضمین کند. برخی دیگر مانند بوش اعلام کردند که کشورهای ناقض معاهده NPT حق برخورداری از دانش چرخه سوخت را ندارند.

با توجه به این پیش‌زمینه‌ها، تلاشهای گسترده‌ای از سوی کشورهای غربی، مخصوصاً اروپایی‌ها و آمریکا برای ارائه یک تفسیر به ماده ۴ NPT در اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵ آغاز گردید. آنها با ارائه مقالات کاری متعدد و انجام رایزنیهای فراوان با سایر کشورها درصدد بودند که این مسئله را مصوبه اجلاس نمایند که ماده ۴ NPT در زمینه تأکید بر حق لاینفک کشورها برای استفاده صلح‌آمیز شامل کشورهایی که معاهده را نقض کرده‌اند نمی‌باشد و اگر آژانس در یک گزارش اعلام نماید که کشور الف نقض تعهد داشته است دیگر نه تنها نباید مشمول هیچ‌گونه کمک یا همکاری بین‌المللی در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باشد. بلکه باید با اضمحلال برنامه‌هایی که در خلال آنها نقض تعهد صورت گرفته مواد و تجهیزات دریافت شده را نیز پس بدهد.

طرح تندروانه اروپائیها و غربیها با مقاومت جدی تعدادی از کشورهای در حال توسعه از جمله جمهوری اسلامی ایران روبرو شد و شدت تعارض منافع و دیدگاهها به حدی بود که نهایتاً اجلاس به بن‌بست رسید و هیچ‌گونه مصوبه‌ای در این زمینه صادر نشد. هر چند غربیها نتوانستند در این اجلاس بین‌المللی مصوبه‌ای را برای محدودکردن حق کشورها در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بدست آورند اما این مسئله یک توافق نانوشته بین خود آنها گردید که از هرگونه همکاری هسته‌ای در زمینه تکنولوژیهای حساس هسته‌ای با کشوری که نقض تعهد داشته است بپرهیزند. این مسئله سبب شد که عملاً تحریمهای یک‌جانبه‌ای از سوی اروپایی‌ها و برخی کشورهای غربی دیگر علیه برخی کشورها که از نظر آنها نقض تعهد داشته‌اند اعمال گردد. از طرف دیگر غربی‌ها به تلاشهای خود برای محدود کردن فعالیت ایران در زمینه کار روی تکنولوژیهای حساس ادامه دادند و با ارجاع موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران به شورای امنیت و تصویب شش قطعنامه در این شورا ضمن اعمال تحریم علیه ایران خواهان تعلیق فعالیتهای غنی‌سازی و بازفراوری

و اعمال فشار جهت محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران شدند. تحلیل این موضوع از منظر قدرت و مباحث سیاسی و بهانه عدم اعتماد ممکن است تا حدودی ممکن باشد، اما از نظر حقوقی نمی‌توان به‌راحتی پاسخی برای موضوع یافت. چرا که حق ذاتی کشورها در معاهده به صراحت ذکر شده است، در اساسنامه آژانس همه این حق تضمین شده است. علاوه بر آن نه تنها هیچگاه این تمایز بین فعالیتهای حساس و غیرحساس در قالب معاهده صورت نگرفته است بلکه بر عکس در سند نهایی اجلاس بازنگری کنفرانس NPT در سال ۲۰۰۰ که از جمله مهمترین مصوبات اجلاس NPT است بیان شده است که «تصمیم و انتخاب هر کشور در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باید مورد احترام قرار گیرد تا خطری متوجه سیاستها، یا موافقتنامه‌های بین‌المللی در زمینه همکاری برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و سیاستهای چرخه سوخت کشور نشود.»

این مصوبه که مورد تأیید همه کشورها از جمله کشورهای غربی نیز می‌باشد در سال ۲۰۰۰ و قبل از افشای برنامه‌های هسته‌ای ایران مصوب شده است. همچنین این مصوبه در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو عدم تعهد در دوربان آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۴ نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است. بعد از آن با تلاش‌های انجام شده از سوی کشورمان این بند، در بیانیه‌های عدم تعهد برای اجلاس کنفرانس بازنگری NPT در سال ۲۰۱۰ لحاظ شد و متعاقباً در متن گزارش نهایی این اجلاس نیز درج و مورد حمایت همه اعضای این معاهده اعم از هسته‌ای و غیر هسته‌ای قرار گرفت. در فصل هفتم این کتاب و هنگامی که به بررسی موضوع حق کشورمان در برنامه اقدام ژنو می‌پردازیم این موضوع مورد بررسی بیشتر و دقیق‌تر قرار خواهد گرفت.

ز ـ حق غنی‌سازی در معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای

حق لاینفک کشورها برای تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای حقی تثبیت شده در معاهده NPT است. بررسی دقیق این معاهده و سند قرارداد پادمان که طبق این معاهده بین کشورهای غیر هسته‌ای عضو معاهده و آژانس امضا می‌شود همچنین اساسنامه آژانس به خوبی نشاندهنده این موضوع است که حق لاینفک کشورها در

زمینه تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای مشتمل بر فعالیت‌های چرخه سوخت است. با توجه به اینکه چرخه سوخت شامل مراحلی از جمله آماده‌سازی سنگ اورانیوم، تبدیل، غنی‌سازی، تولید سوخت هسته‌ای، استفاده سوخت در رآکتور، بازفرآوری و مدیریت پسماند و غیره می‌شود. غنی‌سازی جزئی از چرخه سوخت است بنابراین طبق مقررات این معاهده و اسناد مرتبط با آن و همچنین اسناد کنفرانس بازنگری به‌ویژه در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ تثبیت حق غنی‌سازی برای همه کشورها به عنوان یک حق جدانشدنی صورت پذیرفته است. همانگونه که قبلاً بیان شد بکارگیری اصل جدانشدنی در این معاهده پیامدهای خاص خود را دارد که از جمله آنها عدم سلب کامل حق به هردلیل از صاحب حق است.

جهت آشنایی بیشتر با مقررات مرتبط با حق غنی‌سازی در NPT برخی موارد ارائه می‌شود. طبق بند ۱ ماده ۳ معاهده منع گسترش کشورهای عضو توافقات پادمانی را با آژانس امضا خواهند کرد. «... اقدامات پادمانی طبق این معاهده در رابطه با مواد چشمه یا مواد شکافت‌پذیر ویژه چنانچه تولید و فرآوری شوند یا در اماکن هسته‌ای اصلی یا خارج از این اماکن مورد استفاده قرار می‌گیرند، مجری خواهند بود.»[1] پس طبق این ماده تولید و فرآوری مواد شکافت‌پذیر ویژه توسط کشورهای غیر سلاح هسته‌ای هم می‌تواند انجام شود ولی باید تحت نظارت آژانس قرار گیرد.

از طرفی ماده ۲۰ اساسنامه آژانس این عبارات را تعریف نموده است. طبق بند ۱ این ماده «مواد شکاف‌پذیر ویژه یعنی پلوتونیوم ۲۳۹ ، اورانیوم ۲۳۳، اورانیومی که به ایزوتوپ‌های ۲۳۵ یا ۲۳۳ غنی شده است یا هر ماده‌ای که یکی یا بیشتر از مواد مذکور را داراست یا سایر مواد شکاف‌پذیر که متناوباً توسط شورای حکام آژانس تعیین می‌شود ...». طبق بند ۳ این ماده «عبارت مواد منبع یعنی اورانیوم حاوی ایزوتوپ‌های ایجاد شده در طبیعت، اورانیوم ضعیف شده به ایزوتوپ ۲۳۵، توریوم یا هر نوع از این مواد در شکل فلز، آلیاژ، ترکیب شیمیایی یا کنسانتره یا هر ماده دیگری حاوی یکی یا بیشتر از این مواد که توسط شورای حکام آژانس تعیین خواهد شد.» این معاهدات

---

1. Procedures for the safeguards required by this Article shall be followed with respect to source or special fissionable material whether it is being produced, processed or used in any principal nuclear facility or is outside any such facility.

هر چه به طرف اقدامات اجرایی پیش‌رفته‌اند جزئیات حقوق هسته‌ای کشورهای عضو معاهده منع گسترش را واضح‌تر بیان می‌نموده‌اند.

موافقتنامه پادمان منعقده بین ایران و آژانس بین‌المللی هسته‌ای ۱۵ مه ۱۹۷۴ در مواد مختلف خود به مواردی اشاره نموده است که همگی بیانگر حقوق غیر قابل سلب هسته‌ای کشورهای عضو است. به عنوان مثال ماده ۶ موافقتنامه پادمان بند b قسمت III با توجه به پیشرفتهای تکنولوژیک بیان می‌دارد: «تمرکز اقدامات راستی‌آزمایی بر مراحل چرخه سوخت مرتبط با تولید، فرآوری استفاده یا ذخیره موادی که ....» اعمال می‌گردد[1]. همچنین ماده ۳۴ بیان می‌دارد «(a) چنانچه مواد حاوی اورانیوم یا توریوم به مرحله چرخه سوخت هسته‌ای طبق شرح بند c نرسیده‌اند و قرار است مستقیماً یا غیر مستقیم به یک کشور غیر دارنده سلاح هسته صادر شوند دولت ایران موظف است که مقدار، ترکیب و مقصد آن را به آژانس اطلاع دهد مگر اینکه این مواد برای مقاصد غیر هسته‌ای صادر شوند. ...» (c) چنانچه هر ماده ترکیبی و خالصی که برای تولید سوخت یا برای غنی‌سازی ایزوتوپ از کارخانه یا مراحل فرآوری که در آن تولید شده است، خارج می‌شود یا چنانچه مواد دیگر تولید شده در مراحل بعدی چرخه سوخت هسته‌ای به ایران وارد شود این مواد باید تحت بازرسی قرار گیرد». مهمتر اینکه بند c ماده ۸۱ در موارد بازرسی به «ویژگیهای چرخه سوخت ایران»[2] که باید تحت بازرسی آژانس باشد اشاره می‌نماید.

از مجموع موارد فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که حق غنی‌سازی برای کشورمان حقی تثبیت شده در معاهده است و اظهارات برخی مقامات غربی در مورد ایجاد شک در حق غنی‌سازی کشور، از نظر حقوقی فاقد ارزش است. نمی‌توان در مقابل نص معاهدات آنها را بر اساس نیات و خواسته‌های یکطرفه به صورت خودسرانه تفسیر نمود. طبق بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) یک معاهده باید با حسن نیت و مطابق معنای متداول[3] عبارات آن و در همان چارچوب در پرتو

1. Concentration of verification procedures on those stages in the nuclear fuel cycle involving the ...

2. Characteristics of Iran's nuclear fuel cycle , in particular, the number ....

3. Regular meaning

هدف و مقصد آن تفسیر گردد.[1] هر چند حتی اگر معاهدات اخیر هم وجود نداشتند با هر فرضی دیگری نیز می‌توان گفت طبق قاعده اذن،[2] «اذن در شی اذن در لوازم آن نیز هست». وقتی معاهده منع گسترش در اجرای حق دولتها به تولید و فرآوری مواد شکافت‌پذیر ویژه اشاره می‌کند معنی آن این است که کشورها از حق برخورداری از چرخه و سوخت و فناوری غنی‌سازی هم برای انجام اینکار برخوردارند. زیرا غنی‌سازی نوعی فرآوری است و غنی‌سازی و سایر اشکال فرآوری لازمه تولید بعضی از مواد و ایزوتوپها برای تولید سوخت هستند.[3]

در نهایت معاهده منع گسترش به منظور قانونمند کردن اجرای حقوق هسته‌ای منعقد شده است اگر کسی غنی‌سازی و چرخه سوخت را مطابق این معاهده جزئی از حق هسته‌ای کشورها نداند و به آن اقرار ننماید در واقع به طور ناخواسته ماده ۳ NPT را انکار کرده است که این موضوع به معنای این است که نظام بازرسیها و سیستم پادمان را به رسمیت نشناخته است که نهایتاً منجر به انکار دو محور اساسی معاهده مزبور است.

ح ـ محدودیت در اجرای حق غنی‌سازی به معنای سلب حق غنی‌سازی نیست

بین داشتن حق و اجرای حق باید تفاوت قائل شد. دارا شدن حق و اجرای حق الزاماً همزمان زاده نمی‌شوند یا با هم یکسان نیستند. حق مفهومی اعتباری است و بیشتر وصف حقوقی دارد در حالیکه اجرای حق بیشتر مسئله‌ای ناشی از تعاملات اجتماعی است و به شرایط عینی حیات بشری و کنش و واکنشهای اجتماعی درهم آمیخته است. حق و اجرای حق دارای تضییقات، تحدیدات و قیود و عوارضی قانونی است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. در نظام بین‌الملل از آنجا که انعقاد معاهدات و انجام توافقات ناشی

---

۱. حقوقدانان ما به این مفهوم عرف لفظی می‌گویند. عرف محاوره میزانی است برای فهم سخن قانونگذار یعنی برای فهمیدن عبارت قانون نباید به کتاب لغت مراجعه کرد بلکه باید دید آن عبارت در عرف مردمی که قانونگذار هم از آنهاست چه معنی می‌دهد. بر این اساس طبق قانون مدنی ایران الفاظ و عبارات طرفین عقد، محمول بر معانی عرفی است.

2. Permission

۳. رجوع شود به مقاله محسن بهاروند، تأملی در باب حق و اجرای حق : با نگاهی به موضوع هسته‌ای ایران و توافق ژنو، مجله سیاست خارجی، انتشارات وزارت امورخارجه، زمستان ۱۳۹۲..

از اراده آزاد و برابری اعضای آن است، قیود عوارض حق و تمتع آن نسبت به آنچه که در حقوق خصوصی موجود است کمتر است ولی از آنجا که حقوق بین‌الملل حقوقی قوام نیافته است اجرای بعضی از حقوق با ملاحظات و موانع بیشتری نسبت به حقوق خصوصی روبروست.[۱]

در حقوق داخلی کشورمان هم اجرای حق مشروط است و با برخی مقررات محدود می‌شود مثلاً طبق اصل ۴۰ قانون اساسی «هیچکس نمی‌تواند اعمالِ حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». علاوه بر آن حق دارای قیود و عوارضی است. این قیود می‌تواند آن را معلق یا منجز، مؤجل یا حال، دائم یا موقت و ثابت یا متزلزل نماید. این عوارض یا با زمان اجرای حق مرتبط است یا با ثبات و تزلزل حق مربوط می‌شود. رابطه این قیود با حق عرضی است نه ذاتی و بیشتر مرتبط با اجرای حق است نه خودِحق. لذا چنانچه حقی به اعتبار قیدی تبدیل به حق دیگری شد این عمل اثری در ماهیت حق نخواهد داشت.[۲]

حقوق کشورهای عضو معاهده منع گسترش در مجموع معاهدات ذیربط برای تولید، تحقیق، بهره‌برداری، فرآوری به روشنی مورد اذعان و اقرار قرار گرفته است. این حقوق به لحاظ نظری غیر قابل خدشه است. اما صراحتی که در معاهدات بکار گرفته شده است مربوط به حق تمتع[۳] کشورهای عضو است. اجرا و استیفای[۴] این حقوق، علاوه بر محدودیتهایی که در معاهدات پیش‌بینی شده و تعهدات معاهده‌ای کشورهای عضو محسوب می‌شوند، با توجه به اینکه با مسئله اشاعه و موضوعات مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی دارای قرابت خاصی هستند از نظر تعهدات منشوری نیز با موانعی روبرو می‌گردد که عبور از این موانع نیازمند تبحر و تدابیر ویژه و همه‌جانبه‌ای توسط کشورها خواهد بود. عدم توجه به واقعیات بین‌المللی در نهایت می‌تواند باعث شود که برنامه هسته‌ای یک کشور توسط شورای امنیت موصوف به تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی گردد تا جایی که شورا به عنوان یک استثنا به حق مصرحه کشورها

---

۱. بهاروند، همان منبع.

۲. همان منبع

3. Entitlement

4. Exercise /implementation

در معاهدات متعرض و آن را به شدت مخدوش یا حتی اسقاط نماید.[۱]

انجام تمهیداتی در اجرای حقوق یا اقداماتی مرتبط با قیود و عوارض حق یا تحدید و چشم‌پوشی از اجرای بعضی جزئیات به معنی از اعراض از حق یا سلب و اسقاط آن نیست. اشخاص با توجه به شرایط عینی اجتماع بدون اسقاط حقوق بصورت کلی در مورد اجرا و استیفای حقوق خود در حدود قانون و بنا به مصلحت خود محدودیتهایی را می‌پذیرند. در حقوق بین‌الملل نیز رویه دولتهای عضو معاهده منع گسترش و سایر دولتها در رابطه با حقوق بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز نیز نشانگر همین مصلحت‌اندیشی در رابطه با این فناوری است. رویه بسیاری از دولتهای دارنده انرژی هسته‌ای نشان می‌دهد که این دولتها، در اجرای حقوق خود، با توجه به وضعیت بین‌المللی و حساسیت به مسائل امنیتی بین‌المللی و شرایط ویژه منطقه‌ای، بیش از آنکه به اجرای نص معاهدات اصرار ورزند، عملگرایانه رفتار کرده و با توجه به مصالح عالیه خود در مورد چگونگی اجرای حق هسته‌ای سیاست‌گذاری می‌نمایند. این اقدامات هیچگاه به معنی سلب، اسقاط یا اعراض آنها از حق‌شان تلقی نشده است.[۲]

در مذاکراتی که تاکنون بین جمهوری اسلامی ایران و گروه ۱+۵ صورت گرفته است بیش از هر چیز موضوع مذاکرات بر چگونگی اجرای حق هسته‌ای ایران متمرکز بوده است. توافق بر سر برنامه اقدام مشترک ژنو نیز نسبت به این موضوع توجه خاصی داشته است. در گام اول توافق ژنو قیدزمان و وصف داوطلبانه بودن اقدامات، نه تنها به حق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تعرضی صورت نگرفته است بلکه مؤید و مقوم حقوق هسته‌ای ایران است. در سایر قسمتها برای تعیین چارچوب مذاکرات نهایی نیز همین موضوع اساسی در نظر گرفته شده و از این روست که اولین بند آن در مورد تقید توافق نهایی به یک زمان مشخص است. زمان از عوارض حق و مربوط به اجرای حق آن است نه ماهیت حق. تحدید جزیی در اجرای حق یا تقید اجرای حقی به زمان مشخصی به اذن صاحب حق عملی قانونی است و نمی‌تواند اعراض از حق تلقی شود. دولتها در این‌گونه موارد بر اساس حاکمیت خود اقدام کرده و مصالح عالیه خود را مدنظر

۱. محسن بهاروند، همان منبع

۲. همان منبع

قرار می‌دهند. تجربیات کشورهایی مانند هند و برزیل در اعمال حق غنی‌سازی نشان می‌دهد که رویه جاری کشورها این است که در مورد تعیین حدود اجرای حقوق خود بنا به مصالح عالیه و منافع ملی تصمیم‌گیری می‌نمایند. چنین عملکردی ممکن است ظاهراً محدود کردن حق جلوه کند اما در واقع منافاتی با حفظ استقلال و حاکمیت کشورها ندارد. بلکه برعکس این‌گونه اقدامات دقیقاً برای حفظ استقلال و در راستای اعمال حقوق حاکمیتی کشور است. اجرای حق در نظام بین‌الملل معاصر علاوه بر اینکه مقید به تعهدات بین‌المللی است با موانع سیاسی و فرا قانونی هم مواجه می‌شود. امروزه حاکمیت دولتها و اجرای حقوق حاکمیتی در نظام بین‌الملل محدود شده و وسعت گذشته را ندارد. دولتها بنا به مصالحی از اجرای بعضی از حقوق خود چشم‌پوشی کرده یا اجرای آنها را به آینده و فرصت مناسب موکول می‌نمایند.[۱]

با نگاهی به توافقات کشورهای مؤثر در مباحث هسته‌ای روشن می‌شود که این کشورها در عمل و با توجه به سطح پیشرفت کشورها در تکنولوژی هسته‌ای با این کشورها تعامل می‌نمایند. ولی در هیچ‌یک از توافقات خود با سایر کشورها منکر و یا مؤید حق هسته‌ای کشورها از جمله برخورداری از چرخه سوخت و غنی‌سازی، نشده‌اند ولی سعی نموده‌اند در قالب همکاری یا امتیازدهی به تناسب سطح تکنولوژی کشورهای دیگر اجرای این حقوق را غیر اقتصادی نمایند. مثلاً در موافقتنامه بین آمریکا و کره جنوبی مورخ ۱۹۷۲ کره جنوبی باید قبل از بازفرآوری اورانیوم از دولت آمریکا اجازه کسب نماید ولی تعهدی در این موافقتنامه مبنی بر اسقاط حق کره جنوبی برای بازفرآوری لحاظ نشده است. موافقتنامه آمریکا با ژاپن مورخ ۱۹۸۷ هم تقریباً مانند برنامه هسته‌ای کره جنوبی با آن رفتار شده است. اما در موافقتنامه همکاری بین دولت آمریکا و دولت هند در خصوص استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مورخ ۱۰ اکتبر ۲۰۰۸ با اینکه دولت هند عضو معاهده منع گسترش نیست آمریکا طبق ماده ۶ چرخه سوخت هند و غنی‌سازی را جزئی از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای می‌داند و توافق می‌کند که هند تا سطح ۲۰ درصد برای مصارف صلح‌آمیز غنی‌سازی نماید و از کمکهای آمریکا برخوردار باشد.[۲]

---

۱. همان منبع

۲. همان منبع

علاوه بر آن می‌توان به موافقتنامه‌های منعقده بین کشورهای عضو گروه ۱+۵ و ایران قبل و پس از انقلاب و پیش از بروز اختلاف فعلی اشاره نمود. در آن زمان این کشورها در توافقات خود نه تنها متعرض حق ایران بر تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای نشده‌اند بلکه با توجه به تعهد برای تدارک مواد، تجهیزات و دانش فنی و صنعتی بر همه حقوق ایران از جمله داشتن چرخه سوخت و ساخت رآکتور و غیره اقرار نموده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به موافقتنامه همکاری بین دولت ایالات متحده آمریکا و دولت ایران راجع به استفاده غیر نظامی از انرژی اتمی (مصوب ۱۳۳۷)، اصلاحیه موافقتنامه همکاری بین دولت ایران و دولت ایالات متحده آمریکا (مصوب ۱۳۴۵)، اصلاحیه موافقتنامه همکاری بین دولت ایران و دولت آمریکا راجع به استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی (مصوب ۱۳۴۸)، موافقتنامه همکاری برای استفاده صلح‌جویانه از نیروی اتمی بین دولت ایران و دولت کانادا[1] (مصوب ۱۳۵۱)، موافقتنامه همکاری علمی،فنی و صنعتی برای استفاده صلح‌جویانه از نیروی اتمی بین دولت ایران و دولت فرانسه (مصوب۱۳۵۴)، موافقتنامه همکاری در زمینه پژوهش علمی و توسعه تکنولوژی بین دولت ایران و دولت جمهوری فدرال آلمان (مصوب ۱۳۵۵)، موافقتنامه همکاری در زمینه استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای بین سازمان انرژی اتمی ایران و وزیر فدرال و تکنولوژی جمهوری فدرال آلمان (مصوب ۱۳۵۶)، پروتکل بین دولت ایران و دولت جمهوری فرانسه در باره ایجاد و بهره‌برداری از دو نیروگاه هسته‌ای (مصوب ۱۳۵۷)، موافقتنامه همکاری در زمینه استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای فیمابین دولت فدراسیون روسیه و دولت جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۲) و موافقتنامه فیمابین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین برای همکاری در زمینه کاربردهای صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای (مصوب ۱۳۷۲) اشاره نمود.[2]

معاهده NPT به حق غیرقابل سلب کشورهای عضو در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اقرار نموده است. همانطور که بیان شد این حق شامل غنی‌سازی و فعالیتهای چرخه سوخت نیز هست. ولی معاده زمینه‌ای را فراهم آورده است که اجرا و استیفای

---

۱. دولت کانادا در این موافقتنامه انفجار هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز و انتقال تجهیزات این اقدام را صریحاً مطابق NPT می‌داند.

۲. همان منبع

این حق طبق مقررات معاهده معلق و متزلزل شده است. این اقدام به دو روش صورت گرفته است. اول اینکه اجرای این حق معلق به رعایت ماده ۲ توسط کشورهای غیر دارنده سلاح هسته‌ای است ثانیاً هدف از بازرسی‌ها عدم انحراف برنامه هسته‌ای به سوی فعالیتهای غیر صلح‌آمیز است لذا حداقل اجرای کامل حق هسته‌ای در واقع متزلزل شده و منوط به تأیید عدم انحراف برنامه هسته‌ای به مقاصد نظامی و سایر شرایط پیش‌بینی شده در موافقتنامه پادمان و اساسنامه آژانس است. ولی مجدداً تأکید می‌شود که این به معنای اسقاط حق نخواهد بود. اما توجه به اینکه رویه دولتها در این زمینه چه بوده است نیز نشان‌دهنده این است که به رغم عدم سلب حق کشورها در معاهده، بسیاری اجرای حق خود را به دلایل مختلف محدود کرده‌اند به نحوی که امروزه ۱۸۹ کشور عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستند. از این تعداد حدود ۱۲ کشور[1] دارای چرخه سوخت و برنامه غنی‌سازی با سطح تکنولوژی متفاوت هستند. علاوه بر این برخی کشورهای اروپایی در قالب کنسرسیوم یورنکو غنی‌سازی می‌کنند. هند، پاکستان، کره شمالی و رژیم صهیونیستی نیز غیر عضو معاهده هستند که از تکنولوژی غنی‌سازی برخوردارند. بیش از ۱۷۰ کشور از اعضای معاهده منع گسترش به دلایل مختلف اعم از سیاسی و فنی و اقتصادی برای اجرای حق خود اقدامی انجام نداده‌اند. علاوه بر آن بعضی از کشورهای عضو معاهده منع گسترش در توافقات هسته‌ای خود با آمریکا و سایر کشورها از غنی‌سازی داخلی و بازفرآوری سوخت انصراف داده‌اند. طبق ماده ۷ موافقتنامه هسته‌ای بین امارات متحده عربی و آمریکا، امارات تعهد نموده است که از برخورداری از تأسیسات هسته‌ای حساس و غنی‌سازی و بازفرآوری در سرزمین خود خودداری خواهد نمود. یادداشت تفاهم مورخ ۱۹۸۱ بین مصر و آمریکا نیز بیان می‌دارد که در صورت نیاز مصر، هرگونه بازفرآوری سوخت در خارج از قلمرو این کشور صورت خواهد گرفت. اردن و عربستان سعودی نیز به نحوی این تعهدات را پذیرفته‌اند. ویتنام و تایوان نیز توافق نموده‌اند که برای تهیه سوخت به منابع بین‌المللی اتکا خواهند کرد. حتی در بین کشورهای عضو معاهده منع گسترش که دارای تکنولوژی هسته‌ای و چرخه سوخت هستند نیز دیده می‌شود بدون اعراض از حق خود، اجرای بعضی از حقوق مندرج در معاهده منع گسترش را به صورت

---

۱. آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین، کانادا، ژاپن، کره، ایران، برزیل، آرژانتین و آفریقای جنوبی.

داوطلبانه در قلمرو خود تحدید نموده‌اند. دولت کره جنوبی که یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان در امر تولید انرژی هسته‌ای است از جزئی از حق هسته‌ای خود یعنی بازفرآوری طی توافقی که با آمریکا در ۱۹۷۲ و ۲۰۱۳ داشته صرف‌نظر نموده است. کشور ژاپن نیز توافق مشابهی با آمریکا دارد. در این میان اقدامات آفریقای جنوبی نیز قابل توجه است. این کشور بصورت داوطلبانه سلاح هسته‌ای خود را منهدم و ضمن ایجاد محدودیت در برنامه غنی‌سازی خود بازرسیهای ویژه‌ای را نیز پذیرفته است.[۱]

همانگونه که بیان شد محدود کردن اجرای حق به هیچ‌وجه به معنی اعراض و اسقاط حق نیست. همچنین با توجه به اینکه در برنامه اقدام ژنو اقدامات محدودکننده‌ای که کشورمان پذیرفته است منوط به انجام یک‌سری اقدامات داوطلبانه در یک ظرف زمانی با توجه به رعایت یک سری مصالحه عالیه است، نه تنها حق غنی‌سازی کشورمان نقض نشده است. بلکه کاملاً برعکس، کشورمان طبق رویه سایر کشورها در انجام یک سری مذاکرات و ایجاد یک سری توافقات، توانسته است در مذاکرات با ۱+۵ نسبت به تثبیت اجرای حق غنی‌سازی اقدام نماید. در این خصوص بحث مفصلی در فصل هفتم هنگام بررسی نقدها ارائه خواهد شد.

ط ـ موضوع ارائه تضمین‌های امنیتی توسط دارندگان سلاح هسته‌ای

برخی کشورهای غیر هسته‌ای بر این اعتقاد بوده‌اند که با توجه به اینکه کشورهای غیرهسته‌ای، آگاهانه انتخاب هسته‌ای شدن را کنار می‌گذارند باید امنیت آنها توسط دارندگان سلاح هسته‌ای تضمین و آنها موضوع حمله یا تهدید به حمله هسته‌ای نباشند. یا اگر مورد حمله یک کشور هسته‌ای واقع شوند سایر دول هسته‌ای به کمک آنها بشتابند. البته این کشورها معتقدند که بهترین تضمین امنیتی در مقابل سلاحهای هسته‌ای حذف سلاحهای هسته‌ای می‌باشد. این موضوع از همان آغاز مذاکرات NPT خواسته برخی دول غیرهسته‌ای بوده است.

ارائه تضمین در خصوص اینکه حمله هسته‌ای یا تهدید به حمله هسته‌ای علیه دول غیرهسته‌ای صورت نمی‌گیرد را تضمین امنیتی منفی و ارائه تضمین در خصوص اینکه اگر حملهٔ هسته‌ای به کشور غیر هسته‌ای شد دول هسته‌ای به کمک آن می‌شتابند را

۱. همان منبع

تضمین امنیتی مثبت می‌گویند.[۱]

هر چند خواست بسیاری از این کشورها این بود که ارائه تضمین‌های امنیتی بخشی از NPT باشد. اما بخاطر مقاومت ابرقدرتها در برابر این درخواست موضوع تضمین‌های امنیتی به متن معاهده راه نیافت هر چند همواره به عنوان بخشی از خواستهای دول غیرهسته‌ای در حاشیه اجلاسهای NPT مطرح شد.[۲]

ابرقدرتها در برابر خواست کشورهای غیرهسته‌ای نهایتاً رضایت دادند که با صدور قطعنامه‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل،[۳] اعلام دارند که همه اعضای دائم شورای امنیت که پنج قدرت هسته‌ای هستند متعهد می‌شوند که طبق مقررات منشور ملل متحد فوراً به کمک کشور غیر هسته‌ای بشتابند که قربانی تهدید یا حمله هسته‌ای واقع شده است.[۴]

این تضمین که توسط انگلیس، آمریکا و شوروی ارائه شد فقط بیانگر قصد و نیت دول هسته‌ای برای ارائه تضمین‌های امنیتی بود و فاقد هر گونه دستورالعمل برای انجام کار خاصی بود. این ارائه تضمین همان تضمین‌های امنیتی مثبت می‌باشد.[۵]

در خصوص ارائه تضمین‌های امنیتی منفی دول هسته‌ای رهیافت‌های مختلفی داشتند آمریکا برای اولین بار در اولین جلسه اختصاص یافته و موضوع خلع سلاح در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۸،[۶] اعلام کرد که به کشورهای غیر هسته‌ای عضو NPT حملیه یا تهدید به حمله نخواهد کرد.[۷] در همین زمان انگلیس و شوروی نیز همین تضمین امنیتی را ارائه کردند و در سخنان خود پیشنهاد ارائه چنین تضمینی را مطرح کردند. فرانسه اعلام داشت که چنین تضمینی را فقط به مناطق عاری از سلاح هسته‌ای ارائه خواهد داد و چین فراتر از همه دول هسته‌ای همان اصل چین اولین

---

1. Joseph. Pilat, Reassessing security assurances, Washington quarterly, Vol 28 No 2 Spring 2005 p. 159.

۲. محمدحسن دریایی، خلع سلاح هسته‌ای در تئوریهای مختلف روابط بین‌الملل، مجله سیاست خارجی، تهران زمستان ۱۳۸۷ ص ۱۰۲۳

3. UNSC Resolution No 255 (1968)

4. Ibid.

5. Joseph pilot , opcite p 160.

6. Special Session on Disarmament I (SSODI)

7. Statement of US Foreign Secretary, SSODI, New York 12 June 1978.

استفاده‌کننده سلاح هسته‌ای نخواهد بود[1] را که از دهه ۱۹۶۰ اعلام کرده بود مجدداً مورد تأیید قرار داد.

اما کشورهای غیرهسته‌ای این صحبت‌ها و قولهای کلی را ناکافی می‌دانستند و خواستار انعقاد یک معاهده الزام‌آور حقوقی در این زمینه بودند. فشار کشورها در طرح این درخواست سبب شد که دول هسته‌ای به عنوان بخشی از تلاشهای دیپلماتیک برای تمدید نامحدود NPT مجدداً با صدور قطعنامه‌ای در شورای امنیت مسئله ارائه تضمین‌های امنیتی منفی را مورد تأکید قرار دادند. قطعنامه ۹۸۴ شورای امنیت در سال ۱۹۹۵ صادر شد و مسئله ارائه تضمین‌های امنیتی منفی توسط کلیه پنج کشور هسته‌ای عضو شورای امنیت مورد تأکید قرار گرفت.[2] شایان توجه است که فرانسه و چین هم در سال ۱۹۹۲ به عضویت NPT درآمده بودند.

در حالی‌که کشورهای غیرهسته‌ای عضو NPT این تضمین‌ها را ناکافی می‌دانستند و خواهان انعقاد یک معاهده الزام‌آور حقوقی بودند. کشورهای هسته‌ای بعد از فروپاشی شوروی، وجود تهدیدات جدید و مخصوصاً حوادث مربوط به ۱۱ سپتامبر زمزمه‌های شانه خالی کردن از تعهدات قبلی را اعلام داشتند به نحوی که آمریکا اعلام داشت در صورتی که این کشور مورد حمله سلاحهای کشتار جمعی اعم از شیمیایی، میکروبی و یا هسته‌ای قرار گیرد از همه ابزارها و وسایل خود علیه تهدید و کشور تهدیدگر استفاده خواهد کرد.[3] طرح این موضوع به صورت رسمی از سوی مقامات آمریکائی در پاسخ به سؤال در مورد خطر ناشی از تأسیسات شیمیایی لیبی، نگرانی زیادی را در جامعه بین‌المللی ایجاد کرد. مقامات آمریکا در زمان کلینتون و در زمان بوش نیز به نوعی این مسئله را تأیید کردند که در صورت حمله شیمیایی، میکروبی یا هسته‌ای علیه آمریکا همه انتخابها روی میز خواهد بود[4] و این نوعی تغییر در ارائه تضمین‌های امنیتی منفی مطلق از سوی آمریکا و نوعی مشروط کردن و محدود کردن ارائه چنین تضمین‌هایی در سایه تهدیدات نوین نسبت به امنیت بین‌الملل بود.[5]

---

1. No first Use principle
2. UNSC Resolution No 984 (1995)
3. William Perry, Interview with press, Ismailia, Egypt April 4, 1996.
4. National strategy to combat WMD (December 2002, p.3)
5. Philipp bleek, (reaffirming NSA) Arms control today March 2002. p 23.

ی ـ طرح درخواست رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه در مورد وضعیت حقوقی سلاحهای هسته‌ای

یکی از ویژگیهای دوران جنگ سرد تلاش برای افزایش قابلیت‌های نظامی بود و در این راه افزایش کیفی و کمّی سلاحهای هسته‌ای، از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود. اما با فروپاشی شوروی سابق و پایان تنازعات میان شرق و غرب، تلاش جهانی برای از میان بردن سلاحهای هسته‌ای که در سال ۱۹۶۸ با انعقاد پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای آغاز گردیده بود، شتاب بیشتری یافت و سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۳ و مجمع عمومی در سال ۱۹۹۴ هر کدام با ارسال سؤالی از دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه درباره مشروعیت سلاح هسته‌ای خواهان رأی مشورتی شدند.

دیوان بین‌المللی دادگستری که بازوی قضایی سازمان ملل می‌باشد دارای دو وظیفه اصلی می‌باشد:

۱ـ حل و فصل اختلافات و اتخاذ تصمیمات حقوقی درباره اختلافات؛

۲ـ ارائه رأی مشورتی در موارد درخواستی از طرف شورای امنیت یا مجمع عمومی یا سایر ارکان سازمان ملل با کسب اجازه از مجمع عمومی.

دیوان بین‌المللی دادگستری که در کاخ صلح لاهه قرار دارد از ۱۵ قاضی که نماینده سیستم‌های معتبر حقوقی دنیا می‌باشند تشکیل شده است. قضات دیوان برای مدت ۹ سال از طریق رأی‌گیری در مجمع عمومی و شورای امنیت و با اکثریت مطلق آرا انتخاب می‌شوند. انتخاب این قضات به نحوی است که مجمع عمومی و شورای امنیت یقین حاصل کنند که این ۱۵ نفر از عادل‌ترین و وظیفه‌شناس‌ترین قضات دنیا هستند و در کار خود به هیچ‌وجه تحت تأثیر مراکز قدرت قرار نمی‌گیرند.

رأی مشورتی دیوان درباره سلاحهای هسته‌ای در واقع تقابل سیاست و حقوق بین‌الملل بود و نشان داد که در حال حاضر جامعه بین‌الملل و مخصوصاً دیوان بین‌المللی برای اظهار نظر درباره پاره‌ای از موارد باید ملاحظات سیاسی کشورها را مورد توجه قرار دهند.

اکثر اعضای سازمان ملل بعد از جنگ جهانی دوم استفاده از سلاح هسته‌ای را امری غیرقانونی دانسته‌اند. آنها استفاده از سلاح اتمی را عملی می‌دانستند که با روح منشور منافات دارد، که در نهایت به ضرر بشریت خواهد بود. نهضت‌های صلح‌جویانه درصدد

بودند تا با ترکیب مخالفت‌هایی که جنبه اخلاقی داشت با مخالفت‌هایی که جنبه سیاسی داشت رویه واحدی را علیه سلاحهای هسته‌ای بوجود آورند. در این میان سه گروه فیزیکدانان بین‌المللی برای جلوگیری از جنگ اتمی، حقوقدانان بین‌المللی برای نابودی سلاحهای هسته‌ای و «دفتر صلح بین‌المللی»[1] از جمله نهضت‌های صلح‌جویانه فعال بودند که بدون دسترسی مستقیم به دیوان، تلاش کردند تا با تقدیم درخواستی به سازمان بهداشت جهانی و مجمع عمومی آنها را به تقاضای رأی مشورتی از دیوان ترغیب نمایند.

سازمان بهداشت جهانی در ۱۴ مه ۱۹۹۳ با صدور قطعنامه‌ای از دیوان بین‌المللی دادگستری برای پاسخ به سؤال ذیل درخواست نظر مشورتی کرد.

«با توجه به آثار سوء سلاحهای هسته‌ای در سلامت بدن انسان و محیط‌زیست آیا استفاده از سلاحهای هسته‌ای توسط یک دولت در جنگ یا سایر درگیریهای مسلحانه نقض تعهدات آن کشور نسبت به حقوق بین‌الملل نمی‌باشد؟»

بدنبال آن در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای و طرح سؤال ذیل نظر دیوان را جویا شد.

«آیا استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای در هر شرایطی از نظر حقوق بین‌الملل مجاز می‌باشد؟»

ابتکار سازمان بهداشت جهانی و مجمع عمومی سازمان ملل به خاطر این بود که اکثر کشورها متقاعد شده بودند که استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای نه تنها تمدن بشری را با خطر نابودی مواجه ساخته است، بلکه امری غیراخلاقی و غیرقانونی می‌باشد. از طرفی در زمان بررسی دیوان برای پاسخگویی به سؤالات فوق‌الذکر ۳۳ میلیون نفر با امضا بیانیه «وجدان عمومی»[2] و تقدیم آن به دیوان بین‌المللی دادگستری بر غیرقانونی بودن سلاحهای هسته‌ای تأکید کردند. آنها شرط «دومارتن»[3] در کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه که دیوان را مقید می‌سازد تا در هنگام قضاوت یک موضوع به وجدان عمومی هم توجه داشته باشد مورد تمسک قرار دادند.

---

1. International peace Bureau
2. Public Conscience
3. Demartens

برای اولین بار بود که دیوان نظرات شهروندان را درباره یک موضوع می‌شنید. علاوه بر آن دیوان اقدام به نظرخواهی از ۶۵ کشور نمود که ۴۳ کشور کتباً و ۲۲ کشور شفاهاً نظر خود را بیان کردند و بیش از دو سوم آنها سلاح هسته‌ای را غیرقانونی می‌دانستند و این بیشترین مشارکت کشورها در جریان طرح یک دعوی در دیوان بود.

مجمع عمومی سازمان ملل در اولین قطعنامه خود که در ژانویه ۱۹۴۶ صادر شد متفقاً به حذف سلاحهای هسته‌ای و کلیه سلاحهای کشتار جمعی از تسلیحات ملی کشورها رأی داد. همچنین از سال ۱۹۶۱ اکثریت قاطع کشورهای عضو مجمع عمومی استفاده از سلاحهای هسته‌ای را جنایتی علیه بشریت دانسته‌اند.

طبق ماده ۶ معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای کشورها باید در جهت خلع سلاح هسته‌ای گام بردارند و دولت‌های هسته‌ای باید اقداماتی معمول دارند که منجر به خلع سلاح هسته‌ای شود.

طبق اصول حقوق جنگ (Jus in bello) که از معاهداتی مانند کنوانسیون ژنو، کنوانسیون لاهه، کنوانسیون منع کشتار جمعی اخذ گردیده است استفاده از سلاحهایی که دارای مشخصات ذیل باشند حتی در حالت دفاع مشروع ممنوع می‌باشد.

۱- سلاحی که بین افراد نظامی و غیرنظامی قادر به تمییز نباشد (اصل تمایز)؛

۲- سبب صدماتی شود که با تحریکات قبلی و یا هدف شروع آن متناسب نباشد (اصل تناسب و نیاز)؛

۳- سبب رنج و عذاب غیرضروری و بیش از اندازه شود (اصل بشریت)؛

۴- آثار سویی بر دولتهای بی‌طرف داشته باشد (اصل بی‌طرفی)؛

۵- سبب زیانهای شدید، طولانی و گسترده به محیط گردد (اصل امنیت محیط)؛

۶- استفاده از گازهای سمی، خفه‌کننده و یا سایر گازها و مواد نظیر آنها (اصل منع استفاده از سم).

سلاحهای هسته‌ای تمام ویژگیهای فوق الذکر را دارد. علاوه بر آن با قدرت تخریبی بی‌نظیر خود تمام اصول مذکور را نقض می‌نماید. سلاح هسته‌ای گرمای بی‌نظیر و اثرات انفجاری فوق‌العاده‌ای دارد؛ گازهای سمی و مواد رادیواکتیو تولید می‌کند که برای هزاران سال این گازها و مواد سمی روی موجودات زنده تأثیرات سوء دارد. علاوه

بر آن سبب جهش‌های ژنتیکی می‌شود که منجر به ناقص‌الخلقه بودن نسل بعدی می‌گردد. اثرات سلاح هسته‌ای از سلاحهای میکروبی و شیمیایی که توسط کنوانسیون مخصوصی منع گردیده است بسیار مخرب‌تر می‌باشد. دولتهای هسته‌ای همگی عضو کنوانسیون‌های فوق‌الذکر می‌باشند، بنابراین مجبورند که به همه هنجارهای کنوانسیون‌های مذکور وفادار بمانند.

ک ـ صدور رأی مشورتی دیوان درباره سلاحهای هسته‌ای

بعد از هشت ماه تأمل دیوان رأی خود را به شرح ذیل صادر کرد.

ـ به اتفاق آراء، عرف و کنوانسیونهای بین‌المللی اجازه استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای را نمی‌دهد.

ـ با ۱۱ رأی در مقابل ۳ رأی، عرف و معاهدات بین‌المللی به طور جامع و جهانی استفاده از سلاح هسته‌ای یا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای را ممنوع نمی‌کند.

ـ به اتفاق آراء، اعمال زور یا تهدید به اعمال زور با استفاده از سلاح هسته‌ای، چنانچه مخالف ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل باشد و یا شرایط مذکور در ماده ۵۱ منشور را نداشته باشد امری غیرقانونی است.

ـ مطابق ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل استفاده از زور توسط یک دولت علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر در صورتی که متناقض با اهداف سازمان ملل باشد، ممنوع است.

ـ طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، دفاع فردی یا دسته جمعی مشروع، هنگامی که به کشوری حمله شود، به عنوان حق ذاتی آن دولت به رسمیت شناخته شده است.

ـ به اتفاق آراء تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای باید با مقررات حقوق بین‌الملل ناظر بر منازعات مسلحانه سازگار باشد. مخصوصاً آن اصول و مقررات حقوق بین‌الملل انسانی که از طریق معاهدات و سایر تعهدات، الزام‌آور گردیده است. درباره سلاح هسته‌ای نیز مصداق دارد.

ـ با ۷ رأی در برابر ۷ رأی، بدنبال مقررات فوق‌الذکر استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای عموماً مخالف مقررات حقوق بین‌الملل ناظر بر درگیری‌های مسلحانه

و مخصوصاً اصول و مقررات حقوق بین‌الملل انسانی است.

ـ به هرحال با ملاحظه وضعیت جاری حقوق بین‌الملل و عناصر واقعیت که در دسترس می‌باشند دیوان نمی‌تواند به یک نتیجه‌گیری صریح برسد که در شرایط دشوار دفاع از خود که بقای یک دولت به خطر می‌افتد آیا استفاده از سلاح هسته‌ای امری قانونی است یا غیرقانونی. رأی درباره این قاعده ۷ در مقابل ۷ بود.

ـ به اتفاق آراء کشورها مجبورند که برای پیگیری و نتیجه‌گیری از مذاکرات خلع سلاح تحت نظارت شدید یک سیستم بین‌المللی با حسن نیت اقدام نمایند.

هرچند دیوان تمایل داشت که قاعده‌ای را درباره سؤال مطرح شده از طرف سازمان بهداشت جهانی صادر کند. اما سازمان بهداشت جهانی صلاحیت اظهارنظر درباره وضعیت حقوقی سلاحهای هسته‌ای را نداشت.

ل ـ جمع بندی

با بررسی موارد فوق‌الذکر به این نتیجه می‌رسیم که از نظر حقوق بین‌الملل اولاً استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بر اساس ماده ۲ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، سند پایانی اجلاس بازنگری و تمدید معاهده مزبور در سال ۱۹۹۵ و کلیه مباحث و مذاکرات انجام شده در خلال ۸ کنفرانس بازنگری معاهده و حتی قراردادهای پادمان کشورها حق لاینفک همه کشورهاست و هیچ چیز حتی مفاد معاهده نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به حق کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای خدشه‌ای وارد نماید. استفاده ازمنطق زور و فشار که هم اکنون رویه جاری و معمول در نظام بین‌الملل می‌باشد نیز نمی‌تواند از نظر حقوقی خدشه‌ای به حق قانونی همه کشورها در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از نظر حقوقی وارد نماید. هرچند باید بین حق و اجرای حق تفاوتهایی قائل شد. در عین حال در خصوص موضوع هسته‌ای ایران باید به این موضوع توجه کرد که متأسفانه با صدور قطعنامه‌های غیرقانونی شورای امنیت این مسئله دیگر یک مسئله حقوقی محض نیست که بتوان آن را صرفاً از طریق رهیافت حقوقی حل و فصل کرد. این مسئله بدون درک مسائل مرتبط با سیاست بین‌الملل و مهمترین موضوع آن یعنی صلح و امنیت بین‌المللی و نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در مباحث مربوطه

آن به آسانی قابل درک نخواهد بود.

ـ در خصوص دیدگاه حقوق بین‌الملل در مورد استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای باید اذعان کرد که بر اساس رأی مشورتی دیوان این کار با حقوق بین‌الملل ناظر بر درگیری‌های مسلحانه مغایرت دارد. ولی در این بین استثنایی وجود دارد و آن مربوط به رأی دیوان با این مضمون است که با ملاحظه وضعیت حقوق بین‌الملل دیوان نمی‌تواند به این نتیجه‌گیری قطعی برسد که آیا استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای در شرایط فوق‌العاده دفاع از خود،که موضوع بقای دولت در خطر می‌باشد امری قانونی است یا غیرقانونی.

طبق رأی دیوان شرایط فوق‌العاده کشورها در دفاع از خود دستاویزی است که می‌تواند استفاده از سلاحهای هسته‌ای را مشروعیت بخشد. هر چند استفاده از این سلاحها هم بر خلاف حقوق جنگ و هم برخلاف حقوق بین‌الملل انسانی در قواعد ناظر بر درگیری‌های مسلحانه می‌باشد. برخی معتقدند رأی دیوان که در واقع بدون توجه به وجدان عمومی و افکار عمومی جهانی صادر شد تلاش قضات دول هسته‌ای که در دیوان وجود دارند برای حفظ و قانونی بودن سلاحهای هسته‌ای بود. رأی دیوان در واقع بی‌پناهی حقوق بین‌الملل در مقابل سیاست بین‌الملل را نشان داده و سیاست‌زدگی جامعه بین‌المللی را اثبات نمود. زیرا چنانچه دیوان به عدم مشروعیت سلاحهای هسته‌ای رأی می‌داد خود را با دول هسته‌ای و شورای امنیت درگیر می‌کرد و ضمانت اجرایی برای اعمال نظر دیوان وجود نداشت و با وجود این که در حقوق بین‌الملل معاصر دلایل زیادی بر عدم مشروعیت سلاحهای هسته‌ای وجود داشت ولی سیاست بر حقوق پیشی گرفت و دیوان اقدام به صدور رأی نمود که در واقع عقب‌نشینی دیوان و موضع منفعلانه آن را در برابر قدرتهای بزرگ به اثبات رسانید.

فصل چهارم

تاریخچه فعالیتهای هسته‌ای ایران

الف ـ مقدمه

هرچند رونمائی از پدیده هسته‌ای، با کاربرد نظامی آغاز شد و در ابتدا هرگونه تلاش در زمینه دستیابی به انرژی هسته‌ای معادل تلاش برای ساختن بمب تلقی می‌شد. اما به مرور زمان جامعه علمی متوجه شد که استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای به مراتب بیشتر از استفاده‌های غیر صلح‌آمیز آن است و لذا گرایش عمده جامعه متوجه این بعد پدیده هسته‌ای گردید. این بعد موضوع، بیش از همه مورد توجه کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران قرار گرفت. جهت روشن شدن اهمیت موضوع ذیلاً برخی ابعاد استفاده صلح‌آمیز از پدیده هسته‌ای بیان می‌شود و سپس گاهشماری از اقدامات ایران در زمینه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز ارائه می‌گردد.

ب ـ چرا انرژی هسته‌ای صلح آمیز مطلوب ایران است

۱ ـ انرژی هسته‌ای لازمه توسعه پایدار است. با توجه به اینکه سوخت هسته‌ای تا قرن‌ها در دسترس خواهد بود امنیت تأمین آن، سبب مزیت آن بر سایر منابع عمده انرژی شده است؛ مصرف آن هیچ آلودگی واقعی ایجاد نمی‌کند؛ منابع باارزش سوخت‌های فسیلی را برای نسل‌های دیگر حفظ می‌کند؛ هزینه‌های آن قابل رقابت

و همچنان در حال کاهش است؛ و پسماندهای آن را می‌توان برای مدت زیادی بدون خطر کنترل کرد، انرژی هسته‌ای از ابتدا به عنوان یک فناوری توسعهٔ پایدار در نظر گرفته شده است[1]. از این‌رو فعالیت پیگیر برای اکتشاف و تولید اورانیوم از جنگ جهانی دوم شروع شد. کشورهای آمریکا، آلمان، شوروی و کانادا به سرعت مشغول اکتشاف و استخراج منابع اورانیوم به منظور تولید سلاح هسته‌ای شدند.[2]

از اوائل دهه ۶۰ نیاز به اورانیوم برای تولید انرژی در نیروگاههای هسته‌ای به مصارف نظامی فزونی یافت و منابع جدیدی در استرالیا، آفریقا، فرانسه و هندوستان کشف و بهره‌برداری از آنها آغاز شد. با توسعه استفاده از انرژی هسته‌ای در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تولید اورانیوم به سرعت افزایش یافت.[3]

۲ ـ انرژی هسته‌ای گزینه مطلوب با ملاحظات اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به این که در حال حاضر مقولهٔ انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل تولید به شمار می‌آید، دسترسی به منابع ارزان انرژی و در عین حال سهل‌الوصول از اهداف استراتژیک کشورهای توسعه یافته محسوب می‌شود. بنابراین، در راستای ایجاد تداوم و امنیت عرضه انرژی، اعمال تمامی راه‌کارهای ممکن غیرمنتظره نخواهد بود. از طرفی، نیازهای آتی جهان به انرژی جهت دستیابی به رشد و تداوم توسعهٔ اقتصادی را نیز می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد صنعت هسته‌ای محسوب نمود. برآوردهای صورت گرفته توسط آژانس اطلاعات انرژی (EIA)، حاکی از افزایش ۵۸ درصدی تقاضای جهانی انرژی تا سال ۲۰۲۵ است.[4]

رشد اقتصادی کشورهای جهان، مؤثرترین عامل در تغییر تقاضای انرژی شناخته شده است. در این میان، بسیاری از کشورهای در حال توسعه که زیرساخت‌های اقتصادی آنها در روندی مثبت در حال بازسازی و آزادسازی عوامل عرضه و تقاضا می‌باشد، با انتقال سیاست‌گذاری متمرکز دولتی به بخش‌های خصوصی در پی ارتقای

---

1. Nuclear Power in the World Today, World Nuclear Association, Sept. 2001 (www.world-nuclear.org).

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: مک کای، آلوین، تلاش سازندگان عصر اتم، ترجمه احمد غریب و جمشید کمال، تهران، سازمان انرژی اتمی، ۱۳۷۴

3. www.iaea.org.

4. http://www.iaea.org/OurWork/ST/NE/index.html

سرمایه‌گذاری و توسعهٔ اقتصادی خود برآمده‌اند. در این راستا، رشد تولید ناخالص داخلی در آسیا به میزان ۵/۱ درصد در خلال دو دههٔ آتی برآورد شده است.[۱]

از دیگر عوامل مؤثر بر تقاضای انرژی، رشد جمعیت است. بر اساس پیش‌بینی‌های به‌عمل آمده، میزان افزایش جمعیت جهان با نرخ حدود یک درصد به طور متوسط سالانه از ۶۵۱۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۵ به ۸۰۱۰ میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ افزایش خواهد یافت.[۲] بالاترین میزان افزایش جمعیت به کشورهای خاورمیانه با متوسط سالانه ۱/۸ درصد تعلق داشته و منطقهٔ جنوب غرب آسیا با جمعیتی معادل ۴/۱۷ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۵، بیش از نیمی از جمعیت کرهٔ زمین را در خود جای می‌دهد. جمعیت جهان در سال ۲۰۰۶ نیز طبق آمار برآورد شده، ۶۵۵۵ میلیون نفر بوده است.[۳]

جدول ۳ ـ چشم‌انداز جمعیت جهان[۴] (میلیون نفر ـ رشد متوسط)

سال / جمعیت	جهان	آفریقا	آسیا	اروپا	آمریکای لاتین و کارائیب	آمریکای شمالی	اقیانوسیه
۱۹۵۰	۲۵۳۵	۲۲۴	۱۴۱۰	۵۴۸	۱۶۷	۱۷۱	۱۲
۱۹۵۵	۲۷۷۰	۲۵۰	۱۵۵۰	۵۷۵	۱۹۲	۱۸۶	۱۴
۱۹۶۰	۳۰۳۱	۲۸۲	۱۷۰۴	۶۰۵	۲۲۰	۲۰۴	۱۵
۱۹۶۵	۳۳۴۲	۳۱۹	۱۸۹۸	۶۳۴	۲۵۲	۲۱۹	۱۷
۱۹۷۰	۳۶۹۸	۳۶۴	۲۱۳۸	۶۵۶	۲۸۷	۲۳۱	۱۹
۱۹۷۵	۴۰۷۶	۴۱۶	۲۳۹۳	۶۷۶	۳۲۴	۲۴۳	۲۱
۱۹۸۰	۴۴۵۱	۴۷۹	۲۶۳۵	۶۹۳	۳۶۴	۲۵۵	۲۳
۱۹۸۵	۴۸۵۵	۵۵۴	۲۸۹۶	۷۰۶	۴۰۴	۲۶۹	۲۴
۱۹۹۰	۵۲۹۴	۶۳۷	۳۱۸۱	۷۲۱	۴۴۴	۲۸۳	۲۶

1. http://knowledge.allianz.com/en/globalissues/energy_co2/energy_profiles/energy_profile_nuclear.html?utm_source=google&utm_medium=cpc&utm_term=nuclear%20energy&utm_campaign=Allianz%20Knowledge%20-%20Energy%20Profiles%20NUCLEAR

۲. این آمار از بخش جمعیت دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد اقتباس شده است:
http://esa.un.org

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به سایت اینترنتی اداره مرجع جمعیت، به نشانی: www.prb.org

۴. بخش جمعیت دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، همان.

۱۹۹۵	۵۷۱۹	۷۲۶	۳۴۵۱	۷۲۸	۴۸۳	۲۹۹	۲۸
۲۰۰۰	۶۱۲۴	۸۲۰	۳۷۰۴	۷۲۸	۵۲۳	۳۱۵	۳۱
۲۰۰۵	۶۵۱۴	۹۲۲	۳۹۳۸	۷۳۱	۵۵۷	۳۳۲	۳۳
۲۰۱۰	۶۹۰۶	۱۰۳۲	۴۱۶۶	۷۳۰	۵۹۳	۳۴۸	۳۵
۲۰۱۵	۷۲۹۵	۱۱۴۹	۴۳۸۹	۷۲۷	۶۲۷	۳۶۴	۳۷
۲۰۲۰	۷۶۶۷	۱۲۷۰	۴۵۹۶	۷۲۲	۶۵۹	۳۷۹	۳۹
۲۰۲۵	۸۰۱۰	۱۳۹۳	۴۷۷۸	۷۱۵	۶۸۸	۳۹۲	۴۱

مصرف سوخت‌های فسیلی در جهان، هر ساله به طور چشمگیری افزایش یافته است. به عنوان مثال، مصرف نفت در کل جهان از ۲۶۷۷/۴ میلیون تن[1] در سال ۱۹۷۵ به ۳۸۳۶/۸ میلیون تن در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. کل ذخایر تثبیت شدهٔ نفت جهان نیز در پایان سال ۲۰۰۵، ۱۲۰۰/۷ میلیارد بشکه نفت خام بوده است. جدول زیر، این ارقام را به طور دقیق‌تری نشان می‌دهد.

جدول ۴ ـ مصرف نفت در جهان بر حسب میلیون تن و ذخایر نفت تا پایان سال ۲۰۰۵[2] (میلیارد بشکه)

منطقه/سال	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	ذخایر در ۲۰۰۵
آمریکای شمالی	۸۷۹	۸۴۹/۱	۹۶۰/۸	۱۰۷۱/۱	۱۰۹۱/۸	۱۱۳۴/۶	۱۱۳۲/۶	۵۹/۵
آمریکای مرکزی و جنوبی	۱۳۲/۸	۱۴۷/۸	۱۹۳/۶	۲۱۹	۲۱۲	۲۱۷/۹	۲۲۳/۳	۱۰۳/۵

۱. هر تن نفت خام، معادل ۷/۳۱۵ بشکه نفت خام می‌باشد.

۲. برای کسب اطلاعات بیشتر، مراجعه شود به: وزارت نیرو (معاونت امور برق و انرژی)، ترازنامهٔ انرژی سال ۱۳۸۴، زمستان ۱۳۸۵، ص ۴۰۳ و همچنین BP Amoco Statistical Review of World Energy, 2006 Edition

گروه بندی کشورها نیز بر این اساس می‌باشد:

ـ آمریکای شمالی :آمریکا ،کانادا ،مکزیک

ـ آمریکای مرکزی و جنوبی: آرژانتین، برزیل، بولیوی، پرو، ترینیداد و توباگو، کلمبیا، ونزوئلا

ـ اروپا و اوراسیا: آلمان، انگلیس، ایتالیا، دانمارک، رومانی، لهستان، نروژ، هلند، کشورهای شوروی سابق (آذربایجان، ازبکستان، اوکراین، ترکمنستان، روسیه، قزاقستان)

ـ خاورمیانه: امارات، ایران، بحرین، سوریه، عراق، عربستان، عمان، قطر، کویت، یمن

اروپاواوراسیا	۱۰۹۵/۶	۱۰۷۹/۱	۹۳۶/۹	۹۳۳	۹۴۰/۸	۹۵۷/۶	۹۶۳/۳	۱۴۰/۵
خاورمیانه	۷۱/۴	۱۴۴/۵	۲۰۳/۵	۲۳۹/۹	۲۴۸/۳	۲۶۰/۷	۲۷۱/۳	۷۴۲/۷
آفریقا	۴۵/۹	۸۲	۱۰۳/۷	۱۱۷/۵	۱۲۰/۱	۱۲۴/۲	۱۲۹/۳	۱۱۴/۳
آسیاو آقیانوسیه	۴۵۲/۶	۴۹۸/۸	۸۵۴	۱۰۰۸/۵	۱۰۴۲/۶	۱۱۰۳/۶	۱۱۱۶/۹	۴۰/۲
کل جهان	۲۶۷۷/۴	۲۸۰۱/۲	۳۲۵۲/۴	۳۵۸۹	۳۶۵۵/۶	۳۷۹۸/۶	۳۸۳۶/۸	۱۲۰۰/۷

مصرف گاز طبیعی در جهان نیز از ۱۱۹۷/۳ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۷۵ به ۲۷۴۹/۶ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است. ذخائر تثبیت شده گاز طبیعی جهان نیز در پایان سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۱۷۹/۸۳ تریلیون متر مکعب بوده است. جدول زیر، این آمار و ارقام را به خوبی نشان می‌دهد.[1]

جدول ۵ ـ مصرف گاز طبیعی در جهان بر حسب میلیارد متر مکعب و ذخائر گاز طبیعی تا پایان سال ۲۰۰۵[2] (بر حسب تریلیون مترمکعب)

منطقه/ سال	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۱۹۹۵	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	ذخایر در ۲۰۰۵
آمریکای شمالی	۶۳۹/۷	۵۸۶/۷	۷۱۹/۶	۷۶۷/۴	۷۷۰/۵	۷۶۰/۴	۷۵۰/۶	۷/۴۶
آمریکای مرکزی و جنوبی	۲۳/۵	۴۶	۷۳/۲	۱۰۴/۴	۱۱۵/۷	۱۲۹/۷	۱۳۵/۶	۷/۰۲

۳ ـ انرژی هسته‌ای برآورنده ملاحظات زیست محیطی

امروزه یکی از چالش‌های اصلی، ضروری، پیچیده و چندجانبه در جامعه جهانی از بحث انرژی برای توسعهٔ پایدار، توسعهٔ صنعتی، آلودگی هوا، جو و تغییر آب و هوا نشأت می‌گیرد. این موارد بر تمامی بخش‌های اقتصادی، فعالیت‌های اجتماعی، سلامت

1. http://news.google.com/news?hl=en&q=nuclear+energy&um=1&ie=UTF-8&ei=Qg7v SYCv EpqWlAf-46CJBw&sa=X&oi=news_group&resnum=1&ct=title

۲. وزارت نیرو و BP Amoco Statistical Review of World Energy، همان.

جامعهٔ بشری و کرهٔ زمین در ابعاد محلی، منطقه‌ای و جهانی تأثیر می‌گذارند. در جهانی که یک‌سوم جمعیت آن از دسترسی به خدمات مدرن انرژی محروم هستند، دستیابی به پایداری امکان‌پذیر نخواهد بود.[1]

کمبود و عدم دسترسی به خدمات انرژی مدرن، زیرساختارهای ضعیف و کمبود ظرفیت‌های نهادی و انسانی علاوه بر دسترسی محدود به فناوری‌های نوین و منابع مالی کافی، موجب ممانعت از توسعهٔ صنعتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شده است. در دستیابی به توسعهٔ پایدار، لزوم افزایش پایداری و قابل پیش‌بینی بودن بازارهای جهانی انرژی، بهبود فضای سرمایه‌گذاری در بخش انرژی شامل توسعهٔ زیرساخت‌های انرژی، بهبود راندمان انرژی و صرفه جویی انرژی، تنوع منابع انرژی و کاهش فقر انرژی غیرقابل انکار می‌باشد.[2]

در روند حرکت جهانی به سوی توسعهٔ پایدار، توجه به آسیب‌های زیست محیطی ناشی از بخش انرژی امری ضروری محسوب می‌گردد. در این راستا، توجه به میزان انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای ناشی از بخش‌های مختلف انرژی از منظر اثرات محلی، منطقه‌ای و جهانی آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. یکی از مهم‌ترین مولفه‌هایی که تولید انرژی از منابع سوخت فسیلی را در آینده با محدودیت جدی مواجه خواهد ساخت، افزایش انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی خصوصاً دی‌اکسید کربن است که اصلی‌ترین عامل ایجاد گازهای گلخانه‌ای و صدمه رساندن به لایهٔ ازون است.[3]

امروزه بیشتر انرژی که برای تولید برق، کارخانه‌ها، راه‌اندازی وسایل نقلیه و

---

1. https://inlportal.inl.gov/portal/server.pt?open=512&objID=283&parentname=Community Page&parentid=1&mode=2&in_hi_userid=200&cached=true
2. FOOD AND AGRICULTURE ORGANIZATION OF THE UNITED NATIONS, INTERNATIONAL ATOMIC ENERGY AGENCY, INTERNATIONAL LABOUR ORGANISATION, OECD NUCLEAR ENERGY AGENCY, PAN AMERICAN HEALTH ORGANIZATION, WORLD HEALTH ORGANIZATION, International Basic Safety Standards for Protection against Ionizing Radiation and for the Safety of Radiation Sources, Safety Series No. 115, IAEA,Vienna (1996).
3. http://zebu.uoregon.edu/1996/phys161.html

گرم کردن منازل استفاده می‌شود از سوزاندن سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود. منابع فسیلی از جمله زغال‌سنگ، نفت و گاز طبیعی آن چنان به سرعت مصرف می‌شوند که در آیندهٔ نه چندان دور تا اندازهٔ گسترده‌ای از بین می‌روند. ضایعات تمام سوخت‌های فسیلی به طور مستقیم در هوا پراکنده می‌شود. بخش اعظم این ضایعات، به شکل گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسید کربن است. ضایعات ناشی از سوخت‌های فسیلی سالانه ۲۵ میلیارد تن دی‌اکسید کربن به جو زمین اضافه می‌کند. این مقدار برابر است با ۷۰ میلیون تن در هر روز و یا ۸۰۰ تن در هر ثانیه. تأثیر عمدهٔ سوخت‌های فسیلی بر محیط‌زیست، مشکلی فزاینده است که جامعهٔ جهانی را به سوی دستیابی به سوخت‌های بهتر و یا سوخت پاک سوق داده است.[1]

بر اساس اطلاعات موجود، در سال ۲۰۰۴ میزان انتشار دی‌اکسید کربن از ۲۳ میلیارد و ۸۹ میلیون تن در سال به ۳۷ میلیارد و ۱۲۳ میلیون تن افزایش یافته و به رغم توجه و کنترل کشورها در عدم آلودگی جو کرهٔ زمین و برقراری محدودیت‌های الزامی در این زمینه به واسطهٔ افزایش تقاضای انرژی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، میزان دی‌اکسید کربن تا سال ۲۰۲۵ همچنان افزایش خواهد یافت. آسیا با ۲/۸ درصد در سال بالاترین نرخ و کشورهای اروپای غربی با ۰/۶ درصد به طور متوسط سالانه کمترین میزان انتشار گاز کربنیک را تا سال ۲۰۲۵ خواهند داشت. سهم آلایندگی کشورهای در حال توسعهٔ آسیائی از گاز کربنیک تولید شده توسط تمامی کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۲۵، معادل ۶۸/۷۴ درصد می‌باشد و کشورهای آفریقایی با ۸/۲۳ درصد کمترین سهم را در میزان آلایندگی به خود اختصاص خواهند داد. همگام با افزایش تقاضای انرژی در کشورهای در حال توسعه، میزان دی‌اکسید کربن نیز در این کشورها همچنان افزایش خواهد یافت. از اینرو، متناسب با میزان رشد مصرف انرژی و سهم کشورها در آلودگی محیط‌زیست، می‌بایست راه‌کارهای حفظ محیط‌زیست و نتیجتاً دستیابی به توسعهٔ پایدار به طور جدی رعایت گردد. در این زمینه

---

1. https://inlportal.inl.gov/portal/server.pt?open=512&objID=283&parentname=CommunityPage&parentid=1&mode=2&in_hi_userid=200&cached=true

می‌توان بر گرایش جدی به سوی منابع انرژی جایگزین و پاک تأکید نمود. بدون تردید، انرژی اتمی یکی از انرژی‌های پاک می‌باشد که قادر است به میزان بالا و مقرون به صرفه، جایگزین منابع انرژی‌های فسیلی و آلاینده گردد.[1]

جداول زیر نیز میزان انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای و سهم هر یک از بخش‌های مصرف کنندهٔ انرژی در انتشار این گازها را در سال ۱۳۸۴ در ایران نشان می‌دهند. بر اساس این جداول، مشخص می‌گردد که نیروگاه‌های ایران ۱۱/۸ درصد از NO_X، ۱۸/۲ درصد از $SO_۲$، ۲۵/۱ درصد از $CO_۲$ و ۲۳/۵ درصد از $SO_۳$ را تولید و منتشر می‌کنند.

جدول ۸ ـ مقدار انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای از تمامی بخش‌های مصرف کنندهٔ انرژی در سال ۱۳۸۴[2] (تن)

بخش/گاز	NO_X	$SO_۲$	$CO_۲$	$SO_۳$	CO	CH	SPM
خانگی، تجاری و عمومی	۱۰۷۵۸۷	۸۶۷۲۳	۱۱۱۹۹۸۳۵۲	۹۳۴	۶۸۰۸۲	۱۱۵۱۳	۱۱۵۵
صنایع	۱۲۸۰۷۲	۱۳۶۸۴۷	۵۸۸۳۷۹۱۵	۱۹۷۹	۲۲۰۶۵	۷۳۳۵	۱۴۶۱۴
حمل و نقل	۸۱۳۰۰۴	۳۴۳۶۳۴	۱۰۵۲۲۰۷۷۳	۳۶۸۸	۸۴۶۰۹۸۳	۱۹۲۲۶۸۱	۲۶۶۶۴۲
کشاورزی	۵۹۸۹۸	۶۱۳۷۰	۱۰۰۸۶۸۷۸	۳۷۳	۱۷۸۰۳	۴۱۸۷۴۰	۲۶۱۲۷
نیروگاه‌ها	۱۴۷۶۶۱	۱۴۰۲۲۰	۹۵۸۸۹۷۹۲	۲۱۳۹	۱۹۸	۵۳۰۲	۱۶۸۱۰
جمع	**۱۲۵۶۲۲۲**	**۷۶۸۷۹۳**	**۳۸۱۹۳۷۵۲۹**	**۹۱۱۳**	**۸۷۴۹۱۳۲**	**۱۹۸۸۷۰۵**	**۳۳۵۱۴۸**

1. https://inlportal.inl.gov/portal/server.pt?open=512&objID=277&mode=2&in_hi_userid=200&cached=true

۲. وزارت نیرو (معاونت امور برق و انرژی)، ترازنامهٔ انرژی سال ۱۳۸۴، زمستان ۱۳۸۵، ص ۳۱۵.

جدول ۹ ــ سهم بخش‌های مصرف‌کنندهٔ انرژی در انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای در سال ۱۳۸۴[1] (درصد)

بخش/گاز	NO_x	SO_2	CO_2	SO_2	CO	CH	SPM
خانگی ،تجاری و عمومی	۸/۶	۱۱/۳	۲۹/۳	۱۰/۳	/۸	/۶	۳/۴
صنایع	۱۰/۲	۱۷/۸	۱۵/۴	۲۱/۷	/۳	/۴	۴/۴
حمل و نقل	۶۴/۷	۴۴/۷	۲۷/۵	۴۰/۵	۹۸/۸	۹۶/۷	۷۹/۴
کشاورزی	۴/۸	۸	۲/۶	۴/۱	/۲	۲/۱	۷/۸
نیروگاهها	۱۱/۸	۱۸/۲	۲۵/۱	۲۳/۵	-	/۳	۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

در سال ۱۳۸۴ کل برق تولید شده به وسیله نیروگاه‌های وزارت نیرو ۱۷۱۱۷۴ میلیون کیلووات ساعت بوده است که ۵۲/۳۳ درصد از این مقدار به وسیلهٔ نیروگاه‌های بخاری، ۲۱/۱۴ درصد به وسیله نیروگاه‌های سیکل ترکیبی، ۱۶/۹۶ درصد به وسیله نیروگاه‌های گازی، ۹/۴۱ درصد به وسیله نیروگاه‌های برق آبی، ۰/۱۲ درصد به وسیله نیروگاه‌های دیزلی و ۴ درصد به وسیله نیروگاه‌های بادی و خورشیدی تولید شده است. جدول زیر میزان انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای توسط نیروگاه‌های داخل کشور در سال ۱۳۸۴ را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰ ــ مقدار انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای از نیروگاه‌های وزارت نیرو در سال ۱۳۸۴[2] (تن)

نوع نیروگاه/گاز	NO_x	SO_2	CO_2	SO_2	CO	CH	SPM
بخاری	۸۵۵۶۶	۹۹۷۹۱	۵۵۶۷۲۳۲۱	۱۵۲۳	۱۱۰	۳۵۶۱	۱۰۵۰۲
گازی	۳۵۸۶۲	۲۹۰۴۱	۲۲۸۴۲۵۶۶	۴۴۳	۴۹	۱۰۸۶	۳۸۵۹
سیکل ترکیبی	۲۵۹۰۹	۱۰۴۱۰	۱۷۱۱۳۷۵۳	۱۵۸	۳۹	۶۳۶	۲۳۸۷
دیزلی	۳۲۴	۹۷۹	۱۶۴۹۷۰	۱۵	—	۲۰	۶۲
برق آبی	—	—	۱۰۶۱۸۱	—	—	—	—
جمع	۱۴۷۶۶۱	۱۴۰۲۲۰	۹۵۸۹۹۷۹۲	۲۱۳۹	۱۹۸	۵۳۰۲	۱۶۸۱۰

۱. همان، ص ۳۱۶.

۲. همان.

جدول ۱۱ ـ مقدار انتشار گازهای آلاینده و گلخانه‌ای از نیروگاه‌های حرارتی کشور در سال ۱۳۸۴ به تفکیک نوع سوخت مصرفی[1] (تن)

سوخت/گاز	NO_X	SO_2	CO_2	SO_3	CO	CH	SPM
نفت کوره	۳۱۶۴۵	۹۹۰۱۸	۱۸۸۴۷۷۶۲	۱۵۱۳	۲۳	۲۵۳۲	۶۳۲۹
نفت گاز	۱۳۵۸۱	۴۱۰۰۵	۶۹۱۶۰۴۶	۶۲۷	۱۰	۸۳۳	۲۶۰۱
گاز طبیعی	۱۰۲۴۳۵	۱۹۷	۷۰۰۲۹۸۰۳	—	۱۶۴	۱۹۳۷	۷۸۸۰
جمع	**۱۴۷۶۶۱**	**۱۴۰۲۲۰**	**۹۵۷۹۳۶۱۱**	**۲۱۳۹**	**۱۹۸**	**۵۳۰۲**	**۱۶۸۱۰**

اگر بدون توجه به ملاحظات زیست محیطی روند بهره‌برداری از طبیعت ادامه یابد نه تنها تولید به زودی متوقف می‌شود، بلکه زندگی همهٔ انسان‌ها بر روی کره خاکی به شدت در معرض نیستی قرار می‌گیرد. سرمایش و گرمایش خانگی و تجاری در اغلب کشورها از جمله ایران، به شدت به منابع تجدیدناپذیر سوخت‌های فسیلی وابسته است. به رغم توسعهٔ بی‌اندازه فناوری اطلاعات و ارتباطات، اقتصاد امروز همچنان به شدت به حمل و نقل وابسته است و نفت و فرآورده‌های آن مانند بنزین، تقریباً تنها منبع سوخت خودروها به شمار می‌روند. جالب آنجاست که وارد آوردن هزینه‌های زیست محیطی به تولید و صنعت در نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری با وضع استانداردهای ایمنی و زیست‌محیطی انجام پذیرفته است که خود نه تنها باعث افزایش کیفیت محصولات و بالا رفتن توان رقابتی آنها شده، بلکه از تهدیدهای زیست‌محیطی علیه طبیعت کره زمین کاسته است. پس این ذهنیت اشتباه که ملاحظات زیست محیطی سدی در رشد کمّی و کیفی محصولات صنعتی هستند، بایستی مورد بازنگری واقع شود.[2]

ج ـ آخرین وضعیت استفاده از انرژی هسته‌ای در جهان

برابر آمار اعلام شده از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تا تاریخ ۱۸ آوریل ۲۰۰۷ (برابر با ۲۹ فروردین ۱۳۸۶)، ۴۳۶ رآکتور در حال کار در سطح جهان وجود

---

۱. همان، ص ۳۲۷.

2. http://knowledge.allianz.com/en/globalissues/0/global_warming_basics/smart_grid_saving_energy.html

داشت که به تولید ۳۶۹/۷۰۸ مگاوات برق هسته‌ای می‌پرداختند. آمریکا با دارا بودن ۱۰۳ رآکتور، در صدر این آمار قرار دارد. در رده‌های بعدی فرانسه با ۵۹ رآکتور، ژاپن با ۵۵ رآکتور و روسیه با ۳۱ رآکتور قرار دارند.[1] بر همین اساس، تا تاریخ مزبور ۳۱ رآکتور در حال ساخت در جهان وجود داشت که روسیه با دارا بودن ۷ رآکتور در صدر این آمار قرار دارد و هند با ۶ رآکتور و چین با ۵ رآکتور در رده‌های بعدی قرار دارند.

ایران به عنوان یک کشور غیر هسته‌ای با شاخصهای جمعیتی و نیازهای انرژی خود از همان ابتدا نیاز به انرژی هسته‌ای را به عنوان یکی از ضروریات خود تعریف نمود. سیاست تأمین انرژی هسته‌ای در قالب برنامه‌های دوجانبه و چند جانبه به شدت پیگیری گردیده است هر چند در دوره‌های مختلف با افت و خیز و مشکلات زیادی روبرو بوده است اما این درخواست مبتنی بر یک نیاز واقعی بوده است که حتی جدای از نوع حکومت همواره بر روی آن اجماع ملی وجود داشته است. جالب توجه است که قبل از انقلاب اسلامی ایران پایه‌های استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نهاده شده است. جهت آگاهی بیشتر از وضعیت پیگیری سیاستهای هسته‌ای ایران و متأثر شدن آن از تحولات سیاسی، در ادامه نگاهی گذرا به گاهشمار فعالیتهای هسته‌ای ایران طی نیم قرن گذشته خواهیم انداخت.

د ـ گاهشمار فعالیتهای هسته‌ای ایران قبل از انقلاب اسلامی ایران[2]

• ۱۹۵۷ ـ ایران و آمریکا در چارچوب برنامه اتمی برای صلح پیشنهادی آیزنهاور، قرارداد همکاری در زمینه‌های غیرنظامی اتمی امضا کردند. بر پایه این قرارداد ایران

---

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر، مراجعه شود به: www.iaea.org/dbpage/images/operatio.jpg

۲. برای اطلاعات بیشتر ـ به:

الف ـ **تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان**، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶.

ب ـ سایتهای زیر به عنوان منبع مطالب مطرح شده در این بخش مراجعه شود:

http://sead123.tebyan.net/viewPost.aspx?PostID=43716

http://www.dw.de%D9%86-%D9%BE%DB%8C%D8%B4-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8/a-16266752

http://www.iranian-americans.com/persian/2013/12/1639.html

http://www.rohama.org/fa/news/9290/

http://www.irannuclear.net/?page_id=49

http://bamdadkhabar.com/2012/04/2332

مقداری اورانیوم غنی‌شده برای مصرف پژوهشی از آمریکا دریافت می‌کرد. مرکز موسسه علوم هسته‌ای که زیر نظر سازمان پیمان مرکزی (سنتو) اداره می‌شد، از بغداد به تهران منتقل شد.

• ۱۹۵۹ ـ یک مرکز پژوهش هسته‌ای در دانشگاه تهران تأسیس شد.

• ۱۹۶۰ ـ ایران مقدمات خرید یک رآکتور پژوهشی ۵ مگاواتی را برای دانشگاه تهران فراهم می‌کند. متعاقباً آمریکا همراه با فروش رآکتور هسته‌ای به ایران، چند اتاقک داغ نیز به ایران فروخت.

• ۱۹۶۷ ـ آمریکا ۵,۵۴۵ کیلوگرم اورانیوم غنی شده برای استفاده در رآکتور پژوهشی به ایران تحویل داد. همچنین ۱۱۲ گرم پلوتونیوم نیز به عنوان راه‌اندازی رآکتور تحویل شد.

• ۱۹۶۸ ـ ایران پیمان‌نامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای NPT را در همان روزی که برای امضا ارائه شد، امضا کرد.

• ۱۹۶۹ ـ کمیساریای انرژی اتمی فرانسه با تعمیر رآکتور تهران موافقت کرد. آمریکا قرارداد هسته‌ای با ایران را به مدت ده سال دیگر تمدید کرد.

• ۱۹۷۰ ـ پیمان‌نامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای NPT به تصویب مجلس رسید.

• ۱۹۷۲ ـ دولت ایران اعلام کرد که قصد دارد در ده‌سال آینده چند نیروگاه برق اتمی تهیه کند و وزارت نیرو بررسی در مورد امکان ساخت نیروگاه در جنوب ایران را آغاز کرد.

• ۱۹۷۴ ـ ایران وامی به مبلغ یک میلیارد دلار به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه داد. از این وام برای ساخت کارخانه غنی‌سازی اورانیوم (متعلق به کنسرسیوم یورودیف) در تریکاستن استفاده شد. در مقابل ایران صاحب ۱۰ درصد از سهام این کارخانه (یورودیف) شد. در این سال همچنین ایران تشکیل سازمان انرژی اتمی ایران را اعلام کرد. سرپرست این سازمان دکتر اکبر اعتماد بود که در سوئیس در رشته فیزیک تحصیل کرده بود. شاه در سخنانی گفت که نه فقط ایران بلکه کشورهای منطقه نیز نباید به دنبال ایجاد زرادخانه سلاح هسته‌ای باشند این سخنان سبب شد، که در این سال تداوم اقبال جهانی به ایران در زمینه هسته‌ای ادامه یابد و دکتر دیکسی

لی، رئیس کمیسیون انرژی اتمی آمریکا از امکان تأسیس یک مرکز منطقه‌ای برای غنی‌سازی و بازفرآوری اورانیوم در ایران سخن گفت. همچنین پس از سفر ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هند به ایران، دو کشور بیانیه مشترکی انتشار دادند که در آن از تماس بین سازمان‌های انرژی اتمی دو کشور برای همکاری در این زمینه سخن رفته بود و دریادار اسکار آرماندو کیهیات رئیس پیشین کمیسیون انرژی اتمی آرژانتین به ایران رفت و در مورد انرژی هسته‌ای به ایران مشاوره داد. رئیس کمیسیون انرژی اتمی آمریکا پس از سفر به ایران به این کشور در مورد همکاری‌های آینده آمریکا در زمینه انرژی هسته‌ای اطمینان داد. شاه و اکبر اعتماد به پاریس رفتند و قراردادهایی برای ایجاد پنج نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی، دریافت اورانیوم لازم و نیز تأسیس یک مرکز پژوهشی با فرانسه منعقد کردند. ایران و آمریکا به توافقی مقدماتی برای تحویل دو نیروگاه هسته‌ای و دریافت اورانیوم غنی شده دست یافتند. ایران قراردادی با شرکت کرافت‌ورک اونیون (کا. و. او) برای خرید دو نیروگاه آب تحت فشار ۱۲۰۰ مگاواتی برای نصب در بوشهر امضا کرد. همچنین قراردادی با شرکت فراماتوم فرانسه برای خرید دو نیروگاه ۹۰۰ مگاواتی برای نصب در بندرعباس امضا شد. بر اساس این قراردادها شرکت آلمانی و شرکت فرانسوی اورانیوم غنی شده اولیه را نیز تحویل می‌دهند و نیاز ایران برای دهسال بعد را نیز تأمین می‌کنند. ایران و آمریکا توافق کردند که کمیسیون مشترکی برای تقویت روابط دو کشور در زمینه‌های گوناگون، به‌ویژه در زمینه انرژی هسته‌ای تشکیل دهند. در همین حال قراردادهای موقت برای تحویل سوخت غنی شده برای هشت نیروگاهی که قرار بود آمریکا در ایران بسازد نیز تهیه شد. مجدداً هر دو طرف توافق کردند که از گسترش سلاح‌های هسته‌ای مطابق با پیمان‌نامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری کنند.

• ۱۹۷۵ ـ دانمارک ده کیلوگرم اورانیوم بسیار غنی‌شده و ۲۵ کیلوگرم اورانیوم طبیعی برای استفاده در رآکتور پژوهشی به ایران فروخت. نماینده ایران در کنفرانس خلع سلاح ژنو بر مخالفت ایران با تولید سلاح اتمی تأکید می‌کند. شاه نیز گفت که داشتن سلاح اتمی برای ایران با در نظر گرفتن زرادخانه‌های آمریکا و شوروی «مسخره» است. هنری کیسینجر وزیرخارجه آمریکا و هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد ایران قرارداد تجاری گسترده‌ای را امضا کردند که در آن خرید هشت رآکتور به مبلغ

۶،۴ میلیارد دلار نیز پیش‌بینی شده بود. ایران و هند توافقنامه‌ای برای همکاری‌های هسته‌ای امضا کردند. شاه گفت ایران تمایلی به کسب سلاح‌های هسته‌ای ندارد ولی اگر کشورهای کوچک به ساختن این سلاح‌ها بپردازند ایران ممکن است در سیاست خود بازنگری کند. کمیسیون مشترک ایران و آمریکا در یادداشتی به هنری کیسینجر وزیرخارجه آمریکا اطلاع داد که ایران علاقه‌مند به خرید حداقل چهار راکتور دومنظوره و کارخانه‌های آب‌شیرین کن است که بهای هرکدام یک میلیارد دلار است و قرارداد آن ممکن است به شرکت‌های آمریکایی داده شود. ایران اصرار داشت که تأسیسات بازفرآوری سوخت اتمی در ایران نصب شود. مذاکرات آمریکا و ایران در این مورد ادامه یافت. کمیسیون مشترک ایران و آمریکا در واشنگتن ادامه یافت. وزارت خارجه آمریکا اطلاع داد که دو طرف در مورد استفاده غیرنظامی ایران از انرژی اتمی، که شامل تبادل اطلاعات و تجهیزات و اورانیوم غنی‌شده خواهد بود، پیشرفت‌هایی داشته‌اند. مقامات اداره کل تحقیق و توسعه انرژی آمریکا فهرستی از کشورهایی را که احتمال دستیابی به سلاح هسته‌ای دارند، اعلام کرده‌اند. این کشورها به ترتیب احتمال دسترسی عبارتند از: هند، تایوان، کره جنوبی، پاکستان، اندونزی و ایران.در گزارشی که برای هنری کیسینجر وزیرخارجه آمریکا تهیه شده است گفته می‌شود که یکی از مسائل حل نشده مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا آن است که آیا باید به ایران اجازه بازفرآوری پلوتونیوم تحویلی آمریکا را داد یا نه. ایران از نظر ایجاد یک کارخانه بازفرآوری چند ملیتی استقبال می‌کند ولی می‌خواهد که در صورت موافقت با این امر به ایران اجازه داده شود که خود نیز با «حسن نیت» به بازفرآوری سوخت هسته‌ای بپردازد. در یادداشتی از وزارت حارجه آمریکا گفته شده است که پاکستان انتظار دارد ۵۰ درصد از هزینه ساختن کارخانه بازفرآوری سوخت هسته‌ای خود را از بازفرآوری سوخت مصرف شده ایران و ژاپن جبران کند. یک گروه آلمانی از شرکت کرافت‌ورک اونیون (کا. و. او) کار برای نیروگاه بوشهر را، براساس تفاهم‌نامه امضا شده، شروع کرد. قرارداد این کار در سال ۱۹۷۶ امضا شد. در سال ۱۹۷۵بودجه سازمان انرژی اتمی ایران از ۳۰ میلیون دلار به یک میلیارد دلار در سال افزایش یافت.

• ۱۹۷۶ ـ همکاری شاه با انور سادات در جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، و فشار لابی صهیونیستی به کشورهای غربی باعث گشایش فاز جدیدی از فعالیت‌های هسته‌ای

با کشورهای غیر آمریکایی و غیر اروپایی شد از همین رو در سال ۱۹۷۶ یک قرارداد محرمانه سنگین برای خرید برخی تجهیزات و مواد اولیه هسته‌ای با افریقای جنوبی به امضا رسید. در این دوران با توجه به شرایط و معادلات جهانی و نوع ارتباطی که حکومت پهلوی با قدرت‌های جهانی به خصوص ایالات متحده و سایر کشورهای مهم جهان داشت، آنها مشکلی در هسته‌ای شدن ایران نمی‌دیدند و برای ورود به فعالیت‌های هسته‌ای ایران با هم رقابت می‌کردند. آمریکا نیز که اصلی‌ترین مخالف برنامه هسته‌ای ایران است، اولین کشوری بود که ایران را برای دستیابی به این توانایی تشویق و حمایت می‌کرد. ایران تمایل خود را به دستیابی به فناوری غنی‌سازی اورانیوم ابراز کرد. ایران قصد داشت یک دستگاه غنی‌ساز لیزری از شرکت آمریکایی لیشم بخرد. رئیس بخش صادرات وزارت انرژی آمریکا گفت که ما مطمئن هستیم که این سیستم کارآیی برای غنی‌سازی اورانیوم نیست و کارشناسان ما مشکلی با این معامله ندارند. آفریقای جنوبی با فروش ۷۰۰ میلیون دلار کیک زرد به ایران در مقابل تأمین اعتبار برای کارخانه غنی‌سازی اورانیوم موافقت کرد. شرکت کرافت‌ورک اونیون برنده قرارداد ساخت نیروگاه هسته‌ای در ایران شد و سفارشی برای تحویل چهار مولد بخار به شرکت ایتالیایی آنسالدو داد. جفری ارکنز کارشناسی که در پروژه‌های محرمانه غنی‌سازی اورانیوم آمریکا کار می‌کرد به ایران سفر کرد تا مذاکراتی در مورد تحویل یک سیستم غنی‌سازی لیزری که خودش طرح کرده است با ایران انجام دهد. آمریکا ۲۲۶ کیلوگرم اورانیوم تضعیف شده برای استفاده به عنوان وزنه تعادل در هواپیما به ایران داد. سازمان انرژی اتمی ایران قراردادی به مبلغ ۷،۸ میلیارد دلار با شرکت کرافت‌ورک اونیون برای ساخت نیروگاه بوشهر امضا کرد. این قرارداد شامل ساخت دو واحد آب سبک تحت فشار هریک با بازده ۱۲۹۶ مگاوات است. همچنین قراردادهایی برای تحویل ۲۰۰هزار مترمکعب آب خالص و سوخت مورد نیاز برای نیروگاه امضا شد. مذاکرات ایران و آمریکا پس از اختلاف بر سر تضمین‌های ایمنی قطع شد. والری ژیسکاردستن رئیس‌جمهور فرانسه با تحویل فوری دو رآکتور و تحویل آتی شش رآکتور دیگر به ایران موافقت کرد.

• ۱۹۷۷ ـ ایران با پرداخت ۱۸۰ میلیون دلار برای دریافت خدمات غنی‌سازی آتی از کارخانه کنسرسیوم اورودیف واقع در تریکاستن موافقت کرد. آمریکا و ایران

قراردادی برای مبادله فناوری هسته‌ای و همکاری در ایمنی هسته‌ای امضا کردند. ژان پیر فوکارد وزیر تجهیزات فرانسه برای مذاکره در مورد فروش شش رآکتور هسته‌ای به قیمت ۷ میلیارد دلار به ایران سفر کرد. فرانسه موافقت کرد که دو نیروگاه هسته‌ای ۹۰۰ مگاواتی به مبلغ دو میلیارد دلار برای ایران بسازد. قرار بود این نیروگاه‌ها در دارخوین، بر کرانه کارون و نزدیک اهواز ساخته شود. سازمان انرژی اتمی ایران دو میلیارد دلار به شرکت‌های فرانسوی فراماتوم، اسپی ـ باتینیول و آلستوم ـ آتلانتیک برای ساخت نیروگاه دارخوین پرداخت کرد. در سال ۱۹۷۶ پس از رقابت‌های بسیار و براساس قراردادی مشترک، انگلیس و فرانسه مشترکاً تحقیقات برای احداث تأسیسات هسته‌ای در اصفهان (پیرامون چرخه سوخت هسته‌ای) را آغاز کردند. ایران و آمریکا مذاکرات برای همکاری هسته‌ای چند میلیارد دلاری را از سر گرفتند. ایران اعلام کرد که قصدی برای ساختن مرکز بازفرآوری ندارد. فرانسه با فروش دو نیروگاه هسته‌ای و تربیت ۳۵۰ کارشناس ایرانی موافقت کرد. ایران و فرانسه قرارداد خرید دو رآکتور را نهایی کردند. ایران نامه‌ای مشروط مبنی بر قصد خرید چهار رآکتور ۱۲۰۰ مگاواتی دیگر به شرکت کرافت‌ورک اونیون ارسال کرد. وزارت خارجه آمریکا در یادداشتی به رئیس‌جمهور کارتر پیشنهاد کرد که او در دیدار خود با شاه موضوع توافق دوجانبه هسته‌ای بین دو کشور را مطرح کند. دولت آلمان غربی مجوز فروش چهار رآکتور دیگر برای ایران را به شرکت کرافت‌ورک اونیون داد.

• ۱۹۷۸ ـ وزارت انرژی آمریکا به جفری ارکنز مجوزی را برای فروش چهار دستگاه لیزری به ایران داد. در درخواست ارکنز گفته می‌شد که از این دستگاه‌ها در پژوهش مربوط به پلاسما استفاده خواهد شد. این دستگاه‌ها را ارکنز برای غنی‌سازی اورانیوم طرح کرده بود. وزارت انرژی به دلیل این‌که روش لیزری را دارای کارآیی برای غنی‌سازی نمی‌دانست با صدور مجوز موافقت کرد. جیمی کارتر و شاه به توافقی در مسائل حل نشده همکاری هسته‌ای بین دو کشور رسیدند. بر پایه این توافق ایران قبول کرد که ترتیبات ایمنی بیشتری را نسبت به آن‌چه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌خواهد بپذیرد. آمریکا نیز پذیرفت که در امور مربوط به بازفرآوری سوخت اتمی به ایران وضعیت «کاملةالوداد» اعطا کند. جیمی کارتر و شاه به توافقی در برنامه فروش شش تا هشت رآکتور آب سبک به ایران، به شرط موافقت کنگره آمریکا، رسیدند. ایران

و آمریکا توافقی را در مورد همکاری هسته‌ای امضا کردند. شاه خرید چهار راکتور دیگر از کرافت‌ورک اونیون را به تعویق انداخت. اکبر اعتماد پس از اتهامات مربوط به سوء مدیریت و اختلاس استعفا کرد. دکتر احمد ستوده‌نیا جانشین او شد. جیمز شلزینجر وزیر انرژی آمریکا یادداشتی برای رئیس‌جمهور آمریکا فرستاد و در آن خواستار شد تا قرارداد هسته‌ای ایران به امضای رسمی رئیس‌جمهور برسد تا ظرف ۶۰ روز به کنگره آمریکا تسلیم شود. در سندی محرمانه از وزارت خارجه آمریکا گفته شده که آمریکا از کوشش‌های ایران برای گسترش پایه‌های انرژی غیر نفتی خود دلگرم شده است و امیدوار است که موافقتنامه انرژی هسته‌ای ایران و آمریکا بزودی به تصویب برسد و شرکت‌های آمریکایی بتوانند نقشی در پروژه‌های انرژی هسته‌ای ایران به عهده بگیرند. این موافقتنامه در ۱۰ ژوئن به تصویب اولیه دو کشور رسیده است و ناظر است بر صدور و انتقال تجهیزات و مواد مربوط به برنامه انرژی هسته‌ای ایران. یکی از نکات مهم این موافقتنامه نحوه موافقت آمریکا با روش برخورد به سوخت مصرف شده است. ایران خواستار «برخورد بدون تبعیض در این زمینه» است. موافقتنامه به رئیس‌جمهور آمریکا داده شده تا پس از تصویب او به کنگره ارسال شود. قرارداد دو جانبه ایران و آمریکا نخستین موافقتنامه هسته‌ای است که پس از تصویب قانون منع گسترش سال ۱۹۷۸ به کنگره آمریکا ارسال می‌شود.

هـ ـ گاهشمار فعالیتهای هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی[1]

• ۱۹۷۹ ـ با پیروزی انقلاب اسلامی شرایط علیه ایران تغییر کرد و همان دولت‌هایی

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

الف ـ **تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان**، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶

ب ـ سایتهای زیر به عنوان منبع مورد استفاده برای مطالب این بخش

http://andishe-ap.org/index.php/foreign-policy/94-nuclear-calendar

http://sead123.tebyan.net/viewPost.aspx?PostID=43716

http://www.dw.de%D9%86-%D9%BE%DB%8C%D8%B4-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8/a-16266752

http://www.iranian-americans.com/persian/2013/12/1639.html

http://www.rohama.org/fa/news/9290/

http://www.irannuclear.net/?page_id=49

http://bamdadkhabar.com/2012/04/2332

که زمانی دسترسی ایران به سوخت هسته‌ای را فاقد هرگونه مشکل و حتی در راستای منافع خود در خاورمیانه تعریف می‌کردند، با سقوط شاه به مخالفان سرسخت دستیابی ایران به این انرژی تبدیل شدند.

• ۱۹۷۹ ـ آمریکا، بخاطر انقلاب اسلامی در ایران، تحویل اورانیوم بسیار غنی‌شده را به این کشور متوقف کرد. ایران توافقنامه خود با کنسرسیوم اورودیف را لغو کرد و خواستار آن شد که وام یک میلیارد دلاری این کشور که برای تکمیل نیروگاه تریکاستن داده شده بود، بازپس داده شود. همچنین ایران پرداخت‌های خود به اورودیف را که برای خدمات غنی‌سازی اورانیوم از سال ۱۹۷۷ آغاز شده بود متوقف کرد. ایران معامله خود با فرانسوی‌ها برای ساختن یک نیروگاه برق هسته‌ای در دارخوین (نزدیک اهواز) را لغو کرد. اورودیف از ایران به دادگاه داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس شکایت کرد. این دادگاه رای به توقیف اموال و دارایی‌های ایران در اورودیف داد. ایران وامی را که در زمان شاه به اورودیف داده شده بود محکوم دانست. حداقل یک دهم (از نظر تُناژ) از تجهیزات لازم برای نیروگاه بوشهر قبل از توقف پروژه از آلمان غربی به ایران حمل شده است. شرکت کرافت‌ورک اونیون کار در نیروگاه بوشهر را متوقف کرده است و دولت آلمان غربی از دادن مجوز صدور به تجهیزات نیروگاه امتناع می‌کند. با خروج شاه از ایران کار بر روی دو نیروگاه بوشهر هریک با ظرفیت ۱۲۹۳ مگاوات متوقف شده است و با وجود درخواست ایران برای ادامه کار، دولت آلمان اجازه صدور به تجهیزات را نمی‌دهد. مجله بررسی اقتصادی خاورمیانه گزارش می‌دهد که ایران به‌دنبال خرید یک راکتور تحقیقاتی ۳۰ مگاواتی است. به ادعای روزنامه آبزرور چاپ لندن، ایران مخفیانه از نامیبیا اورانیوم می‌خرد. (گفته می‌شد که ایران از ۱۹۷۶ قراردادی سری با آفریقای جنوبی برای خرید اورانیوم داشت که تا سال ۱۹۸۹ ادامه یافت.) ایران قراردادهای شاه با فرانسه برای ساختن راکتورهای هسته‌ای را باطل اعلام کرد. شرکت فرام‌آتوم فرانسه که از ماه اکتبر ۱۹۷۸ بدون دریافت مبلغی کار می‌کرد کار خود در ایران را تعطیل کرد. شرکت کرافت‌ورک اونیون نیز تمام کارکنان ایرانی خود را اخراج کرد. ایران کار ساختن دو نیروگاه فرانسوی را متوقف کرد. دو نیروگاهی که آلمان در ایران می‌سازد در مرحله پیشرفته‌تری نسبت به نیروگاه‌های فرانسوی قرار دارند

و انتظار می‌رود که به موقع حاضر شوند. فریدون سحابی معاون وزارت نیرو و سرپرست سازمان انرژی اتمی ایران اعلام کرد که این سازمان بخش مهمی از فعالیت‌های خود را کاهش خواهد داد و کار ساخت دو نیروگاه که آلمان غربی در بوشهر می‌سازد ادامه خواهد یافت اگرچه همه پروژه‌های نیروگاهی دیگر متوقف خواهد شد.

• ۱۹۸۰ ـ ۱۹۸۸ـ با پیروزی انقلاب اسلامی، عملیات ساخت نیروگاه‌ها عملاً متوقف، و در طول جنگ تحمیلی تأسیسات موجود چندین بار مورد حمله هوایی عراق قرار گرفت.

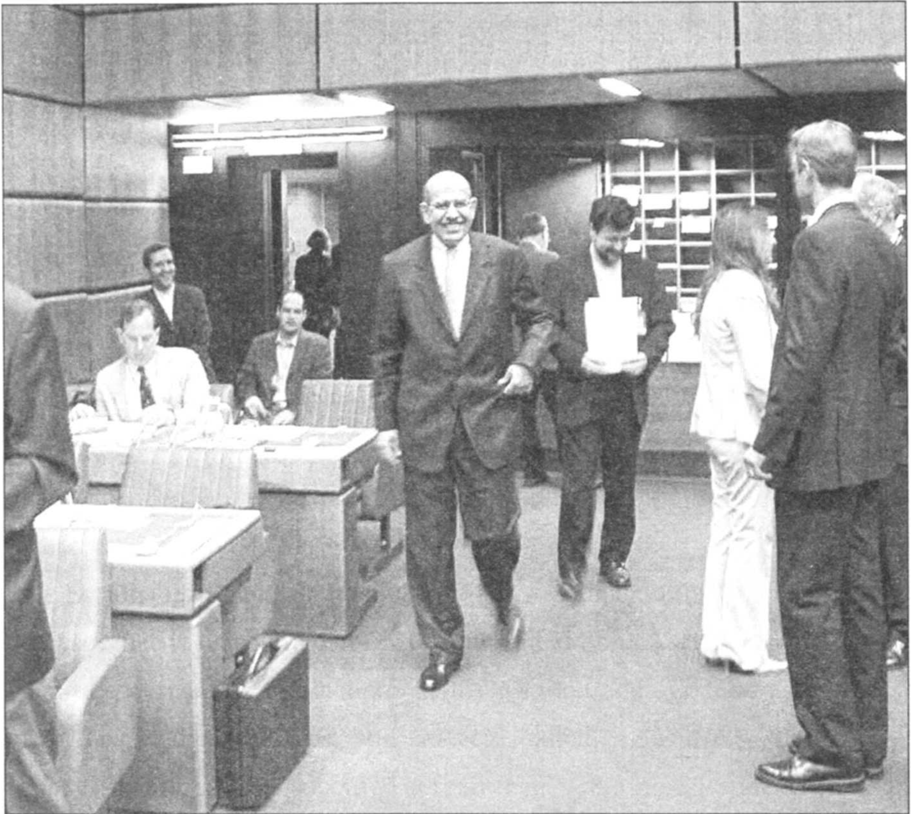
• ۱۹۸۸ ـ پس از جنگ ایران خواستار ادامه کار از سوی آلمانی‌ها در نیروگاه بوشهر شد که اروپایی‌ها تحت فشار آمریکا از ادامه همکاری هسته‌ای با ایران اعلام انصراف کردند. در نتیجه قراردادی با روسیه برای به انجام رساندن کار نیروگاه بوشهر امضا شد.

• از سال ۱۹۹۸ با ساخت وسایل مورد نیاز در داخل و وارد کردن برخی از قطعات از خارج ایران موفق به انجام آزمایش‌های مربوطه در محیط آزمایشگاهی شد.

• ۲۰۰۱ ـ پس از موفقیت در مقیاس آزمایشگاهی و دستیابی به دانش و فناوری هسته‌ای از این سال به بعد این دانش عملیاتی شد و ایران توانست فرآیند غنی‌سازی و چرخه سوخت اتمی را اجرایی کند.

• ۲۰۰۲ ـ جمهوری اسلامی ایران در شهریور ماه ۱۳۸۱ در سخنرانی جناب آقای آقازاده رئیس سازمان انرژی اتمی رسماً قصد خود برای ورود به فعالیتهای چرخه سوخت را اعلام داشت و متعاقباً طی تعاملات با دبیرخانه آژانس بین‌المللی مقدمات اعلام فعالیتهای خود در این زمینه را فراهم ساخت.

• ۲۰۰۲ ـ انتشار خبر کذب مبنی بر وجود برنامه تولید جنگ‌افزار هسته‌ای در ایران توسط یکی از منافقین در تاریخ ۸۱/۵/۲۳ و پخش تصاویر ماهواره‌ای در خصوص دو مرکز نطنز و اراک بر مبنای گزارش موسسه علم و امنیت بین‌المللی آمریکا در شبکه C.N.N در تاریخ ۸۱/۹/۲۱ سبب شد برنامه‌های چرخه سوخت کشورمان جنبه خبری بی‌سابقه‌ای به خود گیرد و از ماهیت فنی و معمول خود خارج و ماهیت سیاسی گیرد.



البرادعی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جلسه شورای حکام - ۲۰۰۳ - خبرگزاری

- ۲۰۰۳ - موضع‌گیری مثبت البرداعی مبنی بر اعلام اینکه از این خبرها متعجب نشده و از قبل توسط مقامات ایرانی مطلع شده و به زودی به ایران سفر خواهد کرد سبب کاهش شدید هجمه خبری تبلیغاتی غرب و ممانعت از برگزاری جلسه ویژه شورای حکام علیه ایران شد.
- ۲۰۰۳ - بازدید محمد البرادعی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات اتمی نطنز در تاریخ ۸۱/۱۲/۲ و گزارش دبیرکل آژانس به ۳۵ عضو شورای حکام آژانس در مورد قصور ایران در اجرای N.P.T جهت اجلاس ژوئن در تاریخ ۸۲/۳/۱۶
- ۲۰۰۳ - بیانیه پایانی اجلاس ژوئن کشورهای عضو شورای حکام آژانس در خصوص اظهار نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران و درخواست برای همکاری در تاریخ ۸۲/۳/۲۹

• ۲۰۰۳ ـ گزارش محمد البرادعی در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران به اجلاس سپتامبر شورای حکام در تاریخ ۸۲/۶/۴ و قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۳ شورای حکام در مورد اظهار نگرانی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران و درخواست امضای پروتکل الحاقی در تاریخ ۸۲/۶/۲۱

• ۲۰۰۳ ـ موافقت ایران با امضای پروتکل الحاقی در بیانیه تهران با حضور وزرای خارجه سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس در کاخ سعدآباد و درخواست گزارش کامل از ایران در تاریخ ۸۲/۷/۲۹

• ۲۰۰۳ ـ قطعنامه نوامبر ۲۰۰۳ شورای حکام درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران در تاریخ ۸۲/۹/۵



مذاکرات سعدآباد ـ تهران

• ۲۰۰۴ ـ گزارش مدیرکل آژانس برای اجلاس مارس در تاریخ ۸۲/۱۲/۵

• ۲۰۰۴ ـ قطعنامه مارس ۲۰۰۴ در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران و کامل نبودن گزارش ایران در تاریخ ۸۲/۱۲/۲۳

• ۲۰۰۴ ـ بیانیه ۸۳/۳/۲۹ شورای حکام، طی این بیانیه از ایران درخواست گردیده که فعالیت‌های هسته‌ای خود را تعلیق نموده و ابهامات آژانس را بر طرف نماید.

• ۲۰۰۴ ـ در تاریخ ۸۳/۴/۴ جمهوری اسلامی با توجه به بروز اختلاف نظر در مورد توافق پاریس و اروپا تصمیم خود را مبنی بر از سرگیری مونتاژ و ساخت قطعات سانتریفیوژ را اعلام نمود.

• ۲۰۰۴ ـ قطعنامه شورای حکام در ۸۳/۶/۲۷ که از ایران تعلیق غنی‌سازی اورانیوم ـ تصویب پروتکل در مجلس ـ رفع ابهام در مورد آلودگی‌های ۳۶ درصد و ۵۳ درصد و سانتریفیوژهای P۲ را از ایران درخواست کرد.

• ۲۰۰۴ ـ موافقتنامه پاریس در ۸۳/۸/۱۵ امضا گردید که نقطه عطفی برای ازسرگیری مذاکرات بین ایران و اروپا بود. ایران به صورت داوطلبانه پذیرفت غنی‌سازی اورانیوم را تعلیق نموده و اروپا هم قبول کرد تعلیق تا زمان دستیابی به یک توافق مورد پذیرش طرفین به عنوان یک اقدام داوطلبانه اعتمادساز و نه یک الزام حقوقی ادامه یابد.

• ۲۰۰۴ ـ قطعنامه ۸۳/۹/۹ شورای حکام که در آن از سیاست‌های پنهان‌سازی ایران در مورد برخی از فعالیت‌ها مانند تولید گاز هگزا فلوراید اورانیوم انتقاد شد و مسئله تعلیق پایدار غنی‌سازی را از ایران درخواست نمود و هیچ اشاره‌ای به عادی‌سازی پرونده ایران نکرد.

• ۲۰۰۵ ـ قطعنامه ۸۳/۱۲/۲۲ این قطعنامه از عدم تصویب پروتکل در مجلس انتقاد و از ایران خواسته است گزارش کامل و نهایی از فعالیت‌های هسته‌ای خود به آژانس ارائه دهد و ابهامات آژانس در مورد غنی‌سازی لیزری ـ طیف‌سنج‌ها ـ سلول‌های گرم مربوط به راکتور آب سنگین اراک و آزمایش روی پلوتونیوم را برطرف نماید.

• ۲۰۰۵ ـ در تاریخ ۸۴/۵/۱۷ با توجه به عدم پیشرفت مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی کشورمان تصمیم گرفت فعالیت سایت تبدیل UCF اصفهان را آغاز نماید.

• ۲۰۰۵ ـ قطعنامه شورای حکام در تاریخ ۸۴/۷/۲ در این قطعنامه که تنها کشور ونزوئلا به آن رأی منفی داد آژانس خواهان تعلیق کامل غنی‌سازی اورانیوم،توقف ساخت نیروگاه آب سنگین اراک، تعلیق مجدد UCF اصفهان و اختیارات فراتر از آژانس به مدیر کل برای دسترسی به اشخاص، مراکز و اسناد خاص در ایران گردید.

• ۲۰۰۵ ـ در تاریخ ۸۴/۷/۶ مجلس شورای اسلامی به دلیل قطعنامه صادر شده از سوی شورای حکام تصویب نمود که ایران هیچ تعهدی نسبت به اجرای پروتکل الحاقی ندارد.

• ۲۰۰۵ ـ قطعنامه ۸۴/۱۱/۱۶، بر اساس این قطعنامه آژانس از ایران درخواست نمود که کلیه اقدامات غنی‌سازی را تعلیق نموده و با توجه به قصورات ایران در زمینه فعالیت هسته‌ای از دبیرکل خواهان گزارش به شورای امنیت می‌گردد. این قطعنامه با رأی منفی سه کشور عضو عدم تعهد و رأی مثبت اکثر اعضا، من‌جمله روسیه و چین تصویب گردید.

• ۲۰۰۶ ـ در تاریخ ۸۴/۱۱/۲۴ در پی صدور قطعنامه شورای حکام، جمهوری اسلامی ایران فعالیت غنی‌سازی را به صورت تحقیقاتی در سایت نطنز آغاز نمود.

• ۲۰۰۶ ـ متعاقب ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، این شورا در قطعنامه ۱۶۹۶ خود از ایران خواست تا ۹ شهریور ماه فعالیت‌های هسته‌ای خود را تعلیق نماید و در غیر این صورت با تحریم‌های احتمالی دیپلماتیک یا اقتصادی مواجه خواهد شد.

• ۲۰۰۶ ـ با توجه به عدم پذیرش قطعنامه ۱۶۹۶ شورا از تاریخ دوشنبه ۸۵/۱۰/۲ شورای امنیت با استناد به بند ۴۱ فصل ۷ منشور ملل متحد قطعنامه ۱۷۳۷ را علیه جمهوری اسلامی صادر نمود که بر اساس آن در زمینه همکاری‌های اقتصادی و نظامی کشورهای جهان با جمهوری اسلامی محدودیت ایجاد نمودند و دستور توقیف اموال ده سازمان و مؤسسه که در فعالیت‌های هسته‌ای ایران مشارکت داشتند را صادر نمودند و از ۱۲ نفر از شخصیت‌های سیاسی و علمی کشوری به منظور ممنوعیت مسافرت یا نظارت بر مسافرت آنان به خارج از ایران یاد شد. غرب به ایران یک ضرب‌الاجل ۶۰ روزه برای پذیرش مفاد قطعنامه صادر نمود.

• ۲۰۰۷ ـ با رد قطعنامه ۱۷۳۷ از سوی ایران شورا مجدداً قطعنامه دیگری موسوم به ۱۷۴۷ علیه ایران صادر نمود که هر نوع همکاری نظامی با ایران ممنوع و بر مفاد قطعنامه قبلی تأکید و اسامی ۲۸ شخصیت حقیقی و حقوقی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران بیان و خواهان نظارت بر رفتار آنان گردید.

• ۲۰۰۸ ـ باگذشت ۹ ماه از قطعنامه ۱۷۴۷ در روز دوشنبه ۳ مارس ۲۰۰۸ شورای امنیت قطعنامه ۱۸۰۳ را که توسط فرانسه و بریتانیا پیشنهاد شده بود در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران مورد تصویب قرار داد و این قطعنامه از آن جهت که دو کشور روسیه و چین به آن رأی دادند قابل توجه می‌باشد، زیرا آمریکایی‌ها موفق شدند این دو کشور را مجاب به دادن رأی مثبت علیه ایران نمایند در حالی که در گذشته این دو کشور

به دلایل ملاحظات سیاسی خود با آمریکا و اروپا همراهی نمی کردند.

• ۲۰۰۹ ـ پاسخ جمهوری اسلامی به قطعنامه تحریمی شورای امنیت و نادیده گرفتن آن باعث شد که مجدداً این شورا چهارمین قطعنامه تحریمی خود یعنی قطعنامه ۱۸۳۵ را به اتفاق آراء و نبودن حتی یک رأی مخالف علیه ایران تصویب نماید و مصرانه از ایران خواست که کلیه فعالیت‌های غنی‌سازی را به حالت تعلیق درآورد.

• آخرین قطعنامه صادر شده شورای امنیت علیه ایران در تاریخ ۸۹/۳/۱۵ موسوم به قطعنامه ۱۹۲۹ با دو رای منفی ترکیه و برزیل صادر گردید. این قطعنامه در شرایطی صادر شد که قبلاً در پی درخواست ایران از آژانس، ما موافقت خود را جهت مبادله اورانیوم ۳/۵ درصد با ۲۰ درصد جهت راکتور تهران اعلام کرده بودیم و دو کشور برزیل و ترکیه به عنوان میانجی در بیانیه تهران مقدمات این مبادله را فراهم نمودند ولی کشورهای اروپایی و آمریکایی حاضر به پذیرش آن نشدند و به‌رغم وجود زمینه‌ای برای همکاری با ایران قطعنامه مزبور را صادر نمودند و از کشورهای عضو سازمان خواستند که تمام کشتی‌هایی را که به مقصد ایران حرکت می کنند یا متعلق به ایران هستند مورد بازرسی قرار دهند تا کالاهای مندرج در قطعنامه شورا به مقصد ایران حمل نگردد و یا توسط ایران کالای نظامی به دیگر کشورها صادر نگردد. جمهوری اسلامی این قطعنامه را غیرقانونی و بی‌اعتبار دانست.



• ۲۰۱۰ ـ بیانیه تهران در ۱۷ مه ۲۰۱۰ میان ایران، ترکیه و برزیل امضا شد. طبق این بیانیه کشورمان ازجمله پذیرفت که ذخایر ۲۰ درصدی اورانیوم از کشور خارج و به ترکیه منتقل شود.

• ۲۰۱۰ ـ به رغم درخواست آمریکا از برزیل و ترکیه برای انعقاد بیانیه تهران با جمهوری اسلامی ایران، بعد از انعقاد این بیانیه، در اقدامی عجیب آمریکا آنرا رد کرد و اندک زمانی بعد قطعنامه جدید تحریمی (قطعنامه ۱۹۲۹)علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب شورای امنیت رسید.

• ۲۰۱۰ ـ آمریکا در اقدامی یک جانبه روز سه‌شنبه ۳۰ آذر ۱۳۸۹/ ۲۳ دسامبر ۲۰۱۰ تحریم‌هایی علیه بخش کشتیرانی ایران اعمال کرد.

• ۲۰۱۱ ـ مذاکرات استانبول میان ایران و ۱+۵ روزهای جمعه و شنبه اول و دوم بهمن ۱۳۸۹ (۱۲ و ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱) با دستور کار «همکاری حول نقاط مشترک» برگزار شد.

• ۲۰۱۱ ـ اعمال تحریم‌های یک جانبه جدید از سوی دولت آمریکا علیه ایران در روز چهارشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۸۹

• ۲۰۱۱ ـ کاترین اشتون در ۲۲ بهمن ۱۳۸۹/ ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ نامه‌ای به سعید جلیلی نوشت و دیدگاه‌های خود در مذاکرات استانبول را بازخوانی کرد.

• ۲۰۱۱ ـ وزارت خزانه‌داری آمریکا بانک رفاه کارگران را در روز جمعه ۲۹ بهمن ۱۸/۱۳۸۹ فوریه ۲۰۱۱ تحریم کرد.

• ۲۰۱۱ ـ آمریکا در روز سه‌شنبه ۹ فروردین ۱۳۹۰ به طور یک جانبه شرکت بلاروس نفت را به دلیل داشتن روابط تجاری با ایران تحریم کرد.

• ۲۰۱۱ ـ ایران روز ۲۰ فروردین ۱۳۹۰/ ۹ آوریل ۲۰۱۱ اعلام کرد موفق شده پودر دی‌اکسید اورانیوم طبیعی را که سوخت راکتور آب سنگین اراک است، تولید کند.

• ۲۰۱۱ ـ اتحادیه اروپا در روز سه‌شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۰/ ۱۲ آوریل ۲۰۱۱ سی و دو مقام ایرانی را به بهانه نقض حقوق بشر تحریم کرد.

• ۲۰۱۱ ـ آمانو مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روز جمعه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۰/ ۶ مه ۲۰۱۱ به دکتر فریدون عباسی دوانی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نامه‌ای نوشت و در آن خواستار همکاری ایران درباره موضوع مطالعات ادعایی شد.

ایران بر اساس مدالیته توافق شده با آژانس در اوت ۲۰۰۷ مطالعات ادعایی را یک مسئله تمام شده می‌داند.

- ۲۰۱۱ ـ مطابق گزارش مه ۲۰۱۱ آژانس، قلب راکتور بوشهر در ۱۰ مه ۲۰۱۱ بحرانی شد.
- ۲۰۱۱ ـ وزارت خزانه‌داری آمریکا روز سه‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰/ ۱۷ مه ۲۰۱۱ بانک صنعت و معدن را تحریم کرد.
- ۲۰۱۱ ـ اتحادیه اروپا در اجلاس وزاری خارجه خود در روز دوشنبه ۲ خرداد ۱۳۹۰/ ۲۳ مه ۲۰۱۱، ۱۰۰ شرکت و ۵ فرد ایرانی را تحریم کرد.
- ۲۰۱۱ ـ وزارت خارجه آمریکا ۱۶ شرکت را طبق قانون تحریم‌های ایران، کره شمالی و سوریه در ۳ خرداد ۱۳۹۰/ ۲۴ مه ۲۰۱۱ تحریم کرد.
- ۲۰۱۱ ـ وزارت خارجه آمریکا ۷ شرکت را به استناد قانون تحریم بخش انرژی ایران در ۴ خرداد ۱۳۹۰/ ۲۵ مه ۲۰۱۱ تحریم کرد.
- ۲۰۱۱ ـ فریدون عباسی دوانی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در روز ۱۲ خرداد ۱۳۹۰/ ۲ ژوئن ۲۰۱۱ به نامه ۶ مه آمانو پاسخ داد.
- ۲۰۱۱ ـ فریدون عباسی دوانی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در روز چهارشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۰/ ۸ ژوئن ۲۰۱۱ اعلام کرد که غنی‌سازی ۲۰ درصد ۳ برابر شده و به فردو منتقل می‌شود.
- ۲۰۱۱ ـ آمریکا در روز پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۰/ ۹ ژوئن ۲۰۱۱ تحریم‌هایی را علیه نیروی مقاومت بسیج و نیروی انتظامی ایران اعمال کرد.
- ۲۰۱۱ ـ آمریکا در روز پنجشنبه ۳ تیر ۱۳۹۰/ ۲۳ ژوئن ۲۰۱۱ دو شرکت ایران ایر و واتر میدل ایست را تحریم کرد.
- ۲۰۱۱ ـ کاترین اشتون در روز ۱۳ تیر ۱۳۹۰/ ۴ ژوئیه ۲۰۱۱ نامه‌ای به سعید جلیلی نوشت و خواهان از سرگیری مذاکرات با ایران شد. وی در این نامه احتمالاً به دلیل اوج گرفتن انقلاب‌های اسلامی منطقه لحنی ملایم‌تر در پیش گرفت.
- ۲۰۱۱ ـ آمریکا روز شنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۰/ ۹ ژوئیه ۲۰۱۱ اعلام کرد به همراه انگلیس و کانادا ۵۰ دانشمند هسته‌ای و همچنین جمعی از مقام‌های سیاسی و قضایی ایران را مورد تحریم صدور روادید قرار می‌دهد.

• ۲۰۱۱ ـ دکتر علی‌اکبر صالحی وزیر امور خارجه ایران در روز سه‌شنبه ۲۱ تیر ۱۲/۱۳۹۰ ژوئیه ۲۰۱۱ به وین سفر و با یوکیا آمانو مدیر کل آژانس ملاقات کرد. ایران در این دیدار پیشنهاد کرد اگر آژانس اجرای مدالیته اوت ۲۰۰۷ را کامل کند آنگاه وارد مذاکره برای تدوین مدالیته جدیدی در مورد مطالعات ادعایی خواهد شد.



رایزنیهای سیاسی جناب آقای دکتر صالحی و لاوروف ـ ژنو ۲۰۱۱

• ۲۰۱۱ ـ سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه روز ۱۳ ژوئیه ۲۲/۲۰۱۱ تیر ۱۳۹۰ اعلام کرد کشورش یک طرح گام به گام مذاکراتی درباره برنامه هسته‌ای ایران به آمریکا پیشنهاد کرده است که به موازات افزایش همکاری ایران با آژانس تحریم‌ها را کاهش می‌دهد.

• ۲۰۱۱ ـ داریوش رضایی‌نژاد دانشمند ایرانی متخصص برق دانشگاه خواجه نصیر روز شنبه اول مرداد ۲۳/۱۳۹۰ ژوئیه ۲۰۱۱ در خیابان بنی‌هاشم تهران ترور شد و به شهادت رسید.

• ۲۰۱۱ ـ بر اساس گزارش سپتامبر ۲۰۱۱ آژانس، در روز ۱۶ مرداد ۷/۱۳۹۰ اوت ۲۰۱۱ ترتیبات پادمانی فردو بین ایران و آژانس نهایی شد.

• ۲۰۱۱ ـ نیکلای پاتروشف دبیر شورای امنیت روسیه روز دوشنبه ۲۴ مرداد

۱۵/۱۳۹۰ اوت ۲۰۱۱ برای گفت‌وگو با سعید جلیلی همتای ایرانی خود و ارائه یک طرح هسته‌ای جدید به ایران وارد تهران شد.

• ۲۰۱۱ ـ دکتر علی‌اکبر صالحی وزیر خارجه ایران روز چهارشنبه ۲۶ مرداد ۱۷/۱۳۹۰ اوت ۲۰۱۱ به مسکو سفر کرد و در این سفر طی دیداری با سرگئی لاوروف وزیرخارجه روسیه طرح هسته‌ای گام به گام این کشور را دریافت کرد.

• ۲۰۱۱ ـ فریدون عباسی‌دوانی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در روز شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۰/ ۲۰ اوت ۲۰۱۱ اعلام کرد انتقال ماشین‌های سانتریفیوژ به فردو آغاز شده است. هرمان ناکارتس معاون امور پادمان یوکیا آمانو ۱۴-۱۹ اوت ۲۰۱۱ به مدت ۵ روز به ایران سفر کرد و در این مدت از تمام تأسیسات هسته‌ای ایران بازدید کرد.گزارش اجرای پادمان در ایران از سوی یوکیا آمانو در ۲ سپتامبر ۲۰۱۱/ ۱۱ شهریور ۱۳۹۰ منتشر شد.

• ۲۰۱۱ ـ نیروگاه بوشهر در روز یکشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۰ برای نخستین بار با توان ۶۰ مگاوات به شبکه برق سراسری متصل شد. نیروگاه بوشهر با حضور سرگی اشماتکو وزیر انرژی روسیه و سرگی کرینکو رئیس روس اتم در روز دوشنبه ۲۱ شهریور ۱۲/۱۳۹۰ سپتامبر ۲۰۱۱ به طور رسمی با توان ۴۰۰ مگاوات به شبکه برق سراسری وصل شد.

• ۲۰۱۱ ـ سعید جلیلی در روز سه‌شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۰/ ۶ سپتامبر ۲۰۱۱ به نامه ۱۳ تیر/ ۴ ژوئیه کاترین اشتون پاسخ داد. جلیلی در پاسخ خود تأکید کرد آماده از سرگیری مذاکرات است.

• ۲۰۱۱ ـ رئیس جمهور در روز چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۰/ ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ در گفت‌وگو با نیویورک‌تایمز اعلام کرد که ایران آماده است در ازای دریافت سوخت ۲۰ درصد، غنی‌سازی ۲۰ درصد را در ایران متوقف کند.

• ۲۰۱۱ ـ گروه ۱+۵ با برگزاری نشستی در نیویورک در تاریخ چهارشنبه ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱/ ۳۰ شهریور ۱۳۹۰ آخرین وضعیت پرونده هسته‌ای ایران را بررسی کرد. کاترین اشتون پس از این نشست با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد این گروه رویکرد گام به گام روسیه را قبول دارد.

• ۲۰۱۱ ـ اتحادیه اروپا روز دوشنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۰/ ۱۰ اکتبر ۲۰۱۱، نام ۲۹ مقام ایرانی را به فهرست تحریم‌های خود اضافه کرد.

• ۲۰۱۱ ـ آمریکا روز چهارشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۰/ ۱۲ اکتبر ۲۰۱۱ هواپیمایی ماهان را به بهانه ارتباط با نیروی قدس سپاه تحریم کرد.

• ۲۰۱۱ ـ وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور بیانیه‌ای نام ۵ ایرانی را به اتهام مشارکت در طراحی ترور سفیر عربستان در واشینگتن در فهرست تحریم‌های خود قرار داد. اتحادیه اروپا در روز جمعه ۲۹ مهر ۱۳۹۰/ ۲۱ اکتبر ۲۰۱۱، نام ۵ ایرانی را به استناد ادعای آمریکا در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.



رایزنیهای سیاسی جناب آقای دکتر صالحی وزیر وقت امورخارجه ـ ژنو ۲۰۱۱

• ۲۰۱۱ ـ ایران در نامه‌ای به تاریخ ۳۰ اکتبر ۲۰۱۱ (۸ آبان ۱۳۹۰) آمادگی خود را برای پاسخگویی به هر گونه سؤال و ابهام درباره موضوع مطالعات ادعایی رسماً به آمانو اعلام کرد اما آمانو ضمن لغو سفر ناکارتس به تهران این نامه را رد کرد.

• ۲۰۱۱ ـ یوکیا آمانو با انتشار گزارشی غیر فنی و غیر حقوقی علیه ایران در روز سه‌شنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۰/ ۸ نوامبر ۲۰۱۱ ایران را متهم به پی گیری برنامه ساخت سلاح هسته‌ای کرد.

• ۲۰۱۱ ـ آمریکا، کانادا، انگلیس و فرانسه در روز دوشنبه ۳۰ آن ۱۳۹۰/ ۲۱ نوامبر تحریم‌هایی یک‌جانبه علیه بخش بانکی و پتروشیمی ایران اعمال کردند.

• ۲۰۱۱ ـ نیکلا سارکوزی رئیس جمهور فرانسه در روز دوشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۰/ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ از رهبران کشورهای جهان خواست بانک مرکزی و خرید نفت ایران را تحریم کنند.

• ۲۰۱۱ ـ اتحادیه اروپا ۱۸۰ شخصیت حقیقی و حقوقی ایرانی را به دنبال گزارش نوامبر ۲۰۱۱ آمانو در روز پنجشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۰/اول دسامبر ۲۰۱۱ تحریم کرد.

• ۲۰۱۱ ـ سنای آمریکا با تصویب قانونی در تاریخ ۱۰ آذر/ اول دسامبر خواهان مجازات کشورها و نهادهای خریدار نفت یا معامله کننده با بانک مرکزی ایران شد. دولت آمریکا با این اقدام به شدت مخالفت کرد.

• ۲۰۱۱ ـ ایران در روزهای ۱۸ و ۲۳ آذر ۱۳۹۰ (۹ و ۱۴ دسامبر ۲۰۱۱) با نگارش دو نامه خطاب به یوکیا آمانو مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از بازرسان آژانس برای سفر به ایران دعوت کرد.

• ۲۰۱۱ ـ دولت آمریکا روز چهارشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۰/ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۱ سیدحسن فیروزآبادی و عباس عراقی دو فرمانده نظامی ایران را با ادعای نقض حقوق بشر به فهرست تحریم‌های خود اضافه کرد.

• ۲۰۱۱ ـ مجلس نمایندگان آمریکا روز چهارشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۰/ ۱۴ دسامبر ۲۰۱۱ قانونی درباره تحریم بانک مرکزی ایران تصویب کرد.سنای آمریکا روز پنجشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۰/ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱ با تصویب قانونی که در واقع تلفیق قانون اول دسامبر سنا و قانون ۱۴ دسامبر مجلس نمایندگان بود،به دولت آمریکا اجازه داد در صورتی که لازم بداند معامله‌کنندگان با بانک مرکزی ایران را مجازات کند.

• ۲۰۱۱ ـ دولت سوئیس در روز پنجشنبه اول دی ۱۳۹۰/ ۲۲ دسامبر ۲۰۱۱، ۱۸۰ شخصیت حقیقی و حقوقی ایرانی را به طور یک‌جانبه تحریم کرد. سوئیس در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۱/ ۲۷ آبان ۱۳۹۰، هم ۱۱۶ شخصیت حقیقی و حقوقی ایرانی را تحریم کرده بود.

• ۲۰۱۱ ـ باراک اوباما در روز شنبه ۱۰ دی ۱۳۹۰/ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ قانون تحریم بانک مرکزی ایران را امضا کرد.

• ۲۰۱۲ ـ مصطفی احمدی روشن، معاون بازرگانی شرکت کالای الکتریک تأسیسات نطنز صبح روز چهارشنبه ۲۱ دی ۱۳۹۰/ ۱۱ ژانویه ۲۰۱۲ هدف تیم‌های

تروریستی سیا و موساد در تهران قرار گرفت و به شهادت رسید.

• ۲۰۱۲ ـ رابرت آینهورن مشاور وزیر خارجه آمریکا در امور خلع سلاح به همراه دانیل گلاسر معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا روز چهارشنبه ۲۸ دی ۱۳۹۰ (۱۸ ژانویه ۲۰۱۲) برای گفت‌وگو درباره تحریم‌های ایران وارد ژاپن شدند.

• ۲۰۱۲ ـ علی باقری معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران روز پنجشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۰ (۱۹ ژانویه ۲۰۱۲) به روسیه سفر کرد. در این سفر درباره طرح گام به گام اصلاح شده روسیه، مسئله افغانستان و مسئله سوریه گفت وگو شد. علی باقری در روز جمعه ۳۰ دی ۱۳۹۰ (۲۰ ژانویه ۲۰۱۲) وارد پکن شد.

• ۲۰۱۲ ـ اتحادیه اروپا در روز دوشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۰ (۲۳ ژانویه ۲۰۱۲) خرید نفت از ایران و همچنین معامله با بانک مرکزی ایران را تحریم کرد. این تحریم‌ها از ۶ ماه بعد اجرایی خواهد شد.

• ۲۰۱۲ ـ دولت آمریکا در روز دوشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۰ (۲۳ ژانویه ۲۰۱۲) با صدور بیانیه‌ای بانک تجارت و ۲۳ مقام ایرانی دخیل در مدیریت‌های اقتصادی را تحریم کرد.

• ۲۰۱۲ ـ کوین راد وزیر خارجه استرالیا روز سه‌شنبه ۴ بهمن ۱۳۹۰ (۲۴ ژانویه ۲۰۱۲) اعلام کرد این کشور واردات نفت از ایران را قطع می‌کند.

• ۲۰۱۲ ـ سران اتحادیه اروپا در نشست روز دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۰ (۳۰ ژانویه ۲۰۱۲) تحریم نفت و بانک مرکزی ایران را تصویب کردند.

• ۲۰۱۲ ـ انگلا مرکل صدراعظم آلمان در روز چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۰ (اول فوریه ۲۰۱۲) سفر خود به چین را آغاز کرد. مرکل اعلام کرده در این سفر پی‌گیر کاهش واردات نفت چین از ایران خواهد شد.

• ۲۰۱۲ ـ هیأتی از ژاپن برای مذاکره درباره معاف شدن از تحریم‌های بانکی آمریکا در روز پنجشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۰ (۲ فوریه ۲۰۱۲) عازم واشنگتن شد.

• ۲۰۱۲ ـ آنگلا مرکل در روز جمعه ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ (۳ فوریه ۲۰۱۱) با هوجین‌تائو رئیس جمهور چین ملاقات کرد. هوجین‌تائو در این ملاقات درخواست مرکل برای کاهش روابط تجاری با ایران را رد کرد.

• ۲۰۱۲ ـ باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا روز یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۰ (۵ فوریه

۲۰۱۲) قانون مسدود شدن دارایی‌های بانک مرکزی ایران در آمریکا را ابلاغ کرد.

• ۲۰۱۲ـ در روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۰ (۱۵ فوریه ۲۰۱۲) در مراسمی اولین سوخت ۲۰ درصد در راکتور تحقیقاتی تهران جای‌گذاری شد.

• ۲۰۱۲ ـ دکتر سعید جلیلی در روز سه‌شنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۰ (۱۴ فوریه ۲۰۱۲) به نامه کاترین اشتون که در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۱ ارسال شده بود پاسخ داد. جلیلی در این نامه تأکید کرد ایران آماده مذاکره با ۱+۵ درباره برنامه هسته‌ای خود است.

• ۲۰۱۲ ـ ایران در روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۰ (۱۵ فوریه ۲۰۱۲) اعلام کرد نسل چهارم ماشین‌های سانتریفیوژ را تولید کرده است.

• ۲۰۱۲ ـ ایران در روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۰ (۱۵ فوریه ۲۰۱۲) با احضار سفرای ۶ کشور اروپایی اسپانیا، ایتالیا، فرانسه، یونان، هلند و پرتغال به وزارت خارجه به آنها اعلام کرد چنانچه در زمانی کوتاه خرید نفت از ایران را در چارچوب قراردادهای بلندمدت قرار ندهند، وصول پول نفت به ایران را تضمین نکنند و لغو یکطرفه قراردادهای نفتی با ایران را منتفی ننمایند، صادرات نفت از سوی ایران به این کشورها قطع خواهد شد.

• ۲۰۱۲ ـ ایهود باراک وزیر دفاع رژیم صهیونیستی روز شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۰ (۱۸ فوریه ۲۰۱۲) با سفر به ژاپن از این کشور خواست در اعمال تحریم‌های شدیدتر بر ایران همکاری بیشتری بکند.

• ۲۰۱۲ ـ ایران در روز یکشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۰ (۱۹ فوریه ۲۰۱۲) صادرات نفت به شرکت‌های انگلیسی و فرانسوی را قطع کرد.

• ۲۰۱۲ ـ بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی روز سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۰ (۶ مارس ۲۰۱۲) طی سخنانی در اجلاس آیپک گفت اسرائیل درباره ایران به تنهایی تصمیم می‌گیرد.

• ۲۰۱۲ ـ کاترین اشتون، رئیس گروه مذاکره‌کننده ۱+۵ با ایران در روز سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۰ (۶ مارس ۲۰۱۲) به نامه ۱۴ فوریه ۲۰۱۲ دکتر جلیلی پاسخ داد.

• ۲۰۱۲ ـ دیوید کامرون نخست وزیر انگلیس برای دیداری دور روزه از آمریکا در روز سه‌شنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۰ (۱۳مارس ۲۰۱۲) وارد واشنگتن شد. وی اعلام کرد در مورد نادرست بودن جنگ با ایران با آمریکا هم نظر است.

• ۲۰۱۲ ـ سعید جلیلی در نامه‌ای به تاریخ چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۰ (۱۴ مارس ۲۰۱۲) به نامه ۱۶ اسفند کاترین اشتون پاسخ داد.



• ۲۰۱۲ ـ شرکت ارتباطات بین‌المللی بین بانکی روز پنجشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۰ (۱۵ مارس ۲۰۱۲) با صدور بیانیه‌هایی اعلام کرد خدمات دهی به افراد، موسسات و بانک‌های ایرانی تحت تحریم اتحادیه اروپا را قطع می کند.

• ۲۰۱۲ ـ دولت آمریکا روز سه‌شنبه اول فروردین ۱۳۹۰ (۲۰ مارس ۲۰۱۲) ژاپن، بلژیک، انگلیس، جمهوری چک، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، هلند، لهستان و اسپانیا را از تحریم‌های اقتصادی آمریکا مستثنی کرد.

• ۲۰۱۲ ـ اتحادیه اروپا روز جمعه ۴ فروردین ۱۳۹۱ (۲۳ مارس ۲۰۱۲) ۱۷ مقام ایرانی از جمله رئیس سازمان صدا و سیما و معاون سیاسی وزارت کشور را به اتهام نقض حقوق بشر تحریم کرد.

• ۲۰۱۲ ـ وزارت خزانه‌داری آمریکا روز سه‌شنبه ۸ فروردین ۱۳۹۱ (۲۷ مارس ۲۰۱۲) باصدور بیانیه‌ای شرکت‌های یاس‌ایر و بهینه‌تجارت و همچنین ۳ فرد را که ادعا شده عضو نیروی قدس هستند به اتهام انتقال سلاح به آفریقا تحریم کرد.

• ۲۰۱۲ـ با روی کار آمدن سعید جلیلی به عنوان دبیر شورایعالی امنیت ملی مذاکرات ایران و ۱+۵ چند بار بین دو طرف برگزار شد. در این راستا ایران و کشورهای ۱+۵ از سال ۱۳۸۷ تا تغییر دولت در سال ۱۳۹۲، ۳ دور مذاکره در ژنو، ۳ دور در استانبول، یک دور در بغداد، یک دور در مسکو، ۲ دور در آلماتی مذاکره کردند. مذاکرات ژنو ۱، ۲ و ۳ به ترتیب در تیرماه ۱۳۸۷، مهرماه ۱۳۸۸ و آذرماه ۱۳۸۹ برگزار شدند. استانبول در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۹ و پس از آن در ۲۶ فروردین‌ماه سال ۱۳۹۱ میزبان ۲ دور بعدی این مذاکرات بود دور سوم نیز اردیبهشت ۱۳۹۲ بین سعید جلیلی و اشتون برگزار شد. بغداد در سوم و چهارم خرداد ماه سال ۱۳۹۱ میزبان بعدی این مذاکرات بود و پس از آن دو دور مذاکره به ترتیب در تاریخ‌های ۲۹ و ۳۰ خرداد ماه در مسکو برگزار شدند.

• ۲۰۱۳ ـ ایران و کشورهای ۱+۵ در آخرین مذاکراتی که در این راستا برگزار کرده‌اند روزهای ۸ و ۹ اسفند ۱۳۹۱ در شهر آلماتی پایتخت قزاقستان و در روزهای ۱۶ و ۱۷ فروردین ۱۳۹۲ مجدداً در همین شهر دو بار با یکدیگر دیدار کردند.



وزرای خارجه ۱+۵ و وزیر خارجه کشورمان هنگام امضای توافق ژنو ـ ۳ آذر ۱۳۹۲

فصل پنجم

دولت یازدهم و برنامه اقدام ژنو

الف ـ مقدمه

برنامه هسته‌ای ایران که از ۱۰ سال قبل همواره یکی از مهم‌ترین اخبار رسانه‌های جهان بوده است، در شرایطی به دولت یازدهم رسید که بیش از ۱۲ قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه برنامه هسته‌ای کشورمان به تصویب رسیده و طی آنها درخواستهای مشخصی از کشورمان از جمله تعلیق کلیه فعالیت‌های غنی‌سازی و اجرای پروتکل الحاقی به صراحت ذکر شده است. علاوه بر این طی یک فرآیند غیرقانونی موضوع به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع و درقالب یک بیانیه رئیس و ۶ قطعنامه شورای امنیت تحریم‌های ناعادلانه‌ای علیه کشورمان وضع شده و خواسته‌های مشخصی از جمله تعلیق کلیه فعالیت‌های هسته‌ای و تصویب و اجرای بدون قید و شرط پروتکل الحاقی مطرح شده است.

به رغم وجود این شرایط، از ابتدای شروع کار دولت یازدهم، پرونده هسته‌ای کشورمان وارد مرحله تازه‌ای شد. دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم، حدود یکصد روز بعد از روی کار آمدن این دولت به توافقی با عنوان «برنامه اقدام مشترک ژنو» برای حل بحران غیرضرور هسته‌ای منجر شد. این توافق بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه،روسیه، چین و آلمان تحت عنوان ۱+۵ در تاریخ در سوم آذر

سال ۱۳۹۲ (۲۴ نوامبر ۲۰۱۳) منعقد گردید. بعد از سه دور مذاکره کارشناسی و یک دور مذاکره در سطح مدیران ارشد بالاخره روی جزئیات اجرایی این برنامه اقدام توافق حاصل شد و برنامه مزبور از ۲۰ ژانویه (۳۰ دی ۱۳۹۲) اجرایی شد. در این فصل به بررسی روندحصول این توافق مذاکرات کارشناسی برای اجرای توافق و محتوای برنامه اقدام پرداخته می‌شود.

ب ـ روند حصول توافق روی برنامه اقدام مشترک[1]

پس از پیروزی دکتر حسن روحانی در یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری در ۲۴ خرداد ۹۲ با گفتمان اعتدال و توسعه، مسئولیت پرونده هسته‌ای به وزارت امور خارجه سپرده شد. وزارت امور خارجه، تمام تلاش خود را برای حل سریع‌تر موضوع هسته‌ای ایران به کار بست که نتیجه آن دست یافتن به توافق ژنو در سوم آذر سال جاری یعنی حدوداً سه ماه بعد از ارجاع این موضوع به وزارت امور خارجه بود.

حدوداً یک ماه بعد از ارجاع مسئولیت به این وزارتخانه، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران و کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اول مهرماه امسال و در حاشیه شصت و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد با یکدیگر دیدار و توافق کردند وزرای خارجه ایران و گروه ۱+۵ در نیویورک اولین نشست را برای بررسی راهکار دیپلماتیک حل موضوع هسته‌ای ایران برگزار کنند.

در تاریخ ۵ مهرماه ۲۷ سپتامبر، دور اول مذاکرات ایران و گروه ۱+۵ در نیویورک برگزار شد. در این دیدار طرفین توافق کردند ۲۳ و ۲۴ مهرماه در ژنو مذاکرات برگزار شود. وزرای امور خارجه ایران و آمریکا نیز در حاشیه این نشست نیز برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در مورد موضوع هسته‌ای با یکدیگر گفت‌وگو کردند.

ظریف در این دیدار آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای انجام مذاکرات هدفمند در چارچوب زمانی مشخص پیرامون مسئله هسته‌ای اعلام و بر حق قانونی ملت ایران در برخورداری از فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز و حق غنی‌سازی در ایران تأکید کرد.

---

۱. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به سایت ایرنا به آدرس ذیل مراجعه شود:

http://www.irna.ir/fa/News/81001332

سیاست خارجی و هسته‌ای/ روزشمار دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم؛ آغازی برای پایان یک بحران.

درتاریخ ۲۳ و ۲۴ مهرماه/ ۱۵ تا ۱۷ اکتبر، دور دوم مذاکرات ایران و گروه ۱+۵؛ نشست ژنو ۱ وزیر امورخارجه ایران در این نشست پیشنهاد خود را با عنوان «پایانی بر یک بحران غیرضروری؛ آغازی برای افق‌های جدید»بصورت پاور پوینت ارائه داد. آمریکا و دیگر کشورهای طرف مذاکره این دور از مذاکرات را صریح‌ترین، شفاف‌ترین و دقیق‌ترین دور مذاکرات تاکنون با ایران دانستند.

ظریف و اشتون در پایان مذاکرات بیانیه مشترکی صادر و در آن پیشنهاد جدید تهران را با هدف تنش‌زدایی گام مهمی به سوی جلو توصیف کردند. همچنین طرفین توافق کردند جزئیات مذاکرات تا قبل از رسیدن به توافق اولیه رسانه‌ای نشود اما مذاکرات را اساسی و در حال پیشرفت دانستند. قرار شد کارشناسان هسته‌ای، علمی و امور تحریم‌های کشورهای ۱+۵ و جمهوری اسلامی ایران قبل از نشست آینده (۷ و ۸ نوامبر/۱۶ و ۱۷ آذر) برای بررسی اختلاف‌نظرها و تدوین گام‌های عملی با یکدیگر دیدار کنند. رسانه‌های خارجی به نقل از دیپلمات‌ها، پیشنهادات ایران را بسیار منطقی‌تر و دقیق‌تر از گذشته دانستند و نوشتند: این پیشنهادات جایگزین لفاظی‌های ایدئولوژیکی دورهای پیشین مذاکرات شد.

در همین حال رژیم صهیونیستی از کشورهای مذاکره کننده خواست به ایران اعتماد نکنند و رایزنی‌ها را با واشنگتن برای تشدید فشار و لغو نکردن تحریم‌های ایران افزایش داد. سناتورهای جمهوری‌خواه آمریکایی تحت فشار اسرائیل و لابی طرفدارش در آمریکا نیز فعالیت‌ها را علیه به نتیجه نرسیدن توافق آغاز کردند.

همزمان با تداوم مذاکرات با گروه ۱+۵ مسیر کارشناسی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز با جدیت از سوی تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دنبال شد. در این راستا ملاقات (۶ آبان/ ۲۸ اکتبر) با یوکیا آمانو مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین با همین هدف انجام شد.

در این دیدار ایران تأکید کرد که با «رویکرد جدید» به مذاکرات اتمی با غرب وارد شده است. همچنین پیشنهاداتی را ارائه داد تا در نشست کارشناسان ایران و آژانس درباره این پیشنهادات بحث شود. آمانو نیز دستیابی به «پیشرفتی مشخص» را برای هر دو طرف مهم ارزیابی کرد. این دور از مذاکرات دو روز به طول انجامید و روز سه‌شنبه ۷ آبان پایان یافت. طرفین مهمترین دستاورد این نشست دو روزه را دست یافتن

به متن جدید توافق دانستند که جایگزین ۱۰ دور مذاکره و چارچوب قبلی می‌شود. همچنین بر اساس بیانیه مشترک طرفین قرار شد دور بعدی مذاکرات ۱۱ نوامبر (۲۰ آبان) در تهران برگزار شود.

در تاریخ ۲۰ آبان، آمانو با انجام سفر به تهران نسبت به امضای تفاهمنامه جدید ایران و آژانس اقدام نمود. این بیانیه به نام چارچوب همکاری به همراه ضمیمه شش صفحه‌ای به امضای دکتر صالحی و آمانو رسید. بر اساس این بیانیه ایران تا سه ماه بعد از این تاریخ دسترسی و اطلاعات لازم را به آژانس ارائه خواهد کرد. آژانس نیز در زمینه پیشرفت در اجرای این اقدامات به شورای حکام گزارش خواهد داد. دکتر علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی و یوکیا آمانو مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز ۲۰ آبان ماه در تهران بیانیه مشترکی را با عنوان «چارچوب همکاری» به همراه یک ضمیمه ۶بندی امضا کردند که براساس آن بازرسان آژانس اجازه بازدید از کارخانه تولید آب سنگین اراک و معدن گچین را در بندرعباس اجازه یافتند. این ضمیمه ۶ بندی به شرح زیر است:

۱ ـ ارائه اطلاعات مربوطه و دسترسی مدیریت شده به معدن گچین در بندرعباس که مورد توافق دوجانبه قرار گرفت. ۲ ـ ارائه اطلاعات مربوطه و دسترسی مدیریت شده به کارخانه تولید آب سنگین که مورد توافق دوجانبه قرار گرفت. ۳ ـ ارائه اطلاعات درباره همه راکتورهای تحقیقاتی جدید. ۴ ـ ارائه اطلاعات در زمینه شناسایی شانزده سایت که برای ساخت نیروگاههای هسته‌ای در نظر گرفته شده است. ۵ ـ شفاف‌سازی اظهارات ایران درباره تأسیسات غنی‌سازی اضافی. ۶ ـ شفاف‌سازی بیشتر اظهارات ایران در زمینه فناوری غنی‌سازی لیزری.

در تاریخ ۱۶، ۱۷ و ۱۸ آبان ۱۳۹۲، دور سوم مذاکرات تحت عنوان نشست ژنو ۲ برگزار شد. در این نشست دکتر ظریف بعد از سفری به فرانسه برای دور دیگری ازمذاکرات وارد شهر ژنو سوئیس شد. این نشست با گفت‌وگوهای ظریف و اشتون پیش از آغاز رسمی مذاکرات آغاز شد و با مذاکرات نمایندگان ایران با نمایندگان ۶ کشور ادامه یافت.

ایران، نمایندگان گروه ۱+۵ و دیپلمات‌های حاضر در نشست دست یافتن به توافق را نزدیک می‌دانستند و بعد از اولین روز طرفین مذاکرات را خوب و سازنده توصیف کردند.

همچنین ظریف در مصاحبه‌ای با شبکه خبری سی‌ان‌ان اظهار امیدواری کرد طرفین تا روز جمعه بتوانند به بیانیه مشترکی دست یابند. همزمان با منتشر شدن جزئیاتی از توافق ایران و گروه ۱+۵ «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی آن را اشتباهی تاریخی توصیف کرد.

هیأت ایرانی نشست‌های چندجانبه‌ای با هیأت‌های آمریکایی، چینی و روس داشت و طرفین از تهیه پیش‌نویس بیانیه مشترک خبر دادند و گفتند احتمال می‌رود بیانیه مشترک تا پایان روز جمعه در صورت همکاری طرف مذاکره‌کننده تکمیل شود.

تصمیم‌گیری‌ها که مراحل حساس‌تر رسید، اشتون «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا را به نشست ژنو دعوت کرد و همزمان دیگر وزرای امور خارجه کشورهای عضو ۱+۵ در ژنو حضور یافتند.«لوران فابیوس»وزیر امور خارجه فرانسه هنگام ورود به ژنو گفت: من به این دلیل به ژنو آمده‌ام که این مذاکرات دشوار اما برای امنیت کل منطقه و جهان مهم است؛ تاکنون پیشرفت‌های بسیاری حاصل شده اما توافق هنوز نهایی نشده است. کری نیز در حالیکه مشغول تسهیل در روند مذاکرات به اصطلاح صلح در اراضی اشغالی بود، به سوی ژنو حرکت کرد.

اشتون صبح جمعه با وزرای امور خارجه ۶ کشور در ژنو دیدار کرد تا پیش از آغاز تدوین توافق‌نامه با آنها رایزنی کرده باشد. با حضور کری و دیگر وزرای خارجه در ژنو، مذاکرات به صورت سه‌جانبه بین ظریف، اشتون و کری برگزار شد و طرفین سه دور نشست سه‌جانبه را پشت سر گذاشتند.

چگونگی اجرای توافق و توقف بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ازای لغو یا کاهش بخشی از تحریم‌ها به مسئله اصلی طرفین تبدیل شد. با آنکه دست یافتن به توافق محتمل به نظر می‌رسید، زمزمه‌هایی از مخالفت طرف مذاکره‌کننده نیز شنیده شد و در نهایت فابیوس وزیر خارجه فرانسه در حالی‌که همه شرایط برای رسیدن به توافق نزدیک بود، با زیاده‌خواهی این توافق را برهم زد. ظریف و اشتون در نشست خبری مشترک از دست نیافتن به توافق و ادامه مذاکرات تا ۱۰ روز آینده خبر دادند. با آنکه توافق اولیه در این دور از مذاکرات حاصل نشد، طرفین گفت‌وگوها را بسیار سازنده دانستند. جان کری گفت: بدون تردید ما به پیشرفت‌های سازنده‌ای دست یافته‌ایم. اشتون نیز این مواضع را تکرار کرد. چند روز بعد از پایان مذاکرات، ظریف

اعلام کرد طولانی شدن روند مذاکرات ژنو بیشتر مربوط به اختلاف درونی کشورهای غربی است و افزود: طبیعی است هر شش کشور از زاویه متفاوتی به مذاکرات نگاه کنند. وی همچنین گفت اگر قرار بود در مذاکرات ۹۰ درصد پیشرفت حاصل شود؛ ۷۰ درصد از این پیشرفت به دست آمده است.

در تاریخ ۲۰ تا ۲۳ نوامبر/۲۹ آبان تا ۲ آذر، چهارمین دور مذاکرات ایران؛ نشست ژنو ۳ برگزار شد. این دور از مذاکرات با سخت‌ترین گفت‌وگوها در ژنو همراه بود. هیأت ایرانی برای نهایی کردن متن توافق هشت دور گفت‌وگو را با اشتون پشت سر گذاشت که از طرف همه کشورهای ۱+۵ در مذاکرات حاضر می‌شد. در این دور نیز وزرای امور خارجه شش کشور مانند دور پیشین در روز آخر در محل مذاکرات حاضر شدند و ظریف سه دور گفت‌وگوی سه‌جانبه با اشتون و کاری برگزار کرد. در حالی‌که گفت‌وگوهای حساس و فشرده تا شامگاه شنبه ادامه داشت؛ بامداد یکشنبه زمینه رسیدن به توافق فراهم شد.

بسیاری از رسانه‌های جهانی دست یافتن به این توافق را شگفتی‌آفرین دانستند و شبکه خبری «ان‌بی‌سی» آمریکا نوشت: با در نظرگرفتن سابقه ۱۰ ساله در شکست مذاکرات با ایران این موفقیت با سرعت خارق‌العاده‌ای تنها بعد از سه دور مذاکرات به دست آمد. محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه پس از توافق تاریخی ژنو ۳ میان ایران و ۱+۵ با بیان اینکه برنامه هسته‌ای ایران ادامه خواهد یافت، گفت: برنامه غنی‌سازی ایران بدون فشار بین‌المللی ادامه خواهد یافت و به سمت رفع همه تحریم‌ها حرکت خواهیم کرد. بر اساس این توافق هیچ‌یک از مراکز غنی‌سازی ایران تعطیل نشده، فردو و نطنز به کار خود ادامه می‌دهند، برنامه آب سنگین اراک با وضعیت کنونی ادامه یافته، ولی توسعه و گسترش بیشتری در طول شش ماه آینده نخواهد داشت؛ هیچ ماده‌ای از کشور خارج نمی‌شود. ایران به صورت داوطلبانه باید غنی‌سازی را در حد ۵ درصد ادامه دهد.

در پی دست یافتن به توافق صبح یکشنبه (۳ آذر) رئیس جمهوری با ارسال نامه‌ای به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری، دستاوردهای قطعی توافق اولیه ایران با گروه ۱+۵ را به محضر ایشان و ملت شریف ایران تبریک گفت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پاسخ به نامه حجت‌الاسلام والمسلمین روحانی درباره روند مذاکرات هسته‌ای، با تقدیر و تشکر از هیأت مذاکره‌کننده

ایرانی تأکید کردند: بی‌شک فضل الهی و دعا و پشتیبانی ملت ایران عامل این موفقیت بوده است.

شماری از کشورهای همسایه و منطقه از جمله هند، لبنان، ترکیه، عراق، سوریه، امارات متحده عربی، قطر و کویت از این توافق استقبال کردند. بعضی از مقامات بین‌المللی مانند «بان کی مون» دبیرکل سازمان ملل نیز خواستار التزام طرفین به توافق شدند.

موشه یعلون وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی را اشتباه تاریخی و تسلیم در برابر چرب‌زبانی‌های دیپلماتیک و لبخندهای ایران با هدف خرید وقت خواند. بنیامین نتانیاهو نیز اظهارات پیشین خود مبنی بر اشتباه بودن توافق را تکرار کرد.

ج ـ روند اجرایی شدن برنامه اقدام مشترک

با توجه به اینکه برنامه اقدام ژنو صرفاً یک چارچوب کلی بود و فاقد هرگونه جزئیات در این زمینه بود، طرفین تصمیم گرفتند تا با انجام مذاکرات کارشناسی به نوعی درک مشترک فنی در زمینه نحوه اجرایی کردن این برنامه اقدام مشترک برسند. بر همین اساس سه دور مذاکره کارشناسی و یک دور مذاکره در سطح مدیران ارشد بین کشورمان و نمایندگان ۵+۱ برگزار شد تا زمینه برای اجرایی شدن برنامه اقدام در ۳۰ دیماه ۱۳۹۲ فراهم شد.

اولین دور مذاکرات کارشناسی از ۱۸ تا ۲۱ آذر ۱۳۹۲ در وین برگزار شد. در این مذاکرات، هیأت کارشناسی جمهوری اسلامی ایران به ریاست «حمید بعیدی‌نژاد» مدیرکل سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مذاکرات خود را با هیأت کارشناسی گروه ۵+۱ به ریاست «استفان کلمنت» دستیار ویژه کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برای تعیین ساز و کار برنامه اقدام مشترک یا همان توافق ژنو در وین آغاز کرد. این مذاکرات کارشناسی به دلیل اقدام وزارت خزانه‌داری آمریکا مبنی بر افزودن نام ۱۹ فرد و شرکت به فهرست تحریم‌ها علیه ایران، نیمه‌تمام باقی ماند و هیأت ایران، مذاکرات کارشناسی در وین را متوقف و برای مشورت به تهران بازگشت.

در پی اقدام وزارت خزانه‌داری آمریکا مبنی بر افزودن نام ۱۹ شرکت جدید به تحریم‌های ایران و ترک مذاکرات کارشناسی توسط هیأت ایرانی، وزیر خارجه آمریکا با

وزیر خارجه ایران تلفنی تماس گرفت و ظریف مراتب نارضایتی تهران را از اقدام آمریکا در این گفت‌وگو اعلام کرد.

همچنین وزارت امور خارجه ایران از گفت‌وگوی تلفنی ظریف و اشتون و تبادل نظر در زمینه اجرای برنامه اقدام مشترک خبر داد.

بعد از گفت‌وگوهای تلفنی ظریف با وزرای امور خارجه آمریکا و روسیه همچنین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، عراقچی برای دیدار و رایزنی با اشتون به بروکسل رفت. در پی این دیدار که روز سه‌شنبه ۲۶ آذر انجام شد، عراقچی گفت: در پی دیدار روز گذشته با خانم اشتون و انتقادهایی که به نحوه عملکرد دولت آمریکا در موضوع هسته‌ای داشتم و پس از اطمینان او از جدیت ۱+۵ برای پیشبرد توافق ژنو، مقرر شد مذاکرات کارشناسی بر سر ساز و کار اجرایی توافقنامه ژنو از سر گرفته شود.

دور دوم مذاکرات کارشناسی از ۲۸ تا ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۲ بعد از رایزنی‌های ایران با مقامات وزارت امور خارجه آمریکا، روسیه و مسئولان اروپایی،در ژنو برگزار شد. ریاست این دور از مذاکرات مانند قبل بود. کارشناسان هسته‌ای، بانکی، نفتی و حمل و نقل در هیأت کارشناسی جمهوری اسلامی ایران حضور یافتند. این دور از مذاکرات که با سختی و پیشرفت اندک ادامه یافت به دلیل نزدیکی به تعطیلات پایان سال نو مسیحی متوقف شد.

دور سوم مذاکرات در تاریخ ۹دی/۱۳۹۲ ۳۰ دسامبر۲۰۱۳، در ژنو برگزار شد. این دور از مذاکرات به دلیل پیش رو بودن تعطیلات سال نو مسیحی یک روز طولانی بود که تاساعت ۷ صبح روز بعد به طول انجامید اما نهایتاً توافق هیأت‌های کارشناسی دو طرف را در پی داشت.

دیدار مدیران ارشد برای حل موضوعات سیاسی باقیمانده در تاریخ ۱۹ و ۲۰ دی ۱۳۹۲/ ۹ و ۱۰ ژانویه ۲۰۱۴، در ژنو برگزار شد. در این دیدار عباس عراقچی معاون حقوقی بین‌المللی وزارت امورخارجه و هلگا اشمید معاون خانم اشتون با هم مذاکره کردند. «وندی شرمن» مدیرکل سیاسی وزارت خارجه آمریکا که در حال سفر به مسکو بود نیز روز پنجشنبه در ژنو توقف کرد. اولین دور مذکرات نشست سه‌جانبه عراقچی، شرمن و اشمید بود. بعد از آن عراقچی و اشمید سه دور مذاکرات دوجانبه را پی گرفتند که در پایان آن به راه‌کارهایی برای حل مسائل سیاسی رسیدند. قرار شد

پایتخت کشورهای مختلف و ایران نظر خود را در مورد این راهکارهای سیاسی تا دو روز بعد اعلام کنند. نهایتاً دو طرف روز ۳۰ دی ۱۳۹۲ را به عنوان روز شروع اجرای برنامه اقدام ژنو اعلام کردند.

د ــ متن فارسی برنامه اقدام مشترک ژنو

برنامه اقدام مشترک

مقدمه

هدف این مذاکرات رسیدن به یک راه‌حل جامع مورد توافق و بلندمدت است به نحوی که تضمین کند برنامه هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز باقی خواهد ماند. ایران اعلام می‌نماید تحت هیچ شرایطی به دنبال دستیابی یا گسترش سلاح هسته‌ای نیست. راه‌حل جامع مذکور مبتنی بر این اقدامات اولیه بوده و به یک گام نهایی منجر خواهد شد که دوره زمانی آن مورد توافق قرار گرفته و به رفع نگرانی‌ها می‌انجامد. این راه‌حل جامع، ایران را قادر می‌سازد تا به طور کامل از حقوق خود در بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بر اساس مواد مرتبط در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و با رعایت تعهدات خود بر طبق معاهده از آن برخوردار شود. این راه‌حل جامع متضمن یک برنامه غنی‌سازی با تعریف مشترک و محدودیت‌های عملی و اقدامات شفاف‌ساز به منظور تضمین ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای می‌باشد. این راه‌حل جامع به مثابه یک مجموعه منسجم خواهد بود که هیچ بخشی از آن مورد توافق قرار نمی‌گیرد مگر آنکه در مورد تمامی بخش‌های آن توافق حاصل شود. این راه‌حل جامع شامل یک فرایند متقابل و قدم به قدم می‌باشد و به رفع همه جانبه تمامی تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های چندجانبه و تحریم‌های ملی مربوط به برنامه هسته‌ای ایران می‌انجامد.

در فاصله میان گام‌های اولیه و گام آخر، گام‌های دیگری از جمله پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت با هدف پایان رضایت‌بخش بررسی موضوع توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود خواهد داشت. ۳+۳ یا ۵+۱ و ایران مسئول نهایی

کردن و اجرای قدم‌های مورد توافق میان‌مدت و راه‌حل جامع با حسن نیت خواهند بود. یک کمیسیون مشترک از ۳+۳ و ایران برای نظارت بر اجرای اقدامات میان مدت و بررسی مسائلی که ممکن است پدید آیند، تشکیل خواهد گردید، در حالی که آژانس مسئولیت راستی‌آزمایی اقدامات مربوط به موضوع هسته‌ای را برعهده خواهد داشت. این کمیسون مشترک برای تسهیل حل و فصل مسائل مورد نگرانی گذشته و حال با آژانس همکاری خواهد کرد.

عناصر گام اول

گام اول دارای دوره زمانی شش ماهه خواهد بود و با توافق متقابل قابل تمدید می‌باشد. در این دوره همه اعضا، با حسن‌نیت، در جهت حفظ فضای سازنده در مذاکرات فعالیت خواهند کرد.

ایران اقدامات داوطلبانه زیر را به انجام خواهد رساند

ـ نیمی از اورانیوم موجود غنی شده ۲۰ درصد را به صورت اکسید ۲۰ درصد برای تولید سوخت راکتور تحقیقاتی تهران ذخیره نماید. بقیه UF6 ۲۰ درصد را به مواد کمتر از ۵ درصد رقیق نماید. خط برگشت‌پذیر نیز وجود نداشته باشد.

ـ ایران اعلام می‌کند که برای این دوره ۶ ماهه، اورانیوم را به سطح بالاتر از ۵ درصد غنی‌سازی نکند.

ـ ایران اعلام می‌کند که فعالیت‌های خود در تأسیسات سوخت هسته‌ای نطنز[1]، فردو[2] و یا راکتور اراک[3] را که توسط آژانس با نام IR-40 شناسایی می‌شود، بیش از این

---

۱. به این معنی که طی شش ماه، ایران به سانتریفیوژهایی که نصب شده‌اند ولی غنی‌سازی اورانیوم انجام نمی‌دهند گاز UF۶ تزریق ننماید. سانتریفیوژهای اضافی نصب ننماید. ایران اعلام می‌کند که طی شش ماه اول سانتریفیوژهای موجود را با سانتریفیوژهایی از همان نوع جایگزین می‌کند.

۲. در چهار آبشار سایت فردو که در حال حاضر غنی‌سازی اورانیوم انجام می‌دهند، از این پس غنی‌سازی بالای ۵ درصد انجام نخواهد گرفت و ظرفیت غنی‌سازی افزایش نخواهد یافت. گاز UF۶ به دوازده آبشار دیگر تزریق نمی‌شود تا در وضعیت غیرعملیاتی باقی بمانند. بین آبشارها اتصال وجود نخواهد داشت. ایران اعلام می‌کند که طی شش ماه اول، سانتریفیوژهای موجود را با سانتریفیوژهای همان نوع جایگزین می‌کند.

۳. ایران اعلام می‌کند که برای رفع نگرانی‌های مربوط به احداث راکتور اراک برای شش ماه به راکتور سوخت تزریق نخواهد شد، یا آب سنگین را به سایت راکتور منتقل نمی‌کند و سوخت جدید را آزمایش نکرده یا سوخت بیشتر برای راکتور تولید نخواهد شد و تجهیزات اصلی باقی مانده نصب نخواهد شد.

گسترش نخواهد داد.

ـ همانگونه که ایران در برنامه عملیاتی کردن تأسیسات تبدیل مواد، به آژانس اعلام کرده است، با آغاز خط تبدیل مواد UF6 غنی شده تا ۵ درصد به UO2، ایران تصمیم دارد مواد UF6 جدیدا غنی شده تاسطح ۵ درصد طی ۶ ماه آینده را به اکسید تبدیل کند.

ـ محل‌های جدید برای غنی‌سازی ایجاد نمی‌شود.

ـ ایران برنامه تحقیق و توسعه (R&D) تحت نظارت، از جمله برنامه تحقیق و توسعه جاری غنی‌سازی خود را که با هدف انباشت اورانیوم غنی شده صورت نمی‌گیرد، ادامه خواهد داد.

ـ عدم بازفرآوری یا ساخت تأسیساتی که توانایی بازفرآوری داشته باشند.

نظارت‌های بیشتر

ـ ارائه اطلاعات مشخص به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شامل اطلاعات در خصوص طرحهای تأسیسات هسته‌ای ایران، توصیف ساختمان‌ها در هر یک از سایت‌های هسته‌ای، توصیفی از سطح عملیاتی که در هر یک از اماکن که به فعالیت‌های هسته‌ای مشخص اشتغال دارند، اطلاعات در خصوص معادن و تخلیص و اطلاعات در خصوص منابع اولیه.

ـ ارائه پرسشنامه جدید فنی راکتور اراک به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که توسط آژانس با نام IR-40 شناسایی می‌شود.

ـ اتخاذ گام‌های لازم برای موافقت با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای انعقاد «رهیافت پادمان» در مورد راکتور اراک که توسط آژانس با نام IR-40 شناسایی می‌شود.

ـ دسترسی روزانه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به فردو و نطنز با هدف بررسی فایل‌های ضبط شده دوربین‌ها در مواقعی که آنها برای بازرسی دوره‌ای موسوم به DIV، IIV ـ PIV و بازرسی‌های سرزده در سایت حضور ندارند.

ـ دسترسی هدایت شده بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به:

● کارگاه‌های مونتاژ سانتریفیوژ[1]

---

۱. مطابق برنامه‌های ایران، تولید سانتریفیوژ در ایران در این شش ماه مخصوص به جایگزینی سانتریفیوژهای آسیب دیده خواهد بود.

● کارگاه‌های تولید روتورسانتریفیوژ و محل‌های نگهداری
● و معادن اورانیوم و تخلیص اورانیوم

در مقابل، ۳+۳، اقدامات داوطلبانه زیررا انجام خواهند داد:

ـ توقف تلاش برای کاهش خرید نفت خام ایران به نحوی که مشتریان فعلی بتوانند میانگین میزان کنونی خرید نفت خام خود از ایران را کماکان ادامه دهند. بازگشت مبالغ مشخص از عواید فروش نفت ایران در خارج از کشور به ایران. در مورد معاملات نفتی مذکور، تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا بر بیمه و خدمات حمل و نقل مرتبط، تعلیق می‌شوند.

ـ تعلیق تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا بر:
● صادرات پتروشیمی ایران و نیز تعلیق تحریم خدمات مرتبط[1]
● طلا و فلزات گرانبها، وتعلیق تحریم خدمات مرتبط

ـ تعلیق تحریم‌های آمریکا بر صنعت خودرو و تعلیق تحریم‌های خدمات مرتبط.

ـ صدور گواهی عرضه و نصب قطعات یدکی برای ایمنی پرواز هواپیماهای غیرنظامی ایران و خدمات مرتبط.

ـ صدور گواهی بازرسی‌های مرتبط با ایمنی و تعمیرات در ایران و همچنین خدمات مرتبط.[2]

ـ عدم صدور قطعنامه‌های جدیدتحریم هسته‌ای توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد.

ـ عدم صدور قطعنامه‌های جدیدتحریم هسته‌ای از سوی اتحادیه اروپا.

ـ دولت آمریکا، در چارچوب اختیارات قانونی رئیس جمهور و کنگره از تحمیل تحریم‌های جدید هسته‌ای خودداری خواهد کرد.

ـ یک کانال مالی به منظور تسهیلات تجارت امور انسان‌دوستانه برای تأمین نیازهای داخلی ایران با استفاده از درآمدهای نفتی ایران در خارج از کشور ایجاد خواهد شد.

---

۱ . «تحریم خدمات مرتبط» به معنی هرگونه خدمات موضوع تحریم‌های اجرایی آمریکا یا اتحادیه اروپا، از قبیل بیمه، حمل و نقل یا مالی می‌باشد، تا جایی که هر یک از خدمات مذکور، مرتبط با تحریم بوده و برای تسهیل نقل و انتقالات مالی مورد نظر لازم باشد. این خدمات می‌تواند شامل نهادهای ایرانی تحریم نشده باشد.

۲. رفع تحریم‌ها می‌تواند دربرگیرنده هر خط هوایی ایرانی تحریم نشده و نیز ایران ایر شود.

ـ نجات امور انسان‌دوستانه شامل مراودات تجاری مرتبط با تولیدات غذایی و کشاورزی، دارو، تجهیزات دارویی و مخارج پزشکی بیماران خارج از کشور خواهد بود. این کانال مالی شامل بانکهای خارجی مشخص و بانک‌های ایرانی غیرتحریم شده خواهد بود که به هنگام ایجاد این کانال مشخص خواهند شد.

● کانال مزبور همچنین موارد ذیل را دربر می‌گیرد:

ـ نقل و انتقال‌های مالی مورد نیاز برای پرداخت تعهدات ایران به سازمان ملل متحد.

ـ پرداخت مستقیم شهریه به دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها برای دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج از کشور تا مبلغ توافق شده برای یک دوره شش ماهه.

ـ افزایش آستانه برای اخذ مجوزهای اتحادیه اروپا جهت تبادلات مالی تجارت موارد غیرتحریمی تا مبلغ مورد توافق.

عناصر گام نهایی راه‌حل جامع[1]

گام نهایی راه‌حل جامع که اعضا قصد دارند مذاکره در خصوص آن را در کمتر از یک سال بعد از تصویب این سند، به پایان رسانده و اجرای آن را شروع کنند، عبارتند از:

ـ دارای دوره زمانی بلندمدت مشخصی خواهد بود که مدت آن مورد توافق قرار خواهد گرفت.

ـ بیانگر حقوق و تعهدات اعضا معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و موافقتنامه‌های پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد.

ـ به طور همه جانبه تحریم‌های هسته‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های چندجانبه و تحریم‌های ملی را برداشته و از جمله گام‌هایی برای دسترسی به حوزه‌های تجاری، فناوری، مالی و انرژی را بر مبنای یک برنامه تنظیمی که در خصوص آن توافق به عمل خواهد آمد را اتخاذ نماید.

ـ متضمن یک برنامه غنی‌سازی باشد که توسط طرفین تعریف می‌گردد، برنامه‌ای که شاخصه‌های آن با موافقت طرفین و منطبق با نیازهای عملی، با محدودیت‌های

---

۱. در خصوص گام نهایی و هریک از گامهای میانی، این اصل اساسی که «تا در مورد همه چیز توافق نشود، در خصوص هیچ چیزی توافق حاصل نشده است» اعمال می‌شود.

مورد توافق در خصوص دامنه و سطح فعالیت‌های غنی‌سازی، ظرفیت غنی‌سازی، محل‌هایی که در آن غنی‌سازی انجام می‌شود و ذخایر اورانیوم غنی شده برای دوره زمانی که مورد توافق قرار می‌گیرد، تعیین می‌گردد.

ـ نگرانی‌های مرتبط با راکتور اراک که توسط آژانس با نام IR-40 شناخته می‌شود، را کاملاً برطرف نماید. بازفرآوری و یا احداث تأسیساتی که قادر به بازفرآوری باشد، ایجاد نخواهد شد.

ـ اقدامات شفاف‌ساز و با نظارت بیشترمورد توافق را به طور کامل به اجرا درآورد. پروتکل الحاقی در چارچوب اختیارات رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی تصویب و به اجرا درآید.

ـ شامل همکاری بین‌المللی هسته‌ای غیر نظامی باشد، که این همکاری‌ها از جمله در خصوص دستیابی به راکتورهای مدرن آب سبک قدرت و تحقیقاتی و تجهیزات مرتبط و نیز عرضه سوخت هسته‌ای مدرن و برنامه‌های تحقیق و توسعه (R&D) مورد توافق می‌باشد.

به دنبال اجرای موفق گام نهایی راه‌حل جامع و با سپری شدن کامل دوره زمانی گام نهایی، با برنامه هسته‌ای ایران مانند برنامه هر کشور غیرهسته‌ای دیگر عضو NPT رفتار خواهد شد.

***

هـ ـ متن انگلیسی برنامه اقدام مشترک ژنو

Geneva, 24 November 2013

Joint Plan of Action

Preamble

The goal for these negotiations is to reach a mutually-agreed long-term comprehensive solution that would ensure Iran's nuclear programme will be exclusively peaceful. Iran reaffirms that under no circumstances will Iran ever seek or develop any nuclear weapons. This comprehensive solution would build on these initial measures and result in a final step

for a period to be agreed upon and the resolution of concerns. This comprehensive solution would enable Iran to fully enjoy its right to nuclear energy for peaceful purposes under the relevant articles of the NPT in conformity with its obligations therein. This comprehensive solution would involve a mutually defined enrichment programme with practical limits and transparency measures to ensure the peaceful nature of the programme. This comprehensive solution would constitute an integrated whole where nothing is agreed until everything is agreed. This comprehensive solution would involve a reciprocal, step-by - step process, and would produce the comprehensive lifting of all UN Security Council sanctions, as well as multilateral and national sanctions related to Iran's nuclear programme.

There would be additional steps in between the initial measures and the final step, including, among other things, addressing the UN Security Council resolutions, with a view toward bringing to a satisfactory conclusion the UN Security Council's consideration of this matter. The E3+3 and Iran will be responsible for conclusion and implementation of mutual near-term measures and the comprehensive solution in good faith. A Joint Commission of E3/EU+3 and Iran will be established to monitor the implementation of the near-term measures and address issues that may arise, with the IAEA responsible for verification of nuclear-related measures. The Joint Commission will work with the IAEA to facilitate resolution of past and present issues of concern.

Elements of a first step

The first step would be time-bound, with a duration of 6 months, and renewable by mutual consent, during which all parties will work to maintain a constructive atmosphere for negotiations in good faith.

Iran would undertake the following voluntary measures:

- From the existing uranium enriched to 20%, retain half as working stock

of 20% oxide for fabrication of fuel for the TRR. Dilute the remaining 20% UF6 to no more than 5%. No reconversion line.

• Iran announces that it will not enrich uranium over 5% for the duration of the 6 months. 2

• Iran announces that it will not make any further advances of its activities at the Natanz Fuel Enrichment Plant[1], Fordow[2], or the Arak reactor[3], designated by the IAEA as IR-40.

• Beginning when the line for conversion of UF6 enriched up to 5% to UO2 is ready, Iran has decided to convert to oxide UF6 newly enriched up to 5% during the 6 month period, as provided in the operational schedule of the conversion plant declared to the IAEA.

• No new locations for the enrichment.

• Iran will continue its safeguarded R&D practices, including its current enrichment R&D practices, which are not designed for accumulation of the enriched uranium.

• No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing.

• Enhanced monitoring:

---

1. Namely, during the 6 months, Iran will not feed UF6 into the centrifuges installed but not enriching uranium. Not install
   additional centrifuges. Iran announces that during the first 6 months, it will replace existing centrifuges with centrifuges of the same type.
2. At Fordow, no further enrichment over 5% at 4 cascades now enriching uranium, and not increase enrichment capacity. Not
   feed UF6 into the other 12 cascades, which would remain in a non-operative state. No interconnections between cascades.
   Iran announces that during the first 6 months, it will replace existing centrifuges with centrifuges of the same type.
3. Iran announces on concerns related to the construction of the reactor at Arak that for 6 months it will not commission the
   reactor or transfer fuel or heavy water to the reactor site and will not test additional fuel or produce more fuel for the reactor
   or install remaining components.

o Provision of specified information to the IAEA, including information on Iran's plans for nuclear facilities, a description of each building on each nuclear site, a description of the scale of operations for each location engaged in specified nuclear activities, information on uranium mines and mills, and information on source material. This information would be provided within three months of the adoption of these measures.

o Submission of an updated DIQ for the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40, to the IAEA.

o Steps to agree with the IAEA on conclusion of the Safeguards Approach for the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40.

o Daily IAEA inspector access when inspectors are not present for the purpose of

Design Information Verification, Interim Inventory Verification, Physical Inventory Verification, and unannounced inspections, for the purpose of access to offline surveillance records, at Fordow and Natanz.

o IAEA inspector managed access to:

centrifuge assembly workshops[1]

centrifuge rotor production workshops and storage facilities; and,

uranium mines and mills.

In return, the E3/EU+3 would undertake the following voluntary measures:

• Pause efforts to further reduce Iran's crude oil sales, enabling Iran's current customers to purchase their current average amounts of crude oil. Enable the repatriation of an agreed amount of revenue held abroad. For such oil sales, suspend the EU and U.S. sanctions on associated insurance and transportation services.

• Suspend U.S. and EU sanctions on:

o Iran's petrochemical exports, as well as sanctions on associated

---

1. Consistent with its plans, Iran's centrifuge production during the 6 months will be dedicated to replace damaged machines.

services.[1]

o Gold and precious metals, as well as sanctions on associated services.

• Suspend U.S. sanctions on Iran's auto industry, as well as sanctions on associated services.

• License the supply and installation in Iran of spare parts for safety of flight for Iranian civil aviation and associated services. License safety related inspections and repairs in Iran as well as associated services.[2]

• No new nuclear-related UN Security Council sanctions.

• No new EU nuclear-related sanctions.

• The U.S. Administration, acting consistent with the respective roles of the President and the Congress, will refrain from imposing new nuclear-related sanctions.

• Establish a financial channel to facilitate humanitarian trade for Iran's domestic needs using Iranian oil revenues held abroad. Humanitarian trade would be defined as transactions involving food and agricultural products, medicine, medical devices, and medical expenses incurred abroad. This channel would involve specified foreign banks and non-designated Iranian banks to be defined when establishing the channel.

o This channel could also enable:

transactions required to pay Iran's UN obligations; and,

direct tuition payments to universities and colleges for Iranian students studying abroad, up to an agreed amount for the six month period.

• Increase the EU authorisation thresholds for transactions for non-sanctioned trade to an agreed amount.

---

1. «Sanctions on associated services» means any service, such as insurance, transportation, or financial, subject to the
underlying U.S. or EU sanctions applicable, insofar as each service is related to the underlying sanction and
required to facilitate the desired transactions. These services could involve any non-designated Iranian entities.

2. Sanctions relief could involve any non-designated Iranian airlines as well as Iran Air.

Elements of the final step of a comprehensive solution[1]

The final step of a comprehensive solution, which the parties aim to conclude negotiating and commence implementing no more than one year after the adoption of this document, would:

• Have a specified long-term duration to be agreed upon.

• Reflect the rights and obligations of parties to the NPT and IAEA Safeguards Agreements.

• Comprehensively lift UN Security Council, multilateral and national nuclear-related sanctions, including steps on access in areas of trade, technology, finance, and energy, on a schedule to be agreed upon.

• Involve a mutually defined enrichment programme with mutually agreed parameters consistent with practical needs, with agreed limits on scope and level of enrichment activities, capacity, where it is carried out, and stocks of enriched uranium, for a period to be agreed upon.

• Fully resolve concerns related to the reactor at Arak, designated by the IAEA as the IR-40.

No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing.

• Fully implement the agreed transparency measures and enhanced monitoring. Ratify and implement the Additional Protocol, consistent with the respective roles of the President and the Majlis (Iranian parliament).

• Include international civil nuclear cooperation, including among others, on acquiring modern light water power and research reactors and associated equipment, and the supply of modern nuclear fuel as well as agreed R&D practices.

Following successful implementation of the final step of the comprehensive solution for its full duration, the Iranian nuclear programme will be treated in the same manner as that of any non-nuclear weapon state party to the NPT.

---

1. With respect to the final step and any steps in between, the standard principle that «nothing is agreed until everything is agreed» applies.

و ـ مهمترین عناصر موجود در برنامه اقدام ژنو

بعد از اجرایی شدن برنامه اقدام ژنو ایران به صورت داوطلبانه می‌پذیرد که غنی‌سازی ۲۰ درصد انجام ندهد. نیمی از ذخایر موجود (حدود ۱۰۰ کیلوگرم) را به سوخت و نیم دیگر را (حدود ۱۰۰ کیلوگرم) رقیق می‌کند و نظارتهای بیشتری را به تأسیسات هسته‌ای خود می‌پذیرد.

در مقابل بنا به گفته «سیدعباس عراقچی» عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، مبلغ ۴/۲میلیارد دلار از اموال محدود شده ایران براساس جدول زمانبندی مشخص شده، طی هشت قسط آزاد خواهد شد.

نخستین قسط در اول فوریه (۱۲ بهمن) به مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار، قسط دوم در اول مارس (۱۰ اسفند) به مبلغ ۴۵۰ میلیون دلار، قسط سوم در ۷ مارس (۱۶ اسفند) به مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار، قسط چهارم در ۱۰ آوریل (۲۱ فروردین ۹۳) به مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار، قسط پنجم ۱۵ آوریل (۲۶ فروردین) ۴۵۰ میلیون دلار و قسط های ششم، هفتم و هشتم به ترتیب در تاریخ‌های ۱۴ مه (۲۴ اردیبهشت)، ۱۷ ژوئن (۲۷ خرداد) و ۲۰ جولای ـ ژوئیه (۲۰ تیر ۹۳) هر یک به مبلغ ۵۵۰ میلیون دلار پرداخت خواهد شد که در مجموع ۴.۲ میلیارد دلار از اموال بلوکه شده ایران آزاد می‌شود. در واقع، تا پایان امسال یعنی ۱۵ اسفند، یک میلیارد و ۵۵۰ میلیون دلار از مبالغ بلوکه شده ایران آزاد و به حساب بانک مرکزی واریز خواهد شد که بانک مرکزی هر خریدی را می‌تواند با آن انجام دهد.

در کنار این مبلغ، ایران ۹ تا ۱۰ میلیارد دلار می‌تواند دست به خرید اقلام دارویی و غذایی بزند که کانال آن ایجاد شده است و انتظار می‌رود به راحتی این تبادلات مالی انجام شود. معاون وزیر امور خارجه گفت: البته علاوه براین مبالغ، موارد دیگری چون ۴۰۰ میلیون دلار برای دانشجویان ایرانی خارج از کشور، هزینه‌های درمان و سهم ایران از سازمان‌های بین‌المللی نیز پرداخت خواهد شد. گروه ۱+۵ بر اساس برنامه اقدام مشترک ژنو، همچنین باید تلاش‌ها برای کاهش خرید نفت خام ایران را متوقف کند و تحریم اتحادیه اروپا و آمریکا بر بیمه و خدمات حمل و نقل مرتبط با آن تعلیق شود. ۱+۵ همچنین متعهد شده است تحریم‌های پتروشیمی، طلا و فلزات گرانبها، صنعت خودرو و قطعات هواپیما و نیز خدمات مرتبط با موارد یادشده

را تعلیق کند.

تهران نیز در طی دوره شش ماهه اجرای برنامه اقدام مشترک ژنو که از روز دوشنبه ۳۰ دی آغاز می‌شود، غنی‌سازی ۲۰ درصد خود را به صورت داوطلبانه تعلیق می‌کند، اما غنی‌سازی تا سطح پنج درصد همچنان ادامه خواهد داشت.

ایران همچنین نیمی از ذخیره ۱۹۶ کیلوگرمی اورانیوم ۲۰ درصد خود را در طول ۶ ماه و ماهانه ۱۵ کیلوگرم را به اکسید تبدیل می‌کند و نیم دیگر آن را نیز در طول سه ماه هر سه هفته یک سیلندر، رقیق‌سازی خواهد کرد.

فصل ششم

نقد سؤالات و ابهامات در ساختار و روش مذاکره

مقدمه

بعد از بیش از یک دهه افت و خیز در خصوص پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نهایتاً مقاومت جانانه ملت شریف و بزرگ ایران و دیپلماسی فعال کشورمان به نتیجه رسید و در ۳ آذر ۱۳۹۲ برابر با ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ کشورهای عضو ۱+۵ و جمهوری اسلامی ایران روی سندی تحت عنوان برنامه اقدام مشترک به توافق رسیدند. در این برنامه اقدام که با هدف «رسیدن به یک راه‌حل جامع بلندمدت و مورد توافق طرفین» تدوین گردید، طرفین «به صورت داوطلبانه» متعهد می‌شوند تا ظرف ۶ ماه قابل تمدید اقدامات متقابلی را به عنوان گام اول یک راه‌حل جامع انجام دهند. محور اصلی این برنامه اقدام این است که با هدف اعتمادسازی جمهوری اسلامی ایران برنامه هسته‌ای خود و غنی‌سازی اورانیوم را به شکلی محدود ادامه خواهد داد و نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بر تأسیسات خود تسهیل خواهد نمود. در عوض، طرف مقابل بخشی از تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران را تعلیق می‌کند و از وضع تحریم‌های جدید اعم از بین‌المللی، چندجانبه و یک‌جانبه خودداری خواهد نمود.

«برنامه اقدام مشترک» ژنو و ماهیت و چگونگی آن، و بالتبع عملکرد هیأت مذاکره‌کننده هسته‌ای، طی چند هفته‌ای که از آن توافق می‌گذرد عمدتاً با دو سطح

برخورد متفاوت و متضاد در ایران و سایر نقاط جهان روبرو بوده است. این تضاد هم از نظر گفتمانی و هم از نظرسطح تحلیل کاملاً قابل لمس است. از نظر گفتمانی گفتمانهای خارج از کشور عمدتاً حاکی از تصویری مثبت از کشورمان و تأمین منافع آن در این برنامه اقدام مشترک است. در گفتمان دولت اوباما؛ محور اصلی این است که ایران به تکنولوژی هسته‌ای دست پیدا کرده، اما باید حتی‌الامکان مانع از دستیابی آن به سلاح هسته‌ای شد. درگفتمان مخالفین دولت اوباما؛ محور اصلی این است که تحریم‌ها در حال نتیجه دادن بود، اما توافق ژنو به ایران فرصت دوباره‌ای برای احیای خود داد. گفتمان رژیم صهیونیستی بر این اصل استوار است که برنامه اقدام ژنو یک اشتباه بزرگ تاریخی است چون به ایران یک فرصت استثنائی می‌دهد و آنرا از فشار نابودکننده تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی می‌رهاند. اساساً ایران و هیچ کشور دیگری در منطقه تحت هیچ شرایطی نباید از هیچ امکانات هسته‌ای برخوردار باشد اما این توافق توان تکنولوژیک هسته‌ای ایران را تثبیت می‌کند. محور اصلی گفتمان اعراب منطقه، نگرانی از بهم خوردن توازن قدرت در منطقه و انجام جابجایی‌های استراتژیک است. نگرانی‌های جهان عرب دوگونه است اول اینکه آمریکا توجهش را از عربها کم و به ایران اضافه کرده است. دوم اینکه با این توافق راه برای بلعیدن منطقه توسط ایران باز می‌شود. به طور کلی گفتمان خارج از کشور از جنس فنی نیست بلکه در چارچوب رقابتهای استراتژیک و موازنه قدرت است. اما گفتمان داخل کشور عدم توجه به پیامدهای استراتژیک این برنامه و صرفاً توجه به بخش فنی هسته‌ای این برنامه اقدام می‌شود. هرچند اکثریت خاموش مردم حمایتهای پراکنده خود را از این توافق اعلام داشته‌اند اما عدم اراده و یا عدم دسترسی آنها به ابزار گفتمان‌سازی در این زمینه این فرصت را برای یک اقلیت منتقد دارای تریبون فراهم آورد که گفتمانی منفی در خصوص این برنامه اقدام فراهم آورند و فشار غیر منصفانه‌ای رابه تیم مذاکره کننده تحمیل نمایند به نحوی که صادقانه‌ترین توصیف از وضعیت یکماه گذشته این است که تیم مذاکره کننده به ناروا در دو جبهه داخلی و خارجی مشغول جنگ بوده است.

از منظرسطح تحلیل، در سطح بین‌المللی و به خصوص در منطقه، تمامی تحلیل‌گران و ناظران از یک زلزله سیاسی که توسط جمهوری اسلامی ایران در سه ماه گذشته با تکیه بر ظرفیت‌های راهبردی انقلاب اسلامی طراحی شده و منطقه و حتی جهان را در

معرض احتمال وقوع یک دگرگونی ناگهانی سیاسی قرار داده که تمامی محاسبات و طراحی‌های رقبای منطقه‌ای و حتی مؤسسات مطالعاتی ضدایرانی در آمریکا و غرب را برهم زده و آنها را دچار یک بحران و سردرگمی فکری و حتی برخوردهای عصبی نموده صحبت می‌کنند و هیچ تحلیل‌گر و ناظر جدی به جزئیات و عبارات نپرداخته است و همه بر این تحول راهبردی متمرکز شده‌اند. این تحلیل حتی در دیدگاه‌های اعلام شده شخصیت‌هایی همچون سیدحسن نصرالله، نوری المالکی، دکتر ابراهیم جعفری و دیگر دوستان و هم‌پیمانان ایران به روشنی متبلور شده است.

در مقابل در جمهوری اسلامی ایران، بسیاری از تحلیل‌ها از منظر خرده‌گیری از کنار گود نسبت به جزئیات و کلمات و عبارات توافق و ماهیت حقوقی آن متمرکز شده و هیچ توجهی به تصویر کلان راهبردی و برهم خوردن محاسبات دیرینه رقبا و بدخواهان ایران و نظام اسلامی نشده است. اگرچه اصل نقد مشخصه یک جامعه سیاسی زنده، پویا و بانشاط می‌باشد و برخی از نقدهای مطرح شده وارد می‌باشد و باید آنها را با تواضع کامل پذیرفت و در دور بعدی مذاکرات آنها را مد نظر داشت. لیکن حتی از نگاه خرد، متأسفانه بخشی از نقدها مغرضانه و جهت‌دار و ناشی از رقابتهای سیاسی است، برخی بدون توجه به منافع ملی، واقعیت‌ها و شرایط مذاکره است و بالاخره تعدادی هم از سر عدم اطلاع نسبت به همه جوانب مذاکرات و درک نه چندان قرین صحت از مفاد توافق برنامه اقدام بوده است.

سؤال بزرگ اینجاست که ملت بزرگ ایران در ده سال گذشته درگیر چه نبردی بوده است؟ این همه تهدید نظامی، تحریم اقتصادی و فشارهای سیاسی را برای چه تحمل کرده است؟ آیا غیر از این بوده که یک جنگ بزرگ اراده‌ها بین ما و شش کشور قدرتمند دنیا جریان داشته؟ آنها می‌گفتند غنی‌سازی باید متوقف یا حداقل تعلیق شود و ما می‌گفتیم نه! حال آیا این ما نبوده‌ایم که اراده خود را غالب کرده‌ایم؟ آنگونه که رئیس جمهور آمریکا شخصاً اعتراف به پذیرش غنی‌سازی در داخل خاک ایران می‌کند؟ آیا این ما نیستم که شش کشور بزرگ دنیا را وادار می‌کنیم که قطعنامه‌های شورای امنیت را به آینده‌ای مبهم حواله دهند و بپذیرند که هر راه‌حلی برای ایران شامل یک برنامه غنی‌سازی خواهد بود، و قبول هم می‌کنند که این غنی‌سازی اکنون ادامه یابد؟ آیا این ما نیستیم که پس از ده سال مقاومت، از مذاکرات هسته‌ای با

غنی‌سازی بیرون می‌آییم؟ البته این دستاورد متعلق به مردم بزرگ و سرافراز ایران با رهبری داهیانه مقام معظم رهبری، پس از ده سال مقاومت و ایستادگی است.

با نگاهی بیطرفانه و جهت روشن‌تر شدن دقیق همه جوانب پیچیده برنامه اقدام ژنو، فهرستی از پاسخ به مهمترین سؤالات مطرح در خصوص این موضوع جهت تنویر بیشتر افکار عمومی ارائه می‌شود. امید است با گسترش فرهنگ نقد سازنده که شامل گسترش اخلاق نقدپذیری هم می‌شود، در درجه اول از تخریب رهیافت تعامل سازنده مبتنی بر اقتدار کشور و در درجه دوم از تخریب خدمتگذاران این مرزوبوم با اغراض شخصی، سازمانی و تسویه حسابهای سیاسی پرهیز نمائیم باشد که در این مسیر با گذشت از نفسانیات خود خدمتی به تأمین منافع ملی در این مقطع حساس نمائیم.

در این زمینه نگارنده با تحلیل گفتمانی همه نظرات منتقدین طی دو ماه گذشته مبادرت به استخراج سؤالات و شبهات آنها در چهار محور اشخاص، ساختار و روش، محتوای هسته‌ای و محتوای غیر هسته‌ای کرده است. با توجه به اینکه سؤالات مطرح در خصوص افراد کاملاً مبتنی بر اغراض شخصی است که نه با فرهنگ اسلامی ما سازگار است و نه با روح جوانمردی حاکم بر فرهنگ ایرانی، لذا حرمت قلم این اجازه را به نگارنده نداد که وارد این عرصه شود. اما ذیلاً مهمترین سؤالات و شبهات و پاسخهای ارائه شده در خصوص ساختار، محتوای هسته‌ای و غیر هسته‌ای ارائه می‌شود.

البته قبل از ورود به بحث لازم است به این نکته اشاره شود که «برنامه اقدام مشترک» یک متن توافقی است و لذا تمامی عبارات و جملات آن حاصل یک بده و بستان سیاسی است و تمامی موارد آن همانگونه که به صورت کامل بیانگر دیدگاه‌های ما نیست، بیانگر دیدگاه‌های طرف مقابل هم نمی‌باشد و این اصل باید در همه بررسی‌ها مدنظر قرار داشته باشد.

ب ـ مهمترین سؤالات در مورد ساختار و روش انجام مذاکره

۱) چرا تیم جدید وزارت خارجه با شیفتگی قبله آمال ملت را بازگشت به دامان آمریکا و اروپا ترسیم می‌کند، به گونه‌ای که همین مسئله موجب زیاده‌خواهی و فشارهای فوق‌العاده آن به ملت ایران شده است؟

پاسخ:

مذاکره با ۱+۵ با توجه به مولفه‌های قدرت کشورمان و برخواسته از عزم داخلی حاصل از اجماع ملی در زمینه ایفاگری یک نقش فعال و پویا در صحنه بین‌المللی است. تصمیم به این اقدام پس از بررسی جایگزین‌های مختلف و آزمودن روشهای دیگر به صورت اجماعی اتخاذ گردید. وزارت امورخارجه با استعانت از توان بالای دیپلماتیک و تجارب خود در صحنه بین‌الملل به عنوان مجری این تصمیم ملی انتخاب گردید. این مذاکرات و نتایج آن در صحنه کلان استراتژیک منجر به ایجاد یک زلزله سیاسی در منطقه گردید و یکبار دیگر نشان داد که توان بالای دیپلماتیک کشور می‌تواند یکی از مولفه‌های مؤثر قدرت ملی باشد. مذاکرات بر اساس اصول و مبانی مذاکراتی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است و مذاکره‌کنندگان با تکیه بر مولفه‌های قدرت ملی با اعتماد به نفس کامل توانستند طی یک فرایند پیچیده مذاکراتی با شش قدرت برتر جهان، ضمن حفظ اصول و منافع کشور در مذاکرات ساختار اصلی فناوری هسته‌ای کشورمان را نیز تثبیت نمایند. بنابر این مفروضات ادعائی شیفتگی به غرب از اساس باطل است. از طرف دیگر هر تحلیل‌گر بی‌طرفی می‌داند که کف خواسته‌های غرب قطعنامه‌های غیر قانونی شورای امنیت بوده است. اما نتایج حاصل از مذاکرات و تأمین منافع کشورمان در برنامه اقدام به هیچ‌وجه قابل مقایسه با موارد مطرح در قطعنامه‌های غیر قانونی شورای امنیت نیست. چرا که مقایسه آنها حاکی از عقب‌نشینی گسترده غرب و کشورهای ۱+۵ از خواسته‌های خود در این زمینه است. بنابر این ادعای این موضوع که صرف ورود به مذاکره سبب زیاده خواهی غرب شده است، نیز کاملاً باطل و غیر واقعی است. از طرف دیگر ورود به مذاکرات سبب شناسایی توان دیپلماتیک ایران به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های قدرت ایران توسط قدرتهای

جهانی شده است همچنین روند مذاکرات و نیل به برنامه اقدام مشترک در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و جهانی دارای تأثیرات روانی بوده است که مهمترین اثر خود را در ایجاد شکاف در دیوار تحریم به‌جا نهاده است.

۲) وزارت امور خارجه چرا به رغم افشای مفاد توافقنامه توسط غربی‌ها همچنان از اطلاع رسانی در مورد مذاکرات و مفاد برنامه اقدام خودداری می‌کرد؟

پاسخ:

هر فرد آشنا با مذاکره می‌داند که هر نوع مذاکره بین‌المللی پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های خاص خود را داشته و دارد و الزاماً شفافیت نسبت به افکار عمومی به معنای انتشار همه جزئیات مذاکرات در سطح رسانه نیست بلکه میزان انتشار عمومی با توجه به بررسی اثرات مثبت و منفی آن بر روند مذاکرات و اثرات بعدی این انتشار چه در داخل کشور و چه بازخورد واکنش‌های داخلی در طرف مقابل است به نحوی که خدشه‌ای به منافع ملی در روند مذاکرات وارد نسازد و یا مورد سوءاستفاده گروههای مخالف جمهوری اسلامی ایران در طرفهای مذاکراتی قرار نگیرد. همچنین باید پذیرفت که این حساسیت‌ها در مورد مذاکرات هسته‌ای کشورمان چند برابر می‌شود مخصوصاً زمانی که یکی از طرفین مذاکره آمریکا باشد. به رغم همه این موارد همه قبول دارند که این حق افکار عمومی است که در جریان روند مذاکرات و مخصوصاً نتایج مذاکرات قرار گیرند. به همین دلیل بخشی تحت عنوان دیپلماسی عمومی و یا سیاست رسانه‌ای در وزارت امور خارجه وجود دارد که این وظیفه را به عهده دارد.

در خصوص مذاکرات با ۱+۵، اشتیاق و بعضاً سوءظن نسبت به اخبار منتشر شده هم در داخل ایران و هم در داخل آمریکا به شدت بالا بوده است و هم اکنون هم این خبرها به شدت پیگیری می‌شود. در یک نگاه منصفانه باید گفت که وزارت امورخارجه

همواره بر اطلاع‌رسانی به موقع در زمینه مذاکرات و مخصوصاً در مورد برنامه اقدام مشترک مشتاق و پایبند بوده است و به فاصله اندکی از توافق در زمینه برنامه اقدام مشترک ترجمه متن را در سایت رسمی خود قرار داد و متعاقب آن اطلاع‌رسانی مناسب را در مورد محتوای توافق انجام داده است. در این زمینه، وزارت امورخارجه بیشترین تلاش را برای افزایش شفافیت داشته است به نحوی که در ادوار مختلف مذاکره، هر بار بیش از ۴۵ خبرنگار از بخش‌های مختلف رسانه‌ای کشور، ازجمله خبرگزاری‌های منتقد، هیأت مذاکره‌کننده را همراهی کرده‌اند. اما باید پذیرفت که برنامه تبلیغاتی آمریکا برای کنترل رسانه‌ها و ایجاد یک هجمه تبلیغاتی رسانه‌ای با هدف مهار سیستم داخلی خود ، در این دور از مذاکرات، قویتر عمل کرد و متأسفانه برنامه تبلیغاتی آمریکا توانست قسمت اعظمی از بخش‌های داخلی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. به نحوی که تا چند روز قرائت رسانه‌ای آمریکا از توافق ژنو در قالب Fact Sheet محور بخش‌های خبری داخلی بود و کسی باور نمی‌کرد که متن اصلی همان متن منتشر شده از سوی وزارت خارجه است. بلکه متن اصلی را همان متن آمریکایی می‌دانستند. اینکه چرا اعتماد لازم به صحبت‌های تیم مذاکره‌کننده کشورمان در داخل وجود نداشت و چرا منتقدین از کنار اطلاع‌رسانی داخلی مسئولان با بی‌اعتنائی و بی‌توجهی گذشتند و اصرار داشتند که متن آمریکا را مبنای مذاکرات جلوه دهند و صدای انتقاد خود را در پافشاری نسبت به عدم اطلاع‌رسانی تیم مذاکره‌کننده بالا بردند را باید با توجه به فرهنگ سیاسی کشورمان و حساسیت روی موضوع مذاکره با آمریکا با دقت مورد بررسی مجدد قرار داد تا در دور بعدی مذاکرات دوباره اتفاق نیفتد.

۳) تفاوت توافقنامه بین‌المللی و تعهد بین‌المللی براساس حقوق بین‌المللی چیست و آیا برنامه اقدام یک توافقنامه بین‌المللی است یا یک تعهد بین‌المللی؟ چرا این برنامه

برای تصویب به مجلس ارائه نشده است؟

پاسخ:

در زبان و ادبیات حقوقی کشورمان در استعمال واژه و عناوین «قراردادهای بین‌المللی» و «معاهدات بین‌المللی» غالباً تفریقی نمی‌شود. عده‌ای از حقوق‌دانان و اندیشمندان با یکسان تلقی نمودن معانی، در آثار و تألیفات خود هر یک از عناوین مزبور را به جای دیگری به کار می‌گیرند. این بی تفاوتی در رسانه‌های گروهی نیز معمول می‌باشد. در حالی‌که هر کدام دارای معنا و مفهوم متفاوت از هم بوده و از نظر حقوقی و موضوعی نیز دارای ساختار متفاوتی می‌باشند. معاهدات بین‌المللی عمدتاً به چهار گروه قابل تقسیم می‌باشند:

الف ـ عهدنامه: عهدنامه معاهده‌ای است که راجع به بنیادی‌ترین روابط بین دو یا چند کشور و طی تشریفات کاملاً رسمی منعقد می‌گردد مانند عهدنامه‌های مودت ایران و سوئد و ایران و ترکیه.

ب ـ کنوانسیون و یا مقاوله‌نامه: کنوانسیون (Convention) یا مقاوله‌نامه به معاهده‌ای گفته می‌شود که با هدف تدوین قواعد حقوقی و مهم مابین کشورهای متعددی تنظیم و منعقد می‌گردد مانند مقاوله‌نامه‌های چهارگانه ژنو در مقابل مقاوله‌نامه راجع منع کار اجباری لازم به ذکر است که اکثر مقاوله‌نامه‌ها (کنوانسیون) در زبان قانون‌گذاری ایران مسامحتاً با عنوان کلی قراردادها آورده شده‌اند مانند قرارداد تعریف تجاوز مورخ ۳ ژوئیه ۱۹۳۳ مصوب ۱۲ تیرماه ۱۳۱۲ و یا قرارداد هواپیمایی کشوری بین‌المللی مورخ ۷ دسامبر ۱۹۴۴ مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۲۸.

ج) موافقتنامه معادل Agreement انگلیسی و Accord فرانسوی بوده و به معاهده‌ای اطلاق می گردد که روابط دو کشور در زمینه‌های مختلفی از قبیل فرهنگی و اقتصادی و بازرگانی و حمل و نقل و امثالهم را تنظیم و نتیجتاً منشأ تعهدات متقابل می‌گردد مانند

موافقت‌نامه سرحدی بین ایران و ترکیه و موافقت‌نامه حل مسائل مرزی بین ایران و شوروی سابق.

د ـ پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی (Pact) پیمان به هر نوع معاهده‌ای اطلاق می‌گردد که دولت را به یکی از تشکیلات بین‌المللی وارد و یا دولت را در سازمانهای بین‌المللی عضو نماید مانند پیمان بغداد. معاهدات بین‌المللی اصولی‌ترین منبع حقوق بین‌الملل است و برای اینکه دارای اثر قانونی باشد باید در هر کشوری بر حسب سیستم حقوق اساسی آن کشور مورد تصویب قرار گیرد. یعنی بعد از اینکه موضوع معاهده از جانب کشورها مورد مذاکره قرار گرفته و مراضات و توافقات لازم حاصل و رسماً از سوی نمایندگان کشورها امضا گردید. باید به مجالس و پارلمان‌های کشور ارائه و مورد تصویب قرار گیرد. بر طبق اصل ۷۷ قانون اساسی کشورمان اجرای معاهدات بین‌المللی منوط به تصویب در مجلس شورای اسلامی دانسته است.

از طرف دیگر کشورها برای تسهیل در سایر تعاملات وسیع خود با دیگر کشورها مکانیزم‌هایی دارند که این اختیار را به قدرت مجریه می‌دهد که بدون نیاز به تصویب قوه مقننه، با تدوین و امضای یاداشت تفاهم، بیانیه مشترک و یا نقشه راه نسبت به تعامل با خارج اقدام نماید. این موضوع در اصل ۷۷ قانون اساسی کشورمان نیز به رسمیت شناخته شده است.

همانگونه که ملاحظه می‌شود برنامه اقدام مشترک در زمره هیچ‌یک از موارد فوق نیست. چون اساساً متنی امضا نشده است. این برنامه اقدام یک سند غیر امضائی است که تعهدات داوطلبانه دو طرف را در قالب یک برنامه زمانی مکتوب کرده است. حتی اگر این سند امضا هم می‌شد و برخی عناصر به آن افزوده می‌شد، باز هم در قالب دسته اول یعنی معاهدات بین‌المللی که نیازمند تصویب مجلس است نمی‌گنجید و می‌توانستیم آنرا در قالب یک یادداشت

تفاهم محسوب نمائیم که در اختیارات قوه مجریه است. بنابر این این سند به هیچ‌وجه نیازمند تصویب مجلس نیست.

۴) وجود متن‌ها و تفسیرهای گوناگون از توافقنامه به چه دلیلی است و چه معنایی دارد؟

پاسخ:

تنها یک متن در زمینه برنامه اقدام مشترک ژنو وجود دارد که آن متن انگلیسی این سند است. متون دیگر که متأسفانه در داخل کشور از آنها به عنوان متن سند نام برده می‌شود بیانگر روایت مکتوب آمریکا از برنامه اقدام مشترک است که کاملاً منطبق با متن برنامه اقدام نیست. دلیل ارائه تفاسیر مختلف از این سند این است که کشورمان زیر بار لحاظ تفاسیر ارائه شده در متن نرفته است و حاضر نشده است مواضع کشورهای دیگر را در متن بپذیرد. این موضوع سبب شده است که در یک فرایند مذاکراتی متنی تهیه شود که هرکس قرائت خود را از آن دارد.

۵) از ژنو ۲ تا ژنو ۳ چه تغییراتی در توافقنامه پدید آمد که اولی به امضای توافق منجر نشد، اما مذاکرات دور بعد به نتیجه رسید؟ آیا در دور بعد مذاکرات ایران کوتاه آمد یا طرف غربی به خواست ایران تمکین کرد؟

پاسخ:

بنا به شواهد و بررسی اطلاعات ارائه شده از سوی دو طرف، مشکل اصلی ایجاد شده در ژنو ۲ ناشی از زیاده‌خواهی‌های فرانسه به تحریک رژیم صهیونیستی بود. به نظر می‌رسد که این موضوع پس از مذاکرات فراوان ایران با کشورهای ۱+۵ به نحو مقتضی به نفع ایران حل و فصل شد. در این زمینه ظاهراً طرف غربی مجبور به تمکین از نظر ایران شده است و از نظرات حداکثری خود در متن کوتاه آمده است. چون این نظرات به هیچ‌وجه از سوی ایران پذیرفته نشده است. کما اینکه اگر قرار به پذیرش این نظرات بود در همان جلسه ژنو ۲ توافق حاصل می‌گردید. از طرف دیگر توجه

به موضع‌گیری رژیم صهیونیستی شاهدی دیگر بر این واقعیت است که غرب در مقابل ایران، از نظرات خود کوتاه آمده است چون رژیم صهیونیستی که محرک اصلی مشکل پیش آمده در ژنو ۲ بود بیش از همه از نهایی شدن برنامه اقدام در ژنو ۳ ناراضی و ناراحت بود و آنرا یک اشتباه تاریخی نامید.

۶) چرا تعهدات قبلی ما به اروپایی‌ها حالت بین‌المللی پیدا کرده است و چین و روسیه و آمریکا هم به آنها اضافه شده است؟

پاسخ:

در این زمینه باید توجه نمود که شروع مذاکرات ایران برای حل مسئله هسته‌ای با سه کشور اروپایی شروع شد. اما در دولت نهم در زمان تصدی آقای لاریجانی در شورایعالی امنیت ملی، وی بر اساس سیاست نگاه به شرق آن دولت، دو کشور چین و روسیه را وارد این روند کرد. از طرف دیگر عملاً تا اروپایی‌ها هر اقدامی را با آمریکا هماهنگ نمی‌کردند کار محقق نمی‌شد لذا آمریکا هم وارد جمع مذاکره کننده گردید. دولت فعلی نقشی در ترکیب طرف مقابل جمهوری اسلامی ایران نداشته است و این ترکیب میراثی است که از دولت قبل به این دولت رسیده است. از طرف دیگر به دلیل ارجاع پرونده هسته‌ای کشورمان به شورای امنیت و بررسی آن تحت فصل هفتم شورای امنیت، مذاکره مؤثر در خصوص پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیازمند تعامل با همه کشورهای عضو دائم شورای امنیت است. شایان توجه است که این دولت نقشی در ارجاع پرونده به شورای امنیت نداشته است و این موضوع هم میراث دولت قبل است.

همچنین باید توجه نمود که در مجموع گفتگو با سه کشور اروپایی EU۳ ، چین و روسیه بدون حضور آمریکا به نتیجه نمی‌رسید و از طرف دیگر ضرورت مذاکره برای برداشتن تحریم‌های غیرقانونی و ناعادلانه آمریکا، حضور این کشور در فرایند مذاکرات

را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. بنا بر این مذاکره مستقیم از زمان دولت قبل در حاشیه شروع شده بود. همچنین منطق گفتگو ایجاب می‌کند که مذاکره مستقیماً با طرف اصلی صورت پذیرد. زیرا اکثریت تعهدات ایجاد شده در زمینه لغو تحریم‌ها طبق برنامه اقدام ژنو مستقیماً مربوط به آمریکا بود. لذا عقلایی این بود که با طرف تعهد، مستقیم مذاکره شود.

۷) آیا گام‌های ایران و ۱+۵ در اجرای توافق ژنو همزمان خواهد بود؟ چرا زمانبندی مشخصی برای تفاهمات وجود ندارد؟

پاسخ:

بله گامهای دو طرف همزمان خواهد بود و اجرایی شدن برنامه اقدام همزمان در یک روز صورت خواهد پذیرفت که طی آن هر دو طرف تعهدات خود را اجرایی خواهند کرد. زمانبندی دقیقی برای اجرای تعهدات وجود دارد و همه تعهدات در قالب یک زمانبندی دقیق شش ماهه انجام خواهد شد. این شش ماهه امکان تمدید دارد. به نتیجه رسیدن تفاهمات برای دوره نهایی نیز بستگی به پیشرفت مذاکرات دارد و نمی‌توان در شرایط فعلی برای آن جدول زمانی تعیین کرد.

۸) دلیل اظهارات ضد و نقیض غربی‌ها در مورد توافق ژنو چیست؟

پاسخ:

اظهارات ضد ونقیض غربی‌ها ناشی از دیدگاه‌های مختلف آنها نسبت به برنامه اقدام است. این دیدگاه‌های مختلف نیز ریشه در رقابت‌های شخصی، حزبی و سیاسی در جوامع غربی دارد. از طرف دیگر برخی از آنها برای پاسخگویی به افکار عمومی و سیستم داخلی خود مبادرت به اعلام مواضع بعضاً ضد و نقیض می‌نمایند. آنچه مهم است متن مکتوب سند برنامه اقدام است . برای تحلیل دقیق مواضع غرب نباید در دام اظهارات شفاهی مقامات غربی افتاد. همگان مطلع‌اند که بعد از هر مذاکره، یک رقابت رسانه‌ای

شکل می‌گیرد که در آن هر طرف سعی می‌کند خود را برنده مذاکره قلمداد نماید. البته مذاکره یک بده و بستان است،لذا هر طرف سعی می‌کند ادعا کند که او کمتر داده و بیشتر ستانده است. اتفاقاً هر که در مذاکره بیشتر باخته و کمتر به دست آورده سعی می‌کند با فضاسازی رسانه‌ای ضعف خود را پوشش داده و پنهان نماید. بنابراین طبیعی است که آقایان و خانم‌های طرف مقابل سر و صدا راه بیندازند که دستاورد طرف ایرانی کمتر بوده است. به خصوص که باید جواب مخالفین داخلی و خارجی خود و رفقای عصبانی خود در منطقه و خارج از منطقه که مدعی هستند آنها یک «اشتباه تاریخی» مرتکب شده‌اند را هم بدهند. اما سؤال اینجاست که چرا بسیاری در داخل کشور باید حرف آنها را بپذیرند و باور کنند که آنها راست می‌گویند و توازن به نفع آنهاست؟ آیا باید نعره‌های صدام را هم پس از عملیات موفقیت‌آمیز رزمندگان، که ادعای پیروزی داشت می‌پذیرفتیم؟ آیا این بازیِ دشمن نیست که با اظهارات «متفاوت» و «متضاد» ما را دچار ابهام و تردید کند؟ چرا همه جا به دشمن بدبین هستند و در اینجا خوشبین؟!

۹) با عهدشکنی غرب، ایران تا چه‌زمانی به توافقنامه عمل می‌کند؟

پاسخ:

جمهوری اسلامی ایران اعلام نموده است که روزی که طرف غربی نقض عهد نماید، همان روز تداوم اجرای برنامه اقدام مشترک را متوقف می‌کند. این امکان همچنین برای طرف مقابل نیز وجود دارد که در صورت نقض توافق از سوی ایران، از اجرای آن سر باز زند. اما موضوع مهم این است که چه زمان نقض توافق صورت گرفته است. در پاسخ می‌توان گفت زمانی نقض توافق صورت می‌گیرد که یکی از مفاد این برنامه صریحاً نقض گردد و طرف مدعی با ارائه شواهد طرف دیگر را متقاعد نماید که نقض توافقی صورت گرفته است. برنامه اقدام ژنو در ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۲ آغاز شده است. تا

تاریخ نگارش این کتاب که ده روز از اجرایی شدن آن می‌گذرد هنوز موردی را نمی‌توان به عنوان مصداق این موضوع مورد بررسی قرار داد.

۱۰) آیا ورود جمهوری اسلامی ایران به این روند مذاکرات نمی‌تواند کشور را وارد پروسه بی‌پایان اقدامات شفاف و اطمینان‌ساز مورد نظر غرب گردد؟

پاسخ:

یکی از اهداف برنامه اقدام این بوده است که تعهدات دو طرف به صراحت روشن شود. جمهوری اسلامی هم دقیقاً با این هدف وارد مذاکره با ۱+۵ شده است که چارچوبی برای تعیین حد و حصر انتظارات دو طرف از هم تعیین شود. با تلاشهای انجام شده در مذاکرات و در نتیجه پافشاری کشورمان بر حقوق خود و جلوگیری از زیاده‌خواهی‌های طرف مقابل، در متن برنامه اقدام، چارچوب اصلی اقدامات اعتمادساز و شفافیت‌زا دقیقاً روشن شده است.

۱۱) چرا در فصل مربوط به گام دوم در متن توافقنامه به طور تلویحی قانونی بودن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفته‌ایم. و حال آن که تاکنون با استناد به موازین حقوق بین‌الملل این قطعنامه‌ها را غیرقانونی و باج‌خواهانه می‌دانستیم؟

پاسخ:

در توافق ژنو به هیچ‌وجه قانونی بودن قطعنامه‌های شورای امنیت پذیرفته نشده است بلکه قرار است به قطعنامه‌های شوای امنیت «پرداخته» شود (قطعنامه‌ها address می‌شوند). چه قطعنامه‌ها را قانونی بدانیم و چه نامشروع و غیرقانونی، طرف مقابل منجمله (و حتی به‌ویژه) روسیه و چین، به اجرای آنها اصرار دارد و با ادعای الزامی بودن آنها بر اساس حقوق بین‌الملل و فصل ۷ منشور ملل متحد، حاضر نبوده و نیست از آنها صرف‌نظر کند. ما قطعنامه‌ها را غیرقانونی می‌دانیم و وزیر امور خارجه کشورمان این را در اولین جلسه وزرا در نیویورک به صراحت کامل بیان کرد که عکس‌العمل وزیر امورخارجه فرانسه را برانگیخت.

لذا با هرگونه اشاره به اجرای قطعنامه‌ها مخالف بوده و به هیچ عنوان قبول نکردیم. نهایتاً بر خلاف تمامی اسناد گذشته ۱+۵ و برخلاف متن پیشنویس‌های اولیه آمریکایی‌ها، نه پایبندی (comply) به قطعنامه‌ها و نه حتی اجرای (implement) آنهادر متن نیامد. بلکه قرار شد در مقطعی قبل از پایان کار به این قطعنامه‌ها پرداخته (address) شود، که هدف این پرداختن هم خاتمه دادن رضایت بخش (satisfactory conclusion) به آنهاست. توضیحات بیشتر دراین زمینه در پاسخ به سؤال بعدی ارائه می‌شود.

۱۲) کلمه رضایت‌بخش بودن پایان قطعنامه‌های شورای امنیت به چه معنا است؟

پاسخ:

متأسفانه در داخل کشور بعضاً از برخی موضوعات کج فهمی‌هایی صورت می‌گیرد که ریشه در عدم تسلط به زبان انگلیسی و ادبیات نگارشی در متون بین‌المللی دارد. یکی از این موارد همین بحث رضایت‌بخش بودن در بحث قطعنامه‌های شورای امنیت است. باید توجه نمود که کلمه رضایت‌بخش در قطعنامه‌ها (satisfactory) به «نحوه خاتمه دادن (conclusion)» قطعنامه‌ها و نه به «اجرای» آنها برمی‌گردد. اگر گفته شده بود که به قطعنامه‌ها به صورت رضایت‌بخش پرداخته خواهد شد (satisfactorily address) به معنی محقق شدن آنها بود، اما در شرایط فعلی اگر اعضای شورای امنیت نسبت به خاتمه قطعنامه‌ها رضایت داشته باشند (satisfy شده باشند)، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا اجرای قطعنامه محقق (satisfy) شده است، می‌توانند این کار را انجام دهند. بنابر این چنانچه روند اجرای گام اول و مذاکرات مربوط به گام آخر، از دید طرفین مطلوب باشد، به نوعی اجرا یا عدم اجرای قطعنامه‌ها و یا نحوه عبور آبرومندانه از آن هم مورد توافق قرار خواهد گرفت. این قطعاً یک دستاورد است که پنج کشور عضو دائم شورای امنیت از تصریح بر «اجرای» قطعنامه‌های مصوب خود حداقل در مرحله فعلی

صرف‌نظر کرده و «پرداختن» به آنها را به آینده حواله می‌دهند، بدون اینکه ایران تعهدی برای اجرای آنها پذیرفته باشد.

۱۳) اگر قرار است قطعنامه‌ها را اجرا کنیم چرا با ۱+۵ مذاکره می‌کنیم؟

پاسخ:

مواضع اعلامی کشورمان همواره این بوده است که نه اعتبار حقوقی برای قطعنامه‌های شورای امنیت قائل هستیم و نه قرار است آنها را اجرا کنیم. ملت بزرگ ایران همواره مقاومت زیادی در برابر این قطعنامه‌های غیر قانونی کرده است و بهای این مقاومت را نیز پرداخته است. لذا به هیچ‌وجه حاضر نیستیم که قطعنامه‌ها را اجرا کنیم. اگر قرار بود کاملاً تسلیم شویم و قطعنامه‌ها را اجرا کنیم که دیگر نیازی به مذاکره نبود چون همه شرایط قطعنامه‌ها را می‌پذیرفتیم. پس مذاکره با هدف عدم تسلیم کامل در برابر قطعنامه‌های غیرقانونی شورای امنیت صورت می‌گیرد. و نتایج به دست آمده از برنامه اقدام ژنو حاکی از روند تضعیف این قطعنامه‌های غیرقانونی است.

۱۴) چرا واژه‌های مبهمی در برنامه اقدام بکار گرفته شده است واژه‌هایی که تعریف آنها مشکل است ؟

پاسخ:

نگرانی از واژه‌هایی مثل «حصول اطمینان»، «شفاف‌سازی»، «قانع شدن» (Satisfactory که بهتر است آن را «رضایت‌بخشی» ترجمه کنیم) و ... . کاملاً صحیح و بجاست. تجربیات گذشته پیش روی ما و مورد توجه ماست و هیأت مذاکره‌کننده هم کاملاً به طرف مقابل بدبین و بی‌اعتماد است. اما باید قبول نمود که در یک مذاکره سنگین و نفس‌گیر بر روی کلمه به کلمهٔ یک متن چهارصفحه‌ای، بده بستان روی بعضی مفاهیم و کلمات و بخصوص استفاده از واژه‌های کشدار در برخی از موارد اجتناب‌ناپذیر است. راه‌حلی که برای رفع نگرانی‌ها پیش‌بینی شده است (و برای هر دو طرف مصداق دارد)، استفاده از حرکت گام به گام، و طراحی گامها به شیوه

قابل بازگشت است. در گام اول رعایت کرده‌ایم و در گامهای بعدی هم مراقب خواهیم بود. هر کجا احساس کنیم طرف مقابل به تعهدات خود عمل نمی‌کند و از این به اصطلاح «واژه‌های کشدار» سوءاستفاده می‌کند، روند می‌تواند به سرعت متوقف شود.

مذاکره یک مهارت ویژه است. برای به نتیجه رساندن یک توافق مخصوصاً زمانی که اختلاف بین کشورهای طرف مذاکره وجود دارد چاره‌ای جز بکار گرفتن عبارات مبهم نیست. ذکر این عبارات کلی که در عرف مذاکراتی از آنها تحت عنوان «ابهام سازنده» (Constructive ambiguity) نام می‌برند رویه معمول در همه مذاکرات بین‌المللی است. این عبارات مبهم به هرطرف این امکان را می‌دهد که قرائت خود از متن ارائه دهد. این قرائت بخشی از مواضع حداقلی هر طرف را نشان می‌دهد و کاملاً بر اساس نظرات یک طرف تدوین نشده است. برنامه اقدام مشترک نیز به خاطر حساسیت بالای موضوعات تحت پوشش، استثنائی بر این قاعده کلی نیست.

۱۵) اگر ایران و آژانس مسائل خود را ظرف شش ماه حل نکنند چه اتفاقی خواهد افتاد؟

پاسخ:

با توجه به اینکه در بخش اعظم اقدامات داوطلبانه ایران در زمینه هسته‌ای موضوع مواد هسته‌ای مطرح می‌باشد و هرجا موضوع مواد هسته‌ای مطرح باشد نمی‌توان آژانس را درگیر نکرد لذا طبق برنامه اقدام مشترک آژانس باید نسبت به راستی‌آزمایی از اقدامات داوطلبانه هسته‌ای ایران اقدام نماید. اما بر طبق برنامه اقدام مشترک وظیفه محدودی برای آژانس در نظر گرفته شده است که شامل راستی‌آزمایی این اقدامات و ارائه اطلاعات روزآمد شده ماهیانه به کمیسیون مشترک پیش‌بینی شده در برنامه اقدام مشترک می‌باشد. شایان توجه است که کمیسیون مشترک متشکل از کشورمان و سایر کشورهای عضو ۱+۵ می‌باشد. بنابر این طبق

برنامه اقدام مشترک، آژانس نمی‌تواند نسبت به ارائه گزارش به شورای حکام که دارای الگوی عضویتی خاص خود است (به خاطر عدم عضویت ما در شورای حکام و عضویت دشمنان و رقبای ما دراین شورا مطلوب ما نیست)، اقدام نماید و نقش آژانس در برنامه اقدام مشترک کاملاً متفاوت با کار ویژه اختصاصی و سنتی این سازمان می‌باشد و بسیار محدودتر است و کاملاً بستگی به توافق کشورمان با این آژانس و پذیرش روشهای بازرسی و نظارت دارد. بنابر این قرار نیست در قالب برنامه اقدام مشترک موضوع خاصی بین کشورمان و آژانس حل و فصل شود که بتوان برای آن زمانبندی خاصی ارائه کرد. البته باید توجه نمود که روابط سنتی کشورمان و آژانس طبق قرارداد پادمان در حال پیگیری است و حل و فصل موضوعات پادمانی در قالب این قرارداد پادمانی طبق مدل ۱۵۳ صورت می‌گیرد که موضوعی کاملاً مجزا از برنامه اقدام ژنو است.

۱۶) چرا اصل همه ویا هیچ در متن برنامه اقدام آمده است چرا نمی‌شود روی برخی موارد جزئی توافق کرد و موضوعاتی که توافق روی آن وجود ندارد را کنار گذاشت؟

پاسخ:

نگرانی از «اصل همه یا هیچ» در این سند یک نگرانی بی‌مورد است چون این یک اصل استاندارد در هر مذاکره سنگین و پیچیده است که مزایای آن برای هر دو طرف مذاکره یکسان است. در این مذاکرات هم این اصل همانقدر که به نفع طرف مقابل است به نفع ما هم هست و ضمانتی را ایجاد می‌کند که چنانچه روند مذاکرات به نفع کشورمان نباشد آن را متوقف نماییم. به عنوان مثال توجه فرمائید که یکی از مشخصه‌های گام پایانی تصویب پروتکل الحاقی است که صراحتاً در اختیار مجلس محترم شورای اسلامی قرار دارد. با وجود اصل همه یا هیچ، در اینجا مجلس شورای اسلامی به نوعی صاحب حق وتو نسبت به کل مذاکرات گام پایانی می‌شود. لذا چنانچه متقاعد نشود که روند مذاکرات و توافقاتِ حاصل شده

در جهت منافع کشور است، می‌تواند با عدم تصویب پروتکل الحاقی جلوی کل توافقات را بگیرد.

۱۷) با دادن مواد هسته‌ای در گام اول دیگر چه اهرمی برای چانه‌زنی در گام نهایی و رسیدن به اصل همه و یا هیچ داریم؟ آمریکا می‌تواند با افزایش تحریم‌ها ما را وادار به تسلیم نماید.

پاسخ:

اولاً این یک برداشت نادرست از برنامه اقدام مشترک است که ما مواد هسته‌ای را می‌دهیم. چون ما به هیچ‌وجه مواد هسته‌ای ۲۰درصدی خود را بیرون از کشور نمی‌فرستیم و مواد هسته‌ای داخل کشور باقی می‌مانند. ثانیاً طبق برنامه اقدام مشترک نصف مواد هسته‌ای ۲۰ درصدی تولید شده به سوخت تبدیل می‌شود که همان هدف اعلام شده ما از تولید اورانیوم ۲۰ درصدی است ثالثاً نصف دیگر دخایر تولید شده رقیق می‌شود که به معنای نابودی آن نیست بلکه تبدیل به بخشی از ذخایر ۵ درصدی کشور می‌شود. این ذخایر همچنان در مالکیت جمهوری اسلامی ایران می‌ماند. رابعاً زیرساخت غنی‌سازی کشور و دانش فنی آن همچنان به عنوان مهمترین اهرم کشور در اختیار کشورمان می‌باشد. بنابر این هر زمان که عهد شکنی از طرف مقابل ببینیم می‌توان مجدداً ظرف مدت کوتاهی ذخایر غنی‌سازی خود را ترمیم نمائیم.

۱۸) چرا مکانیزم حل اختلاف پیش‌بینی نشده است؟ کمیسیون مشترک هم که وظیفه‌اش نظارت بر اجرای تعهدات طرفین است صرفاً محدود به بخش شش ماه نخست شده است؟

پاسخ:

مکانیزم حل و فصل اختلافات در برنامه اقدام مشترک همان کمیسیون مشترک است. از طریق این کمیسیون مشترک هر دو طرف به مکانیزمی دست می‌یابند که اجرای تعهدات توسط طرف مقابل را مورد بررسی قرار دهند و در صورت وجود اختلاف

یا سوءتفاهمی آنرا در کمیسیون مشترک مطرح و نسبت به برطرف‌کردن آن اقدام نمایند. عمر کمیسیون مشترک بستگی به عمر اجرای تعهدات دو طرف دارد اگر این اجرای تعهدات محدود به شش ماه باشد کمیسیون مشترک هم شش ماهه خواهد بود اگر هم تمدید گردد که می‌توان آنرا مورد تمدید قرار داد.

۱۹) چرا آژانس نهاد نظارتی برای تعهدات ماست اما برای تعهدات طرف مقابل نهاد نظارتی تعریف نشده است؟

پاسخ:

آژانس نهاد نظارتی برای اجرای تعهدات مربوط به مواد هسته‌ای است. مهمترین تعهدات ما مرتبط با مواد هسته‌ای است به همین دلیل مانقش محدود و تعریف شده آژانس را به عنوان نهاد نظارتی پذیرفته‌ایم. در خصوص لغو تحریم‌ها که مهمترین تعهد طرف مقابل است نهاد نظارتی بین‌المللی وجود ندارد. اما برای نظارت بر اجرای تعهدات آنها، ما مبادرت به ایجاد کمیسیون مشترک کرده‌ایم. این کمیسیون زمینه‌ای فراهم می‌آورد که هر گونه مشکل در اجرای تعهدات طرف مقابل را بلافاصله با آنها مطرح نموده و در همان مراحل اولیه آنرا برطرف نمائیم.

۲۰) چرا اتحادیه اروپا را با بیست و پنج عضو علاوه بر ۱+۵ وارد فرایند مذاکرات کرده‌ایم؟

پاسخ:

با توجه به اینکه بخش مهمی از ساختار تحریم‌های غیر قانونی و ناعادلانه علیه جمهوری اسلامی ایران مربوط به تحریم‌های اعمال شده از سوی اتحادیه اروپاست. عقل حکم می‌کند که در مواردی که با سه کشور اروپایی به عنوان بخشی از ۱+۵ برای لغو تحریم‌ها به توافق می‌رسیم، هرگونه بهانه بعدی برای فرار از تعهد داده شده را نیز از آنها سلب نمائیم تا در آینده نتوانند با استناد به قوانین تحریمی اتحادیه اروپا از زیر این تعهد شانه خالی کنند. بنابراین

ورود اتحادیه اروپا در بخش لغو تحریم‌ها امری ضروری است و وورد این اتحادیه در متن برنامه اقدام مشترک صرفاً در موارد مربوط به لغو تحریم‌های اعمالی از سوی این اتحادیه بوده است. این ورود کاملاً به نفع کشورمان می‌باشد و چنانچه غیر از این بود یک ایراد مهم به برنامه اقدام مشترک بود.

همچنین باید توجه نمود که بر اساس قطعنامه شورای امنیت رئیس شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا (خانم اشتون) هماهنگ‌کننده ۱+۵ از طرف اتحادیه اروپاست. همچنین طرف مذاکره کشورمان هم سالهاست که EU/E۳+۳ است.

۲۱) چرا زمان تعیین‌شده برای گام اول شش ماه است؟ چرا واژه قابل تمدید بکار رفته است؟

پاسخ:

چون بعد از مباحث فنی و کارشناسی فراوان مشخص شد حداقل زمانی که برای انجام یک‌سری اقدامات اعتمادساز بین دو طرف لازم است شش ماه است. از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران بنا به تجربیات قبلی خود وارد هیچ توافقی که مدت‌دار نباشد نخواهد شد. لذا کشورمان با هدف به محک آزمون زدن اراده و عزم واقعی طرف مقابل با این حداقل زمان موافقت کرد. در عین حال چنانچه بعد از شش ماه مشخص شود که در دو طرف آمادگی برای تداوم این روند وجود دارد، می‌توان روند مزبور را به مدت شش ماه دیگر تمدید کرد. اگر هم بنا به هر دلیلی غیر از این شرایط محقق شود، می‌توان به راحتی همه چیز را در پایان شش ماه خاتمه داد.

۲۲) چرا زمانبندی مرحله نهایی مشخص نشده است؟ چرا ایران با ۲۰ سال پیشنهادی غرب موافقت نکرده است چون این محدویت‌ها ممکن است الی الابد شود؟

پاسخ:

اولاً پیش داوری نسبت به زمان لازم برای مرحله نهایی بدون شروع مذاکرات دراین زمینه دشوار و غیرمنطقی است. به نظر

می‌رسد روش مناسب این باشد که صبر کنیم مذاکرات دراین زمینه آغاز و سپس در خصوص زمان لازم برای این مرحله تصممصم‌گیری نمائیم. ثانیاً اختلاف نظر زیادی بین ۱+۵ و کشورمان در خصوص این زمانبندی و میزان آن وجود دارد و اصرار بر طرح آن در این مرحله بحثهای غیر ضروری و غیر واقعی را به دنبال خواهد داشت که سایر موارد را تحت الشعاع قرار می‌دهد . ثالثاً انتقاد مطرح از سوی برخی در داخل کشور که چرا ایران زمانبندی ۲۰ ساله پیشنهادی غرب را دراین زمینه نپذیرفت انتقاد سازنده‌ای نیست چرا که اولاً این زمانبندی هرگز به صورت یک پیشنهاد رسمی از سوی ۱+۵ مطرح نشد چون آنها به خوبی می‌دانند که این زمانبندی بسیار فراتر از زمان مورد نظر کشورمان در این زمینه است و کشورمان به هیچ‌وجه آن را نخواهد پذیرفت. آنچه دوستان داخلی گرفتار آن شده‌اند تأثیرپذیری از یک فضاسازی رسانه‌ای برای تحمیل مدت نظر مطلوب غرب به کشورمان است.

۲۳) اجرای موفقیت‌آمیز گام نهایی به عنوان پیش شرط برای عادی کردن پرونده هسته‌ای کشورمان به چه معناست؟

پاسخ:

هدف از لحاظ این بند این است که دو طرف یک درک مشترک داشته باشند که بعد از اجرای یک سری اقدامات از سوی کشورمان، کشورمان از فصل هفتم منشور خارج گردد، پرونده کشورمان از شورای امنیت به آژانس برگردد و در آژانس نیز پرونده کشورمان به عنوان یک ماده ویژه از دستور کار شورای حکام خارج شود. به عبارت دیگر وضعیت پرونده هسته‌ای کشورمان مانند سایر کشورهای دارای صنعت غنی‌سازی مثل ژاپن، برزیل و آلمان عادی گردد. و به خاطر اعمال حق غنی‌سازی کشورمان تحت فشارهای سیاسی قرار نگیرد.

۲۴) فایده عادی شدن وضعیت ایران مانند سایر اعضای NPT چیست؟ آیا بعد از این همه هزینه به نقطه صفر می‌رسیم و ضعیت رسمیت حق غنی‌سازی چه می‌شود؟

پاسخ:

همانگونه که در پاسخ به سؤال قبلی بیان شد عادی شدن وضعیت کشورمان به معنای بازگشت به نقطه صفر بدون غنی‌سازی نیست. بلکه به معنای این است که حق کشورمان برای انجام غنی‌سازی تثبیت شده و کشورمان در زمره سایر کشورهای دارای صنعت غنی‌سازی مانند ژاپن، آلمان و برزیل قرار می‌گیرد.

۲۵) اجرای این توافقنامه مستلزم تسلیم و کرنش کامل در برابر آمریکاست. هر چند این موضوع تاکتیک فعلی برخی دیپلماتهاست اما تا ابد پایدار نیست. لاجرم باید خود را برای برهم زدن این برنامه و مواجه نظامی با آمریکا آماده کنیم. چرا با اجرای مقدمات این برنامه اقدام اطلاعات مورد نیاز غرب از همه توانمندیهای خود را ارائه می‌دهیم و ذخایر ۲۰درصدی را هم نابود می‌کنیم؟

پاسخ:

همانگونه که قبلاً بیان شد ورود به مذاکرات و اجرای برنامه اقدام مشترک ناشی از نوعی خودباوری ملی است که ریشه در مولفه‌های پررنگ قدرت ملی و ارزشهای والای اسلامی کشورمان دارد. این فرایند یک تصمیم اجماعی است که بر اساس در نظر گرفتن همه جوانب آن تحت رهنمودهای داهیانه مقام معظم رهبری اتخاذ شده است. کسانی که درگیر این مذاکرات هستند با استعانت از الطاف ویژه حضرت حق و توسل به ائمه اطهار از چنان اعتماد نفس بالایی برخوردارند که به هیچ‌وجه مقهور قدرتهای پوشالی غرب نشده‌اند. توان دیپلماتیک بالای کشورمان سبب شد که در دو نوبت وزرای خارجه پنج قدرت برتر جهان در فرصت زمانی اندکی جهت مذاکره با کشورمان در ژنو جمع شوند. بنابراین منتقدانی که چنین مقهور قدرت غرب شده‌اند و انتهای توافق ژنو را کرنش در برابر آمریکا می‌دانند به هیچ روی نه درک درستی از قدرت ملی کشورمان دارند و نه فهم آنها از برنامه اقدام ژنو قرین صحت است. بی‌شک توان دیپلماتیک کشورمان یکی از منابع قدرت ملی

است و تنها کسانی قادرند این مولفه مؤثر و مهم را به خوبی درک نمایند که حداقل با الفبای مذاکرات دیپلماتیک آشنایی لازم را داشته باشند که متأسفانه در خصوص مطرح‌کنندگان این سؤال مصداق ندارد. مطرح‌کنندگان این سؤال از همان ابتدامفروض خود را بر شکست مذاکرات و لزوم تقابل با آمریکا گذاشته‌اند موضوعی که حاکی از نوعی ترس نهادینه شده است. البته این امر طبیعی است که هر هیأت مذاکره‌کننده حرفه‌ای از جمله هیأت کشورمان، همه سناریوهای پیش رو از جمله شکست را مد نظر داشته باشد و برای آن کسب آمادگی کند، اما نمی‌توان با یک پیش‌فرض مبتنی بر تقابل مفرط وارد یک روند پیچیده مذاکره برای رسیدن به یک مصالحه جهت بازی برد ـ برد شد. بررسی مفاد برنامه اقدام ژنو، حاکی از پختگی هیأت مذاکره‌کننده برای پیش‌بینی همه احتمالات از جمله سناریوی شکست مذاکرات است. اجرای برنامه اقدام به‌هیچ‌وجه آسیبی به توان هسته‌ای کشورمان به‌ویژه قدرت انجام غنی‌سازی۲۰ درصدی وارد نمی‌کند. (جزئیات آن در پاسخ به سؤال ۱۷ به تفصیل بیان شد). از طرف دیگر با توجه به تجربیات قبلی ناشی از اجرای موقت پروتکل الحاقی به مدت دو سال، تدوین مدالیته با آژانس و انجام بیش از ۵۰۰۰ نفر روز بازرسی از تأسیسات هسته‌ای کشورمان در سالهای گذشته، دیگر در قالب برنامه اقدام مشترک، به هیچ‌وجه اطلاعاتی که ارزش استراتژیک داشته باشد به آژانس ارائه نمی‌شود.

۲۶) چرا تحریم‌های یکجانبه را در متن برنامه اقدام به رسمیت شناخته‌ایم ؟

پاسخ:

باید توجه داشت که اولاً بنا به اظهارات تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، کشورمان در همان جلسه اول مذاکرات به طرف مقابل اعلام کرده است که پذیرش پرداختن به بحث تحریم‌ها به هیچ‌وجه به منزله شناسایی آنها نیست و این موضوع محور درک مشترک طرفین بوده

است. ثانیاً تحریم‌های ناعادلانه یکجانبه مشکلاتی را برای کشورمان به وجود آورده است. ثالثاً به رسمیت نشاختن این تحریم‌ها توسط کشورمان چیزی از زهر تند آنها نکاسته است. بنابراین در هرگونه راه‌حل نهایی برای برنامه اقدام باید لغو آنها را مد نظر داشت. رابعاً برخی امور از قبل فراهم شده و چاره‌ای بجز تعامل با آنها نیست. به‌واسطه شرایطی، این تحریم‌ها علیه ما وضع و اجرا شده است. خامساً تحریم‌های یکجانبه واقعاً وجود داشته و عواقب اعمال این تحریم‌ها محدود به ما نیست بلکه دامن هر کشوری که با ما تعامل داشته باشد را می‌گیرد که شامل قدرتهای بزرگ هم می‌باشد. به نحوی که همه شرکای ما به نوعی متأثر از این تحریم‌ها هستند. سادساً عدم استفاده از ظرفیت‌های مختلف کشور منجر به تحمیل ظالمانه‌ترین تحریم‌ها، حتی تحریم‌های یکجانبه علیه کشورمان گردید در حالی‌که استفاده از توان دیپلماتیک و سیاسی کشور می‌توانست مانع از تحمیل تحریم‌های یکجانبه و بین‌المللی شود.

۲۷) چرا اطلاع‌رسانی کامل با پخش اسناد و نتایج مذاکرات کارشناسی هسته‌ای برای اجرای توافق ژنو به نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی صورت نمی‌گیرد؟

پاسخ:

بررسی عملکرد وزارت خارجه در این زمینه حاکی از این است که این وزارتخانه همواره در زمینه موضوعات مختلف به ویژه موضوع هسته‌ای، خود را متعهد به اطلاع‌رسانی به موقع و دقیق در زمینه نتایج مذاکرات و توافقات می‌داند. در این زمینه با توجه به حساسیت موضوعات مطرح در مذاکرات و توافقات با طرف خارجی در مورد سطح رسمیت نتایج مذاکرات، به نظر می‌رسد که وزارت امورخارجه در انتشار عمومی آنها موظف به رعایت برخی محدودیت‌ها بوده است. بنا به اخبار و اعلام مواضع تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای درک فنی حاصل از مذاکرات کارشناسی عمدتاً به صورت شفاهی بوده است و رئوس کلی آن در قالب یک سند غیررسمی

(non paper) بین دو طرف تدوین شده است. کشورمان همواره این ملاحظه را داشته است که ارزش حقوقی این سند غیررسمی را ارتقا ندهد. در همین زمینه این دغدغه در وزارت خارجه وجود داشته است که انتشار عمومی این سند غیر رسمی ناخواسته سبب ارتقا جایگاه حقوقی این سند نشود.

بر اساس موضع‌گیریهای رسمی وزارت امورخارجه، به‌رغم اینکه این سند غیررسمی بلافاصله به صورت دقیق و کامل در وزارت امور خارجه ترجمه شد اما با جمیع جهات و پس از لحاظ بحث‌های دقیق کارشناسی، وزارت امور خارجه به این نتیجه رسیده است که اطلاع‌رسانی در این خصوص طریقی غیر از انتشار عمومی آن در مطبوعات باشد. بر همین اساس با ارسال نامه رسمی به کلیه مقامات ارشد نظام و نهادهای مرتبط، متن کامل جهت اطلاع‌رسانی ارسال گردیده است. از جمله مقاماتی که دریافت‌کننده این متن بودند، رئیس محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر لاریجانی می‌باشند. بدیهی است که مفروض وزارت خارجه این بوده است که ایشان از طرق مقتضی نامه و ضمایم آن را به استحضار نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی می‌رساند.

شایان توجه است که به رغم اینکه این شائبه ایجاد شده است که طرف خارجی (مخصوصاً آمریکا) نسبت به انتشار این متن اقدام کرده است اما واقعیت این است که آمریکایی‌ها فقط یک بیانیه مطبوعاتی داده و بخشی از برداشت خود از سند را منتشر کرده است. در عین حال متن کامل سند غیررسمی از طریق نامه‌ای از سوی وزارت خارجه آمریکا برای رئیس سنا و کنگره ارسال شده است. بنا بر خبرهای موجود، رؤسای سنا و کنگره اعلام کرده‌اند که در صورت تمایل نمایندگان می‌توانند به صورت حضوری به آنها مراجعه و سند را رویت نمایند اما نمی‌توانند از آن کپی گرفته و یا آن را منتشر نمایند.

۲۸) چرا در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای با کشورهای ۱+۵ یک نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی وجود ندارد؟

پاسخ:

شواهد حاکی از این است که با توجه به اینکه مجلس در رأس همه امور است و نمایندگان محترم مجلس وظیفهٔ نظارت بر همهٔ امور کشور را دارا می‌باشند، تعامل سازنده با مجلس شورای اسلامی همواره مهمترین اولویت وزارت امور خارجه بوده است و این وزارتخانه در همه زمینه‌ها رایزنی‌های نزدیکی را با نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به عمل آورد. در همین راستا نگارنده خود شاهد بوده است که وزارت امور خارجه و وزاری محترم امور خارجه در طی سال‌های اخیر در مذاکرات و سفرهای خارجی خود همواره از وجود نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو برجسته هیأت بهره‌مند شده‌اند.

اما در خصوص این موضوع به رغم اینکه وزارت امور خارجه از قصد نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی برای عضویت در تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای قدردانی نموده است ولی این امر به دلیل پاره‌ای از ملاحظات محقق نشده است.

۱) اصل تفکیک قوا، یکی از اصول شناخته شده حاکم بر نظامهای سیاسی دنیاست. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین مصوبات شورای عالی امنیت ملی، مسئولیت مذاکرات در عرصهٔ سیاست خارجی به عهدهٔ قوهٔ مجریه است و اعضای پارلمان معمولاً نقش نظارتی در مذاکرات سیاسی بین دولتها دارند. ۲) در عرف دیپلماتیک در ترکیب هیأت سایر کشورها نمایندگان پارلمان وجود ندارند و اصل عمل متقابل محدودیت‌هایی را برای کشورمان ایجاد می‌نماید. ۳) حضور نمایندگان مجلس در مذاکرات به معنای پایبندی مجلس به نتایج مذاکرات است. این مسئله سبب می‌شود که از اهرم مجلس به عنوان یک نهاد نظارتی در مراحل بعدی نتوان به خوبی استفاده کرد.

۴) ماهیت مذاکرات بین پارلمانی در قالب جلسات (IPU) کاملاً متفاوت از مذاکرات بین دولت‌هاست. کشورها ترجیح می‌دهند از جایگاه ویژه پارلمان‌ها و مجالس خود به عنوان آخرین حربه و در شکل نظارتی آن در راستای تضمین منافع ملی خود استفاده نمایند به جای اینکه شأن والای نمایندگان مردم را در مذاکرات مستقیم با دولت‌ها کاهش دهند.

۲۹) ـ چرا تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای الگوی خود را در روش و نتیجه مذاکرات در مورد توافقنامه ژنو، روش قوام‌السلطنه و موافقتنامه قوام ـ سادچیکف در خصوص امتیاز نفت شمال قرار نداده است؟

مقایسه این دو قیاس مع‌الفارق است. چون هیچ شباهتی بین این دو توافق از نظر ماهیتی، موضوع و شرایط انجام مذاکره وجود ندارد. اولاً در زمان انجام مذاکرات قرارداد قوام ـ سادچیکف قدرتهای اشغالگر از جمله شوروی پیش از این متعهد به تخلیه خاک ایران شده بودند. بنابراین مبنای مذاکرات قوام از نظر حقوقی گذاشته شده بود. ثانیاً، آمریکا که به‌تازگی بمب هسته‌ای خود را استفاده کرده بود، به شوروی برای خروج از ایران اولتیماتوم داد و شوروی نیز به‌واسطه تحمل هزینه‌های سنگین جنگ، توان رویارویی نظامی با آمریکا را نداشت. بنابراین ایران از نظر بین‌المللی همانند امروز با تمامی قدرتهای بزرگ رودرو قرار نداشت. ثالثاً، مجلس قانون عدم دادن امتیاز نفت به قدرتهای خارجی را قبلاً تصویب کرده بود.

فصل هفتم

واکاوی اقدام در زمینه برنامه هسته‌ای

الف ـ مقدمه

با توجه با اهمیت مباحث هسته‌ای و تعهدات پذیرفته شده از سوی کشورمان در این زمینه، بخش زیادی از سؤالات و شبهات مطرح شده از سوی بخشهای مختلف جامعه مستقیماً مرتبط با موضوع هسته‌ای است . از نظر منتقدین اثرات برنامه اقدام ژنو بر فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان بسیار چشمگیر است به نحوی که حتی برخی از صاحب‌نظران منتقد، پیامدهای اجرای برنامه اقدام ژنو را غیر قابل جبران می‌دانند و حتی خواهان عدم اجرای برنامه اقدام ژنو از سوی کشورمان هستند. این دغدغه‌ها ذهن هر ایرانی وطن‌پرست را به خود جلب می‌کند. اگر واقعاً این برنامه اقدام چنین خسارات جبران‌ناپذیری به دنبال دارد باید همه با هم متحد شویم و جلوی آن را بگیریم. اما اگر این نگرانیها و دغدغه‌ها ماهیت واقعی ندارند و ناشی از عدم اطلاع‌رسانی دقیق، عدم ایجاد اعتماد بین مذاکره‌کنندگان و منتقدین، بدبینی، کج‌فهمی و یا سوءتفاهم است باید آنها را برطرف کرد. باید روشی را پیدا کنیم که هر رهیافتی که از سوی نظام انتخاب می‌شود از حمایت و اجماع ملی برخوردار باشد. مبادا که نیروهای مختلف نظام جمهوری اسلامی ایران همدیگر را خنثی و یا تضعیف نمایند.

بر همین اساس ذیلاً سؤالات و شبهات موجود در این خصوص بررسی می‌شود و

میزان واقعی بودن این نگرانیها به محک آزمون گذاشته می‌شود. پاسخهای ارائه شده از سوی نگارنده به سؤالات و شبهات موجود، مبتنی بر دیدگاهها و نظرات کارشناسی و با استناد به اسناد موجود است. قضاوت در مورد اینکه این پاسخها چه میزان برطرف‌کننده نگرانیها و شبهات است به عهده خوانندگان محترم است.

ب ـ سؤالات و انتقادات به محتوای مذاکرات در زمینه هسته‌ای

۱) غنی‌سازی اورانیوم که تا این حد مورد تأکید جمهوری اسلامی ایران است، با چه هدفی صورت می‌گیرد؟ چرا تاکنون ایران اورانیوم را تا حد ۲۰درصد غنی می‌کرد؟

پاسخ:

غنی‌سازی یکی از مراحل چرخه سوخت است که در کشورمان با هدف تولید سوخت هسته‌ای انجام می‌شود. سنگ معدن اورانیوم موجود در طبیعت از دو ایزوتوپ U۲۳۵ به مقدار ۰٫۷ درصد و U۲۳۸ به مقدار ۳٫۹۹ درصد تشکیل شده است. سنگ معدن را ابتدا در اسید حل کرده و بعد از تخلیص فلز، اورانیوم را بصورت ترکیب با اتم فلوئور (F۹) و بصورت مولکول اورانیوم هگزا فلوراید تبدیل می‌کنند که به حالت گازی است. در عمل اورانیوم هگزا فلوراید طبیعی گازی شکل را از ستونهایی که جدار آنها از اجسام متخلخل (خلل و فرج‌دار) درست شده است با سرعت بالا عبور می‌دهند. سوراخهای موجود در جسم متخلخل باید قدری بیشتر از شعاع اتمی یعنی در حدود ۲٫۵ آنگسترم باشد. روش غنی‌سازی اورانیوم مطابق همین اصولی است که در اینجا گفته شد. با وجود این می‌توان به خوبی حدس زد که پرخرج‌ترین مرحله تهیه سوخت اتمی همین مرحله غنی‌سازی ایزوتوپ‌هاست، زیرا از هر هزاران کیلو سنگ معدن اورانیوم ۱۴۰ کیلوگرم اورانیوم طبیعی به‌دست می‌آید که فقط یک کیلوگرم U۲۳۵ خالص در آن وجود دارد. در این روش با تکرار استفاده از این صفحات فیلتر مانند، به صورت آبشاری (Cascade)، میزان U۲۳۵ را به مقدار دلخواه بالا می‌برند.

این روش اولین راهکارهای صنعتی برای غنی‌سازی اورانیوم است که کاربرد عملی پیدا کرده است. اما در روش استفاده از سانتریفیوژ برای غنی‌سازی اورانیوم، تعداد بسیار زیادی از این دستگاهها به‌صورت سری و موازی بکار می‌برند تا با کمک آن بتوانند غلظت U۲۳۵ را افزایش دهند.

تولید اورانیوم با غنای ۲۰ درصد در کشورمان نیز صرفاً با هدف تولید سوخت راکتور تحقیقاتی تهران صورت می‌گیرد. در مجموع نزدیک به ۴۰۵ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصدی تولید کردیم که حدود ۲۰۰ کیلو از آن تبدیل به اکسید اورانیوم شده است بر اساس برنامه اقدام ژنو نیز نیمی از مقادیر باقیمانده به اکسید اورانیوم تبدیل می‌شود و بخشی دیگری نیز به اورانیوم ۵ درصد تبدیل خواهد شد و در ذخایر ما باقی خواهد ماند آنچه مهم است به اندازه‌ای که چندین سال نیاز راکتور به سوخت تأمین شود، ذخیره سوخت داریم. ما بر اساس برنامه اقدام در طول این شش ماه ۲۰ درصد تولید نمی‌کنیم اما آن زنجیره و آبشار سانتریفیوژهایی که ۲۰ درصد تولید می‌کرد، بیکار نمانده و ۵ درصد تولید می‌کند.

چشم‌اندازی را جمهوری اسلامی ایران برای توسعه فعالیت‌های هسته‌ای خود از قبل داشته و این چشم‌انداز حتی به صورت قانونی به سازمان ابلاغ شده است؛ یعنی مجلس شورای اسلامی به سازمان ابلاغ کرده در جهت تأمین امکانات لازم یا زمینه‌سازی لازم برای ساخت حدود ۲۰ هزار مگاوات نیروگاه برق هسته‌ای اقدامات لازم را بکند. طبق تکلیف، باید در یک چشم‌انداز بلندمدت قریب ۲۰ هزار مگاوات نیروگاه هسته‌ای در ایران دایر کنیم. یعنی ۲۰ نیروگاه مانند نیروگاه اتمی بوشهر. قبل از انقلاب اسلامی، مؤسسه آمریکایی SRI چشم‌انداز رشد و توسعه اقتصادی کشور را برای ۲۰ سال دیده بود و آنها توصیه کرده بودند که تا ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای داشته باشیم. برنامه میان‌مدت ما تولید چهار هزار مگاوات برق هسته‌ای

بجز نیروگاه اتمی بوشهر است، ولی نمی‌خواهیم ساخت این چهار نیروگاه را همزمان شروع کنیم.

وقتی شما نیروگاهی را می‌سازید باید از تأمین سوخت آن مطمئن باشید. هر نیروگاه اتمی در حالت پایدار خود به سالی ۳۰ تن سوخت نزدیک به ۵ درصد نیاز دارد و در صورتی که ۵ نیروگاه مانند بوشهر داشته باشیم، نیاز به ۱۵۰ تن سوخت هسته‌ای در سال خواهیم داشت. اگر قراردادی با کشوری برای تأمین سوخت نیروگاه‌های اتمی می‌بندیم برای ۵ تا ۱۰ سال خواهد بود که بخشی از عمر نیروگاه‌های اتمی است؛ قرارداد ما با روسیه برای تأمین سوخت نیروگاه بوشهر نیز ۱۰ ساله است. تحولات جهانی به‌گونه‌ای است که این احتمال وجود دارد به دلیل یک تحول سیاسی بگویند ما دیگر سوخت نمی‌دهیم و شما نمی‌توانید از ۵ نیروگاه خود استفاده کنید.

مذاکرات با گروه ۱+۵ و همکاری بین سازمان انرژی اتمی و آژانس بین‌المللی مستقل از یکدیگر اما مکمل هم هستند؛ یعنی همکاری ما با آژانس بر روی گفت‌وگوهای ۱+۵ سایه می‌اندازد و همچنین فضای مثبت در ۱+۵ بر روی همکاری آژانس با سازمان انرژی اتمی سایه می‌اندازد.

در باره فواید سهم قابل توجه برق هسته‌ای در سبد برق کشور باید توجه داشت که این مسئله توجیهات خود را دارد؛ اولین توجیه، اقتصادی است و براساس محاسبات ما تولید برق هسته‌ای برای ما اقتصادی است. صرفه‌جویی در سوخت فسیلی توجیه دوم این مسئله است. تولید هر یک هزار مگاوات برق هسته‌ای در سال، معادل ۷ تا ۸ میلیون بشکه نفت، در سوخت فسیلی صرفه‌جویی می‌کند. توجیه سوم این است که هر نیروگاه هسته‌ای هزار مگاواتی، مانع از صدور هفت میلیون تن گازهای آلاینده و گلخانه‌ای می‌شود؛ یعنی اگر ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای تولید می‌کردیم

۱۴۰ میلیون تن گازهای گلخانه‌ای در کشور تولید نمی‌شد. هر واحد نیروگاهی می‌تواند بین ۳۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار مترمکعب آب شیرین در روز تولید کند.

۲) UF6 یا هگزافلوراید اورانیوم چیست و چرا تولید می‌شود؟

پاسخ:

گاز هگزافلوراید اورانیوم (UF۶) در داخل سیلندرهای سانتریفیوژ تزریق می‌شود و با سرعت زیاد به گردش در آورده می‌گردد. گردش سریع سیلندر، نیروی گریز از مرکز بسیار قوی تولید می‌کند و طی آن مولکولهای سنگین‌تر (آنهایی که شامل ایزوتوپ U۲۳۸ هستند) از مرکز محور گردش دورتر می‌گردند و برعکس آنها که مولکولهای سبک‌تری دارند (حاوی ایزوتوپ U۲۳۵) بیشتر حول محور سانتریفیوژ قرار می‌گیرند. در این هنگام با استفاده از روشهای خاص گازی که حول محور جمع شده است جمع‌آوری شده به مرحله دیگر یعنی دستگاه سانتریفیوژ بعدی هدایت می‌گردد. میزان گاز هگزافلوراید اورانیوم شامل U۲۳۵ که در این روش از یک واحد جداسازی به دست می‌آید به مراتب بیشتر از مقداری است که در روش قبلی (Gaseous Diffusion) به دست می‌آید، به همین علت است که امروزه در بیشتر نقاط جهان برای غنی‌سازی اورانیوم از این روش استفاده می‌کنند. بزرگترین دستگاههای آبشاری سانتریفیوژ در کشورهایی مانند فرانسه، آلمان، انگلستان و چین در حال غنی‌سازی اورانیوم هستند. این کشورها علاوه بر مصرف داخلی به صادرات اورانیوم غنی شده نیز می‌پردازند. کشور ژاپن هم دارای دستگاههای بزرگ سانتریفیوژ است، اما تنها برای مصرف داخلی اورانیوم غنی شده تولید می‌کند.

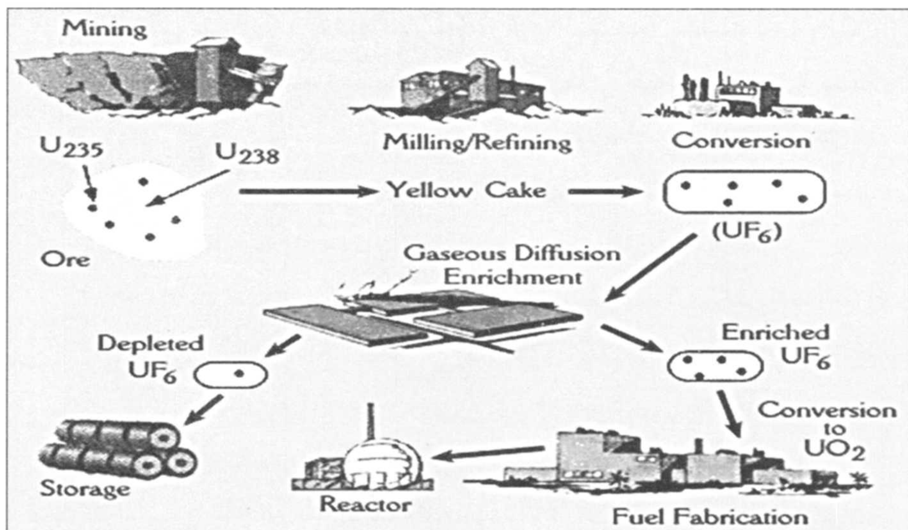
۳) دی‌اکسید اورانیوم به چه منظور تولید می‌شود؟

پاسخ :

دی‌اکسید اورانیوم (UO۲) غنی شده برای تهیه و تأمین سوخت

نیروگاه اتمی بوشهر بکار می‌رود و خط تولید این کارخانه به‌زودی به طور کامل راه‌اندازی می‌شود. در سایت هسته‌ای اصفهان ۳ نوع سوخت تولید می‌شود که یکی برای رآکتور تهران و به صورت صفحات سوخت با اورانیوم ۲۰ درصد است و دو نوع سوخت دیگر برای رآکتورهای بوشهر و آب سنگین اراک است. سوخت رآکتور اراک، دی‌اکسید اورانیوم طبیعی (UO۲) و سوخت نیروگاه اتمی بوشهر دی‌اکسید اورانیوم غنی شده (UO۲) است که به صورت قرص در داخل میله‌های سوخت قرار دارند. برای اینکه گاز یو.اف شش تولید شده در نطنز تبدیل به U۳O۸ به منظور تولید سوخت رآکتور تهران یا تبدیل به UO۲ اکسید اورانیوم طبیعی یا غنی شده برای رآکتورهای اراک و بوشهر شود، هر یک نیاز به خطوط تولید ویژه خود دارند که خط تولید اکسید اورانیوم غنی شده برای تولید سوخت نیروگاه بوشهر به زودی به طور کامل راه‌اندازی می‌شود. اما این که نقش خط تولید دی‌اکسید اورانیوم (UO۲) چیست و محصولات آن چه کاربردهایی دارد باید گفت اورانیوم تولید شده برای تولید سوخت باید به ساچمه‌های UO۲ تبدیل شود. این ساچمه‌ها وارد میله‌هایی می‌شود که در حقیقت همان میله‌های سوخت هستند. در حقیقت این خط تولید، مرحله نهایی تولید اورانیوم است که باید به سوخت هسته‌ای تبدیل شود.

برای ایجاد کارخانه تبدیل مواد ۵ درصد غنی شده به UO۲، کسی به ما اجبار نکرده بود، ما اعلام کرده‌ایم براساس برنامه خودمان این امر پیش می‌رود. این کارخانه افتتاح شده است، اما هنوز مراحلی فنی دارد که به طور واقعی این کار انجام شود. منظور از «برگشت‌پذیر نبودن خط تبدیل مواد غنی شده ۲۰ درصد به اکسید» این است که نباید دوباره خط تبدیل اکسید اورانیوم به مواد غنی شده ۲۰ درصد ایجاد شود چون نقض غرض می‌شود و جمهوری اسلامی ایران هم اصولاً چنین برنامه‌ای ندارد.



۴) سانتریفیوژ چیست و براساس توافقنامه ژنو آیا محدودیتی در این زمینه اعمال خواهد شد؟

پاسخ:

یکی از روش‌های معمول غنی‌سازی استفاده از دستگاه‌های سانتریفوژ گاز است. سانتریفوژ از اتاقکی سیلندری شکل تشکیل شده که با سرعت بسیار زیاد حول محور خود می‌چرخد. سانتریفیوژ دستگاهی است که برای جدا سازی مواد از یکدیگر بر اساس وزن آنها استفاده می‌شود. این دستگاه مواد را با سرعت زیاد حول یک محور به گردش درمی‌آورد و مواد متناسب با وزنی که دارند از محور فاصله می‌گیرند. در واقع در این روش برای جدا سازی مواد از یکدیگر از شتاب ناشی از نیروی گریز از مرکز استفاده می‌گردد، کاربرد عمومی این دستگاه برای جداسازی مایع از مایع و یا مایع از جامد است. سانتریفیوژهایی که برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده می‌شود حالت خاصی دارند که برای گاز تهیه شده‌اند که به آنها Hyper-Centrifuge گفته می‌شود. پیش از آنکه دانشمندان از این روش برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده کنند از تکنولوژی خاصی به نام Gaseous Diffusion به معنی پخش و توزیع گازی استفاده می‌کردند.

بر اساس برنامه اقدام مشترک ژنو، کشورمان متعهد شده است تا در طول شش ماه از نصب سانتریفیوژهای جدید در سایت نطنز و فردو خودداری نماید و تولید سانتریفیوژهای خود را مختص به تولید برای جایگزینی سانتریفیوژهای آسیب‌دیده نماید و دسترسی مدیریت شده به تأسیسات تولید سانتریفیوژ را فراهم آورد.

جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از آبشارهای سانتریفیوژ نوع اول، غنی‌سازی انجام داده است و برای بهبود کیفیت تولید اورانیوم غنی شده، در برنامه‌های تحقیق و توسعه خود نسل‌های پیشرفته‌تر سانتریفیوژ را نیز تولید و مورد آزمایش قرار داده است. اما باید توجه نمود که در شرایط فعلی دستگاههای موجود مورد استفاده برای غنی‌سازی همان دستگاههای نسل اول است. طبق توافق ژنو کشورمان پذیرفته است که دستگاههای آسیب‌دیده در چرخه تولید را تنها با همان سانتریفیوژهای نوع خود جایگزین نماید. اما براساس سند توافق ژنو، این توافق محدودیتی برای تحقیق و توسعه بر روی سانتریفیوژها در نظر نمی‌گیرد و حق فعالیت روی سانتریفیوژهای نسل بعد در قالب برنامه تحقیق و توسعه جاری کشور محفوظ است و محدودیتی از این نظر ایجاد نشده است.

۵) منظور از پرسشنامه‌های جدید فنی رآکتور اراک که در توافقنامه به آن اشاره شده، چیست و اصولاً ارتباط فعالیت‌های این مرکز با تولید پلوتونیوم ادعایی چیست؟

پاسخ:

منظور از ارائه و تکمیل مجدد پرسشنامه مربوط به اطلاعات طراحی درباره سایت اراک است. پاسخ به این پرسشنامه به معنای ارائه اطلاعات جدید بدون هیچ مقدمه‌ای نیست. بلکه در واقع روزآمد کردن اطلاعاتی است که ما مدتی قبل آن را به آژانس داده‌ایم. با توجه به اینکه رآکتور اراک از آن زمان تاکنون تغییرات گسترده‌ای داشته است باید آن پرسشنامه به روز شود. این اطلاعات طراحی که روزآمد می‌شود می‌تواند مبنای تعریف «رهیافت پادمانی» شود.

این رهیافت مؤید آن است که اراک فعالیت‌های خود را ادامه می‌دهد و در واقع بخشی از تلاش‌ها برای حفظ و حراست از ساختار اصلی فعالیت‌های سایت اراک است که همواره مطلوب کشور بوده است. بنابراین سفسطه برخی در خصوص زیر سؤال بردن ارائه اطلاعات در این زمینه و در این چارچوب تنها سبب تشویش افکار عمومی بدون هیچ دستاوردی می‌شود. چون صرفاً قرار است ما طبق رهیافت‌های معمول آژانس پرسشنامه‌ای را تکمیل کنیم و متعاقب آن درباره رهیافت نظارتی با آژانس توافق کنیم که برای بازرسی‌های بعدی آماده شود. این تأسیسات هیچ ارتباطی با تولید پلوتونیوم ادعایی غرب ندارد. این تلاش برخی محافل صهیونیستی و برخی غربی‌ها است که با ارتباط دادن سایت اراک به فعالیت‌های بازفرآوری سعی می‌کنند که با ایجاد نگرانی غیر واقعی در خصوص این سایت در مسیر فعالیت صرفاً صلح‌آمیز این سایت مانع‌تراشی نمایند. کسانی که در داخل به صورت ناآگاهانه انتقاداتی درخصوص باز فرآوری مطرح می‌نمایند باید مطلع باشند که عواقب انتقادات ناپخته آنها ریختن آب به آسیاب دشمن است.

۶) چرا موافقتنامه ژنو محورهایی را به امضای طرفین رسانده که عملاً حقوق هسته‌ای ملت ایران را نادیده گرفته و مقدمه‌ای فراهم کرده که در درازمدت کل برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را زیر سؤال برده و به طور جدی تهدید نموده است؟

پاسخ:

مفروض این سؤال همانطور که بیان شد از اساس غلط است چون اولاً هیچ چیز امضا نشده است. ثانیاً برنامه اقدام مشترک با هدف حفظ ساختار هسته‌ای کشورمان تدوین شده است. این همه مذاکره پیچیده، برگزاری جلسات و مذاکرات کارشناسی که تا سحرگاهان به طول انجامیده است همه و همه برای دفاع از دستاوردها و ساختار اصلی برنامه هسته‌ای کشورمان بوده است. اگر غیر از این بود که دیگر نیازی به این همه مذاکره و دیپلماسی نبود. به هر حال آنچه در برنامه

اقدام تدوین شده است کاملاً روشن است این برنامه در برگیرنده به رسمیت شناختن اجرای حق کشورمان در زمینه غنی‌سازی است و طبق آن هیچ ماده هسته‌ای به خارج از کشور فرستاده نمی‌شود و به رغم تبلیغات غرب و انعکاس غیر واقعی و ناآگاهانه آن در داخل هیچ‌یک تأسیسات هسته‌ای کشورمان تعطیل نمی‌شود و هیچ‌یک از تجهیزات هسته‌ای کشورمان برچیده نمی‌گردند. آنچه که در قالب برنامه اقدام مشترک مورد پذیرش کشورمان قرار گرفته است این است که کشورمان به صورت داوطلبانه با تغییر سرعت در برخی فعالیت‌های هسته‌ای و پذیرش نظارتهای بیشتر در این زمینه اقدامات لازم جهت افزایش شفافیت و اعتماد سازی ضروری را به عمل آورد. هدف از این اقدامات داوطلبانه، طی مدت شش ماه، فراهم شدن زمینه برای تداوم فعالیت‌های عادی و به دور ازجنجال کشورمان در زمینه صلح‌آمیز هسته‌ای است.

۷) چرا برنامه اقدام سبب از دست دادن قدرت فنی و حقوقی غنی‌سازی بالای ۵ درصد (اکسید کردن ۲۰ درصد موجود) شده است؟

پاسخ:

برای پاسخ به این سؤال باید توجه نمود که این سؤال دارای دو بعد است یک بعد فنی و دیگری بعد حقوقی. پاسخ ساده به این سؤال این است که برنامه اقدام به هیچ‌وجه سبب از دست رفتن قدرت کشورمان چه در بعد فنی و چه در بعد حقوقی در زمینه غنی‌سازی ۲۰ درصدی نشده است. در خصوص سایت فردو که قدرت فنی تولید اورانیم ۲۰ درصد را دارد باید به این نکته توجه نمود که هر چند در ابتدا خواست غرب تعطیلی کامل این سایت بود ولی در خلال مذاکرات پیچیده برای برنامه اقدام این خواست غرب پذیرفته نشد. و نتیجه مذاکرات پیچیده که منجر به برنامه اقدام شد حاکی از ادامه فعالیت این سایت است. آبشارهای سانتریفیوژ کشورمان که زیرساخت فنی غنی‌سازی ۲۰ درصد است در این

سایت باقی می‌مانند و تنها کاری که کشورمان انجام می‌دهد این است که فعالیت این سایت را به صورت موقت و داوطلبانه محدود می‌کند. یعنی با اندک تغییر فنی که همان بستن شیر اتصال است درصد غنی‌سازی انجام شده در این سایت را محدود به ۵ درصد می‌کند. بنا به اظهار نظر فنی کارشناسان متخصص در این زمینه موضوع بازکردن شیر اتصال و شروع مجدد غنی‌سازی ۲۰ درصد در سایت فردو کمتر از ۲۰ دقیقه زمان لازم دارد. بنابر این از بین بردن قدرت انجام ۲۰ درصدی کشورمان از نظر فنی دروغی بیش نیست. همچنین از نظر حقوقی هیچ محدودیتی برای شروع مجدد ۲۰ درصد وجود ندارد. چون همه تعهدات در قالب برنامه اقدام در چارچوب یک بسته کلی و به هم پیوسته است و ماهیت داوطلبانه دارد. چنانچه به هردلیل کشورمان تصمیم به شروع غنی‌سازی ۲۰ درصد بگیرد می‌تواند این کار را انجام دهد. البته مطمئناً در تصمیم‌گیری به غنی‌سازی ۲۰ درصد همه مولفه‌ها از جمله نیاز کشورمان به غنی‌سازی ۲۰ درصد که از همان ابتدا تأمین سوخت راکتور تحقیقاتی تهران بوده است مورد توجه قرار خواهد گرفت. در این زمینه بحث فنی دقیقی توسط کارشناسان متخصص صورت گرفته است که در صورت نیاز قابل ارائه کردن است.

۸) چرا در این برنامه با عدم ساخت و نصب سانتریفیوژهای نسل دوم و سوم موافقت شده است؟

پاسخ:

همانگونه که کشورمان از ابتدا اعلام کرده است کل اقدامات انجام شده در زمینه چرخه سوخت از جمله فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی را در قالب یک برنامه منسجم برای تأمین سوخت مورد نیاز برای راکتورهای هسته‌ای کشورمان انجام داده است. اینکه در شرایط فعلی چه نوع سانتریفیوژی را نصب می‌کنیم بستگی به این سیاست کلی و همه ملاحظات مرتبط با آن دارد. در شرایط فعلی

تصمیم کشورمان که با ملاحظات فنی و متخصصان این بخش اتخاذ شده است مبتنی بر عدم نصب نسل دوم و سوم سانتریفیوژها است. لذا در برنامه اقدام مشکلی با عدم نصب سانتریفیوژهای نسل دوم و سوم نداریم. شایان توجه است که موضوع تحقیق و توسعه روی این ماشین‌های سانتریفیوژ ادامه دارد و مانعی در این زمینه توسط برنامه اقدام ایجاد نشده است.

۹) چرا پذیرفته‌ایم تأسیسات جدیدی برای گسترش غنی‌سازی ساخته نشود؟

پاسخ:

همانگونه که کشورمان از ابتدا اعلام کرده است کل اقدامات انجام شده در زمینه چرخه سوخت از جمله فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی را در قالب یک برنامه منسجم برای تأمین سوخت مورد نیاز برای راکتورهای هسته‌ای کشورمان انجام داده است. در شرایط فعلی بر اساس نظر نهادهای متخصص و مسئول در این زمینه دو سایت فردو و نطنز برای تأمین نیازهای ما برای انجام غنی‌سازی کافی است و نیازی به ایجاد سایتهای جدید نداریم. لذا در برنامه اقدام مشکلی با عدم تأسیس سایت جدید در زمینه غنی‌سازی نداریم.

۱۰) چرا با پذیرش پروتکل الحاقی از طریق رئیس جمهور و مجلس موافقت شده است؟

پاسخ:

اولاً در سال ۱۳۸۲ ما به صورت داوطلبانه پروتکل الحاقی را امضا کرده‌ایم و دو سال نیز آنرا داوطلبانه اجرا کرده‌ایم. لذا این ادبیات‌سازی توسط برخی از منتقدین که حاکی از ساختن یک تابو (و یا ترس مفرط غیرواقعی) از بحث پروتکل الحاقی است، مبتنی بر واقعیت نیست. بحث فواید و مضار پیوستن به پروتکل الحاقی در قالب یک بحث کارشناسی قابل انجام است که فعلاً به آن نمی‌پردازیم. ثانیاً مگر در برنامه اقدام چه چیزی پذیرفته شده است

که مایه نگرانی شده است؟ آیا غیر از این است که ترجمه تلویحی اجرای اصل ۷۷ قانون اساسی کشورمان به عنوان گام نهایی ذکر شده است؟ در این زمینه عیناً عبارت مندرج در برنامه اقدام به عنوان گام آخر ارائه می‌شود «تصویب و اجرای پروتکل الحاقی منطبق با نقش رئیس جمهور و نقش مجلس (پارلمان ایران)». همانگونه که ملاحظه می‌شود در برنامه اقدام به عنوان گام نهایی در قالب انجام همه تعهدات طرفین این موضوع پیش‌بینی شده است که ایران مطابق با نقش قوه مجریه به عنوان امضاکننده و ارائه‌دهنده معاهده بین‌المللی و قوه مجریه به عنوان تصویب‌کننده نهایی نسبت به تصویب پروتکل الحاقی اقدام نماید. آیا این اصل برای همه معاهدات بین‌المللی در کشورمان صادق نیست؟ آیا در برابر فشار بی‌حد و حصر غرب برای پیوستن ایران به پروتکل الحاقی، درج ضرورت فوری تصویب بی‌قید و شرط پروتکل الحاقی توسط ایران در همه قطعنامه‌های شورای حکام و همه قطعنامه‌های شورای امنیت، بهتر از این هم می‌شد جمله‌ای در یک سند بین‌المللی مورد توافق کشورهای ۵+۱ و آمریکا گنجاند؟ ثالثاً آیا با این بند یک امتیاز ویژه برای مجلس شورای اسلامی ایران به رسمیت شناخته نشده است که بتواند با استفاده از اصل همه یا هیچ و اهرم تصویب یا عدم تصویب این پروتکل به عنوان یک حق وتو برای کل برنامه اقدام استفاده نماید؟

۱۱) چرا حق غنی‌سازی ایران را به رضایت طرف مقابل و نیازهای عملی که هیچ جایگاه حقوقی در قوانین بین‌الملل هسته‌ای ندارند، واگذار شد چون قطعاً آنها هم عدم نیاز ایران به غنی‌سازی را تشخیص می‌دهند و با آن موافقت نمی‌کنند. این موافقتنامه قبول تعلیق کامل حق غنی‌سازی را به‌دنبال دارد. وزارت امور خارجه چه توجیهی برای این موارد دارد؟ چرا در متن توافق ژنو حق غنی‌سازی جمهوری اسلامی ایران به صراحت مورد تصریح و تأکید قرار نگرفته است؟ ماجرای برداشت‌ها و اظهارنظرهای متناقض از سوی طرفین مذاکره‌کننده در خصوص به رسمیت شناخته شدن حق

غنی‌سازی در داخل کشورمان چیست؟ چرا در موافقتنامه حق غنی‌سازی کشورمان مشروط و موکول به قید و بندهایی شده است که حتی ماده ۴ معاهده عدم اشاعه را نیز نقض نموده است. باتوجه به اینکه اظهارات مقامات آمریکایی قبل مذاکرات در خلال مذاکرات و بعد از آن حاکی از این است که حق غنی‌سازی به رسمیت شناخته نشده است چرا هیأت ما مدعی است که حق غنی‌سازی به رسمیت شناخته شده است؟

پاسخ:

حق غنی‌سازی برای جمهوری اسلامی ایران یک حق انفکاک ناپذیر و تضمین شده در ان‌پی‌تی است. بر اساس ماده ۴ این معاهده و تفسیر رسمی کنفرانس بازنگری معاهده در سالهای ۱۹۹۰ و ۲۰۱۰، ما این حق را داریم، چه کسی آن را به رسمیت بشناسد و چه نشناسد. مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۸۴ در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، در همین راستا برخورداری از انرژی هسته‌ای را براساس معاهده ان‌پی‌تی حق همه کشورها دانسته و با اشاره به گفته‌های برخی دولتهای غربی مبنی بر به رسمیت شناختن حق استفاده ایران از انرژی هسته‌ای فرموده‌اند: «به رسمیت شناختن این حق مسلم و قانونی، امتیازی ظاهری، پوچ و بی‌معناست چرا که این حق در معاهدات جهانی به رسمیت شناخته شده است و برای استفاده از آن نیازی به اروپایی‌ها برای به رسمیت شناختن آن نداریم.»

بنابراین ما هیچگاه منتظر نبوده‌ایم کشورهای ۱+۵ تأیید نمایند که ایران حق غنی‌سازی دارد، تا آنگاه حق غنی‌سازی پیدا کرده باشیم (که این توهین به ملت ایران است). آنچه ما از ۱+۵ انتظار داشته و داریم نه شناسایی حق غنی‌سازی، بلکه «احترام به اجرای حق غنی‌سازی» از سوی ایران می‌باشد، و اینکه به غنی‌سازی در داخل ایران تن بدهند و آن را برای ایران بپذیرند و فشارها و تضییقاتی را که برای اجرای این حق اعمال کرده‌اند رفع کنند. اکنون در اولین بند مقدمه توافق ژنو، ابتدا اذعان نموده‌اند که

هدف مشترک، وضعیتی است که ایران از حقوق کامل خود بر اساس مواد مربوطه ان‌پی‌تی بهره‌مند (enjoy به معنی بهره‌مندی در اجرا) خواهد شد، و سپس می‌پذیرند که راه‌حل جامع شامل یک برنامه غنی‌سازی هم خواهد بود. همچنین در سایر مفاد برنامه اقدام می‌پذیرند که جمهوری اسلامی ایران به غنی‌سازی زیر ۵ درصد خود ادامه دهد. این بلاتردید یک دستاورد بزرگ برای ملت شریف ایران است که بعد از ایستادگی در مقابل ۱۰ سال فشار، تهدید و تحریم، خواسته‌های شش قطعنامه شورای امنیت به کنار گذاشته شده و غنی‌سازی ادامه پیدا می‌کند، و در متن توافق هم اذعان می‌شود که راه‌حل جامع شامل برنامه غنی‌سازی و رفع همه تحریم‌های شورای امنیت و تحریم‌های دوجانبه و چندجانبه مرتبط با موضوع هسته‌ای می‌شود.

البته این واقعیت را هم باید در نظر داشت که موضع آمریکایی‌ها همواره چنین بوده است که غنی‌سازی را به عنوان حق برای هیچ کشوری نپذیرفته بلکه تنها به عنوان واقعیتی در عمل قبول می‌کنند. ایالات متحده تاکنون ۲۲ موافقتنامه هسته‌ای با دولتهای مختلف منعقد کرده که همگی براساس حقوق داخلی آمریکا بوده است. بر اساس بخش ۳۲۱ قانون انرژی هسته‌ای ایالات متحده مصوب سال ۱۹۵۴ میلادی،کشورهای طرف قرارداد می‌بایست چندین شرط را بپذیرند که از جمله آنها، انصراف دولت مقابل از حق غنی‌سازی و بازفرآوری داخلی است (که از آن با عنوان قید طلائی یا Golden Clauseیاد می‌شود). اسناد مذاکرات رژیم پهلوی با دولت آمریکا هم دلالت بر همین موضع طرف آمریکایی دارد. صرف‌نظر کردن از این شرط تنها زمانی امکان‌پذیر است که مجوز خاص از دولت ایالات متحده گرفته شده باشدکه آن هم روندی پیچیده دارد و موافقت همزمان دولت و کنگره را می‌طلبد. آمریکا اساساً با حق غنی‌سازی برای دیگر کشورها موافق نیست.

این کشور آمریکا در قانون مصوب ۱۹۶۷ حق غنی‌سازی را برای کشورهایی که با آنها همکاری هسته‌ای دارد قائل نیست.تاکنون کشورهای معدودی از جمله کره جنوبی، ژاپن و هند این مجوز را دریافت داشته‌اند و در نتیجه غنی‌سازی آنها به عنوان بخشی عملی از برنامه هسته‌ای آنها، و نه به عنوان یک حق از سوی آمریکا پذیرفته شده است. لذا کاملاً روشن است که دولت آمریکا تا چه حد در زمینه پذیرش غنی‌سازی ایران، حتی به عنوان یک واقعیت عملی، محدودیت دارد. حقیقت آنکه برای ایالات متحده غیرممکن است حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت بشناسد در حالی که در اعطای مجوز محدود آن به نزدیک‌ترین شرکایش تحفظ دارد و تنها در شرایط خاص آن هم پس از طی آئین پیچیده تنها «مجوز اجرا» داده است و نه «شناسایی حق». اما در همین شرایط، ایران توانسته در یک توافق بین‌المللی از آمریکا، اروپا، چین و روسیه، تصریح به اجرای حق غنی‌سازی خود بگیرد.

در بند ۳ معاهده NPT که متعلق به اجرای قراردادهای پادمان و تحت نظارت قرار دادن تأسیسات هسته‌ای کشورهاست چنین بیان شده است که :«پادمان مقرر در این ماده به نحوی اجرایی خواهد شد که ماده ۴ این معاهده رعایت گردیده و مانع از توسعه اقتصادی و فنی اعضا یا همکاری‌های بین‌المللی در حوزه فعالیت‌های صلح‌جویانه هسته‌ای شامل مبادله بین‌المللی مواد هسته‌ای و تجهیزات فراوری، استفاده یا تولید مواد هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه بر طبق مقررات این ماده و اصل پادمان مطرح شده در مقدمه این معاهده نشود.» در ماده ۴ نیز چنین بیان شده است که: «هیچ‌یک از این معاهده به نحوی تفسیر نخواهد گردید که به حقوق غیر قابل انکار هر یک از اعضای آن به منظور توسعه تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای جهت اهداف صلح‌جویانه بدون هر نوع تبعیض و منطبق با مواد ۱ و ۲ این

معاهده، خللی وارد نماید. همه اعضای این معاده متعهد می‌گردند که تبادل هر چه وسیع‌تر تجهیزات، مواد دانش و اطلاعات فنی را جهت مصارف صلح‌جویانه انرژی هسته‌ای تسهیل نموده و حق شرکت در این مبادلات را دارند. اعضای معاهده در صورت توانایی باید انفرادی یا به اتفاق سایر اعضا یا سازمان‌های بین‌المللی در توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه مخصوصاً در قلمرو اعضایی که فاقد سلاح هسته‌ای می‌باشند و با توجه به نیازهای مناطق در حال توسعه جهان، مشارکت نمایند.»
در بند ۳۱ سند اجماعی کنفرانس بازنگری در سال ۲۰۱۰ چنین بیان شده است:

The Conference reaffirms that nothing in the Treaty shall be interpreted as affecting the inalienable right of all the parties to the Treaty to develop research, production and use of nuclear energy for peaceful purposes without discrimination and in conformity with articles I, II, III and IV of the Treaty. The Conference recognizes that this right constitutes one of the fundamental objectives of the Treaty. - In this connection, the Conference confirms that each country's choices and decisions in the field of peaceful uses of nuclear energy should be respected without jeopardizing its policies or international cooperation agreements and arrangements for peaceful uses of nuclear energy and its fuel cycle policies.

جالب توجه است که معاهده NPT صرفاً محدود به متن معاهده نمی‌شود و اسناد بازنگری که هر پنج سال تصویب می‌شود نیز مکمل این معاهده بوده و از ارزش حقوقی بالایی برخوردار است کما اینکه تمدید این معاهده بعد از ۲۵ سال به اعتبار تصمیمات کنفرانس بازنگری سال ۱۹۹۵ است. بنا بر این اشاره به این بند در

برنامه اقدام مشترک که: «این راه‌حل جامع ایران را قادر خواهد ساخت از حق انرژی هسته‌ای خود برای اهداف صلح‌آمیز طبق مفاد مرتبط ان‌پی‌تی و بر اساس تعهدات مندرج در آن بهره‌مند شود.» به معنای این است که اجرای حق ایران برای برنامه غنی‌سازی به رسمیت شناخته شده است. اما در خصوص اینکه محدودیت‌هایی در این زمینه تعریف شده است باید گفت که متعاقباً در مورد این محدودیت‌ها و دلایل آن در پاسخ به سؤال بعدی توضیح ارائه می‌شود.

۱۲) چرا در گام نهایی قیودی مانند نیازهای عملی برای تعریف غنی‌سازی پذیرفته شده است؟ چون این قید می‌تواند منجر به تعطیلی کامل صنایع غنی‌سازی شود. چرا اعمال محدودیت‌هایی در این زمینه پذیرفته شده است؟ چرا حق غنی‌سازی برای کشورمان مشروط و موکول به «محدودیت»ها و «اقدامات شفاف‌ساز» شده است. این محدودیت‌ها در معاهده NPT نیامده است؟

پاسخ:

اولاً ما قیودی که همزمان با پذیرش برنامه غنی‌سازی به آن اضافه شده است، نفی نمی‌کنیم. آن قیود از نظر ما همان تفسیر صلح‌آمیز بودن برنامه است. ولی نباید مردم عزیز ما تحت تأثیر برخی القائات، تردید پیدا کنند. مهم این است که هم در کوتاه‌مدت و هم درازمدت کشورهای طرف مذاکره ما بر اساس تفاهم ژنو غنی‌سازی را صراحتاً پذیرفته‌اند.

ثانیاً درست است که در زمان اعتمادسازی، و در طول دوره گام نهایی، جمهوری اسلامی ایران داوطلبانه محدودیت‌هایی را برای برنامه غنی‌سازی خود می‌پذیرد و این محدودیت‌ها منطبق بر نیازهای عملی ایران خواهد بود. اما چند نکته قابل ذکر:

اول اینکه اگر ایران تنها به میزان نیازهای خود غنی‌سازی کند، فی‌نفسه عمل مذمومی نیست و محدودیت به شمار نمی‌رود. مگر قرار بوده بیش از نیاز خود تولید کنیم؟ مگر نه این است که

برنامه هسته‌ای ایران نه برای دستیابی به سلاح بلکه برای نیازهای صلح‌آمیز ایران طراحی شده است؟ قرار نبوده و نیست کار عبث و بیهوده بکنیم و مواد غنی شده‌ای تولید کنیم که به آنها نیاز نداریم.

نکته بعدی اینکه اعمال این محدودیت‌ها با هدف اعتمادسازی و تنها در یک دوره زمانی معین صورت می‌گیرد. لذا هر محدودیتی در دامنه، سطح، اندازه و محل غنی‌سازی ابدی نیست و تنها منحصر به یک دوره زمانی است، که در مورد مدت آن در طول مذاکرات گام نهایی توافق صورت خواهد گرفت.

نکته دیگر آنکه تعیین نیازها، و بر اساس آن تعریف محدودیت‌ها، بر اساس «توافق دو جانبه» صورت می‌گیرد. رضایت و نظر ایران هم شرط است و این جای هیچ نگرانی نمی‌گذارد چرا که غنی‌سازی ما در عمل ادامه دارد و بر فرض عدم توافق در خصوص محدوده آن ما ضرر نخواهیم کرد. اگر غنی‌سازی را متوقف کرده و مذاکره می‌کردیم جا داشت که نگران باشیم ولی در شرایطی که غنی‌سازی ادامه دارد جای هیچ نگرانی از عدم توافق نخواهد بود.

به طور مشخص هیچ نگرانی در مورد محل غنی‌سازی و اینکه قرار است آن را فقط در خارج از ایران بپذیرند نباید داشت. اصولاً همه بحث‌ها در مذاکرات، و همه خواسته‌های آنها، در مورد محدود کردن محل غنی‌سازی در داخل خاک ایران بوده است و نه چیز دیگر. بحث‌های غنی‌سازی در خارج مربوط به گذشته است و اصولاً با سیاق متن هم هیچ تناسبی ندارد که مثلاً با برخی محدودیت‌ها غنی‌سازی در خارج انجام شود. تمام صورت مذاکرات به وضوح نشان می‌دهد که غنی‌سازی قطعاً در داخل ایران است و آنها به‌خوبی می‌دانند همانطور که نفس غنی‌سازی و ادامه آن برای ما خط قرمز است، داخل خاک ایران بودن آن هم خط قرمز است. حتی به ذهنشان هم خطور نمی‌کند که ممکن است مذاکره‌کنندگان ایران

تن به لحظه‌ای غنی‌سازی در خارج از ایران بدهند؛ مگر آنکه برخی رسانه‌های داخلی و کارشناسان خودی این بحث را به احتمال غنی‌سازی در خارج ایران تعمیم داده و با انتشار آن به صورت علنی استنادی برای ۱+۵ به منظور زیاده‌خواهی ایجاد نمایند.

شایان توجه است که برزیل برنامه غنی‌سازی خود را در قالب jointventure با آمریکا و در خاک برزیل صورت می‌دهد. اما از نظر آمریکا، حق غنی‌سازی برای برزیل به رسمیت شناخته نشده است.

ایران همواره بر این موضع بوده است که غنی‌سازی‌اش را با توجه به نیازهای صلح‌آمیزش انجام می‌دهد. ما مراحل مختلفی برای غنی‌سازی تا غنای ۵ درصد و نیز ۲۰ درصد و حتی بالاتر داریم، اما در برنامه‌های هسته‌ای که امروز در کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای اجرا می‌شود، غنی‌سازی سطح بالا مثلاً ۹۰ درصد برای اهداف نظامی است و ما از ابتدا اعلام کردیم که نیازی برای ورود به آن بخش از غنی‌سازی که با مصارف صلح‌آمیز مرتبط نیست، نداریم. همین که ما ماهیت صلح‌آمیز برنامه غنی‌سازی را به عنوان یک موضوع اساسی به رسمیت می‌شناسیم، به معنای پذیرش برخی محدودیت‌هاست. اگر بخواهیم این اصل را که می‌گوییم برای غنی‌سازی غیر صلح‌آمیز برنامه‌ای نداریم، به صورت مفهومی در متن تفاهم بیاوریم و آن را به زبان فنی و حقوقی ترجمه کنیم به همین متنی می‌رسیم که در توافق ژنو آمده است. یعنی اساساً برای یک‌سری از برنامه‌های غنی‌سازی طرحی نداریم، چون در چارچوب برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای طراحی شده ما نیست. ایران همواره اعلام کرده است که می‌پذیرد تا درباره برخی محدودیت‌ها بر روی عرصه‌های غنی‌سازی با طرف مقابل به یک توافق برسد. چرا که نیازها و اهداف ما مشخص است و فارغ از نظر دیگران، برنامه هسته‌ای کشورمان بر اساس نیازهای خود کشور تعریف شده است.

اگر محدوده‌ای که کشورهای دیگر پیشنهاد می‌کنند با برنامه‌ای که خودمان برای کشور طراحی کرده‌ایم منطبق باشد می‌توانیم آن را بپذیریم وگرنه نخواهیم پذیرفت و این مهم‌ترین بحثی خواهد بود که در مذاکرات جامع باید وارد آن شویم. آن‌چه که خط قرمز ماست و از آن کوتاه نمی‌آییم «موضوع غنی‌سازی» است که به هر صورت آن را ادامه خواهیم داد. اما درباره پارامترها و محدودیت‌های عرصه غنی‌سازی که برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را تضمین کند، حاضر به گفت وگو هستیم. باید روشن باشد که ما از ابتدا برای پذیرش برخی قیود و محدودیت‌ها برای برنامه هسته‌ای‌مان مشکل نداشتیم، چون مهم پذیرش غنی‌سازی بود و این محدودیت‌ها به طور عمومی بر هر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای وجود دارد. در مورد بحث غنی‌سازی «صلح‌آمیز» بودن ضمن آن که هدف را ترسیم می‌کند از نظر فنی متضمن قیودی هم هست.

قید «تعریف مشترک» از غنی‌سازی عبارتی نبود که ما خواهان درج آن در توافق بودیم، بلکه با تأکید طرف مقابل به متن آمد. آنها برای پذیرش غنی‌سازی ایران اعلام کردند که نیاز دارند حدود و ثغوری برای غنی‌سازی ایران وجود داشته باشد. ولی این قید از نظر ما مترادف همان صلح‌آمیز بودن برنامه است. ما هم معتقدیم چالش عمده ما با ۱+۵ در آینده بر سر «تعریف مشترک» یک برنامه غنی‌سازی است. به طوری که هر دو طرف آن را بپذیرند. اما این‌گونه نیست که آنها برای ما به طور یک‌جانبه چیزی را تعریف کنند یا بگویند برنامه غنی‌سازی ما باید چگونه باشد. طبیعی است که ما تعریف و محدوده‌های پیشنهادی را که به برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز کشور لطمه بزند، به هیچ‌وجه نخواهیم پذیرفت و از آنجا که غنی‌سازی ما در عمل ادامه دارد به هیچ‌وجه متضرر نخواهیم شد.

اگر در مذاکرات مربوط به راه‌حل جامع بخواهند مسیر غیردوستانه‌ای بروند و موادی را بر خلاف نص و روح تفاهم‌ها به ایران

تحمیل کنند، مثلاً بگویند ایران کلاً نباید غنی‌سازی ۲۰ درصد یا راکتور تحقیقاتی داشته باشد یا مثلاً غنی‌سازی پنج درصدش باید بسیار محدود شود، قطعاً آنها را نخواهیم پذیرفت.

نباید فقط قیود غنی‌سازی را مورد توجه قرار دهیم، پذیرش غنی‌سازی امری است که در جمله مذکور بر آن تأکید شده است و باید مورد توجه قرار گیرد. ما باید به این امر مهم توجه کنیم، در شرایط کنونی که کشور تحت تحریم‌های شورای امنیت است، آنها غنی‌سازی ایران را پذیرفتند. پس چرا مرتب برخی جنبه‌ها را باید تأکید کنیم و دیگر موارد مهم تعیین کننده را مغفول بگذاریم. جنبه‌های بسیار مثبتی وجود دارد که ندیدیم کسی به آنها توجه کند. مسئله غنی‌سازی زیربنای قطعنامه‌های شورای امنیت بوده است و بر اساس آنها ایران باید تمامی برنامه غنی‌سازی‌اش را بدون هیچ تأخیری تعلیق و متوقف کند، در حالی که در این توافق در کوتاه‌مدت و بلندمدت غنی‌سازی پذیرفته شده است، به این مفهوم که زیربنای قطعنامه شورای امنیت مخدوش شده است. متأسفانه به جای این‌که به این ابعاد مهم توجه شود، بحث‌هایی صرفاً از منظری بدبینانه و با طرح یک‌سری نگرانی‌ها از یک آینده مبهم ارائه می‌شوند. مذاکره مرحله به مرحله پیش می‌رود و البته در هر مرحله که مذاکره می‌شود باید حواسمان باشد که نباید دست‌مان برای آینده بسته شود و برخلاف منافع ملی اقدامی صورت گیرد، اما احتمالات در آینده به هرحال همیشه وجود دارد. ما هم این احتمالات را مدنظر داریم. اگر آنها بخواهند به شیوه دیگری عمل کنند، قطعاً مانع توافق خواهد شد.

متأسفانه در داخل مرتب مطرح می‌شود که چرا آنها (آمریکایی‌ها) می‌گویند، غنی‌سازی ایران را نپذیرفته‌اند ولی مسئولان ایرانی می‌گویند که آنها پذیرفته‌اند، کدام‌یک از این اظهارات درست است؟ با تأکید بر متن اظهارات مقامات آمریکایی تصریح کرد: آنها

خود می‌گویند آن‌چه نپذیرفته‌اند «حق» غنی‌سازی است و این یعنی آنها «انجام» غنی‌سازی را هم در کوتاه‌مدت (۶ ماه) و هم درازمدت پذیرفته‌اند. البته ما قیودی که همزمان با پذیرش برنامه غنی‌سازی به آن اضافه شده است، نفی نمی‌کنیم. آن قیود از نظر ما تفسیر صلح‌آمیز بودن برنامه است. ولی نباید مردم عزیز ما تحت تأثیر برخی القائات، تردید پیدا کنند. مهم این است که هم در کوتاه‌مدت و هم درازمدت کشورهای طرف مذاکره ما بر اساس تفاهم ژنو غنی‌سازی را صراحتاً پذیرفته‌اند.

از نظر ما فقدان کلمه «حق» (right) چیزی از منافع ما را کم نمی‌کند، زیرا ما بر اساس ان‌پی‌تی این حق را داریم. اما طرف مقابل برای افکار عمومی خود صحنه‌ای را می‌سازد که در آن نشان دهد غنی‌سازی را به رسمیت نشناخته است، در حالی که این یک مغلطه است. آن‌چه ما در مذاکرات به دنبال آن بودیم به رسمیت شناخته شدن «انجام» غنی‌سازی بود، زیرا حق غنی‌سازی را ما براساس حقوق ذاتی داریم و آنها نمی‌توانند برای ما حق تعریف کنند. کشوری به کشور دیگر نمی‌تواند حق بدهد. در حقوق بین‌الملل حق براساس معاهدات است، نه بر اساس تفسیر کشورها.

درباره هر کلمه و عبارت این متن مذاکرات جدی انجام گرفته است، ساعت‌های متمادی بر روی این کلمات مذاکره شده است، اما اگر بخواهیم اولویت‌های مواضع سیاسی دو طرف را مقایسه کنیم، طبیعی است مسئله «غنی‌سازی» مهمترین بحث برای ما بوده است. به هرحال تمام قطعنامه‌های شورای امنیت و ۱۰ سال تحریم به دلیل غنی‌سازی بوده است و اگر آنها غنی‌سازی را قبول نمی‌کردند، توافقی شکل نمی‌گرفت. بنابراین این موضوع برای ما اهمیت بسیار ویژه داشت.

بعد از پایان مذاکرات با ۵+۱، حداقل چند وزیر خارجه (روسیه، آلمان و فرانسه) و حتی وزیرخارجه آمریکا در اظهاراتشان به نوعی

بیان کردند که ما غنی‌سازی ایران را قبول کردیم. این واقعیتی است که باید اول برای ما روشن باشد، نباید با مغلطه آمریکایی‌ها که با هدف پاسخگویی به افکار عمومی شان صورت می‌گیرد، دچار اشتباه و نگرانی شویم. البته آنها از ابتدای مذاکره حاضر نبودند غنی‌سازی را قبول کنند. شروطی در کنار آن می‌گذاشتند که انجام غنی‌سازی ما را مشروط می‌کرد که انجام نشدنی بود و بسیاری از وقت مذاکره برای حذف عبارت‌هایی بود که شروطی را برای غنی‌سازی ما لحاظ می‌کرد. شروطی که انجام غنی‌سازی را وابسته به تصمیماتی خارج از تصمیم ایران می‌کرد. بنا به اظهارات موجود، تیم مذاکره‌کننده کشورمان سعی کرده است عبارت‌های مزبور را خنثی کند و نوشتن عبارات هم نیازمند ابتکار عمل و خلاقیت بوده است و وقت بسیار زیادی صرف شده است، بحث غنی‌سازی موضوعی نبود که به راحتی از آن کوتاه بیایند و بسیار هم طول کشیده است. اما عبارت‌های نهایی که مورد توافق قرار گرفت، عبارت‌هایی است که اما و اگر ندارد، فقط محدوده دارد. از نظر ما این قیود، قیود یک برنامه غنی‌سازی صلح‌آمیز است، نه این که قیودی خاص بگذارند که ما نتوانیم یک‌سری برنامه‌های صلح‌آمیز را انجام دهیم. غنی‌سازی صلح‌آمیز به‌طور طبیعی قیودی دارد و با غنی‌سازی نظامی تفاوت‌هایی دارد.

۱۳) چرا در توافقنامه ژنو، ابعاد «اقدامات شفاف‌ساز» که ایران را ملزم به انجام آن کرده‌اند، تعریف نشده و شفاف‌سازی مورد نظر حریف بدون مرز رها شده است. از این روی می‌توان و باید نگران بود که آنچه دشمن از ما خواسته است، بسیار فراتر از مفاد NPT، پادمان مربوطه و حتی فراتر از پروتکل الحاقی باشد و باید از عزیزان تیم هسته‌ای کشورمان پرسید؛ آیا با پذیرش قید بدون مرز و تعریف نشده «اقدامات شفاف‌ساز» دست حریف برای مطالبات فراتر از پادمان و پروتکل الحاقی باز نشده است؟

پاسخ:

نگرانی از واژه‌هایی مثل «شفاف‌سازی»، کاملاً صحیح و بجاست.

تجربیات گذشته پیش روی ما و مورد توجه ماست و هیأت مذاکره کننده هم کاملاً به طرف مقابل بدبین و بی‌اعتماد است. اما باید توجه نمود که مذاکره یک مهارت ویژه است. برای به نتیجه رساندن یک توافق مخصوصاً زمانی که اختلاف بین کشورهای طرف مذاکره وجود دارد چاره‌ای جز بکار گرفتن عبارات مبهم نیست. این عبارات که در عرف مذاکراتی از آنها تحت عنوان ابهام سازنده نام می‌برند رویه معمول در همه مذاکرات بین‌المللی است. این عبارات مبهم به هرطرف این امکان را می‌دهد که قرائت خود از متن ارائه دهد. این قرائت بخشی از مواضع حداقلی هر طرف را نشان می‌دهد و کاملاً بر اساس نظرات یک طرف تدوین نشده است. برنامه اقدام مشترک نیز به خاطر حساسیت بالای موضوعات تحت پوشش، استثنائی بر این قاعده کلی نیست . به هرحال در یک مذاکره سنگین و نفس‌گیر بر روی کلمه به کلمهٔ یک متن چهار صفحه‌ای، بده بستان روی بعضی مفاهیم و کلمات و به‌خصوص استفاده از واژه‌های کشدار در برخی از موارد اجتناب‌ناپذیر است. اولاً راه‌حلی که برای رفع نگرانی‌ها پیش‌بینی شده است (و برای هر دو طرف مصداق دارد)، استفاده از حرکت گام به گام، و طراحی گام‌ها به شیوه قابل بازگشت است. در گام اول رعایت کرده‌ایم و در گام‌های بعدی هم مراقب خواهیم بود. هر کجا احساس کنیم طرف مقابل به تعهدات خود عمل نمی‌کند و از این به اصطلاح «واژه‌های کشدار» سوءاستفاده می‌کند، روند می‌تواند به سرعت متوقف شود. علاوه بر این باید به این موضوع توجه داشت در عرف موجود آژانس، حداکثر سازوکار راستی‌آزمایی و شفافیت فعلاً پروتکل الحاقی است که در پاسخ به سؤال ۱۰ ابعاد مختلف سیاست کشورمان در این زمینه تبیین گردید.

۱۴) تأسیسات آب سنگین اراک چه فعالیتی انجام می‌دهد؟ براساس این توافقنامه سرانجام این تأسیسات چه می‌شود؟

پاسخ:

آب سنگین واژه‌ای است که معمولاً به اکسید هیدروژن سنگین D۲O یا H۲O۲ اطلاق می‌شود. هیدروژن سنگین یا دوتریوم (Deuterium) ایزوتوپی پایدار از هیدروژن است که به نسبت یک به ۶۴۰۰ از اتم‌های هیدروژن در طبیعت وجود دارد و خواص فیزیکی و شیمیایی آن به نوعی مشابه آب سبک H۲O است. آب سنگین یکی از مواد اصلی در راه‌اندازی راکتورهای تولید انرژی و تحقیقاتی موسوم به راکتورهای آب سنگین به شمار می‌رود. کاربرد اصلی آب سنگین در رآکتورهای هسته‌ای با سوخت اورانیوم، به عنوان متعادل‌کننده (Moderator) به جای گرافیت و نیز عامل انتقال گرمای رآکتور است. تأسیسات آب سنگین اراک دارای دو بخش کارخانه تولید آب سنگین و همچنین راکتور تحقیقاتی می‌باشد. اساساً راکتورهای آب سنگین نیازی به اورانیوم غنی شده ندارد و از اکسید اورانیوم طبیعی به عنوان سوخت استفاده می‌کند. این فرایند، نیاز به اورانیوم غنی شده را مرتفع می‌کند اما طراحی این راکتورها پیچیده و تولید آب سنگین نیز هزینه‌بر است. آب سنگین از جداسازی نوعی از مولکول‌های آب با غلظت ۱ در هر ۷۰۰۰ مولکول به دست می‌آید که هیدروژن آن یک نوترون بیشتر از هیدروژن عادی دارد. این نوترون اضافه موجب می‌شود تا عمل کُندکنندگی نوترون‌های پر سرعت به اندازه‌ای برسد که واکنش‌های زنجیره‌ای تولید انرژی از میله‌های سوخت آغاز شود درحالی که در راکتورهای قدرت آب سبک، اورانیوم غنی شده در حد سه و نیم درصد و بیش از آن برای انجام واکنش مورد نیاز است. در راکتورهای آب سنگین، این ماده وظیفه خنک کردن میله‌های سوخت، همزمان با کند کردن نوترون‌های پر انرژی را به عهده دارد. با نزدیک شدن راکتور تحقیقاتی تهران، که حدود چهل سال پیش و با قدرت ۵ مگاوات راه‌اندازی شده است، به پایان عمر کاری

خود و نیاز روز افزون کشور به انواع رادیو ایزوتوپ‌های صنعتی و همچنین رادیوداروها، راکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک با قدرت ۴۰ مگاوات طراحی و مکان آن در نزدیکی شهر خنداب در شمال غربی شهرستان اراک تعیین شد.

طبق برنامه اقدام ژنو در گام نخست صرفاً پذیرفته‌ایم که تجهیزات باقی‌مانده عمده این تأسیسات را فعلاً نصب نکنیم و سوخت هم وارد سایت نکنیم. اما سایر فعالیت‌های ساخت و ساز این سایت به صورت عادی در جریان است. در گام نهایی نیز مذاکرات به سمتی پیش خواهد رفت که نگرانی از سایت اراک از طریق مکانیزم‌های لازم برطرف شود.

مقامات غربی از زبان کارشناسان و موسسات تحقیقاتی خود می‌گویند که رآکتور آب سنگین می‌تواند سریع‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین منشأ فعالیت‌های غیرصلح‌آمیز و ساختن بمب باشد. تأکید بیش از اندازه روی این موضوع بیشتر یک مغالطه علمی با هدف هراس‌آفرینی است. برخی از صاحب‌نظران فنی کشورمان معتقدند که این نگرانی را می‌توان از طریق فنی حل کرد زیرا که اگر قرار باشد بمب تولید شود باید از عنصر ۲۳۹ پلوتونیوم برای تولید بمب استفاده شود و اگر قصد تولید پلوتونیوم ۲۳۹ وجود داشته باشد، سوخت نباید بیش از ۱۰ الی ۱۵ روز در رآکتور باقی بماند. اگر پلوتونیوم بیش از ۱۵ روز در رآکتور باقی بماند سموماتی ایجاد می‌شود؛ وقتی پلوتونیوم ۲۳۹ با پلوتونیوم‌های ۲۴۰ و ۲۴۲ و ۲۳۹ یکی می‌شود، دیگر نمی‌توانید آنها را شناسایی کنید و این پلوتونیوم دیگر در تسلیحات هسته‌ای کاربردی ندارد. سوخت رآکتور آب سنگین اراک قرار است یکسال در قلب آن باقی بماند و این سوخت دیگر سلاح پایه (weapons grade plutonium) نیست. این احتمال وجود دارد طرف مقابل مدعی شود ایران سوخت را قبل از ۱۵ روز از رآکتور خارج کند، باید توجه داشت

ما حتی نمی‌توانیم یک شیر را بدون اینکه از دید دوربین‌های آژانس محفوظ بماند، باز کنیم و این‌گونه اظهارات عموماً با هدف تردیدآفرینی است. نگرانی دیگر کارشناسان غربی این است که در شرایط عادی و تداوم وضعیت اعمال پادمان شاید بتوان توجیهات فنی ایران را مدنظر قرار داد هرچند اعمال سیستم‌های نظارتی پیچیده برای عدم خروج پلوتونیوم کار بسیار پیچیده‌ای است و نیازمند مذاکرات جدی در این زمینه است. اما آنها همچنین معتقدند که نگرانی اصلی شرایط غیرعادی است که ممکن است منجر به خاتمه دادن به اعمال پادمان و فعالیت‌های نظارتی باشد. در این صورت آنها تأکید دارند که بسیار دشوار است برای شرایط غیرعادی سناریویی را متصور شد که برطرف‌کننده نگرانی‌های اشاعه‌ای در این زمینه باشد.

یک نگاه بی‌طرفانه به این موضوع از نظر فنی نشان‌دهنده این است که این موضوع نیازمند توجه جدی و مذاکرات فنی با راه‌حل‌های دقیق در آینده است. تیم مذاکره کننده با توجه به همه این پیچیدگی‌ها تلاش کرد که در برنامه اقدام ژنو پس از بحث‌های فراوان رهیافت پادمانی Safeguard Approach را در متن لحاظ کند. صرف وجود و پذیرش رهیافت پادمانی و تأکید غربی‌ها بر آن در برنامه اقدام به این معناست که این سایت به فعالیت خود ادامه خواهد داد. هنوز رآکتور اراک راه‌اندازی نشده است ولی صاحب‌نظران فنی کشورمان معتقدند هر زمانی این سایت راه افتاد، می‌توانیم پروسه پادمانی را به گونه‌ای تنظیم کنیم که نگرانی‌های اشاعه‌ای در خصوص خروج پلوتونیوم از رآکتور اراک، مورد توجه قرار گرفته و از طریق مقتضی و با اتخاذ روشهای دقیق علمی و فنی مرتفع گردد. کارشناسان فنی ما کاملاً آگاهند که این موضوع یکی از موضوعات پیچیده باقی‌مانده برای دور بعدی مذاکرات است که نیازمند بررسی دقیق فنی و اتخاذ یک روش مبتکرانه از سوی

کارشناسان کشورمان و مذاکره جدی با کارشناسان فنی کشورهای غربی برای یافتن مسیر مناسبی در این زمینه است. آنها معتقدند می‌توان با یک روش دقیق علمی نگرانی‌های اشاعه‌ای را در خصوص این سایت برطرف کرد.

۱۵) ایران پذیرفته ذخایر سوخت ۲۰درصدی خود را تبدیل کند. آیا این موضوع قدرت چانه‌زنی ایران را برای ادامه مذاکرات کاهش نمی‌دهد؟

پاسخ:

همانگونه که قبلاً در پاسخ به پرسش‌های قبلی ازجمله سؤال ۷ بیان شد غنی‌سازی در حد ۲۰ درصد از سوی کشورمان صرفاً با هدف تهیه سوخت صورت پذیرفته است و شروع این کار متعاقب عدم ارائه سوخت از سوی کشورهای غربی برای راکتور تحقیقاتی تهران انجام شد. از حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیم ۲۰ درصدی که تاکنون توسط کشورمان تولید شده است ۲۰۰ کیلوگرم از آن را پیش از شروع مذاکرات برنامه اقدام، برای تهیه سوخت تبدیل کرده‌ایم. این کار به خاطر نیاز داخلی انجام شده است. اما ۲۰۰ کیلوگرم باقی‌مانده موضوع مذاکره در برنامه اقدام بوده است. از این میزان نیمی را رقیق‌سازی می‌کنیم که حدود ۴۰۰ کیلوگرم به ذخایر ۵ درصدی کشورمان افزوده می‌شود. نیم دیگر را نیز در روند عادی از قبل شروع شده برای تولید سوخت تبدیل می‌کنیم. هرچند داوطلبانه تولید ۲۰ درصد را انجام نمی‌دهیم اما زیرساخت فنی تولید غنی‌سازی ۲۰ درصدی در سایت فردو کماکان باقی است. تولید این ذخایر به‌راحتی قابل انجام است. بنابراین هیچ اهرم فنی در این زمینه از دست کشور خارج نمی‌شود و این موضوع همچنان به عنوان یک اهرم قدرت در مذاکرات دور بعد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۶) با حجم گسترده امتیازات واگذار شده به طرف غربی و امتیازاتی از قبیل آب سنگین اراک، موضوع ۲۰ درصد، موضوع بازرسی‌ها و ...، در گام‌های بعدی مذاکرات، ایران قرار است چه امتیازاتی بدهد؟ در مذاکرات آتی با کدام برگ برنده گفت‌وگو

خواهد شد؟

پاسخ:

همانطور که در بالا توضیح داده شد امتیاز خاصی در زمینه ۲۰درصد و اراک داده نشده است. آنچه برگ برنده کشور در مذاکرات آتی خواهد بود. شامل امکان شروع غنی‌سازی ۲۰ درصدی، امکان گسترش دامنه، سطح و حجم غنی‌سازی، امکان گسترش فعالیت‌های مرتبط با اراک و در مجموع امکان شروع تمام عیار همه فعالیت‌هایی که به صورت موقت در این شش ماهه آنها را محدود و یا متوقف کرده‌ایم. بنابر این با توجه به حفظ همه زیرساخت‌ها و تأسیسات و تجهیزات کشورمان، هیچ‌یک از اهرم‌های فنی کشورمان در مذاکرات دور بعد از روی میز برداشته نشده‌اند.

۱۷) آیا با توجه به این که رآکتور آب سنگین اراک هنوز راه نیفتاده، این توافقنامه به معنی توقف آن نیست؟

پاسخ:

همانگونه که توضیح داده شد در برنامه اقدام هیچ‌جا صحبتی از توقف این سایت نشده است. آنچه در برنامه کوتاه‌مدت بیان شده است عدم نصب قطعات باقی‌مانده اصلی و توافق روی رهیافت پادمانی است و آنچه در بلندمدت مطرح شده است رفع نگرانی‌ها در این خصوص می‌باشد. صرف درخواست برای اعمال رهیافت پادمانی برای این سایت به معنای پذیرش تداوم فعالیت آن است. البته در خصوص مکانیزم برای رفع نگرانی‌ها در گام آخر مطمئناً بحث‌های فنی دقیقی را ارائه خواهیم کرد و برداشت فنی ما این است که با روشهای فنی دقیق علمی و مقبول همه، بتوان به‌راحتی سازوکاری برای رفع نگرانی در این خصوص پیدا کرد.

۱۸) محدوده امتیازات داده شده به غرب تا کجاست؟

پاسخ:

سؤال به قدری کلی است که نیازی به پاسخ به آن نمی‌باشد.

چون هیچ معیاری برای سنجش امتیاز ارائه نکرده است و همچنین مفروض این سؤال این است که سرتاسر برنامه اقدام ژنو، امتیاز به غرب است. در حالی‌که در پاسخ به سؤالات ریزتر و فنی‌تر بیان گردید که اساساً امتیازی به طرف غربی ارائه نشده است. بلکه در فرایند یک مذاکره پیچیده یک‌سری اقدامات به صورت داوطلبانه از سوی کشورمان پذیرفته شده است که در قالب یک بده بستان متوازن و با رعایت اصول و مبانی سیاست خارجی و در کمال عزت و اقتدار با قدرت‌های برتر دنیا انجام شده است. همچنین باید در هر مذاکره بین‌المللی به موارد ذیل توجه نمود:

اصل مذاکره بر داد و ستد استوار است؛

در قالب استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، ایران قصد غنی‌سازی ۲۰ درصدی را نداشت. بلکه در واکنش به فشارهای غرب در عدم تأمین نیاز سوخت ۲۰درصدی برای راکتور تحقیقاتی و نیازهای دارویی، ایران مجبور به این اقدام گردید. در شرایط فعلی، عدول از غنی‌سازی ۲۰درصدی، عدول از اصل غنی‌سازی نیست بلکه عدول از اضافات و بازگشت به اصل مورد نظر ایران در غنی‌سازی است.

در مذاکرات، تناسب میان امتیازات داده شده و گرفته شده مطرح است. امتیازاتی که در این مذاکرات گرفیتم عبارتند از:

پذیرفته شدن وضعیت کشورمان به عنوان قدرت منطقه‌ای و یک طرف مذاکره با دولت‌های بزرگ عضو شورای امینت؛

پذیرفته شدن اصل برنامه هسته‌ای ایران ؛

پذیرش غنی‌سازی در ایران و تداوم آن؛

خلل در قطعنامه‌های شورای امنیت ؛

ساختار شکنی دیدگاه آمریکا در زمینه امنیت هسته‌ای ؛

حرکت به سمت غیر امنیتی کردن پرونده هسته‌ای ایران ؛

عدم غلبه گفتمان آمریکا در مذاکرات هسته‌ای ؛

تضعیف آلترناتیوهای غیر دیپلماتیک در پرونده هسته‌ای (تشدید تحریم‌ها یا گزینه نظامی).

۱۹) در متن توافقنامه، دوره‌ای که ایران محدودیت‌هایی داوطلبانه را بر برنامه‌های هسته‌ای خود اعمال خواهد کرد، چقدر است؟ اگر طرف مقابل خواهان تمدید مدت این محدودیت‌ها شود، چه باید کرد؟

پاسخ:

دوره پیش‌بینی شده برای انجام اقدامات داوطلبانه دو طرف، در قالب برنامه اقدام ژنو، شش ماه است این دوره قابل تمدید است، البته تمدید آن بستگی به رضایت طرفین دارد. باید توجه نمود که تمدید برنامه اقدام به معنای تمدید تعهدات یک طرف نیست، بلکه شامل کل تعهدات دو طرف در قالب برنامه اقدام می‌شود. زمانبندی توافق ژنو به نحوی تدوین شده است که در صورت رضایت طرفین از اجرای برنامه اقدام بتوان آنرا تمدید کرد.

۲۰) در بخشی از این توافقنامه، ابعاد غنی‌سازی به شناسایی از سوی ۱+۵ منوط شده است. آیا با توجه به این که همواره تأکید داشته‌ایم در چارچوب ان .پی. تی حق غنی‌سازی با هر درصد مورد نیاز را داریم، این بخش از توافقنامه در آینده برای کشورمان مشکل‌ساز نمی‌شود؟ چرا NPT را به عنوان مبنای کار نپذیرفته‌ایم و متون مثبت در این سند و بیانیه‌های عدم تعهد را تضعیف کرده‌ایم و به جای آن مبنای تعریف حقمان را برنامه اقدام ژنو کرده‌ایم؟

پاسخ:

ما هیچگاه منتظر نبوده‌ایم کشورهای ۱+۵ تأیید نمایند که ایران حق غنی‌سازی دارد، تا آنگاه حق غنی‌سازی پیدا کرده باشیم. ما این را توهین به ملت ایران می‌دانیم. همانطور که بیان شد حق غنی‌سازی برای جمهوری اسلامی ایران یک حق انفکاک‌ناپذیر و تضمین شده در ان‌پی‌تی است. بر اساس ماده ۴ این معاهده و تفسیر رسمی کنفرانس بازنگری معاهده در سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۰، ما این حق را داریم، چه کسی آن را به رسمیت بشناسد و چه نشناسد.

ما حق خود را اجرا کرده‌ایم و منتظر پذیرش کسی هم نشده‌ایم. دستاوردهای هسته‌ای کشورمان نیز حاصل اجرای همین حق براساس معاهده NPT است . آنچه ما از ۱+۵ انتظار داشته و داریم و به‌خاطر آن وارد مذاکره شده‌ایم نه شناسایی حق غنی‌سازی، بلکه «احترام به اجرای حق غنی‌سازی» از سوی ایران می‌باشد، و اینکه به غنی‌سازی در داخل ایران تن بدهند و آن را برای ایران بپذیرند و فشارها و تضییقاتی را که برای اجرای این حق اعمال کرده‌اند رفع کنند.

اکنون در اولین بند مقدمه توافق ژنو،ابتدا اذعان نموده‌اند که هدف مشترک، وضعیتی است که ایران از حقوق کامل خود بر اساس مواد مربوطه ان‌پی‌تی بهره‌مند (enjoy به معنی بهره‌مندی در اجرا) خواهد شد، و سپس می‌پذیرند که راه‌حل جامع شامل یک برنامه غنی‌سازی هم خواهد بود. همچنین در سایر مفاد برنامه اقدام می‌پذیرند که جمهوری اسلامی ایران به غنی‌سازی زیر ۵ درصد خود ادامه دهد. این بلاتردید یک دستاورد بزرگ برای ملت شریف ایران است که بعد از ایستادگی در مقابل ۱۰ سال فشار، تهدید و تحریم، خواسته‌های شش قطعنامه شورای امنیت به کنار گذاشته شده و غنی‌سازی ادامه پیدا می‌کند، و در متن توافق هم اذعان می‌شود که راه‌حل جامع شامل برنامه غنی‌سازی و رفع همه تحریم‌های شورای امنیت و تحریم‌های دوجانبه و چندجانبه مرتبط با موضوع هسته‌ای می‌شود.

۲۱) عدم بازفرآوری که یکی دیگر از گام‌های اعتمادساز ایران در توافق ژنو است، دقیقاً چه معنایی دارد؟

پاسخ:

از آنجایی که سوخت‌های مصرف شده در راکتورهای اتمی حائز بیشترین مقدار و بیشترین رادیواکتیویته حاصل از فعالیت‌های هسته‌ای هستند، بدیهی است بیشترین نگرانی بشر هم در این تکنولوژی، ناشی از این مواد باشد. لذا عملیات بازفرآوری سوخت

و پسمانداری به دلیل اهمیت فوق‌العاده آن بنا بر سیاست‌های کشوری و منافع ملی ممکن است به روش‌های مختلف با آنها رفتار شود. چنانچه این پسماندها یا سوخت‌های مصرف شده پس از یک مدت نگه‌داری نسبتاً طولانی در استخرها و یا ساختمان‌های (انبارها) مخصوص برای همیشه دفن شوند به آن سیکل سوخت باز گفته می‌شود. چنانچه این سوخت‌های مصرف شده پس از مدتی مورد باز فرآوری جهت استفاده مجدد از اورانیوم باقی‌مانده و پلوتونیوم تولید شده، قرار گیرند. به آن سیکل سوخت بسته می‌گویند. در عین حال ممکن است در مواردی مثل راکتورهای زاینده سریع که سوخت آنها از اورانیوم تهی شده و پلوتونیوم استفاده می‌شود. چنانچه سوخت مصرف شده و پوشش آن جدا شده و مورد بازفرآوری قرار گیرد. باز هم به آن، تکنیک دیگری از سیکل سوخت بسته اطلاق می‌گردد. برای بازیافت اورانیوم از سوخت هسته‌ای مصرف شده در رآکتور از عملیات شیمیایی موسوم به بازفرآوری استفاده می‌شود. در این عملیات، ابتدا پوسته فلزی میله‌های سوخت مصرف شده را جدا می‌سازند و سپس آنها را در داخل اسید نیتریک داغ حل می‌کنند. در نتیجه این عملیات، یک درصد پلوتونیوم، سه درصد مواد زائد به شدت رادیو اکتیو و ۹۶ درصد اورانیوم به دست می‌آید که دوباره می‌توان آن را در رآکتور به مصرف رساند. با توجه به امکان جداسازی پلوتونیوم در این فرایند که می‌تواند استفاده نظامی داشته باشد، این فرایند از حساسیت زیادی برخوردار است. لذا تاکنون جمهوری اسلامی ایران تصمیم نگرفته است که وارد فعالیت‌های مربوط به بازفرآوری شود و هم‌اکنون ایران تأسیسات بازفرآوری سوخت هسته‌ای ندارد و فعلاً هیچ‌گونه قصدی هم برای ساخت این تأسیسات ندارد. بنابر این کشورمان با توافق روی برنامه اقدام پذیرفته است که عدم بازفرآوری یا عدم ساخت تأسیساتی را که توانایی بازفرآوری

داشته باشد را به طور داوطلبانه عملیاتی کند، اقدامی که عملاً از قبل از سوی کشورمان انجام شده بود و در واقع هیچ تعهد جدیدی محسوب نمی‌شود.

۲۲) آیا ایران امکان توسعه بخش تحقیق و توسعه نطنز را دارد؟

پاسخ:

بله بر اساس متن برنامه اقدام مشترک ایران هیچ‌گونه محدودیتی را در زمینه تحقیق و توسعه نپذیرفته است. لذا می‌توان نسبت به توسعه بخش تحقیق و توسعه در ژنو اقدام کرد. چون طبق برنامه اقدام مشترک ژنو «ایران برنامه تحت پادمان خود در زمینه تحقیق و توسعه را ادامه خواهد داد که شامل رویه‌های تحقیق و توسعه جاری می‌باشد که منجر به انباشت اورانیوم غنی شده نمی‌شود».

"Iran will continue its safeguarded R&D practices, including its current enrichment R&D practices, which are not designed for accumulation of the enriched uranium."

۲۳) آیا امکان ساخت قطعات باقی‌مانده در سایت اراک در خارج از این سایت وجود دارد؟

پاسخ:

بر اساس برنامه اقدام مشترک، ایران صرفاً پذیرفته است که از نصب قطعات باقی‌مانده در سایت اراک خودداری کند. اما تولید و مونتاژ این قطعات خارج از سایت اراک هیچ محدودیتی ندارد. لذا چنانچه آمادگی فنی در این زمینه وجود دارد می‌توان نسبت به ساخت این قطعات اقدام کرد.

۲۴) چه زمانی و چگونه همه نگرانی‌ها در مورد سایت اراک برطرف می‌شود چرا چنین واژه مبهم و کلی که می‌تواند خطرناک باشد در متن آمده است؟

پاسخ:

همانگونه که بیان شده ماهیت فعالیت‌های انجام شده در سایت اراک در زمینه تولید آب سنگین و ایجاد راکتور آب سنگین

بسیار پیچیده است و حساسیت‌هایی را برای کشورهای ۱+۵ ایجاد کرده است. از نظر ما این نگرانی‌ها بی‌مورد است اما از نظر این کشورها این نگرانی‌ها اصیل و جدی است. از آنجا که ما کاملاً مطمئن هستیم که می‌توان این نگرانی‌ها را از طریق روش‌های علمی و دقیق منطبق با رویه‌های معمول آژانس برطرف کرد، لذا ما پذیرفتیم که وارد مذاکره برای رفع نگرانی‌ها در مورد سایت اراک در مرحله نهایی شویم. البته شایان ذکر است که خواست غربی‌ها در خلال مذاکرات بسیار فراتر از این بود و خواهان تعطیلی کامل این تأسیسات بودند که ما به هیچ‌وجه زیر بار آن نرفته و نخواهیم رفت. متن مزبور هرچند مبهم است اما نتیجه ساعت‌ها مذاکره جدی بوده است. از نظر ما این متن به هیچ‌وجه خطرناک نیست و این امکان را به ما می‌دهد که در محیط آرام‌تری بعد از انجام مرحله اول، با ارائه راهکارهای فنی خود همه نگرانی‌ها را در این زمینه برطرف نمائیم.

۲۵) چرا پذیرفته‌ایم که یکی از مراحل چرخه سوخت به نام بازفرآوری را انجام ندهیم و بدتر از آن چرا در این زمینه واژه قابلیت که بسیار محدودکننده است را پذیرفته‌ایم؟

پاسخ:

همانگونه که بیان شد با توجه به امکان جداسازی پلوتونیوم در این فرایند که می‌تواند استفاده نظامی داشته باشد، این فرایند از حساسیت زیادی برخوردار است. لذا تاکنون جمهوری اسلامی ایران تصمیم نگرفته است که وارد فعالیت‌های مربوط به بازفرآوری شود و هم‌اکنون ایران تأسیسات بازفرآوری سوخت هسته‌ای ندارد و فعلاً هیچ‌گونه قصدی هم برای ساخت این تأسیسات ندارد. چون نیازی به این‌گونه فعالیت‌ها در کشور نیست . بنابراین کشورمان با توافق روی برنامه اقدام پذیرفته است که عدم بازفرآوری یا عدم ساخت تأسیساتی را که توانایی بازفرآوری داشته باشد را به طور

داوطلبانه عملیاتی کنند، اقدامی که عملاً از قبل از سوی کشورمان انجام شده بود و درواقع هیچ تعهد جدیدی محسوب نمی‌شود. اگر منظور دوستان از این سؤال این است که چرا امکان ورود به این فعالیت در آینده سلب شده است باید گفت که معقول نیست در شرایط دشوار فعلی ما وارد فرایندی شویم که نهایتاً منجر به پرداخت بها برای چیزی شود که در شرایط فعلی آنرا نداریم. ثانیاً درآینده اگر کشور به این تصمیم رسید که این امکان فراهم است که بازفرآوری کند می‌تواند وارد این فعالیت‌ها شود و مسئولیت آنرا هم آن موقع بپذیرد.

۲۶) چرا زمانبندی در مرحله اول روشن اما سایر مراحل فاقد زمانبندی مشخص است؟

پاسخ:

آنها که چنین نقدی می‌کنند در حقیقت برداشت صحیحی از «روند گام به گام» در توافق ژنو ندارند. در روند گام به گام، که اولین بار در مذاکرات استانبول (فروردین ۱۳۹۱) مورد پذیرش طرفین قرار گرفت، فرض بر این است که تعریف همه گام‌های پیش روی ما ممکن نیست، چرا که هر دو طرف خواسته‌هایی دارند که اجرای آنها برای طرف مقابل، حداقل در مرحله اول، امکان ندارد. لذا موارد سخت و مشکل‌دار به گام‌های آینده موکول می‌شود، بدون آنکه در مورد آنها از هم‌اکنون تصمیم‌گیری شود،(مثل درخواست برای اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت از سوی طرف مقابل و درخواست برای لغو آنها از سوی ما، که ورود به این بحث در گام اول تنها نتیجه‌اش به بن بست رسیدن مذاکرات است.)

بنابر این در روند گام به گام، تمرکز تنها بر گام اول قرار می‌گیرد که مشتمل بر اجرای اقدامات «قابل اجرا» برای طرفین است. باز فرض بر این است که با این اقدامات قابل اجرا، فضای موجود در بحث هسته‌ای از تنش و تقابل به سمت همکاری و تعامل می‌رود و

سپس، با عوض شدن فضا، امکان پرداختن به گام‌هایِ مشکل بعدی آسان‌تر می‌شود. به رغم این درک متقابل از روند گام به گام، پس از اجلاس استانبول و در طول تقریباً یکسال پس از آن تا آلماتی ۲، تلاش طرفین برای معرفی گام یا گام‌های اول به هر دلیل ناموفق ماند.

در مذاکرات اخیر ژنو، هیأت ایرانی با ارزیابی تجربه گذشته، اصرار داشت که اگرچه پرداختن به گام‌های بعدی از هم‌اکنون مشکل‌زا و بن‌بست‌آفرین است، اما داشتن یک درک درست از گام آخر یا به عبارتی «تصویر نهایی» یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. اگر ما ندانیم در گام آخر وضعیت صحنه چیست و کدام مشخصه‌ها وجود دارند و کدام وجود ندارند، نمی‌توانیم نسبت به روند مذاکره اعتماد پیدا کنیم و بنابر این قادر به برداشتن گام اول نخواهیم بود. به عنوان مثال باید از هم‌اکنون مشخص شود که مثلاً در گام آخر «غنی‌سازی هست» و «تحریم نیست». باید از هم اکنون روشن شود که گام آخر «مدت‌دار» است و نامحدود نیست. باید از هم اکنون به‌وضوح بیان شود که بعد از اتمام گام پایانی، همه چیز به حالت عادی باز می‌گردد و وضعیت ایران مثل هر کشور دیگر عضو معاهده می‌شود، و قس علی‌هذا. بنابراین ملاحظه می‌فرمائید که در روند گام به گام:

گام اول حتماً می‌بایست کاملاً دقیق و روشن باشد، چرا که شامل اقداماتی است که از هم‌اکنون باید اجرا شوند.

اما چگونگی گام‌های میانی به آینده موکول می‌شود، زیرا بحث در خصوص آنها در مرحله فعلی ما را دچار بن‌بست می‌کند.

گام آخر باید کلیات آن مشخص باشد که بدانیم در منزل نهایی به کجا خواهیم رسید، اما جزئیات را طبیعی است که نمی‌توان از الآن روشن کرد، چرا که نیاز به مذاکرات پیچیده و مفصل دارد، و این مذاکرات، که برای آن یک سال زمان در نظر گرفته شده است،

بدون ایجاد حداقلی از اعتماد و تفاهم (که در طول گام اول باید به‌دست آید) مقدور نخواهد بود.

۲۷) منظور از دسترسی مدیریت شده و یا روزانه در برنامه اقدام چیست؟

پاسخ:

درباره موضوع «دسترسی‌های هدایت شده» باید گفت که این یکی از رهیافت‌های متداول در سیستم پادمان آژانس است که کاملاً به نفع کشور بازرسی شونده است و روش آن به نحوی طراحی شده است که عملاً محل‌هایی از سایت که مورد نظر کشور بازرسی شونده است به بازرسان نشان داده می‌شود و به اجازه بازدید از سایر مکان‌ها ویا دسترسی به سایر اطلاعات داده نمی‌شود. در واقع این ساز و کار جهت حفظ و حراست از اطلاعات کشور بازرسی شونده در برابر بازرسان است. باید توجه نمود که پیشنهاد اول غربی‌ها نظارت دوربین‌های آژانس به صورت آن‌لاین بود. یعنی همان‌طور که دوربین‌ها خط تولید را ضبط می‌کنند در وین دیده شود که ما با آن مخالفت کردیم. آنها از قبل دنبال این درخواست بودند و در ژنو هم بسیار جدی آن را مطرح کردند و می‌خواستند آن را در سند بیاورند. بسیار هم بر آن مصر بودند که کشورمان به هیچ‌وجه قبول نکرده است. بر اساس اظهارات تیم مذاکره‌کننده آنها متعاقباً گفتند اگر این‌طور است فیلم‌های ضبط شده دوربین مرتب توسط بازرسان به وین منتقل شود که نهایتاً بیان شده است که ما با آن مشکلی نداریم. در مورد دسترسی روزانه اتفاقاً جالب این است که در حالی که ۵+۱ درباره دسترسی روزانه بازرسان اصرار داشتند، آژانس گفته است که این درخواست آنها (۵+۱) از اهمیت چندانی در امر نظارت آژانس برخوردار نیست. این موردی نبوده است که آژانس به آن توجه خاصی داشته باشد که فیلم‌ها حتماً روزانه بازبینی شود.

۲۸) چرا پذیرفته‌ایم که در قالب پذیرش پروتکل الحاقی و همچنین عبارت حل و فصل جامع همه موضوعات در برنامه اقدام مشترک زمینه‌ساز دستیابی آژانس

به اسرار نظامی کشور در سایت پارچین شویم؟

پاسخ:

اولاً مفروض این سؤال در مورد پذیرش پروتکل الحاقی صحیح نیست. ثانیاً استناد آنها به استفاده از عبارت حل و فصل جامع و مرتبط کردن آن به اسرار نظامی برداشت غلطی است که از موضع‌گیری یک مقام آمریکایی از تفسیر این عبارت شده است و به هیچ‌وجه با نظر و برداشت جمهوری اسلامی ایران از این عبارت سازگار نیست. ثالثاً در هیچ جای متن صحبتی از ارائه اطلاعات نظامی نشده است و به هیچ‌وجه نپذیرفته‌ایم که زمینه‌ساز دستیابی آژانس به سایت پارچین شویم. رابعاً مذاکره برای دستیابی به سایت پارچین و ارائه اطلاعات در این زمینه در ۱۰ دور مذاکره در دولت قبلی با آژانس انجام شده است.

فصل هشتم

کنکاشی در چگونگی لغو تحریم‌ها

الف ـ مقدمه

در این فصل شبهات و انتقادات موجود در زمینه محتوای غیر هسته‌ای با محوریت بحث تحریم‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. منتقدین بر این نظر هستند که غرب عملاً تعهد جدی در لغو تحریم‌ها نپذیرفته است. برخی منتقدین نیز بر این اعتقادند که بین میزان تعهدات ما و تعهد ارائه شده از سوی غرب توازنی وجود ندارد. جهت روشن شدن بیشتر بحث در ادامه مهمترین سؤالات و شبهات منتقدین در این زمینه مطرح و پاسخ‌های کارشناسی مبتنی بر اسناد موجود ارائه می‌شود. .

ب ـ سؤالات و انتقادات در زمینه محتوای مذاکرات در زمینه غیر هسته‌ای

۱) اگر ساختار تحریم‌ها شکسته چرا باز هم تحریم جدید اعمال می‌شود؟

پاسخ:

غرب معتقد است که بعد از تدوین برنامه اقدام مشترک تحریم جدید وضع نشده است و آنچه انجام شده است صرفاً افزودن برخی نامها به فهرست تحریم‌های موجود به خاطر نقض تحریم‌های گذشته بوده است. آنها مدعی هستند که این اقدام حداقل اقدامی

است که آنها نیاز دارند تا به محافل داخلی خود نشان دهند که همه تحریم‌ها لغو نشده است و تحریم‌هایی که مشمول برنامه اقدام نیستند همچنان پابرجا هستند. هرچند ما این ادعا را نمی‌پذیریم و معتقدیم که عدم اعمال تحریم جدید شامل عدم گسترش تحریم‌های موجود نیز می‌شود. بنابر این واکنش مناسب را به این اقدام غیرسازنده غرب نشان دادیم و اعلام کردیم که تکرار این عمل پس از اجرایی شدن برنامه اقدام عواقب وخیمی روی تداوم آن خواهد داشت.

۲) کفه مالی تعهدات ایران در توافقنامه ژنو سنگین‌تر است یا ۱+۵؟

پاسخ:

نگرانی برحقی وجود دارد که آنچه در توافق ژنو داده‌ایم با آنچه گرفته‌ایم متوازن نباشد. این نگرانی کاملاً قابل احترام است و مسلماً دقت نظر نسبت به همین نگرانی‌هاست که به ما نسبت به پیگیری درست خواسته‌هایمان هوشیاری می‌بخشد. اما برای یک ارزیابی درست از توافق ژنو می‌بایست حتماً نگاه کلی داشت، اگر چه حتی در جزئیات هم اوضاع به نفع ماست:

الف) آنچه گرفته‌ایم:

۱ـ پیروزی در نبرد اراده‌ها. شش قدرت بزرگ دنیا به مدت ده سال فشار و تهدید و تحریم کردند که ایران غنی‌سازی نداشته باشد. اکنون توافقی حاصل می‌شود که در آن غنی‌سازی هم در عمل ادامه می‌یابد و هم به صورت مکتوب به وجود و ادامه آن اذعان می‌شود. رئیس جمهور آمریکا هم در جمع صهیونیست‌ها اعتراف کرد که ما توانایی برچیدن برنامه غنی‌سازی ایران را نداریم و باید به آن رضایت دهیم.

۲ـ تثبیت برنامه هسته‌ای صلح آمیز کشورمان از جمله غنی‌سازی و به رسمیت شناخته شدن بین‌المللی آن، که به نوبه خود باعث قدرت و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی ایران شده است و تأثیرات آن

را در نگرانی و عصبانیت رژیم صهیونیستی، عربستان و نوچه‌های آنها به وضوح می‌توان دید. یکی از نویسندگان عرب از آمریکا سؤال کرده است که آیا بمب اتمی ایران را با قدرت منطقه‌ای آن کشور معاوضه کردید؟!!

۳ـ توقف تحریم‌های بیشتر و جلوگیری از خسارات و هزینه‌هایی که مدتهاست دیگر ضروری نیستند. با توجه به تکمیل چرخه سوخت در ایران (هم به لحاظ فناوری، هم تأسیسات و تجهیزات، و هم مواد)، بیش از این نباید اجازه داد دشمن با وزنه‌های سنگین تحریم، هزینه اقتصادی و معیشتی بیشتری را بر مردم بزرگوار ما تحمیل نماید.

۴ـ حفظ ساختار کلی برنامه هسته‌ای بدون عقب‌گرد، و بدون کوچکترین خدشه، و با قابلیت فعال‌سازی قسمت‌های متوقف شده در کمتر از ۲۴ ساعت.

۵ ـ حفظ قابلیت گسترش کیفی برنامه هسته‌ای از طریق ادامه تحقیق و توسعه (R&D).

۶ـ آغاز روند عقب‌گرد در تحریم‌ها به میزان قابل توجه شامل:

ـ حفظ فروش نفت در سطح فعلی (عدم اجرای قانونی که خریداران نفت ما را ملزم به کاهش بیست درصدی در هر شش ماه می‌کند)

ـ لغو تحریم‌های بیمه و انتقال نفت

ـ لغو تحریم پتروشیمی (با درآمد حداقل ۱۰ میلیارد دلار در سال)

ـ لغو تحریم طلا و فلزات گرانبها

ـ لغو تحریم‌های مربوط به صنایع خودرو با عنایت به اشتغال‌زایی این صنایع.

ـ افزایش سقف مبادلات تجاری مجاز در اروپا

ـ لغو برخی تحریم‌های صنایع هوایی

۷ـ قابل دسترسی شدن قریب به ۷۵ درصد از درآمدهای

نفتی: با ایجاد کانال بانکی مربوط به تأمین مواد غدایی و دارویی و کشاورزی و تجهیزات پزشکی، امکان پرداخت حداقل ۹ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ظرف شش ماه میسر می‌شود. همچنین ۴/۲ میلیارد دلار دیگر از این درآمدها به صورت آزاد قابل دسترس می‌شود، به اضافه ارقام دیگری که مربوط به دانشجویان و... می‌گردد و در مجموع در ظرف شش ماه بالغ بر ۱۴ الی ۱۵ میلیارد دلار از حدود ۱۸ میلیارد دلار درآمدهای نفتی را برای دولت قابل دسترس می‌سازد.

۸ ـ و بالاخره شاید به‌اندازه همه موارد فوق، از بین رفتن فشارهای روانی ناشی از تحریم‌هاست که به‌اندازه کل تحریم‌ها اثرگذار بوده است. نتیجه این امر ایجاد آرامش در بین مردم و افکار عمومی داخل و نیز در بین شرکای تجاری و اقتصادی کشورمان در خارج است.

ب) آنچه داده‌ایم:

۱ـ توقف ۶ ماهه غنی‌سازی ۲۰ درصد در شرایطی که هرگونه تولید، مازاد بر نیاز ماست.

۲ـ تبدیل مواد تولید شده قبلی یا به اکسید (مرحله قبل از تولید سوخت) یا به مواد زیر ۵ درصد (یعنی اضافه شدن به ذخایر ۳/۵ درصد)

۳ـ عدم گسترش کمّی نطنز و فردو (با ذکر جزئیات مواردی که قرار است گسترش نیابند و پرهیز از کلی‌گویی به منظور جلوگیری از سوء تفاهم و سوء استفاده) در عین حفظ امکان گسترش کیفی (R&D) و با ادامه غنی‌سازی زیر ۵ درصد.

۴ـ عدم پیشرفت فنی در اراک (با امکان ادامه ساخت و ساز)

۵ـ قبول برخی نظارتهای بیشتر بر تأسیسات هسته‌ای (که برخی از آنها هم‌اکنون هم بدون هیچ ما به ازایی انجام می‌شده و به تأیید نهادهای مربوطه هیچ مشکل اصولی در مورد آنها وجود ندارد).

فی‌الواقع می‌توان گفت که در مقابل عدم گسترش کمّی بخشی از برنامه هسته‌ای کشورمان، تحریم‌ها هم گسترش پیدا نمی‌کنند، و در مقابل عدم غنی‌سازی ۲۰ درصد و تبدیل مواد آن، بخشی از تحریم‌ها (که قابل توجه هم هستند) تعلیق می‌شوند. به اینها اضافه فرمایید پذیرش غنی‌سازی، تثبیت برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان، قدرت و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و سایر مواردی که پیش از این ذکر شد.

اکثریت ناظرین و متخصصان داخلی و جهانی دستاورد مذاکرات هسته‌ای و توافق ژنو را در چارچوب یک بده و بستان چندجانبه برهم زدن بازی معاندین نظام و آغاز فصلی نو از حضور قدرتمند ایران در صحنه تحولات منطقه‌ای و جهانی و عادی شدن شرایط اقتصادی ایران در خارج از کشور می‌دانند که برای ایران منافع سیاسی، حیثیتی و اقتصادی در سطح منطقه و جهان داشته و شرکت‌های مختلف را به سمت ایران گسیل داشته است.

۳) تحریم پتروشیمی طلا و خودرو تأثیر ناچیزی روی کشورمان داشته چرا موضوعات مهمتری مثل سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و یا لغو تحریم فروش نفت در دستورکار لغو تحریم‌ها قرار نگرفته است؟

پاسخ:

فراموش نکنیم که در بحث تحریم‌ها کشورمان و طبعاً هیأت مذاکره‌کننده از لغو همه تحریم‌های ناعادلانه و غیرمنصفانه حمایت می‌کند. اگر میسر می‌شد حتماً استقبال می‌کرد که غربی‌ها همه تحریم‌ها را از سرمایه‌گذاری و فروش صنعت نفت بردارند. اما بعد از مذاکرات پیچیده، نهایتاً تعلیق تحریم‌ها در زمینه فروش محصولات پتروشیمی و طلا میسر شده است. این امر به هیچ‌وجه کم اهمیت نیست. کم اهمیت جلوه دادن تعلیق این تحریم‌ها چیزی از اهمیت واقعی آنها نمی‌کاهد هرچند مشخص است که انگیزه سؤال‌کنندگان مبنی بر کم اهمیت جلوه دادن لغو تحریم‌ها در این زمینه کم اهمیت

جلوه دادن امتیازات گرفته شده از سوی ایران در روند مذاکرات است. اما باید اذعان داشت که صادرات محصولات کشورمان در مقطعی به ۱۷ میلیارد دلار می‌رسید. بعداً با شروع تحریم‌ها این صادرات کاهش یافت تا به ۸ میلیارد دلار در سال جاری رسید. کارشناسان وزارت نفت به عنوان نهاد مسئول در این زمینه بر این اعتقادند که تعلیق تحریم‌ها فرصت مناسبی را در اختیار کشور قرار می‌دهد تا مجدداً صادرات پتروشیمی را در این زمینه افزایش دهد.

اهمیت طلا و سنگ‌های قیمتی به عنوان ذخایر بانک مرکزی بر کسی پوشیده نیست . بر همین اساس کارشناسان بانک مرکزی بر خلاف نظر سؤال‌کنندگان تعلیق تحریم در این زمینه را اقدامی مناسب در خصوص لغو تحریم‌ها می‌دانند.

۴) چرا کلمه تعلیق برای همین موارد ناچیز بکار رفته است و چرا معماری اصلی تحریم‌ها بجا مانده است؟

پاسخ:

با توجه به اینکه اقدامات داوطلبانه دو طرف در قالب مراحل زمانبندی شده انجام می‌شود و ما اقدامات داوطلبانه‌ای را در زمینه هسته‌ای برای شش ماه پذیرفته‌ایم لذا طرف مقابل هم اقدامات خود برای تعلیق تحریم‌ها را محدود به یک محدوده زمانی کرده است. در این خصوص فعلاً قرار است تعهدات هر دو طرف در یک مقطع زمانی شش ماهه صورت پذیرد. اگر بعد از شش ماه کشورمان به این نتیجه رسید که اقدامات خود را در این زمینه ادامه دهد می‌توان نسبت به تمدید توافق و اجرای تعهدات دو طرف اقدام نمود. این کار تداوم تعلیق تحریم‌ها را تا رسیدن به یک راه‌حل جامع و لغو همه تحریم‌های چندجانبه و یک جانبه هسته‌ای فراهم می‌کند.

۵) چرا تعلیق و لغو تحریم‌ها محدود به اقدامات هسته‌ای شده است چون به فرض

که همه موضوعات هسته‌ای حل و فصل شود همچنان تحریم نفتی و بانک مرکزی آمریکا در قالب تحریم حقوق بشری و تروریزم از سوی آمریکا قابل اعمال است؟

پاسخ:

اولاً تعلیق تحریم‌ها محدود به اقدامات هسته‌ای شده است چون هیأت مذاکره‌کننده فقط اختیار داشته است که روی موضوعات هسته‌ای مذاکره کند و چنین دستورالعملی را نداشته است که راجع به سایر موضوعات مانند حقوق بشر و تروریزم وارد مذاکره شود. زمانی که در داخل کشور در این‌خصوص آمادگی پیدا شد می‌توان این موضوعات را هم وارد فهرست مذاکره کرد که در آن صورت منجر به تعلیق همه تحریم‌ها در زمینه حقوق بشر و تروریزم خواهد شد. ثانیاً باید توجه نمود که بهانه اصلی غربی‌ها برای تحریم‌ها موضوعات هسته‌ای بوده است و بخش اعظم تحریم‌های پیچیده موجود مربوط به موضوعات هسته‌ای است. فرو ریختن تحریم‌های هسته‌ای، اثر گسترده‌ای روی فرو ریختن سایر تحریم‌ها خواهد داشت و بسیاری از آنها را بی‌اعتبار خواهد کرد.

۶) در یکی دو بند از توافقنامه از «مبلغ توافق شده» صحبت به میان آمده که هرچند در بیانیه کاخ سفید به این اعداد اشاره شده، اما مبالغ یادشده در متن ترجمه شده از سوی وزارت امور خارجه موجود نیست. چرا؟

پاسخ:

مذاکرات هسته‌ای منجر به تدوین برنامه اقدام دارای یک سابقه شفاهی به عنوان پیش‌زمینه انجام مذاکرات است. مبالغ مزبور در خلال این مرحله از مذاکرات مطرح و بین طرفین تفاهم شده است که با توجه به پیچیده کردن متن برنامه اقدام از ذکر این اعداد و ارقام در متن برنامه اقدام خودداری شده است. اما این ارقام بعداً در بیانیه رسمی کاخ سفید موسوم به Fact Sheet صراحتاً اعلام گردید. در اعلام رسمی اوباما و مکاتبه با خانم اشتون مورد تأکید قرار گرفت.

۷) عددها و مبالغی که در بیانیه کاخ سفید آمده، اگر درست است، بر چه مبنایی به دست آمده و اگر حاصل فرمول خاصی است، چانه‌زنی بر سر آن چگونه صورت گرفته است؟

پاسخ:

اعداد و مبالغ مزبور حاصل محاسبات پیچیده در خلال مذاکرات است و چانه‌زنی‌های روی آن بر اساس همین محاسبات صورت گرفته است. به عنوان نمونه مبلغ ۴/۲ میلیارد دلار بر اساس پیش‌بینی فروش ۲۰۰ هزار بشکه نفتی است که قرار بود بر اساس تحریم‌ها کاهش یابد اما آمریکا مانع آن شد.

۸) چرا واکنش مناسب به نقض برنامه اقدام از سوی آمریکا در اعمال تحریم‌های جدید صورت نپذیرفت؟

پاسخ:

بعد از اعمال تحریم‌ها از سوی آمریکا، این کشور اعلام داشت که اقدام اخیر در خصوص افزودن برخی افراد و نهادها به فهرست تحریم، به معنای ایجاد تحریم نیست و صرفاً در راستای اجرای تحریم‌های قبلی است که لغو نشده‌اند. لذا این اقدام نقض برنامه اقدام نیست. با این وجود کشورمان این توجیه را نپذیرفت و اعلام داشت که این اقدام آمریکا خلاف روح و مفاد برنامه اقدام است و اقدام مناسب از سوی کشورمان برای مقابل با آن صورت گرفت که بخش ناچیزی از آن ترک جلسه وین بود.

۹) در ابتدای این متن آمده است که در فاصله میان گامهای اول و آخر مذاکرات، گام‌های دیگری چون پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت با هدف پایان رضایت‌بخش این موضوع از سوی شورای امنیت سازمان ملل وجود خواهد داشت. آیا این به معنی پذیرش قطعنامه‌های شورای امنیت از سوی ایران است؟

پاسخ:

پاسخ این سؤال به نوعی قبلاً داده شد درعین حال باید توجه نمود که اولاً پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت با اجرای

قطعنامه متفاوت است. ثانیاً «رضایت‌بخش» بررسی کردن موضوع توسط شورای امنیت یعنی چه؟ برخی معتقدند ایران عملاً به قطعنامه‌های شورای امنیت در این توافق وجاهت داده است؟ اما موضوع این‌چنین نیست از اولین جلسه‌ای که بین ایران و ۱+۵ در نیویورک برگزار شد، آقای ظریف به روشنی اعلام کردند که فرایند مذاکرات باید روشن باشد و این که آمادگی کشورمان برای مذاکره با ۱+۵ به معنای به رسمیت شناخته شدن قطعنامه‌های شورای امنیت نیست، بلکه برای رفع نگرانی‌های موجود درباره برنامه هسته‌ای ایران و تضمین حقوق ملت و برنامه غنی‌سازی‌اش است. بنابراین ایران از همان ابتدا به روشنی و صراحت بیان کرد که قطعاً اجرای قطعنامه شورای امنیت را نمی‌پذیرد چرا که آنها را خلاف روند صحیح پیگیری موضوع هسته‌ای ایران و خلاف حقوق بین‌الملل می‌داند. در عین حال طرف مقابل اصرار داشت که قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریم‌های گسترده که مبنای عمل اقدامات یک‌جانبه کشورهای دیگر شده است، در توافق گنجانده شود و بخشی از راه‌حل جامع قرار بگیرد که ما به شدت مخالفت کردیم و در نهایت توافق شد که در جریان مذاکرات به قطعنامه‌های شورای امنیت بپردازیم پرداخته شود که قطعاً این مسئله با اجرای قطعنامه بسیار متفاوت است. هم‌چنین تصریح شد که با تفاهم در خصوص راه‌حل بلندمدت قطعنامه‌های شورای امنیت برداشته شوند و موضوع ایران از دستور کار شورا خارج شود. پایان رضایت‌بخش برای خاتمه دادن به موضوع در شورای امنیت است. ثالثاً پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت تعهد طرف مقابل است چون از نظر عملی تنها کشورهای عضو شورای امنیت می‌توانند تکلیف این قطعنامه‌ها را روشن نمایند. ممکن است هر کس از این بحث تفاسیر خاص خودش را داشته باشد، اما باید گفت آنچه به این مضمون در توافق آمده است، یعنی «پایان دادن رضایت‌بخش

به بررسی موضوع هسته‌ای در شورای امنیت» جمله‌ای است که به طور عمومی در قطعنامه‌های شورای امنیت وقتی که قرار است موضوعی خاتمه داده شود، در متن آورده می‌شود. اما این که گفته شده است این پایان دادن به بررسی موضوع به نحو رضایت‌بخشی باشد، از نظر ادبیات قطعنامه‌های شورای امنیت، اتفاقاً به نفع ماست، چرا که تصریح می‌کند نحوه پایان دادن موضوع باید مورد رضایت دو طرف قرار گیرد، یعنی رضایت یک طرف شرط نیست، بلکه باید دو طرف از آن اعلام رضایت کنند. رابعاً اگر به صرف اینکه ما قطعنامه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسیم حتی حاضر به قبول تعهدی از سوی طرف مقابل برای برداشتن این قطعنامه‌ها نبودیم در آن صورت گام نهایی به اتمام می‌رسید و ما همه اقدامات خود را انجام داده بودیم در حالی‌که هنوز این قطعنامه‌ها و درخواست‌های غیرقانونی آنها و حتی تحریم‌های موجود باقی می‌ماند که در آن صورت بزرگترین نقطه ضعف برنامه اقدام تلقی می‌شد. بنابراین درج این کلمه اتفاقاً یکی از نکات مثبت در برنامه اقدام مشترک است و کاملاً در راستای منافع ما بدون هرگونه خدشه به موضع اصولی ما در قبال غیر قانونی بودن این قطعنامه‌هاست.

۱۰) در فصل مربوط به گام میانی و در فاصله گام اول و گام نهایی از ایران خواسته شده است که گام‌های دیگری نیز بردارد ADDITIONAL STEPS و پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را با تعبیر «از جمله این گام‌ها در کنار گام‌های دیگر» آورده است. که به موضوع قطعنامه‌ها اشاره داشتیم و اکنون اشاره به این نکته را ضروری و قابل پرسش می‌دانیم که چرا گام‌های اضافی را به صورت جمع آورده‌اند؟ و غیر از پرداختن به قطعنامه‌ها که آن را فقط یکی از آن گام‌ها می‌دانند انتظار چه گام‌های دیگری را از ایران دارند؟! توافقنامه در این باره ساکت است و حریف می‌تواند با استناد به این بند تعریف نشده، درپی تحمیل انتظارات غیرقانونی و باج‌خواهانه مورد نظر خود برآید. انتظار منطقی از تیم هسته‌ای کشورمان این بود که زیر بار گام‌های اضافی تعریف نشده نروند و از طرف مقابل

بخواهند منظور خود از این گام‌ها را دقیقاً مشخص کند که متأسفانه این انتظار ضروری برآورده نشده است.

پاسخ:

بکارگیری این عبارت در مقدمه برنامه اقدام مشترک حاکی از این است که علاوه بر فراهم کردن زمینه برای خارج کردن پرونده جمهوری اسلامی ایران از شورای امنیت و پرداختن به قطعنامه‌های شورای امنیت به نحوی که رضایت ما را جلب نمایند، نسبت به لغو سایر تضییقات و محدودیت‌های یک‌جانبه و چندجانبه غیر قانونی که به صورت غیرمشروع علیه کشومان اعمال می‌شود، اقدام شود. گام‌های اضافی عمدتاً به تعهدات طرف مقابل اشاره دارد و عبارت انجام اقدامات مبتنی بر حسن نیت در جمله بعدی برای حل و فصل جامع موضوع دقیقاً به این موضوع اشاره دارد.

۱۱) در پایان توافقنامه تأکید شده است «اگر همه آنچه در این سند آمده است، مورد توافق قرار نگیرد، مانند آن است که هیچ توافقی به دست نیامده است» و از این گزاره با عنوان «اصل اساسی» یاد شده است. این اصل ایران را ملزم می‌کند که علاوه بر جزئیات ذکر شده در گام اول بایستی ادامه مسیر تا گام نهایی را هم مطابق چارچوب تعیین شده از سوی حریف طی کند! اگر چنین باشد، ادامه مذاکرات چه مفهوم و معنائی دارد.

پاسخ:

همانطور که بیان شد اصل همه یا هیچ اصلی است که به نفع جمهوری اسلامی ایران هم هست و با توجه به ضرورت بررسی تصویب پروتکل الحاقی توسط مجلس این امتیاز ویژه را در اختیار کشورمان قرار می‌دهد که چنانچه روند مباحث به نفع کشورمان نبود کل روند مورد مخالفت قرار گیرد.

۱۲) اینکه «ایران اعلام می‌کند تحت هیچ شرایطی به دنبال دستیابی یا گسترش سلاح هسته‌ای نیست» این جمله به چه معنا و برای توضیح چه چیز آمده است ؟

پاسخ:

این جمله در واقع مؤید جمله قبلی است که می‌گوید «در چارچوب راه‌حل جامع می‌خواهیم به نقطه‌ای برسیم که برنامه هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز خواهد ماند.» این جمله تأکید می‌کند که هدف از مذاکرات برای رسیدن به راه‌حل جامع، تحقق هدفی است که منبعث از سیاست‌های ایران است. با توجه به فتوای مقام معظم رهبری عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای از سیاست‌های اصولی ایران است. بنا بر این توافق می‌گوید که به دنبال هدف و راه‌حلی هستیم که ایران خودش آن را به عنوان یک سیاست اصولی قبلاً اعلام کرده است.

۱۳) میزان مالی تعهد غرب برای آزادسازی درآمدهای ایران در شش ماه نخست برنامه اقدام چه میزان است؟

پاسخ:

می‌توان گفت مهمترین بخش و ویژگی توافق ژنو در زمینه اقداماتی که ۱+۵ متعهد شده است در گام اول انجام دهد، آزاد شدن بخشی از درآمدهای نفتی ایران در حساب‌های خارجی برای خرید محصولات کشاورزی، غذایی و دارو است. هم‌چنین تعلیق تحریم‌ها در زمینه صادرات نفت خام به میزان ۲۰۰ هزار بشکه در روز، دریافت عواید حاصل از فروش این میزان به صورت نقد و کاهش نیافتن میزان صادرات نفت خام است. برخلاف آنچه آمریکایی‌ها معتقدند فقط ۷ میلیارد دلار از اجرای توافق ژنو به ایران تعلق می‌گیرد ایران معتقد است که این مبلغ به ۱۵ میلیارد دلار می‌رسد.

۱۴) چرا در بحث لغو تحریم‌ها در گام نهایی واژه قطعنامه‌ها ذکر نشده است؟ این بدان معناست که تحریم‌ها طبق قطعنامه ۱۹۲۹ باقی می‌ماند؟

پاسخ :

این سؤال از اساس اشتباه است چون اولاً به صراحت موضوع لغو

تحریم‌های شورای امنیت در گام نهایی ذکر شده است. به نحوی که بیان می‌دارد: «برداشتن جامع همه تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های چندجانبه و ملی مرتبط با موضوع هسته‌ای ازجمله شروع اقداماتی در زمینه تجارت، تکنولوژی، مسائل مالی و انرژی بر اساس برنامه توافقی.»

Comprehensively lift UN Security Council, multilateral and national nuclear-related sanctions, including steps on access in areas of trade, technology, finance, and energy, on a schedule to be agreed upon.

فصل نهم

اثرات بین‌المللی و منطقه‌ای توافق ژنو

الف ـ مقدمه

بحث پرونده هسته‌ای ایران نه تنها برای ایران که در سطح بین‌المللی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اختلاف نظر ایران با تعدادی از کشورهای درگیر در این مذاکرات این است که به باور ایران، پرونده هسته‌ای بدون استدلال کافی به این مرحله رسیده است. با اینهمه در حال حاضر این پرونده در سطح بین‌المللی توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. جزئیات فنی پرونده هسته‌ای ایران از ۲۴ نوامبر تا به امروز در صدر اخبار قرار گرفته و محور جلسات تحقیقاتی بسیاری هم بوده است به نحوی که ایران پس از توافق ژنو به محور اصلی بسیاری از تحلیل و تفسیرهای ناظران تحولات استراتژیک منطقه و جهان تبدیل شد. توافق ژنو چرخشی شاخص در ژئوپولتیک و دیپلماسی بین‌المللی بود. اهمیت این رخداد سبب شد تا تحلیل‌گران سیاست جهانی، از این توافق با عناوین و تعابیری نظیر «زلزله سیاسی» و «چرخش زلزله‌آسا»، «رخداد ژئوپولتیک» و «چرخش استراتژیک» و مانند آن یاد کنند. این برداشت‌ها و قرائت‌های راهبردی بیشتر آثار جانبی و غیرمستقیم مذاکرات هسته‌ای بر موقعیت بین‌المللی کشورمان را در کانون توجه قرار دادند. از این زاویه دید، مذاکرات هسته‌ای تنها موضوعی محدود و منحصر به روابط خارجی ایران نبود بلکه رویدادی اثرگذار و

تعیین‌کننده در سیاست جهانی و سیاست خاورمیانه‌ای هم به حساب می‌آمد.

فرض کنیم که اگر توافق ژنو صورت نمی‌گرفت در آن صورت سرنوشت تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه ایران به چه سمت و سویی می‌رفت ؟ بحث ایران و شیعه هراسی در منطقه چگونه بود ؟ آیا ایران مسئول بسیاری از تحولات ناخوشایند منطقه‌ای قلمداد نمی‌شد؟ وضعیت سوریه، عراق و لبنان به چه شکلی بود؟ آیا از نقش مثبت ایران در تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سخن گفته می‌شد یا خیر؟ آیا زلزله سیاسی که سبب به رسمیت شناختن قدرت و اعتبار ایران در سطح منطقه بود قابل تصور بود؟ آیا دشمنان مانند امروز بیم از دست رفتن اهرم‌های در اختیار خود برای اعمال فشار بر ایران را داشتند؟ آیا شکست آیپک[۱] در آمریکا محقق می‌شد؟ قبل از ذکر اثرات منطقه‌ای و بین‌المللی برنامه اقدام ژنو به بررسی مهمترین اظهارنظرات مقامات سیاسی جهانی در خصوص برنامه اقدام ژنو می‌پردازیم سپس مهمترین دستاوردهای بین‌المللی توافق ژنو ارائه می‌شود.

ب ـ اظهارات مقامات سیاسی جهان درباره برنامه اقدام[۲]

بان کی مون: آغاز یک موافقت تاریخی

« مارتین نسیرکی» سخنگوی بان کی مون با اعلام این خبر خاطرنشان کردکه دبیرکل سازمان ملل از توافق اولیه هسته‌ای به گرمی استقبال کرده است و گفت که بان کی مون دبیرکل سازمان ملل روز یکشنبه گفت که توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۱+۵ می‌تواند برای خاورمیانه تاریخی باشد. بان کی مون افزود که این توافق می‌تواند آغاز یک موافقت تاریخی برای ملت‌ها و کشورهای منطقه خاورمیانه و فراتر از آن از کار درآید. وی خاطر نشان کرد که همه طرف‌ها باید برای ایجاد اعتماد متقابل و فراهم کردن امکان ادامه مذاکرات به منظور بسط دامنه این توافق اولیه تلاش کنند.

---

۱. آیپک لابی قوی صهیونیستی است و در تاریخ سیاسی آمریکا ناکامی این گروه هرگز سابقه نداشته است اما در جریان پرونده هسته‌ای ایران لابی صهیونیستی تلاش بسیاری برای به شکست کشاندن مذاکرات ژنو کرد که به نتیجه نرسید. در همین خصوص در فاصله ۱۰ روز میان دو ژنو ۲ و ۳، لابی آیپک در کنگره و رهبران رژیم صهیونیستی تمام تلاش خود را برای به نتیجه نرساندن مذاکرات به کار گرفتند. البته اسرائیل هنوز دست از تلاش برای تخریب برنداشته است و همانطور که می‌بینید پس از توافقنامه ۲۴ نوامبر تلاش‌ها برای به شکست کشاندن آن بیشتر شده است.

۲. رجوع شود به سایت فرارو www.Fararou.com

جان کری: آغاز بخش کار سخت

«جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا که پس از پایان نشست ژنو به لندن سفر کرد، در حاشیه دیدار با «ویلیام هیگ»، همتای بریتانیایی خود با اشاره به مذاکرات ژنو و توافق به دست آمده در این مذاکرات اظهار کرد: حالا بخش سخت کار آغاز می‌شود. ما اکنون باید تلاش کنیم تا به توافقی همه‌جانبه دست یابیم.

وی در عین حال افزود که این توافق به گام‌های بلندی درباره تأیید، شفافیت و اطمینان نیاز دارد.

روسیه: پیروزی بزرگ

روسیه نیز دستیابی به توافق با ایران بر سر برنامه‌های هسته‌ای این کشور را یک «پیروزی برای همه» خوانده است و در بیانیه وزارت امور خارجه روسیه آمده است که «سرگئی لاوروف» تأکید کرده که با حصول این توافق «یکی از بزرگترین وظایف سیاست بین‌الملل» انجام شده است. سرگئی لاوروف، اظهار امیدواری کرده که توافقنامه ژنو، اثرات مثبتی را در حل بحران سوریه نیز به همراه داشته باشد. به گفته وی، حکومت ایران گفته‌هایش را عملی کرده است و این اقدام موجب «تقویت اعتماد شده و به هم‌پیمانان ما، آمریکا و اتحادیه اروپا، این اجازه را می‌دهد تا از فشار تحریم‌ها بر ایران بکاهند.» وزیر امور خارجه روسیه همچنین از آمریکا و اتحادیه اروپا خواسته است تا تحریم‌های یک‌جانبه خود علیه ایران را از میان بردارند.

ایتالیا: خوشحالم از این توافق

خانم اما بونینو وزیر امور خارجه ایتالیا توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و گروه ۱+۵ در ژنو را گامی مهم برای صلح در خاورمیانه خواند. وی روز یکشنبه ضمن ابراز رضایت از توافق هسته‌ای میان ایران و ۱+۵ در بیانیه‌ای اعلام کرد: من از اینکه مذاکرات ژنو به یک توافق رسیده است، بسیار خوشحال هستم. وی افزود: این نخستین گام اساسی به سوی بازسازی اعتمادی اجتناب‌ناپذیر برای اطمینان دادن به جامعه بین‌المللی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران است. وی گفت: ما در آغاز یک روند مذاکراتی با مجهولات زیادی هستیم که اگر همانطور که همه امیدوار هستیم به طور مثبت به پایان برسد، چشم‌اندازی جدید برای صلح در خاورمیانه باز می‌شود. وی افزود: امیدواریم از سرگیری مذاکرات با تهران بتواند تأثیر مثبتی حتی در مذاکرات ژنو ۲ و

پایان دادن به جنگ سوریه داشته باشد به‌ویژه برای باز کردن هر چه سریع‌تر راهروهای بشردوستانه برای کمک به مردمی که از بیش از ۲ سال در جنگ هستند.

آلمان: نقطه عطف

«گیدو وستروله»، وزیر امور خارجه آلمان، توافق هسته‌ای به دست آمده با ایران را یک نقطه عطف دانست و گفت که ما از ماه‌های آینده باید برای ساختن یک اعتماد دوجانبه پیش برویم. به گفته وزیر امور خارجه آلمان، عوامل تعیین‌کننده در این مسیر، اجرای شفاف و قابل اثبات مفاد این توافق و تدوام سریع مذاکرات با توجه به یک راه‌حل نهایی است. وی تأکید کرده است که ما برای این کار آماده هستیم و از رهبری ایران نیز همین انتظار را داریم.

سوئیس: حرکت رو به جلو

وزارت امور خارجه سوئیس در بیانیه‌ای از توافق جمهوری اسلامی ایران و گروه ۱+۵ در ژنو استقبال و تأکید کرد: این توافق به معنای گام‌های اساسی رو به جلوست و حرکت در موضوعی است که مدت‌های طولانی مسکوت مانده بود. توافق حاصل شده در ژنو نشان داد، روش دیپلماسی که سوئیس همیشه آن را پیگیری می‌کند، هدفمند بوده و فقط چنین اقداماتی مسیر را برای راه‌حل درازمدت آماده می‌کند و سوئیس قاطعانه از این فرایند حمایت می‌کند.

چین: صلح و ثبات خاورمیانه

دولت چین نیز توافقنامه هسته‌ای غرب با ایران را باعث کمک به حفظ صلح و ثبات در خاورمیانه دانسته و از آن استقبال کرده است. «وانگ یی»، وزیر امور خارجه این کشور، در بیانیه‌ای که در وب‌سایت وزارت امور خارجه چین منتشر شد، توافقنامه ژنو را گامی مثبت دانسته و اعلام کرده است که این توافق به شروع انجام مبادلات عادی با ایران و فراهم شدن یک زندگی بهتر برای مردم ایران کمک خواهد کرد.به گفته وزیر امور خارجه چین این توافقنامه حاصل یک دهه کار سخت، به ویژه در روزهای گذشته است. وانگ یی همچنین از دیگر کشورهای دخیل در مذاکرات هسته‌ای با ایران به دلیل نشان دادن انعطاف‌پذیری و عمل‌گرایی قدردانی کرده است.

سوریه: توافق تاریخی

دولت سوریه نیز با تاریخی خواندن توافق میان ایران و گروه ۱+۵ اعلام کرد که

این دستاورد نشانگر آن است که مذاکره و نه گزینه نظامی بهترین راه برای حل بحران‌هاست. وزارت امور خارجه سوریه در بیانیه‌ای افزود: دولت دمشق این توافقنامه را به عنوان توافقی تاریخی در نظر می‌گیرد که منافع مردم برادر ایران را تضمین می‌کند و حق آنان برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را به رسمیت می‌شناسد.

انگلیس: خبر خوب جهانی

دویچه‌وله فارسی نوشت: «ویلیام هیگ»، وزیر امور خارجه بریتانیا هم توافق با ایران بر سر برنامه‌های هسته‌ای این کشور را «خبری خوب برای جهان» توصیف کرد. وزیر امور خارجه بریتانیا در پیامی در توئیتر نوشت، این «یک توافق مهم و دلگرم‌کننده با ایران به عنوان گام نخست است.» ویلیام هیگ همچنین تأکید کرده است که این توافق نشان می‌دهد که همکاری با ایران و حل مشکلات سخت از راه دیپلماسی امکان‌پذیر خواهد بود.

اتریش: علامت دلگرم‌کننده

میخاییل اشپیندلگر وزیر امور خارجه اتریش یکشنبه با اشاره به توافق جمهوری اسلامی ایران و پنج بعلاوه یک افزود: نخستین بار و پس از مدت طولانی این امید به وجود آمد که ما این بحران طولانی را از طریق صلح‌آمیز رفع کنیم. وی گفت که این یک علامت دلگرم‌کننده و نخستین گام است و باید گام‌های بعدی برداشته شود.

فرانسه: گامی مهم در مسیر درست

فرانسه اعلام کرد که توافق بین ایران و گروه ۱+۵ در زمینه برنامه هسته‌ای‌اش گام مهمی برای حفظ صلح و امنیت است، ولی باید تحت نظارت دقیق قرار گیرد تا اجرایی شدن آن تضمین شود «فرانسوا اولاند»، رئیس جمهوری فرانسه توافق با ایران را «گامی مهم در مسیری درست» خواند و نسبت به عادی شدن روابط فرانسه با ایران اظهار امیدواری کرده است. لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه نیز تأکید کرد: توافق هسته‌ای که بین گروه ۱+۵ و جمهوری اسلامی ایران بر سر برنامه‌های هسته‌ای تهران حاصل شد باعث به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته‌ای صلح‌آمیز ایران می‌شود.

عراق: ثبت حقوق هسته‌ای

نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق، با صدور اطلاعیه افزود: امیدواریم این توافق سبب ایجاد اطمینان و حفظ منافع دو طرف شود و در عین حال حقوق برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را در خود ثبت کند. عراق کاملاً از این توافق حمایت کرده و

همواره آماده است در مسیر ادامه گفتگوهای مسالمت‌آمیز دو طرف نقش ایفا کند.

امارات: گامی در جهت قرارداد دائمی

شورای وزیران امارات در نشست هفتگی خود از توافق تهران و گروه ۱+۵ بر سر پرونده هسته‌ای ایران استقبال کرد. شورای وزیران امارات همچنین توافق ایران و گروه ۱+۵ را گامی به سوی توافق دائم که ثبات منطقه را حفاظت کرده و از تنش و خطر اشاعه سلاح هسته‌ای جلوگیری می‌کند، برشمرد.

ترکیه: نخستین گام عینی

وزارت امور خارجه ترکیه اعلام کرد که ما به ایران و گروه ۱+۵ برای تلاش سازنده خود در طول این فرایند تبریک می‌گوییم و این توافق نخستین گام عینی برداشته شده از سوی دو طرف بعد از ده سال است. این بیانیه اضافه کرد که این توافق سرآغاز روند اعتمادسازی هر چه بیشتر خواهد بود و از دو طرف خواسته می‌شود با حفظ روند مثبت کنونی گام‌های بیشتری برداشته شود تا نتیجه نهایی مورد رضایت همه باشد. وزارت امور خارجه ترکیه در این بیانیه از توافق صورت گرفته حمایت کرده و پشتیبانی خود را از حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اعلام می‌کند.

تشکیلات خودگردان فلسطین: صلح تنها گزینه خاورمیانه

سخنگوی «محمود عباس»، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین هم با استقبال از توافق ژنو گفته است که این حرکت پیام مهمی را به اسرائیل می‌فرستند تا درک کند، صلح تنها گزینه در خاورمیانه است. «نبیل ابو ردینه»، اضافه کرده است که فلسطینیان خواستار خاورمیانه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای هستند.

با توجه به اهمیت دستاوردهای منطقه‌ای و بین‌المللی برنامه اقدام ژنو، در ادامه به برخی از دستاوردهای راهبردی این مذاکرات اشاره می‌گردد:[1]

ج ـ تبدیل سیاست تقابل به تعامل

منظور ارائه یک بحث دو قطبی نیست. بلکه اکنون باید توجه کرد که غرب بعد از

---

۱ ـ با تشکر از ارائه مطالب مفید از سوی جناب آقای دکتر مولائی در این زمینه رجوع شود به عبادالله مولائی، گزارش اثرات منطقه‌ای توافق ژنو، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۹۲

توافق ژنو به وضعیتی رسیده است که شاهد نگاه بینابین یا به عبارتی خاکستری غرب به ایران هستیم. در چند سال اخیر ما شاهد افزایش تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه علیه ایران بودیم. با توافقنامه ژنو ما شاهد فرایند حرکت در مسیر مخالف این روند سالهای گذشته هستیم. سخنان باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده در خصوص اینکه غرب قادر به از بین بردن برنامه هسته‌ای ایران نیست نشان از تغییر مواضع دارد. البته باید تأکید کنم که دستگاه دیپلماسی ایران به چنین تغییر موضع‌گیری‌هایی به هیچ‌وجه دل خوش نکرده است اما اهمیت این مسئله اذعان چهره‌های مخالف ایران به این واقعیت است.

د ـ شناسایی بین‌المللی قدرت ایران

مذاکرات هسته‌ای سرفصل مهمی در افق تحرکات بین‌المللی کشورمان گشوده است. جمهوری اسلامی ایران در این مذاکرات بیش از آن که تنها موضوع نظام بین‌الملل باشد، همطراز با مهمترین قدرت‌های جهانی به بازیگری اثرگذار در سیاست جهانی پرداخته و گامی مهم در تقویت ظرفیت بین‌المللی و جایگاه منطقه‌ای خود برداشت. آمریکا و کشورهای غربی که پیش از این به کمتر از توقف و برچیدن کامل برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران رضایت نمی‌دادند و با اتخاذ سلسله سیاست‌های ناعادلانه و ستیزه‌جویانه از هیچ کوششی برای اعمال فشار، مهار و محدودسازی سیاسی و اقتصادی کشورمان دریغ نورزیدند، سرانجام در برابر عظمت و ایستادگی تاریخی ملت ایران ناگزیر از شناسایی قدرت ایران گشته پرداخته و به انطباق با واقعیت و موقعیت هسته‌ای کشورمان اقبال نشان دادند. ایران اینک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را در فضای بین‌المللی مساعد پیش خواهد برد. بنابراین شناسایی بین‌المللی قدرت ایران از سوی قدرتها و بازیگران عمده سیاست جهانی یکی از دستاوردهای استراتژیک این توافق بوده است.

ه ـ نیل ایران به اهداف راهبردی منطقه‌ای فرامنطقه‌ای

به اذعان بسیاری از مفسران روابط بین‌الملل، بعد از توافق روی برنامه اقدام ژنو، ایران توانسته است به بسیاری از اهداف بلندمدت، راهبردی و ژئوپولتیکی خود نایل

آید. تثبیت برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، حفظ استقلال سیاسی، کسب اعتبار بین‌المللی و نهادینه‌سازی موقعیت منطقه‌ای به تقویت مبانی و مولفه‌های قدرت ملی و بین‌المللی کشورمان مدد رسانده و زمینه را برای بازیگری و ایفای نقش‌های برجسته‌تر در امور منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مساعد گردانده است. این فضای نوظهور، بیش از پیش آزادی عمل و حوزه مانور ایران را گسترش بخشیده و امکانات و گزینه‌های بین‌المللی در اختیار کشورمان قرار داد. این فرصت تاریخی به طور طبیعی با افزایش سرمایه استراتژیک موجب خواهد شد تا ایران از قدرت نقش‌آفرینی بیشتری در شکل‌دهی به رخدادها و روندهای اثرگذار منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بهره‌مند گشته و منافع ملی و ارزش‌های خود را در فضای نوپدید و با امکانات و اهرم‌های متنوع‌تری پی‌جویی نماید و همزمان از محیط بین‌المللی مساعدتر جهت پی‌جویی و تحقق برنامه‌های کلان خود در حوزه‌های امنیت، سیاست، اقتصاد و منزلت بین‌المللی سود جوید.

و ـ تبدیل ایران به قدرت دیپلماتیک

یکی از دستاوردهای شاخص توافق ژنو اهمیت یابی دیپلماسی و تبدیل ایران به قدرت دیپلماتیک بود. این توافق گامی مهم در ارتقا نقش و جایگاه دیپلماسی در نظام بین‌الملل بود. اعتماد به نفس و بازیگری دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران یکی از مشخصه‌های این مذاکرات به شمار می‌آید. ایران ناگزیر به این مذاکره نشد بلکه با اغتنام فرصت، ابتکار عمل دیپلماتیک و با فضاسازی مناسب، اهداف و منافع راهبردی خود را در عالی‌ترین سطح نظام بین‌الملل و در مواجهه با قدرتهای بزرگ جهانی به پیش برد. پایان بن بست هسته‌ای نشانه نوعی قدرت نمایی دیپلماتیک بود و دیپلماسی را به یکی از مولفه‌های جدید قدرت ایران تبدیل ساخت.

قدرت امروزه از مولفه‌ها و عناصر متنوع و متعددی تشکیل شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز همزمان از بسیاری از مولفه‌های قدرت مانند قدرت گفتمانی (معنایی، هنجاری و فرهنگی)، قدرت اقتصادی، قدرت ژئوپولتیکی و قدرت نظامی برخوردار می‌باشد اما به نظر می‌رسد در حال حاضر قدرت دیپلماتیک هم به یکی از مشخصه‌های قدرت ملی کشورمان تبدیل شده است. تبدیل امکان دیپلماسی و تعاملات بین‌المللی به مبنای قدرت‌یابی و تقویت حضور، اعتبار و اقتدار جهانی کشورمان نشان داد که

دیپلماسی هم در کنار سایر منابع سنتی می‌تواند یکی از منابع مهم قدرت ملی در نظام بین‌الملل را تشکیل دهد.

سیاست خارجی، از مهمترین حوزه‌های سیاست‌گذاری در هر کشوری محسوب شده و از اهمیت و نقش حیاتی در سرنوشت کشورها و حفظ استقلال، امنیت و تمامیت ارضی و منزلت و اعتبار بین‌المللی و پیشبرد اهداف و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی دارد. به نظر می‌رسد سیاست خارجی و دیپلماسی کشورمان از سرمایه ارزشمندی برای تثبیت و نهادینه‌سازی موقعیت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران برخوردار شده است. قدرت دیپلماتیک به عنوان یکی از نمادهای الگوی ایرانی و یا نگاه ایرانی به سیاست بین‌الملل و منطقه‌ای می‌تواند در تعیین جهت و شکل‌دهی به ساختارهای ذهنی و ایجاد فضاهای منطقه‌ای و بین‌المللی مناسب و مطلوب به تداوم قدرت‌یابی منطقه‌ای و نقش‌آفرینی جهانی کشورمان مدد رساند.

این امر دارای ابعاد متفاوت اما مکملی است. از تصویرسازی و مدیریت برداشت‌های ذهنی تا تداوم سنت میانجی‌گری‌های صلح‌گرایانه منطقه‌ای، شکل‌دهی به دستور کارهای بین‌المللی و درخشش دیپلماتیک در نهادهای منطقه‌ای و جهانی، گره‌گشایی از بسیاری از چالش‌ها و تنش‌های روابط دوجانبه با کشورها در حوزه‌های جغرافیایی مختلف تا اثرگذاری بر موضوعات، روندها و معادلات کلان و مانند آنها، امکان‌های مهم نقش‌آفرینی قدرت دیپلماتیک ایران به شمار می‌آیند.

ز ـ بازتعریف تصویر بین‌المللی ایران

نقش تصویرها و برداشت‌های ذهنی در روابط میان کشورها موضوع مهمی است که در ادبیات سیاست بین‌الملل معاصر بیش از پیش در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است. تصویرها و دریافت‌ها در نوع نگاه کشورها به یکدیگر و ارزیابی نیت‌ها و رفتارها و نیز شکل‌دهی به سمت و سوی مواجهه میان واحدهای سیاسی اثرگذار می‌باشد. تصویر با واقعیت عینی تفاوت داشته و یا واقعیت را واژگونه جلوه می‌دهد اما نقش مهمی در میزان اعتبار و منزلت کشورها برعهده دارد. به همین جهت در بسیاری از موارد تصویر و دریافت دیگران از یک کشور جایگزین واقعیت می‌شود.

در سالهای گذشته مخالفان و رقبای کشورمان در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

تلاش وافری انجام دادند تا با تصویرسازی غیرواقعی، مخدوش، منفی و نامطلوب از ایران واقعیت‌ها را در سایه قرار داده و امکان پیشبرد اهداف و تأمین منافع خود را فراهم آورند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به ویژگی‌های ممتاز تاریخی، فرهنگی، ژئوپولتیکی و اقتصادی بازیگر سیاسی ذینفوذ در منطقه، جهان اسلام و نظام بین‌الملل محسوب می‌شود که به رغم تصویرسازی‌های منفی در قالب ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و رواج تعابیری مانند «هژمونی منطقه‌ای ایران»، «احیای امپراتوری پارس»، «هلال شیعی» و مانند آن و مانع‌تراشی‌های بازدارنده برخی کشورها که از ارتقاء روزافزون توانمندی‌های معنوی، فرهنگی و سیاسی کشورمان بیمناک می‌باشند، بیش از پیش به قدرتی اثرگذار در سیاست جهانی تبدیل می‌شود. به نظر می‌رسد فضای پدید آمده پس از مذاکرات هسته‌ای توانسته است تا حدودی ادبیات ضد ایرانی موجود را تحت‌الشعاع قرار دهد.

ح ـ افول نسبی امنیتی‌سازی ایران

علاوه بر این با توجه به تعارض‌های هویتی قدرتهای غربی با کشورمان، به نظر می‌رسد طرحهای امنیتی‌سازی ایران معنا و نقش هویتی هم داشته است. در ادبیات روابط بین‌الملل هم موضوع «غیریت‌سازی» و تبدیل دیگر کشورها به «رقیب هویتی» و یا «دگرهویتی» مبحث رایجی است. غیریت‌سازی نوعی فرایند هویت‌سازی یکسویه و تک‌گفتاری و منفی محسوب می‌شود که هویت «خود» را در نفی و یا تهدیدانگاری و یا امنیتی‌سازی هویت «دیگری» جستجو می‌نماید. بدیهی است هدف از این نوع هویت‌سازی معرفی مثبت از هویت «خود» و توصیف «رقیب» دیگر در قالب‌های منفی، یکسویه و تهدیدگرانه به عنوان مفری برای وحدت‌بخشی به جهان غرب و در سایه قراردادن تنوع، کثرت، تفاوت و تمایز و اختلافات موجود آن بوده است.

«امنیتی‌سازی» دیگر واحدهای سیاسی، حوزه‌های تمدنی و جغرافیایی و قدرت‌های غیرغربی هم ادامه همین نگرش و سنت هویتی تلقی می‌شود. امنیتی‌سازی فرایندی است که به میانجی آن «دیگری» یعنی رقیب به عنوان تهدید وجودی تعریف می‌شود. بازنمایی «رقیب» و «دیگری» به عنوان تهدید وجودی یکی از رویه‌هایی است که زمینه مشروعیت‌یابی تدابیر قهرآمیز را فراهم می‌آورد. در خلأ هویتی دوران پس از پایان

جنگ سرد، قدرتهای غربی تلاش نمودند تا به موازات تعریف ایران به عنوان یکی از رقیب‌های هویتی خود به امنیتی‌سازی کشورمان هم بپردازند.

تهدید انگاری ایران و امنیتی‌سازی چهره بین‌المللی کشورمان مهمترین سیاست مشترک آمریکا، غرب و بازیگران منطقه‌ای حامی آنها در سال‌های گذشته بوده است. تصویرسازی نامطلوب از ایران و تبدیل کشورمان به عامل تهدید صلح، ثبات و امنیت منطقه و جهان موضوعی بود که این طیف از آن برای مشروعیت بخشیدن به مواضع و رفتارهای ستیزه‌جویانه خود علیه ایران بهره‌برداری نمودند. برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران به مظهر و نماد این تلاش‌های منفی و دامن زدن به نگرانی‌های تصنعی تبدیل شد که هدف از آن محروم‌سازی ملت ایران از حقوق مشروع خود بوده است.

در سال‌های گذشته آمریکا به مدد امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران تلاش نمود تا به موازات بازسازی روابط با اروپا که در دوران حاکمیت نومحافظه‌کاران و جنگ عراق آسیب دیده بود، زمینه را برای شکل‌دهی به هماهنگی وسیع علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و تهدید جلوه دادن آن در جهان غرب و حوزه آتلانتیکی و سپس در سطح قدرت‌های بزرگ و حامیان آنها نماید. به نظر می‌رسد در حال حاضر و در سایه اقتدار و تدبیر دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران و تغییر فضای پیشین، موضوع امنیتی‌سازی و تهدید جلوه دادن کشورمان دستخوش تحول گردیده است.

ط ـ چشم‌انداز مثبت قدرت‌یابی اقتصادی

ایران همانطور که در جغرافیایی سیاسی از موقعیت ممتازی برخوردار است در جغرافیای اقتصادی جهان نیز دارای ظرفیت‌های کم‌نظیری است. کشورمان به میانجی موقعیت جغرافیایی خود، پل ارتباطی طبیعی آسیای غربی با آسیای شرقی و اروپا به شمار می‌آید. پیوندهای دینی، فرهنگی، تاریخی و تمدنی از یک‌سو و وزنه جمعیتی، منابع انرژی، سواحل طولانی، جمهوری اسلامی ایران را به شریک طبیعی کشورهای همسایه و سایر کشورهای جهان تبدیل نموده است. ایران در مقام یکی از تولیدکنندگان عمده نفت و گاز از جمله قدرت‌های تراز اول جهانی در عرصه انرژی

محسوب می‌شود که در نظم بین‌الملل اقتصادی آینده از نقش شاخصی در تعاملات جهانی انرژی برخوردار خواهد شد. موقعیت و امتیازات ژئواکونومیک ایران در همه مناطق پیرامونی هم امکان‌های در خور توجهی به کشورمان بخشیده است.

با توجه به این که در دوران گذار نظام بین‌الملل، اقتصاد ماهیت ژئوپولتیک یافته و به یکی از مولفه‌های تعیین‌کننده قدرت‌یابی کشورها تبدیل شده است، هدف تحریم‌های اقتصادی کشورمان، لطمه زدن به روند توسعه اقتصادی و محروم شدن از این مولفه قدرت به مدد تخلیه ظرفیت‌های استراتژیک، اقتصادی، صنعتی و تجاری بود. توافق ژنو به تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان ضربه‌ای سخت و آسیبی جدی وارد ساخته و ساختار آن را سست و شکننده ساخت. اگر چه هنوز رژیم تحریم‌ها به طور رسمی پایان نیافته است اما فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفوذ حامی تجارت و همکاری اقتصادی با ایران در سراسر جهان و شتاب و شدت یافتن رقابت‌های کشورهای مختلف برای زمینه‌سازی حضور خود در بازار صنعت، تجارت و اقتصاد ایران بدون تردید موضوعیت، اعتبار و فلسفه وجودی تحریم‌های اقتصادی را با بحران جدید مواجه ساخته است.

برخی تحلیل‌گران اقتصادی از آغاز تدریجی هجوم سرمایه‌گذاران بین‌المللی به تهران با عنوان «فرصت قرن» سخن رانده‌اند. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران در پرتو شرایط نوظهور می‌تواند به موازات برخورداری از سایر مؤلفه‌های مهم قدرت ملی به عنوان قدرت شاخص در اقتصاد بین‌الملل و بازیگر اصلی در بازار انرژی جهان به مرکز انرژی، کانون تجاری و محور صنعتی و علمی تبدیل شود.

ی ـ شناسایی قدرت منطقه‌ای ایران

تعریف جمهوری اسلامی ایران به مثابه قدرت منطقه‌ای حاصل مؤلفه‌های طبیعی قدرت و نیز تحولات دوره پس از جنگ سرد و دستاوردهای منطقه‌ای و بین‌المللی کشورمان می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران بزرگترین برنده ژئوپولتیک تحولات دوران پس از جنگ سرد در منطقه بوده است. همزمان، رشد و توسعه اقتصادی، علمی و صنعتی ایران نقش محوری در تبدیل کشور به قدرت منطقه‌ای و بازیگر بین‌المللی برعهده داشته است. اشاره مکرر و ناگزیر بسیاری از تحلیل‌گران سیاست‌های منطقه

و بین‌المللی به تبدیل جمهوری اسلامی ایران به قدرت ممتاز منطقه‌ای و بازیگر مهم و مؤثر بین‌المللی در این زمینه گرچه با اهداف متفاوت و از منظرهای مختلفی صورت می‌گیرد اما در مجموع از ارتقای نقش و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی کشورمان حکایت دارد.

یکی از دستاوردهای عینی توافق ژنو شناسایی بین‌المللی قدرت منطقه‌ای ایران و ایجاد فضای مناسب و مساعد برای بازیگری و نقش‌آفرینی کشورمان بوده است. این نکته را نمی‌توان دست‌کم شمرد که نخستین پیامد توافق ژنو فاصله‌جویی و گسست ایران از تنگنای ژئوپولتیک موجود و برخورداری از امکان ایفای نقش سیاسی بیشتر در منطقه است. ایران توانست به موازات تأمین منافع، تحقق اهداف و حفظ اصول استراتژیک به تقویت موقعیت و منزلت منطقه‌ای خود بپردازد. توافق ژنو یک تحول تاریخی است که در محیط استراتژیک منازعه‌آمیز خاورمیانه تغییرات محسوسی در روابط بین منطقه‌ای در پی خواهد داشت. این توافق با برطرف ساختن تدریجی موانع و تنگناهای موجود، امکان قدرت‌یابی ایران را به عنوان قدرت منطقه‌ای برتر فراهم و مساعد گردانده است. در این رهگذر، حوزه ژئوپولتیک کشور ما تثبیت شد. امروزه از آسیای غربی تا مدیترانه شرقی به نحوی حوزه نقش‌آفرینی و بازیگری ایران محسوب می‌شود.

در حال حاضر که هم سیاست جهانی و هم سیاست خاورمیانه‌ای در شرایط دوران انتقالی قرار دارند. چرخش قدرت، افول نسبی قدرت‌های سنتی و قدرت‌یابی قدرت‌های نوظهور واژگان پرکاربرد این شرایط محسوب می‌شوند، تعابیر «ایران، قدرت برتر منطقه‌ای»، و یا «ایران، قدرت منطقه‌ای آسیای غربی» از جمله گزاره‌هایی است که پس از توافق ژنو در سخن‌پردازی‌های استراتژیک و ادبیات ژئوپولتیک رایج شده است. البته توصیف ایران به عنوان «قدرت منطقه‌ای» پدیده جدیدی نیست و ایران به دلیل برخورداری از بسیاری از مولفه‌ها و عناصر قدرت در همه حوزه‌های ژئوپولتیکی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، نظامی و مانند آن قدرت منطقه‌ای و بازیگر فرامنطقه‌ای طبیعی آسیای غربی بوده است. اما اهمیت کاربرد این تعابیر در شرایط حاضر به شناسایی این موقعیت از سوی سایر واحدهای نظام بین‌المللی بازمی‌گردد. مزایا و امتیازات ناشی از این رخداد ژئوپولتیک

سرمایه بین‌المللی ارزشمند کشورمان می‌باشد.

پرسش مهم این است که چرا مخالفان منطقه‌ای ایران و به ویژه رژیم صهیونیستی و عربستان چنان آشکار، سراسیمه و شتابان به مخالفت با روند مذاکرات و نتایج توافق ژنو پرداخته و از هیچ تلاشی برای ایجاد مانع در این زمینه دریغ نورزیدند؟ آیا چنانچه این توافق دستاوردی استراتژیک نصیب جمهوری اسلامی ایران نمی‌ساخت هم مخالفت آنها برانگیخته می‌شد؟ به نظر می‌رسد توافق اخیر ژنو ذهنیت بازیگران منطقه‌ای مخالف جمهوری اسلامی ایران را دچار آشفتگی ساخته است. با توجه به این که آرایش امنیتی منطقه و نوع حضور قدرت‌های غربی با منافع اسرائیل و عربستان گره خورده است، هرگونه تغییر در وضع موجود، موقعیت و منافع آنها را به خاطره می‌افکند. طرح این نکته ا ز سوی برخی تحلیل‌گران که موفقیت مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ با ایجاد «زلزله ژئوپولتیکی» موازنه قدرت در منطقه را تغییر داده است، بر همین مضمون و معنا دلالت می‌ورزد.

ک ـ تحت فشار قرار دادن مخالفت‌های منطقه‌ای و منفعل‌کردن آنها

توافق ژنو همزمان چرخشی در سیاست ایرانی و سیاست منطقه‌ای آمریکا پدید آورده و عادت‌ها و سنت‌های حاکم بر روابط ایالات متحده با رژیم صهیونیستی و عربستان را تحت تأثیر قرار داد. مواضع، تحرکات و رفتارهای نامتعارف رژیم صهیونیستی و عربستان آشکارا نشانگر ناخوشایند بودن تغییر موازنه قدرت و چرخش استراتژیک در منطقه به سود ایران است. دلیل این که توافق مزبور نوعی ابهام و آشفتگی نابهنگام برای مخالفان و رقبای منطقه‌ای ایران به وجود آورد هم در همین واقعیت نهفته است. به همین سبب تلاش گسترده‌ای انجام دادند تا مذاکرات هسته‌ای با موفقیت روبرو نشود. آنها توافق ژنو را شناسایی قدرت نوظهور ایران از سوی قدرت‌های بزرگ ارزیابی می‌نمایند. منتقدان و مخالفان این توافق از این که تحریم‌ها و فشارهای جهان غرب به توقف و چشم‌پوشی ایران از برنامه هسته‌ای منتهی نشد ناخرسندند.

با توجه به ملاحظه پیش‌گفته، توافق ژنو بازتاب وسیعی در منطقه خاورمیانه و خلیج‌فارس داشته و واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های متفاوتی را برانگیخت. برخی از کشورها و دولت‌های منطقه به این تحول اقبال نشان داده و تعدادی دیگر با اتخاذ

مواضع معتدل به اظهار امیدواری کلی بسنده نمودند اما رژیم صهیونیستی و عربستان با ابراز ناخرسندی آشکار از این رخداد دیپلماتیک، بیم و نگرانی خود را به نمایش گذاشتند. این متحدان محوری آمریکا در منطقه بر این باورند که نفوذ آنها بر سیاست‌ها، تصمیم‌ها و رفتارهای آمریکا تقلیل و کاهش یافته است. آنها هم از نظر روان‌شناختی و هم از حیث استراتژیکی خود را بازنده اصلی این توافق دیپلماتیک می‌دانند. در ادامه به شرح و تحلیل مواضع این طیف پرداخته می‌شود:

رژیم صهیونیستی مدیریت مخالفت‌ها با راه‌حل‌های صلح‌آمیز و فرایند مذاکرات دیپلماتیک برنامه‌های هسته‌ای ایران را برعهده داشته و از آغاز تا انجام مذاکرات ژنو به تحرکات منطقه‌ای و بین‌المللی فشرده و وسیعی پرداخت. بهره‌برداری از گروههای ذی‌نفوذ طرفدار اسرائیل در سیاست داخلی، نهادهای قانونگذاری و رسانه‌ها و مراکز مطالعاتی آمریکا حوزه دیگر فعالیت‌های رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌داد. اسرائیل و لابی طرفدار آن طی سال‌های اخیر با تهدیدآمیز نشان دادن برنامه هسته‌ای ایران، این موضوع را به دستاویز و سرمایه تلاش‌های منطقه‌ای بین‌المللی خود تبدیل نموده بودند.

از این‌رو، رژیم صهیونیستی شدیدترین واکنش‌ها و عکس‌العمل‌ها را نشان داده و از همه امکانات خود برای اثرگذاری منفی بر فضای دیپلماتیک بهره جست. از نظر رئیس این رژیم، کاهش فشار بر ایران «اشتباه تاریخی» تلقی می‌شد. توافق ژنو همزمان محدودیت‌های رژیم صهیونیستی را به نمایش گذاشته و نشان داد که اثرگذاری اسرائیل بر تصمیمات و منافع استراتژیک آمریکا هم نسبت به گذشته کاهش یافته است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که دستیابی به توافق، دست‌کم به معنای بی‌توجهی قوه مجریه آمریکا به شبکه لابی قدرتمند حامی اسرائیل بود. به بیان دیگر گروههای ذی‌نفوذ صهیونیستی نتوانستند دیدگاههای خود را در مورد برنامه هسته‌ای ایران پیش برند و این ناکامی به ساختار قدرت لابی‌گری آنها لطمه زد. البته تردیدی در دلیل وجودی استراتژیک اسرائیل برای منافع آمریکا و میزان حضور و نفوذ حامیان آن در ساختار سیاست داخلی آمریکا وجود ندارد و آمریکا کماکان خود را نسبت به امنیت این رژیم متعهد می‌داند اما به نظر می‌رسد که سیاست ایرانی آمریکا حداقل در این مقطع در گروگان کامل رژیم صهیونیستی قرار نداشت. طرح ضرورت توجه آمریکا

به منافع ملی این کشور در سخنان و سخن‌پردازی‌های برخی تحلیل‌گران و مقامات این کشور هم از این نکته حکایت داشت. رژیم صهیونیستی که جمهوری اسلامی ایران را «تهدید وجودی» تلقی نموده و حل و فصل صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را کابوسی برای خود می‌داند، برای جلوگیری از توافق ژنو از هیچ کوششی فروگذار نکرد اما سرانجام به ابراز ناامیدی از ناتوانی غرب در برابر ایران پرداخت.

به هر روی، رژیم صهیونیستی از کاهش نقش خود و قدرت‌یابی ایران در معادلات خاورمیانه به شدت نگران و بیمناک است اما این رژیم در شرایطی نیست که بتواند به مقابله با تغییرات ژئوپولتیک جهانی و تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه بپردازد. از این‌رو با توجه به این که رژیم صهیونیستی سیاست بین‌المللی خود را بر محور برنامه هسته‌ای ایران بازتعریف نموده بود، شناسایی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان و کسب مشروعیت بین‌المللی آن علاوه بر این که سیاست مزبور را با بن‌بست و شکست روبرو ساخت، زمینه مساعدی هم برای ارتقا جایگاه ایران در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه فراهم آورد.

عربستان بیش از دیگران از این توافق ناخرسند و آزرده‌خاطر شد. از نظر عربستان این توافق ایران را از امکان ادامه برنامه‌های هسته‌ای و تداوم روند قدرت‌نمایی خود برخوردار می‌سازد. ریاض از این‌که ایران در موازنه قدرت موجود در منطقه، این کشور را در سایه قرار داده و به حاشیه رانده است، بسیار نگران می‌باشد. عربستان در گذشته به دلیل نفوذ وسیع در سیاست داخلی آمریکا از امکان اثرگذاری بر مواضع و سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده برخوردار بود اما به نظر می‌رسد آمریکا امروزه در رابطه با عربستان از محدودیت‌های انرژی فاصله گرفته و منافع دو طرف با یکدیگر دچار تلاقی و اصطکاک نسبی شده است. از جنگ عراق به بعد نفوذ عربستان در آمریکا کاهش محسوسی یافته است. عدم مداخله نظامی آمریکا در سوریه و توافق هسته‌ای ژنو، گسست و شکافی دیگر در این تصویر ایجاد نمود و عربستان را ناگزیر ساخت تا با واقعیت ژئوپولتیکی جدید خاورمیانه و خلیج‌فارس یعنی شناسایی قدرت منطقه‌ای ایران روبرو گردد.

رقابت‌های عربستان با کشورمان در منطقه حدیث آشنایی است و این کشور که تلاش دارد تا با پیروی از آموزه‌های منطق موازنه قدرت به چالشگری با نفوذ و قدرت

منطقه‌ای ایران پرداخته و در رقابت با کشورمان خود را به بازیگری اثرگذار در معادلات خلیج فارس تبدیل نماید، در دهه گذشته شاهد رخدادهای ژئوپولتیکی ناخوشایندی بوده است. نقش‌آفرینی سیاسی و نفوذ گفتمانی جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و خلیج‌فارس از لبنان، فلسطین، عراق، بحرین، یمن تا سوریه از آن جمله بوده‌اند. عربستان در پی جریان بیداری اسلامی در خاورمیانه و از دست دادن متحد سنتی خود یعنی مصر دوران مبارک و آغاز بحران در سوریه یعنی مهمترین متحد ایران در جهان عرب، درصدد برآمد تا از این فرصت برای مهار ایران بهره‌برداری نماید و در همین رهگذر هم به شدت آمریکا را به مداخله نظامی در سوریه ترغیب نمود.

ریاض تلاش داشت تا با شکل‌دهی به ائتلافی با آمریکا، دولت‌های اروپایی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، سوریه را به میدان رویارویی و رقابت نهایی خود با محور مقاومت مبدل سازد. در این زمینه هم با هر نوع فرایند دیپلماتیک در سوریه که مستلزم شناسایی قدرت و نقش ایران باشد به شدت مخالفت ورزیده و از هیچ کوششی برای چیرگی در این بحران دریغ نمی‌ورزد. اما سرانجام ریاض نتوانست آمریکا را نسبت به مداخله نظامی در سوریه متقاعد سازد و در اقدامی شگفت‌آور به انتقاد از عملکرد شورای امنیت سازمان ملل پرداخته و با چشم‌پوشی از عضویت غیردائمی خود در آن به افزایش تحرکات نظامی و مخالف‌خوانی گسترده با راه‌حل‌های دیپلماتیک روی آورد. از نظر عربستان، انعطاف در برابر سوریه به افزایش قدرت ایران و تقویت بیشتر نقش شیعیان در منطقه منجر شده و موقعیت جمهوری اسلامی ایران را به عنوان قدرت منطقه‌ای نهادینه و تثبیت خواهد نمود.

توافق ژنو واپسین شکست دیپلماسی عربستان در تثبیت و نهادینه‌سازی دستاوردهای خود در منطقه بود. عربستان تلاش‌های آشکار و نهان بسیاری انجام داد تا آمریکا و غرب را به عدم حل و فصل دیپلماتیک موضوع برنامه هسته‌ای ایران سوق داده و یا در مسیر توافق ژنو مانع ایجاد نماید. ریاض که شاهد بی‌اعتنایی آمریکا به تلاش این کشور برای ایجاد بن‌بست در مذاکرات بود درصدد برآمد تا از نقش و وزنه فرانسه هم بهره‌برداری نموده و با اعطای مشوق‌های اقتصادی در مسیر مذاکرات هسته‌ای اثرگذار باشد اما یکجانبه گرایی فرانسه به عکس اجماع و یکپارچگی اروپایی‌ها و غرب را با

تردید مواجه ساخته و زمینه را برای بهره‌برداری ایران از تشتت آرا، و تعارض دیدگاهها، رقابت‌های داخلی و تفاوت منافع میان کشورهای غربی مساعد گرداند.

عربستان که از قدرت‌یابی ایران و اقبال جامعه جهانی به کشورمان بیمناک است، اینک به نکوهش و انتقاد از غرب و به ویژه آمریکا پرداخته است و به نظر می‌رسد این کشور امکان و محیط استراتژیک پیشین را از دست داده است که آشکارا درصدد ائتلاف با اسرائیل و جستجوی بدیل‌های دیگر برآمده است. با این همه، عربستان با وجود تهدیدهای نمایشی از امکان گسست پیوندهای موجود و وابستگی امنیتی به آمریکا برخوردار نیست. عربستان و متحدان آن که در سال‌های اخیر به دلیل طرح موضوع چرخش استراتژیک آمریکا به آسیا و احتمال کاهش تعهدات این کشور در خاورمیانه، نگران شده بودند، اینک پس از توافق ژنو نسبت به آغاز دوران «بدون آمریکا» در منطقه بیش از پیش بیمناک‌تر شده‌اند. تلاش برای یافتن متحدانی در سایر مناطق جغرافیایی یکی از نخستین گزینه‌هایی است که پیش روی برخی از این کشورها قرار گرفته است. به نظر می‌رسد طرح سیاست‌های جایگزین و همکاری با قدرت‌های دیگر به جای آمریکا هم بیشتر سخن‌پردازی بوده و ماهیت نمایشی دارد. اروپا، روسیه و چین در حال حاضر نه ظرفیت و نه تمایلی برای چالش با آمریکا دارند.

در دهه‌های اخیر همه تحرکات ضد ایرانی عربستان برای مهار قدرت و نفوذ ایران در جهان عرب با بن‌بست و شکست مواجه شده است. از حمایت تمام عیار این کشور از رژیم بعثی در جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان تا تلاش برای مقابله با نفوذ معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران از عراق، لبنان، بحرین تا سوریه از آن جمله‌اند. آنچه که عربستان بیش از همه از آن نگران و بیمناک است، تداوم روندهای ژئوپولتیکی در خاورمیانه است که به سود ایران و علیه ریاض و متحدان آن شکل می‌گیرد. عربستان که شاهد قدرت‌نمایی، نقش‌آفرینی و بازیگری ایران در بسیاری از کشورهای عربی منطقه می‌باشد، بر این باور است که هر نوع تنش‌زدایی در روابط ایران با غرب می‌تواند همه موانع برتری منطقه‌ای ایران را برطرف ساخته و زمینه ارتقای موقعیت شیعیان و غلبه ژئوپولتیک شیعی را در خلیج فارس در پی داشته باشد.

به نظر می‌رسد عربستان در حال حاضر به شدت از سیاست منطقه‌ای ایالات

متحده ناخرسند بوده و تنش جاری بین آمریکا و عربستان جدی است زیرا دو طرف به‌رغم برخی اهداف راهبردی مشترک، منافع و اولویت‌های یکسانی ندارند اما تنش‌های جاری به گسست دائمی در روابط دو طرف نمی‌انجامد زیرا پیوندهای موجود میان آنها هنوز ناگسستنی است. چرخش استراتژیک و آسیا محوری آمریکا هم به معنای چشم‌پوشی از خاورمیانه و خلیج فارس نیست. به‌رغم آن که در سال‌های اخیر از میزان وابستگی آمریکا به انرژی این منطقه کاسته شده است اما با توجه به افزایش وابستگی قدرت‌های نوظهور رقیب آمریکا مانند چین به انرژی خلیج‌فارس، ایالات متحده تداوم مدیریت روندهای کلان منطقه را در دستور کار سیاست جهانی خود قرار داده و بخشی از موقعیت بین‌المللی خود را وامدار این موقعیت منطقه‌ای می‌داند.

با وجود این که سیاست آمریکا حتی در دوره آسیا محور هم بر تقویت موازنه قدرت و ممانعت از ظهور قدرت برتر در منطقه استوار است اما پیش‌فرض‌های سنتی سیاست منطقه‌ای آمریکا در حال بازنگری جهت انطباق با الزامات و شرایط نوظهور است و آمریکا به موازات حفظ موقعیت خود در خاورمیانه و خلیج‌فارس تلاش دارد تا توجه استراتژیک خود را بیشتر به آسیا و اقیانوسیه معطوف سازد.

جهان عرب و به ویژه عربستان توافق ژنو را نشانه رسمیت یافتن قدرت منطقه‌ای ایران و امکان افزایش همکاری‌ها و بهبود روابط ایران و غرب به زیان منافع کشورهای عربی می‌دانند. تردیدی نیست که تغییر فضا می‌تواند موقعیت پیشین این کشورها را در سایه قرار داده و نقش‌آفرینی آن را به حاشیه راند. نگاه این کشورها به معادلات منطقه از منطق ژئوپولتیک سنتی موازنه قدرت سرچشمه گرفته است. در این منطقه همواره به منطق ژئوپولتیکی به عنوان بازی با حاصل‌جمع صفر نگریسته شده است. در مجموع ایران از امکان بهره‌برداری از تنش‌های جاری بین آمریکا و عربستان و شرایط جاری منطقه بیش از گذشته برخوردار است.

در مجموع جریان ضد ایرانی منطقه که از دیرباز تنها راه مقابله با ایران را برخورد نظامی و یا کاربرد ترکیبی از راه‌حل نظامی و تخلیه ظرفیت‌های استراتژیک، تشدید تحریم و تنگ‌تر کردن فضای تنفس کشورمان می‌دانست در حال حاضر دچار آشفتگی استراتژیک شده است. تردیدی نیست که توافق ژنو ساختار ذهنی و روانی و عادت‌های

ذهنی و تحلیلی دیرین این طیف و نخبگان سیاسی طرفدار آن در منطقه را در هم ریخته است. وانگهی چشم‌انداز احتمال هر نوع تعامل غرب با ایران هم امکان بازسازی و یا بازتعریف موقعیت این طیف را در غیاب آمریکا و غرب به چالشی بزرگ برای آن تبدیل نموده است. عربستان ناگزیر است خود را با واقعیت‌های نوظهوری منطبق سازد که موقعیت منطقه‌ای دیرین این کشور را کم‌رنگ‌تر خواهد ساخت.

شرکای خاورمیانه‌ای آمریکا از تحولات جاری ناخرسندند اما از همه امکانات پیشین خود برای اثرگذاری بر فضای موجود و تغییر شرایط جاری برخوردار نیستند. شایان توجه است که کاهش نفوذ آمریکا در منطقه همزمان موانع پیشین را از پیش پای سیاست منطقه‌ای ایران هم برداشته است و زمینه را برای عهده‌داری نقش منطقه‌ای برجسته‌تر کشورمان مساعدتر گردانده است. از سوی دیگر این تحول زمینه مساعدی برای بازاندیشی نظم منطقه‌ای و بازتعریف جایگاه بازیگران منطقه‌ای فراهم آورده است.

بنابر این به‌درستی می‌توان این ادعا را پذیرفت که برنامه اقدام ژنو سبب بروز یک زلزله سیاسی راهبردی در سطح منطقه شده است. عرصه را بر رقبا و دشمنان جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در سطح منطقه تنگ کرده است. بدیهی است که آنها که از وضعیت موجود نهایت سوءاستفاده را علیه جمهوری اسلام ایران به عمل آورده بودند اکنون در شرایط بسیار دشوار تغییر، همه تلاش خود را بکار می‌گیرند تا در این مسیر مانع‌تراشی نمایند. درعین حال این موضوع قابل انکار نیست که برنامه اقدام ژنو فرصت‌های راهبردی بزرگی را در اختیار کشورمان قرار داده است تا با ایفای یک بازیگری نوین در عرصه منطقه و بین‌الملل جایگاه قدرتمند خود را به شدت تثبیت نماید.

ل ـ شکاف برداشتن رژیم تحریم‌ها [1]

آغاز اجرای گام اول و لغو شدن برخی تحریم‌ها آغازی بر ایجاد شکاف در دیوار تحریم‌هاست . این مسئله مورد اذعان غربی‌ها هم است . تحلیل جاری در غرب این است که رژیم تحریم‌ها علیه ایران با این توافقنامه شکاف برداشته است.

---

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به سخنرانی مجید تخت روانچی در مورد دستاوردهای توافق ژنو، سایت دیپلماسی ایرانی دیماه ۱۳۹۲.

م ـ شکاف اجماع بین‌المللی علیه ایران

بر هیچ‌کس پوشیده نیست که اجماع علیه ایران روز به روز در حال افزایش بود و با این توافق شکسته شد. جمع زیادی از کشورها و نهادهای بین‌المللی حسن‌نیت کشورمان برای حل و فصل موضوع را درک کردند و شکافی بین کشورهای غربی برای تداوم سیاست اعمال فشار علیه کشورمان ایجاد شد.

ن ـ شکست پروژه ایران و شیعه هراسی

اگر در گذشته هرتحول ناخوشایندی را به ایران نسبت می‌دادند امروز شاهد تغییر این روند هستیم. امروز از ایران به عنوان کلیدی برای حل بحران‌های منطقه نام برده می‌شود. هرچند هنوز هم لابی دشمنان و رقبای منطقه‌ای تلاش زیادی به عمل می‌آورند که مانع نقش‌آفرینی ایران در منطقه شوند و همانطور که در بالا ذکر شد به غلط نقش‌آفرینی ایران را ضد منافع و نفوذ خیالی خود در منطقه می‌دانند. بزرگ‌ترین چالش منطقه‌ای آمریکا در شرایط فعلی این است که آنها را مهار نماید و متقاعد نماید که دست از کینه‌توزی علیه ملت ایران بردارند. [1]

س ـ ایجاد شکاف میان آمریکا و اسرائیل

پس از امضای توافقنامه ژنو صهیونیست‌ها همچنان برای به شکست کشاندن آن تلاش می‌کنند. نفس طرح تقابل منافع آمریکا و اسرائیل در خصوص ایران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است . این نخستین بار است که این تقابل به رسانه‌ها کشیده شده است.

ع ـ منفعل کردن مخالفان ایران در آمریکا و کشورهای اروپایی

برنامه اقدام ژنو زمینه‌ای فراهم آورد که کینه‌توزان و دشمنان دیرینه ایران در آمریکا و سایر کشورهای غربی اهرم فشار خود را از دست بدهند و دیگر نتوانند با گسترش اطلاعات نادرست زمینه اعمال فشار به کشورمان را فراهم آورند.

---

۱. رجوع شود به مقاله فرید زکریا در مورد لزوم مهار عربستان به عنوان بزرگ‌ترین چالش آمریکا بعد از توافق ژنو ، سایت دیپلماسی ایرانی ۱۶ بهمن ۱۳۹۲

ف ـ علاقه کشورهای غربی برای گسترش رابطه با ایران

پس از مذاکرات، با افزایش تمایل غرب برای تعامل با ایران روبرو هستیم. در این زمینه می‌توان به سفر دو هیأت پارلمانی اروپایی و وزیر خارجه ایتالیا و سوئد به ایران و برنامه سفر تعداد زیادی از هیأت‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی به کشورمان اشاره کرد. نفس تغییر رهیافت کشورهای غربی نسبت به ایران با اهمیت است. در حال حاضر کشورهای غربی نقش ایران را در سطح منطقه‌ای پذیرفته‌اند و سرمایه سیاسی کشورمان در منطقه دیگر قابل کتمان نیست و ایران نیز بر اساس احترام متقابل و با تأکید بر اقتدار خود در صحنه بین‌المللی از بهبود رابطه با این کشورها استقبال می‌کند.

فصل دهم

ضمائم

الف ـ گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ١٤ نوامبر ٢٠١٣

در مورد اجرای موافقتنامه پادمان معاهده عدم اشاعه هسته‌ای (NPT) و مفاد مربوطه قطعنامه‌های شورای امنیت در جمهوری اسلامی ایران

تحولات عمده

تحولات عمده از زمان گزارش قبلی مدیر کل به شرح ذیل است:

● در تاریخ ١١ نوامبر ٢٠١٣ آژانس و ایران یک بیانیه مشترک در مورد چارچوبی برای همکاری را امضا کردند که شامل شش اقدام عملی مقدماتی است که از سوی ایران ظرف سه ماه انجام خواهند شد.

● نرخ تولید UF6 غنی شده تا سقف ۵ درصد از اورانیوم ٢٣۵ مشابه چیزی که در گزارش قبلی ذکر شده باقی مانده است؛ میزان مواد هسته‌ای که به شکل UF6 غنی شده تا سقف ۵ درصد از اورانیوم ٢٣۵ باقی مانده ٧١۵۴/٣ کیلوگرم است.

● نرخهای تولید UF6 غنی شده تا سقف ٢٠ درصد از اورانیوم ٢٣۵ مشابه چیزی که در گزارش قبلی ذکر شده، باقی مانده است؛ فرآوری بیشتر چنین موادی ادامه داشته است؛ میزان مواد هسته‌ای که به شکل UF6 غنی شده تا سقف ٢٠ درصد از

اورانیوم ۲۳۵ باقی‌مانده تقریباً ۱۹۶ کیلوگرم است.

● سانتریفیوژهایIR-2m بیشتری درکارخانه غنی‌سازی سوخت (FEP) نصب نشده‌اند. هیچ‌یک از سانتریفیوژهای IR-2m نصب شده با UF6 خوراک‌دهی نشده‌اند.

●اجزای مهم بیشتری در راکتور IR-40 نصب نشده است؛ تولید اکسید اورانیوم UO2 برای مجموعه‌های سوخت جهت راکتور در کارخانه تولید سوخت (FMP) ادامه یافته است؛ مجموعه سوخت جدید هنوز کامل نشده‌است.

A ـ مقدمه

۱. این گزارش مدیر کل به شورای حکام و همزمان به شورای امنیت در خصوص اجرای موافقتنامه پادمان[۱] NPTو مفاد مربوطه قطعنامه‌های شورای امنیت در جمهوری اسلامی ایران (ایران) می‌باشد.

۲. شورای امنیت تأکید نموده‌است که اقدامات مورد درخواست شورای حکام در قطعنامه‌هایش[۲] در خصوص ایران الزام‌آور است.[۳] مفاد مربوطه قطعنامه‌های یادشده[۴] شورای امنیت که بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل تصویب شده‌اند مطابق شرایط این قطعنامه‌ها الزام‌آور هستند.[۵] اجرای کامل تعهدات ایران جهت اعاده اعتماد

---

۱. موافقتنامه بین ایران وآژانس برای اجرای پادمان در ارتباط با پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (INFCIR/214) که در ۱۵ مه ۱۹۷۴ لازم‌الاجرا شده است.

۲. شورای حکام ۱۲ قطعنامه در ارتباط با اجرای پادمان در ایران تصویب نموده است (شماره و تاریخ قطعنامه‌ها ذکر شده است).

۳. در قطعنامه (۲۰۱۰) ۱۹۲۹ شورای امنیت تأکید می‌کند از جمله که ایران باید بدون تأخیر بیشتر اقدامات مورد درخواست شورای حکام را در (قطعنامه‌های) GOV/2006/14 و (GOV/2009/82)انجام دهد؛ تعهدات ایران را برای همکاری کامل با آژانس در خصوص کلیه مسائل باقی‌مانده به ویژه آنهایی که نگرانی‌هایی را در خصوص ابعاد نظامی ممکنه برنامه هسته‌ای ایران موجب شده است مورد تأکید قرار داد؛ تصمیم گرفت که ایران باید بدون تأخیر به طور کامل و بدون شرط به موافقتنامه پادمان خود از جمله از طریق اجرای کد اصلاح شده ۳/۱ ترتیبات فرعی پایبند گردد؛ و از ایران خواست به طور جدی مطابق با مفاد پروتکل الحاقی آن عمل نموده و فوراً آن را تصویب نماید (بندهای عملیاتی ۶ـ۱).

۴. شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌های زیر در خصوص ایران را تصویب کرده است:

1696(2006)، 1737(2006)، 1747(2007)، 1803 (2008) 1835(2008)، 1929(2010).

۵. از آژانس به موجب موافقتنامه روابط خود با سازمان ملل (INFCRIC/11,PartI.A) درخواست شده است که با شورای امنیت بر اساس درخواست این شورا با تأمین اطلاعات و مساعدتی که ممکن است برای اجرای مسئولیتش جهت حفظ یا برقراری صلح و امنیت بین‌المللی نیاز باشد، همکاری نماید.کلیه اعضای سازمان ملل موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرا نمایند، و در این خصوص اقداماتی را که مطابق با تعهداتشان تحت منشور سازمان ملل متحد می‌باشد، انجام دهند.

به ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای‌اش لازم می‌باشد.

۳. این گزارش به تحولات پس از آخرین گزارش مدیر کل (GOV/2013/40,28August2013) و همچنین مسائل طولانی باقی‌مانده می‌پردازد.

B ـ شفاف‌سازی مسائل حل نشده

۴. همان‌طور که قبلاً گزارش شده بود[1]، شورای حکام در قطعنامه نوامبر ۲۰۱۱ خود (GOV/2011/69) تأکید کرده برای ایران و آژانس ضروری است به منظور حل و فصل فوری همه مسائل محتوایی باقی‌مانده با هدف آشکارسازی درخصوص آنها شامل دسترسی به تمامی اطلاعات مربوطه، مستندات، سایت‌ها، مواد و اشخاص در ایران، به گفتگوهای خود شدت بخشند. شورا در قطعنامه ۱۳سپتامبر ۲۰۱۲ خود (GOV/2012/50) تصمیم گرفت که همکاری ایران با درخواست‌های آژانس با هدف حل و فصل همه مسائل باقی‌مانده اساسی به منظور اعاده اعتماد بین‌المللی نسبت به ماهیت منحصراً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران، ضرورت و فوریت دارد. بین ژانویه ۲۰۱۲ و مه ۲۰۱۳، آژانس و ایران ده دور مذاکرات در وین و تهران با هدف دستیابی به توافق در مورد سند رویکرد ساختاری به منظور حل و فصل موضوعات باقی مانده مربوط به برنامه هسته‌ای ایران برگزار نمودند. با این حال، هیچ نتیجه مشخصی حاصل نشد.

۵. در گفتگوهای ۲۸ و ۲۹ اکتبر ۲۰۱۳ در وین[2]، آژانس و ایران به این جمع بندی رسیدند که با توجه به اینکه مذاکرات در مورد سند رویکرد ساختاری به بن‌بست رسیده و هیچ چشم‌اندازی برای توافق روی این سند وجود ندارد رویکرد جدیدی به منظور اطمینان از ماهیت منحصراً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران، بایستی طراحی شود.

۶. در نشستی در تهران به تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۱۳ مدیر کل از سوی آژانس و جناب آقای علی‌اکبر صالحی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، از طرف ایران «بیانیه مشترکی در مورد چارچوبی برای همکاری» (چارچوب برای همکاری) را

---

1. GOV-2013/40, para.4.

۲. یک جلسه مقدماتی همچنین بین آژانس و ایران در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳ در وین برگزار گردید (GOV/2013/40,para.5).

امضا نمودند (GOV/INF/2013/14,November2013).

۷. در چارچوب برای همکاری، آژانس و ایران توافق نمودند در رابطه با فعالیت‌های راستی‌آزمایی که از سوی آژانس به منظور حل و فصل موضوعات جاری و گذشته انجام می‌شود همکاری بیشتری داشته باشند و چنین فعالیت‌هایی را گام به گام پیش ببرند. اقدامات عملی مقدماتی که از سوی ایران ظرف سه ماه انجام خواهند شد و در ضمیمه این چارچوب تعیین شده، به شرح ذیل هستند:

- فراهم نمودن اطلاعات مربوطه بر اساس توافق متقابل و دسترسی مدیریت شده به معدن گچین در بندر عباس
- فراهم نمودن اطلاعات مربوطه بر اساس توافق متقابل و دسترسی مدیریت شده به کارخانه تولید آب سنگین
- فراهم نمودن اطلاعات در مورد کلیه راکتورهای تحقیقاتی جدید
- فراهم نمودن اطلاعات در رابطه با شناسایی ۱۶ سایتی که برای ساخت نیروگاه تعیین شده‌اند.
- روشن‌سازی اعلام صورت گرفته از سوی ایران در خصوص تأسیسات بیشتر غنی‌سازی
- روشن‌سازی بیشتر در مورد اعلام صورت گرفته از سوی ایران در خصوص فناوری غنی‌سازی لیزری

آژانس همچنان نگرانی‌های امنیتی ایران از جمله از طریق استفاده از دسترسی مدیریت شده و حفاظت از اطلاعات محرمانه، را مورد توجه قرار خواهد داد. آژانس در مورد پیشرفت در خصوص اجرای این اقدامات عملی به شورای حکام گزارش خواهد داد.

۸. مدیرکل زمانی که در تهران بود همچنین ملاقاتی با جناب آقای محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران داشت که طی آن شماری از موضوعات مورد علاقه مشترک مورد گفتگو واقع شدند.

۹. در نشست فنی مورخ ۱۱ نوامبر ۲۰۱۳ در تهران، مقامات آژانس و ایران در مورد ترتیبات آغاز اجرای این شش گام عملی مقدماتی که در ضمیمه چارچوب برای همکاری فهرست شده‌اند، گفتگو کردند. گفتگوهای بیشتر در نشست فنی بعدی که برای ۱۱ دسامبر ۲۰۱۳ برنامه‌ریزی شده، انجام خواهد گرفت.

C ــ تأسیسات اعلام شده تحت موافقتنامه پادمان ایران

۱۰. ایران طبق موافقتنامه پادمان خود، وجود ۱۷ مورد تأسیسات هسته‌ای و ۹ مکان خارج از تأسیسات را که مواد هسته‌ای به طور معمول در آنجا استفاده می‌شود (LOFs) به آژانس اعلام نموده‌است.[۱] با وجود اینکه بعضی از فعالیت‌هایی که ازسوی ایران در برخی از تأسیسات انجام می‌شود، برخلاف قطعنامه‌های شورای حکام و شورای امنیت است همانطور که در ذیل نشان داده می‌شود مع‌ذلک آژانس به راستی‌آزمایی عدم انحراف مواد هسته‌ای اعلام شده در این تأسیسات و مکان‌های خارج از تأسیسات (LOFs) ادامه می‌دهد.

D ــ فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی

۱۱. ایران برخلاف قطعنامه‌های مربوطه شورای حکام و شورای امنیت فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی خود را در تأسیسات اعلام شده ذیل که تحت پادمان آژانس می‌باشد تعلیق نکرده است. همه این فعالیت‌ها تحت پادمان آژانس است و همه مواد هسته‌ای، آبشارهای نصب شده و ایستگاههای خوراک‌دهی و کنارگذاری در این تأسیسات تحت اقدامات مراقبتی و نظارتی آژانس قرار دارند.[۲]

۱۲. ایران اعلام کرده‌است که هدف غنی‌سازی UF6 تا ۵ درصد U-235، تولید سوخت برای تأسیسات هسته‌ای‌اش[۳] و هدف غنی‌سازی UF6 تا ۲۰ درصد U-235، تولید سوخت برای راکتورهای تحقیقاتی[۴] می‌باشد.

۱۳. از زمانی که ایران غنی‌سازی اورانیوم را در تأسیسات اعلام شده خود آغاز نموده‌است، در آن تأسیسات موارد ذیل را تولید کرده‌است:

- ۱۰۳۵۷ کیلوگرم (۶۵۳+ کیلوگرم از زمان گزارش قبلی مدیرکل)

---

۱. کلیه مکان‌های خارج از تأسیسات (LOFs) در بیمارستان‌ها واقع شده‌اند.

۲. در راستای رویه عادی پادمانی، مقادیر کمی از مواد هسته‌ای در تأسیسات (مانند مقداری پسماند و نمونه‌ها) تحت اقدامات مراقبتی و نظارتی نیستند.

۳. چنانکه ایران در پرسشنامه‌های اطلاعات طراحی برای کارخانه غنی‌سازی سوخت در نطنز اعلام کرد.

۴. GOV/2010/10,para8: همانطور که ایران در پرسشنامه اطلاعات طراحی کارخانه ساخت صفحات سوخت اعلام کرد. ایران اخیراً نیز به آژانس اطلاع داده است که مقادیر اندکی از اورانیوم غنی شده تا ۲۰ درصد U-235 به شکل صفحات سوخت U3O8-Al نیز برای تولید رادیوایزوتوپ‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت. (نگاه کنید به بند ۶۳)

UF6غنی شده تا ۵ درصد U-235که ۷۱۵۴/۳ کیلوگرم (۳۸۰/۳ + کیلوگرم از زمان گزارش قبلی مدیر کل) آن به شکل UF6غنی شده تا ۵ درصد U-235[۱] باقی مانده است و بقیه مشمول فرآوری بیشتری شده‌اند (همانطور که در پارگراف‌های ۲۲، ۲۸ و ۴۱ ذیل تشریح شده‌است)؛ و

● ۴۱۰/۴ کیلوگرم (۳۷/۹+ کیلوگرم از زمان گزارش قبلی مدیر کل) UF6غنی شده تا ۲۰ درصد U-235که ۱۹۶ کیلوگرم[۲] آن (۱۰+ کیلوگرم از زمان گزارش قبلی مدیر کل) به شکل UF6غنی شده تا ۲۰ درصد[۳] U-235و بقیه مشمول فرآوری بیشتری شده‌اند (همانطور که در پاراگراف ۵۰ ذیل تشریح شده است).

D.۱ ـ نطنز

۱۴. کارخانه غنی‌سازی سوخت: کارخانه غنی‌سازی سوخت (FEP) یک کارخانه غنی‌سازی با استفاده از سانتیریفیوژ برای تولید اورانیوم با غنای پایین (LEU) غنی شده تا ۵ درصد U-23 می‌باشد که اولین بار در سال ۲۰۰۷ عملیات آن شروع شد. این کارخانه به سالن تولید A و سالن تولید B تقسیم شده‌است. مطابق با اطلاعات طراحی ارائه شده توسط ایران، ۸ واحد برای سالن تولید A برنامه‌ریزی شده‌است که هر واحد شامل ۱۸ آبشار است و مجموعاً حدود ۲۵ هزار سانتریفیوژ در ۱۴۴ آبشار می‌باشد. در حال حاضر یک واحد آن دارای سانتریفیوژهای IR2m، پنج واحد آن دارای سانتریفیوژهای IR1 می‌باشد و دو واحد دیگر سانتریفیوژ ندارد. ایـران هنـوز باید اطلاعات طـراحی مشابـه را بـرای سالن تـولید B ارائـه نماید.

۱۵. ایران تا تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۳ در سالن تولید A ۹۰ آبشار IR1 را به طور کامل نصب نموده و کار نصب اولیه سایر ۳۶ آبشار IR1 را تکمیل کرده بود.[۴] در همان تاریخ

---

۱. این شامل مواد هسته‌ای موجود در انبار می‌شود و نیز مواد هسته‌ای در تله‌های سرد و داخل سیلندرها را که به فرایند غنی‌سازی متصل است را دربر می گیرد.

۲. این رقم با توجه به دوره زمانی بین تاریخ‌های رقم‌های اخیر برای تولید و تاریخ رقم اخیر برای تبدیل تقریبی می‌باشد.

۳. این شامل مواد هسته‌ای موجود در انبار می‌شود و نیز مواد هسته‌ای در تله‌های سرد و داخل سیلندرها را که به فرایند غنی‌سازی متصل است و مواد هسته‌ای داخل سیلندرها را که متصل به فرآیند تبدیل است دربر می گیرد.

۴. تا تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۳، تعداد ۱۵۴۲۰ سانتریفیوژ IR-1(+ ۴ از گزارش قبلی مدیر کل) در کارخانه غنی‌سازی سوخت نصب شده است.

ایران اعلام کرد که ۵۲ آبشار کاملاً نصب شده با UF6 طبیعی را خوراک‌دهی کرده است.

۱۶. تا ۹ نوامبر ۲۰۱۳ در یکی از واحدهای سالن تولید A شش آبشار با سانتریفیوژهای IR2m نصب شده بودند که در شرایط خلأ قرار داشتند و کارهای مقدماتی نصب سایر ۱۲ آبشار IR2m را در آن واحد نیز تکمیل شده بودند.[۱] تا همان زمان، هیچ‌یک از سانتریفیوژهای IR2m در کارخانه غنی‌سازی سوخت با UF6طبیعی خوراک‌دهی نشده بودند. همانگونه که در گزارش قبلی آمده ایران خاطر نشان کرده است که عملکرد آبشارهای IR2m با استفاده از شش آبشاری که به طور کامل نصب شده‌اند مورد آزمایش قرار خواهد گرفت [۲]و ایران قصد دارد به طور موقت محصول و دورریزهای این آبشارها را از آبشارهایی که دارای سانتریفیوژهای IR1 هستند جدا کند.

۱۷. آژانس بین تاریخ‌های ۱۹ اکتبر ۲۰۱۳ و ۱۱ نوامبر ۲۰۱۳ به منظور راستی‌آزمایی موجود اعلام شده ایران در تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۱۳ یک راستی‌آزمایی موجودی فیزیکی (PIV) را در کارخانه غنی‌سازی سوخت اجرا نموده است. ایران تا ۵ نوامبر ۲۰۱۳ از زمان آغاز تولید در فوریه ۲۰۰۷ مقدار ۱۱۸۴۷۰ کیلوگرم UF6 طبیعی در کارخانه غنی‌سازی سوخت به آبشارها خوراک‌دهی کرده و مقدار کل تقریباً ۱۰۳۵۷ کیلوگرم UF6 غنی‌سازی شده تا ۵ درصد U-235را تولید نموده‌است.[۳]

۱۸. بر اساس نتایج تحلیل نمونه‌های محیط زیستی که در کارخانه غنی‌سازی سوخت برداشته شده‌است[۴] و سایر اقدامات راستی‌آزمایی، آژانس به این نتیجه رسیده است که این تأسیسات همان‌گونه که ایران در پرسشنامه اطلاعات طراحی (DIQ) مربوطه اعلام کرده، عمل نموده است.

---

۱. تا تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۳ تعداد ۱۰۰۸ سانتریفیوژ IR-2m (از گزارش قبلی مدیر کل تغییری نکرده است) در کارخانه غنی‌سازی سوخت نصب شده است.

2. GOV/2013/40,para. 15.

۳. بر اساس مقدار UF۶ غنی شده تا ۵ درصد U-235 که آژانس (تا ۲۰اکتبر ۲۰۱۳) آن را راستی‌آزمایی کرده است و مقدار UF۶ غنی شده تا ۵ درصد U-235 که ایران ارزیابی کرده است (برای دوره میان ۲۱ اکتبر ۲۰۱۳ تا ۵ نوامبر ۲۰۱۳).

۴. نتایج نمونه‌هایی که تا تاریخ ۵ ژوئن۲۰۱۳ گرفته شده‌اند در دسترس آژانس می‌باشد.

۱۹. کارخانه نیمه‌صنعتی غنی‌سازی سوخت (PFEP): کارخانه نیمه‌صنعتی غنی‌سازی سوخت جزو تأسیسات تولید اورانیوم با غنای پایین و جزو تأسیسات تحقیقات و توسعه است که نخستین بار در اکتبر ۲۰۰۳ راه‌اندازی شده است. این تأسیسات می‌تواند شش آبشار را در خود جای دهد و به دو محوطه تقسیم می‌شود که یکی برای تولید UF6 غنی‌سازی شده تا ۲۰ درصد اورانیوم ۲۳۵ (آبشارهای ۱ و ۶) تعیین شده و محوطه دیگر برای تحقیق و توسعه (آبشارهای ۲، ۳، ۴ و ۵) تعیین شده است.

۲۰. آژانس بین تاریخ‌های ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳ و اول اکتبر ۲۰۱۳ به منظور راستی‌آزمایی موجودی اعلام شده از سوی ایران در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۳ یک راستی‌آزمایی موجودی فیزیکی را در کارخانه نیمه‌صنعتی غنی‌سازی سوخت اجرا نموده است. آژانس اکنون در حال ارزیابی نتایج این راستی‌آزمایی موجودی فیزیکی می‌باشد.

۲۱. محوطه تولید: تا تاریخ ۲۸ اکتبر ۲۰۱۳ ایران UF6 با غنای پایین را به دو آبشار متصل به هم (آبشارهای ۱ و ۶) شامل کلاً ۳۲۸ سانتریفیوژ IR1 خوراک‌دهی می‌کرد.

۲۲. ایران تا تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۳ مقدار ۱۵۴۰/۸ کیلوگرم UF6 با غنای ۵ درصد U-235 به آبشارهای محوطه تولید از زمان آغاز تولید آن در فوریه ۲۰۱۰ خوراک‌دهی کرده و تقریباً ۱۸۹ کیلوگرم UF6 با غنای ۲۰ درصد U-235 را تولید کرده است[۱] که ۱۸۲/۸ کیلوگرم آن از فرآوری کنار گذاشته شده و آژانس آن را راستی‌آزمایی نموده‌است.

۲۳. محوطه تحقیق و توسعه: از زمان گزارش قبلی مدیرکل، ایران به طور متناوب UF6 طبیعی را به سانتریفیوژهای IR-6s به عنوان ماشین‌های مجزا و به سانتریفیوژهای IR1، IR2m، IR4 و IR6، بعضی اوقات به ماشین‌های مجزا و گاهی به آبشارهایی با اندازه‌های گوناگون خوراک‌دهی کرده است.[۲] تک سانتریفیوژ نصب شده IR5 هنوز

---

۱. براساس مقدار UF۶ غنی شده تا ۲۰ درصد U-235 که آژانس (تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۳) آن را راستی‌آزمایی کرده است و مقدار UF۶ غنی شده تا ۲۰ درصد U-235 که ایران ارزیابی کرده است (برای دوره میان ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۳ تا ۲۵اکتبر ۲۰۱۳).

۲. در ۳ نوامبر ۲۰۱۳ تعداد ۱۴ سانتریفیوژ IR-4، ۱۳سانتریفیوژ IR-6، یک سانتریفیوژ IR-6s و ۱ سانتریفیوژ IR-5در آبشار۲، ۱۴ سانتریفیوژ IR-1 و ۲ سانتریفیوژ IR-2m در آبشار ۳، ۱۶۴ سانتریفیوژ IR-4 در آبشار ۴ و ۱۶۲ سانتریفیوژ IR-2m در آبشار ۵ نصب گردیده بود.

با UF6 طبیعی تغذیه نشده است.

۲۴. بین ۱۷ اوت ۲۰۱۳ و ۲۵ اکتبر ۲۰۱۳، تقریباً در مجموع ۲۴۵/۳ کیلوگرم UF6 طبیعی به سانتریفیوژهای محوطه تحقیق و توسعه خوراک‌دهی شده است ، اما هیچ اورانیوم با غنای پایین به دلیل اینکه محصول و دورریز آن دوباره ترکیب شده‌اند کنار گذاشته نشده است.

۲۵. براساس نتایج تحلیل نمونه‌های زیست‌محیطی در کارخانه نیمه‌صنعتی غنی‌سازی سوخت[۱] و سایر اقدامات راستی‌آزمایی، آژانس نتیجه گرفته است که تأسیسات، همانطور که ایران در پرسشنامه اطلاعات طراحی(DIQ) مربوطه اعلام نموده، فعالیت کرده است.

D.۲ ـ فردو

۲۶. کارخانه غنی‌سازی سوخت فردو: فردو بر اساس پرسشنامه اطلاعات طراحی مورخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۲، یک کارخانه غنی‌سازی با استفاده از سانتریفیوژ برای تولید UF6 غنی شده تا ۲۰ درصد U-235و تولید UF6 غنی شده تا ۵ درصد U-235 می‌باشد.[۲] این تأسیسات که برای اولین بار در سال ۲۰۱۱ راه‌اندازی شد به نحوی طراحی شده است که ۲۹۷۶ سانتریفیوژ را در ۱۶ آبشار دربر می‌گیرد و بین واحد یک و واحد دو تقسیم شده‌اند. تا امروز تمامی سانتریفیوژهایی که نصب شده‌اند از نوع ماشین‌های IR-1 هستند.[۳] ایران هنوز باید آژانس را از این امر مطلع نماید که کدام آبشارها را برای غنی‌سازی تا ۵ درصد U-235 و یا برای غنی‌سازی تا ۲۰ درصد U-235به کار می‌گیرد.[۴]

---

۱. نتایج برای نمونه‌های گرفته شده تا ۱۹ مه ۲۰۱۳ در دسترس آژانس می‌باشد.

۲. GOV/2009/74, para.7 and 14 و GOV/2012/9, para. 24: ایران تاکنون پرسشنامه اطلاعات طراحی اولیه و سه پرسشنامه اطلاعات طراحی اصلاح شده را به آژانس تحویل داده است. هر یک از این پرسشنامه‌های اطلاعات طراحی شده، هدف متفاوتی را برای تأسیسات فردو اعلام داشته‌اند. با توجه به تفاوت میان هدف این تأسیسات که در آغاز گفته شده است و هدفی که اکنون به‌واسطه آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد هنوز اطلاعات اضافی از طرف ایران مورد نیاز است.

۳. تا ۲ نوامبر ۲۰۱۳ تعداد ۲۷۱۰ سانتریفیوژ (بدون تغییر نسبت به گزارش قبلی مدیرکل) در تأسیسات FFEP نصب گردیده است.

۴. ایران در نامه‌ای به آژانس در تاریخ ۲۳ مه ۲۰۱۲ بیان داشته است که آژانس را از سطح غنی‌سازی آبشارها قبل از شروع کار آنها مطلع خواهد نمود. (GOV/2012/23,para.25)

۲۷. تا تاریخ۲ نوامبر ۲۰۱۳ ایران به خوراک‌دهی چهار آبشار (که به شکل دو آبشار متصل به هم طراحی شده‌اند) در واحد دو با UF6 غنی شده تا ۵ درصد U-235 ادامه داده است. هیچ‌یک از ۱۲ آبشار دیگر در فردو با UF6خوراک‌دهی نشده بودند.

۲۸. تا تاریخ ۱ نوامبر ۲۰۱۳ ایران ۱۶۰۹/۳ کیلوگرم UF6 غنی شده تا ۵ درصد U-235را از زمان آغاز تولید آن در دسامبر ۲۰۱۱ به آبشارهای کارخانه غنی‌سازی سوخت فردو خوراک‌دهی کرده و در مجموع تقریباً ۲۲۱/۴ کیلوگرم UF6 غنی شده تا ۲۰ درصد U-235 را تولید کرده بود[1] که ۱۹۵/۴ کیلوگرم آن از فرآوری کنار گذاشته شد و از سوی آژانس مورد راستی‌آزمایی قرار گرفته است.

۲۹. بر اساس نتایج تحلیل نمونه‌های زیست محیطی در تأسیسات فردو [2]و سایر اقدامات راستی‌آزمایی، آژانس به این نتیجه رسیده است که این تأسیسات همان‌گونه که ایران در آخرین پرسشنامه اطلاعات طراحی برای تأسیسات فردو اعلام داشته فعالیت نموده‌است.

E ـ فعالیت‌های بازفرآوری

۳۰. متعاقب قطعنامه‌های مربوطه شورای حکام و شورای امنیت، ایران موظف است تا فعالیت‌های بازفرآوری خود از جمله تحقیق و توسعه را به حال تعلیق درآورد.[3] ایران بیان داشته‌است که «فعالیت‌های بازفرآوری ندارد».[4]

۳۱. آژانس نظارت خود را بر کاربرد سلولهای داغ در راکتور تحقیقاتی تهران TRR[5]

---

۱. بر اساس مقدار UF6 غنی شده تا ۲۰ درصد U-235 که آژانس (تا ۱۷ نوامبر ۲۰۱۲) آن را راستی‌آزمایی کرده است و مقدار UF6 غنی شده تا ۲۰ درصد U-235 که ایران ارزیابی کرده است (برای دوره میان ۱۸ نوامبر ۲۰۱۲ تا اول نوامبر ۲۰۱۳).

۲. نتایج مربوط به نمونه‌های گرفته شده تا تاریخ ۲۰مه ۲۰۱۳ در اختیار آژانس می‌باشد.

3. S/RES/1969 (2006), para.2: S/RES/1737 (2006), para.2: S/RES/1747 (2007) para.1: S/RES/1803 (2008), para.1: S/RES/1835 (2008), para.4: S/RES/1929 (2010), para.2.

۴. نامه به آژانس در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۰۸.

۵. رآکتور تحقیقاتی تهران راکتوری ۵ مگاواتی است که با سوخت غنی شده ۲۰ درصد U-235 کار می‌کند و برای تابش انواع مختلف هدف‌ها و همچنین تحقیقات و مقاصد آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

و تأسیسات تولید رادیوایزوتوپ مولیبدن، ید و زینون (MIX) را ادامه داده است.[۱] آژانس در تاریخ ۲۷اکتبر ۲۰۱۳ یک بازرسی و راستی‌آزمایی اطلاعات طراحی (DIV) را در رآکتور تحقیقاتی تهران و در تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۱۳ یک راستی‌آزمایی اطلاعات طراحی را در تأسیسات MIX انجام داده است. آژانس تنها در ارتباط با رآکتور تحقیقاتی تهران، تأسیسات MIX و دیگر تأسیساتی که آژانس به آنها دسترسی دارد، می‌تواند تأیید نهایی کند که هیچ‌گونه فعالیت مرتبط با بازفرآوری در ایران وجود ندارد.

F ـ پروژه‌های مرتبط با آب سنگین

۳۲. برخلاف قطعنامه‌های مربوطه شورای حکام و شورای امنیت، ایران کار بر روی تمامی پروژه‌های مرتبط با آب سنگین از جمله در اراک و رآکتور تحقیقات هسته‌ای ایران (راکتور IR-40) که در حال ساخت است و تحت پادمان آژانس قرار دارد و تولید آب سنگین در کارخانه تولید آب سنگین (HWPP) را که تحت پادمان آژانس قرار ندارد به حال تعلیق در نیاورده است.[۲]

۳۳. رآکتور IR-40: رآکتور IR-40 یک رآکتور تحقیقاتی متوسط آب سنگین ۴۰ مگاواتی است و به نحوی طراحی شده است که حاوی ۱۵۰ مجموعه سوخت اورانیوم طبیعی به شکل UO2 می‌باشد.

۳۴. در ۲۶ اکتبر۲۰۱۳، آژانس یک راستی‌آزمایی اطلاعات طراحی در راکتور IR-40 انجام داد و مشاهده نمود که از زمان گزارش قبلی مدیرکل[۳]، با اینکه محفظه‌های رآکتور به لوله‌کشی کُندکننده‌ها و سیستم خنک‌کننده متصل شده‌اند اما هیچ‌یک از اجزای اصلی از جمله تجهیزات اتاق کنترل، ماشین تجدید سوخت و پمپ‌های سردکننده رآکتور هنوز نصب نشده‌اند. همانطور که قبلاً گزارش شد،

---

۱. تأسیسات MIX یک مجموعه سلول داغ برای جداسازی ایزوتوپ‌های رادیوداروپی از هدف‌ها شامل اورانیوم پرتو داده شده در رآکتور تحقیقاتی تهران می‌باشد. تـأسیسات MIX در حال حاضر هیچ هـدف اورانیـومی را فـرآوری نمی‌کند.

2. S/RES/1737 (2006), para. 2; S/RES/1747 (2007), para. 1; S/RES/1803 (2008), para. 1; S/RES/1835 (2008), para. 4; S/RES/1929 (2010), para. 2;

3. GOV/2013/40, para.33

ایران به اطلاع آژانس رسانده که آب سنگین کافی برای راه‌اندازی رآکتور IR-40 تولید نموده است.[1]

۳۵. از زمان گزارش قبلی مدیرکل، ایران به تولید مجموعه‌های سوخت حاوی مواد هسته‌ای برای راکتور IR-40 ادامه داده است (نگاه کنید به بند۴۷ در زیر).

۳۶. همانطور که قبلاً گزارش گردید[2]، ایران به آژانس اطلاع داده است که تاریخ آغاز[3] فعالیت رآکتور IR-40 در سه ماهه اول سال ۲۰۱۴ امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۳۷. ایران باید پرسشنامه به روز شده اطلاعات طراحی را برای رآکتور IR-40 (نگاه کنید به بخش I در زیر) به آژانس ارائه کند اما از سال ۲۰۰۶ تاکنون این کار را نکرده است. [4]در آن زمان راکتور IR-40 در ابتدای مراحل ساخت بود. آژانس به منظور کسب اطمینان از شناسایی تمام راههای احتمالی انحراف و اتخاذ تدابیر پادمانی متناسب، و اینکه تجهیزات معین پادمانی در محل خود نصب شده باشند، هرچه سریع‌تر به این اطلاعات نیاز دارد.

۳۸. کارخانه تولید آب سنگین: کارخانه تولید آب سنگین تأسیساتی برای تولید آب سنگین با ظرفیت طراحی سالانه تولید ۱۶ تن آب سنگین در درجه هسته‌ای است.

۳۹. از زمان بازدید آژانس از کارخانه تولید آب سنگین در تاریخ ۱۷ اوت ۲۰۱۱، آژانس چندین بار درخواست دسترسی به آن را ارائه نموده است. ایران در چارچوب موافقتنامه همکاری پذیرفته است که ظرف سه ماه دسترسی هدایت شده به اطلاعات ذی‌ربط مورد قبول طرفین در خصوص کارخانه تولید آب سنگین را فراهم نماید.

---

1. GOV/2013/40, para.33

2. GOV/2013/40, para.35

۳. ایران متعاقباً به آژانس اعلام نمود که منظور از «آغاز»، راه‌اندازی تأسیسات با استفاده از مواد هسته‌ای است.

۴. آخرین پرسشنامه اطلاعات طراحی که ایران در خصوص این راکتور به آژانس ارائه کرده مربوط به ۲۴ مه ۲۰۰۶ است. در اکتبر ۲۰۰۶ و ژانویه ۲۰۰۷، ایران در پاسخ به درخواست‌های آژانس، برخی اطلاعات اضافی در مورد پرسشنامه را مطرح کرد. در مه ۲۰۱۳ ایران برخی اطلاعات روزآمد شده در مورد محفظه راکتور را که در سایت راکتور اراک دریافت شده بود، ارائه کرد. با این حال ویژگی‌های کلیدی طراحی تأسیسات هنوز داده نشده است. ایران در نامه مورخ ۲۵ اوت ۲۰۱۳ توجه نمود که یک پرسشنامه اصلاح شده را «حداقل شش ماه قبل از اولین تزریق مواد هسته‌ای در این تأسیسات» به آژانس ارسال خواهد کرد.

در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۳ طی نشست فنی فوق‌الاشاره (نگاه کنید به پاراگراف ۹)، توافق شد که ایران در آینده نزدیک دسترسی به کارخانه تولید آب سنگین را فراهم سازد. ایران طی نامه مورخ ۱۲ نوامبر ۲۰۱۳ پذیرفت که دسترسی به آب سنگین ذخیره شده در تأسیسات تبدیل اورانیوم (UCF) را فراهم ساخته و به آژانس اجازه دهد اندازه‌گیری‌های غیر مخرب را انجام دهد.[1] ایران همچنین اظهار داشته که به دلیل «مشکلات فنی» نمونه‌برداری برای آنالیز مخرب آب سنگین صرفاً در «آینده نزدیک» میسر می‌باشد. آژانس اندازه‌گیری‌های غیرمخرب را در مورخ ۱۲ نوامبر ۲۰۱۳ به انجام رساند.[2]

G_ تبدیل اورانیوم و تولید سوخت

۴۰. اگرچه ایران موظف است همه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و پروژه‌های مرتبط با آب سنگین را تعلیق نماید ، اما شماری از فعالیت‌ها را در تأسیسات تبدیل اورانیوم (UCF)، کارخانه پودر دی‌اکسید اورانیوم غنی شده (EUPP)،کارخانه تولید سوخت (FMP) و کارخانه تولید صفحه سوخت FPFP در اصفهان به شرح ذیل انجام می‌دهد که ناقض آن تکالیف می‌باشد، با وجود این که آن تأسیسات تحت پادمان آژانس قرار دارند.

۴۱. ایران از زمانی که تبدیل و تولید سوخت را در تأسیسات اعلام شده خود آغاز نموده از جمله به موارد زیر اقدام نموده‌است:

۵۵۰ تن UF6 طبیعی در تأسیسات تبدیل اورانیوم تولید نموده که ۱۲۹تن آن به کارخانه غنی‌سازی سوخت FEP انتقال یافته‌است؛

۵۳ کیلوگرم از UF6غنی شده تا غنای ۳/۳۴ درصد اورانیوم ۲۳۵ را به فرایند تبدیل تحقیق و توسعه تزریق کرده است و ۲۴ کیلوگرم اورانیوم را به شکل UO2 تولید نموده‌است؛[3]

۲۱۳/۵ کیلوگرم از UF6غنی شده تا غنای ۲۰ درصد اورانیوم ۲۳۵ (۲۸/۴ کیلوگرم

1. GOV/2010/10,paras. 20 and 21.

۲. این اندازه‌گیری‌ها برای این انجام گردید تا فقدان مواد هسته‌ای را در محل تأیید نماید.

3. GOV/2012/55, para 35.

بیشتر از زمان گزارش پیشین مدیرکل) به فرایند تبدیل در کارخانه تولید صفحه سوخت تزریق کرده و ۸۸/۴کیلوگرم اورانیوم به شکل U3O8 تولید کرده‌است؛ و ۲۰ مجموعه سوخت حاوی اورانیوم غنی شده تا غنای ۲۰ درصد اورانیوم U-235 و دو مجموعه سوخت حاوی اورانیوم غنی شده تا غنای ۳/۳۴ درصد اورانیوم U-235 را به راآکتور تحقیقاتی تهران منتقل نموده است.

۴۲. تأسیسات تبدیل اورانیوم: تأسیسات تبدیل اورانیوم تأسیساتی برای تولید UF6 و UO2 طبیعی است که هر دو از کنسانتره سنگ اورانیوم گرفته شده است. همچنین طبق برنامه‌ریزی انجام شده، تأسیسات تبدیل اورانیوم قالب‌های فلزی اورانیوم از UF4 طبیعی و ضعیف شده، و UF4 را از UF6 ضعیف شده تولید خواهد کرد.

۴۳.در نتیجه راستی‌آزمایی موجودی فیزیکی (PIV) در تأسیسات تبدیل اورانیوم از سوی آژانس در آوریل ۲۰۱۳، به‌رغم تردیدهایی که معمولاً با اندازه‌گیری در چنین تأسیساتی همراه است، آژانس فهرست موجودی اعلام شده از سوی ایران در تاریخ ۲۰ آوریل ۲۰۱۳ را راستی‌آزمایی کرده‌است.

۴۴. ایران از زمان گزارش قبلی به فعالیت‌های تحقیق و توسعه با استفاده از ترکیبات اورانیوم غنی شده با درجه پایین برای تولید UO2ادامه داده است.[۱] ایران اظهار کرده‌است که تا مورخ ۲۶ اکتبر ۲۰۱۳ به میزان ۱۱/۵ تن اورانیوم طبیعی به شکل UO2 از طریق تبدیل کنسانتره سنگ اورانیوم (UOC) تولید نموده است.[۲] آژانس راستی‌آزمایی نموده که تا همان تاریخ، ایران تمام این ماده را به کارخانه تولید سوخت انتقال داده است.

۴۵. کارخانه پودر دی‌اکسید اورانیوم غنی شده (EUPP): این تأسیسات، کارخانه‌ای برای تبدیل UF6 غنی شده تا غنای ۵ درصد اورانیوم U-235 برای تولید پودر UO2 می‌باشد.[۳] آژانس طی تکمیل پرسشنامه اطلاعات طراحی اولیه مربوط به این تأسیسات در ۳۰اکتبر ۲۰۱۳، تأیید کرد که تأسیسات مذکور هنوز راه‌اندازی نشده است. ایران در

---

۱. GOV-2013/6,para.38: ایران قبلاً فعالیت‌های مشابه را در زمینه تبدیل تحقیق و توسعه با استفاده از UF6 غنی شده با غنای ۳/۳۴ درصد اورانیوم U-235 انجام داده بود. (GOV/2012/55,para.35)

۲. این میزان فقط به مواد مناسب برای تولید سوخت مربوط می‌شود.

3. GOV/2013/40 , para.45.

۴ نوامبر ۲۰۱۳ طرح عملیاتی مربوط به کارخانه پودر دی‌اکسید اورانیوم غنی شده را به اطلاع آژانس رساند که حاکی از این است که تست‌های داغ در ۷ دسامبر ۲۰۱۳ آغاز شده و بلافاصله پس از آن فعالیت‌های عملیاتی در این تأسیسات شروع خواهد گردید.

۴۶. کارخانه تولید سوخت (FMP): کارخانه تولید سوخت، تأسیساتی است که برای نیروگاه‌ها و رآکتورهای تحقیقاتی مجموعه‌های سوخت هسته‌ای تولید می‌کند.

۴۷. آژانس طی روزهای اول تا سوم سپتامبر ۲۰۱۳ یک بازرسی و راستی‌آزمایی اطلاعات طراحی در کارخانه تولید سوخت اجرا نمود که نتایج آن اکنون در حال ارزیابی می‌باشد. در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۳ آژانس راستی‌آزمایی کرد که ایران، افزون بر ده مجموعه‌ای که آژانس قبلاً راستی‌آزمایی کرده، هیچ مجموعه سوخت حاوی مواد هسته‌ای دیگری را با استفاده از UO2 طبیعی برای رآکتور IR-40 تولید ننموده است،[1] هرچند آژانس مشاهده کرد که ایران در فرایند تولید یک مجموعه دیگر بود.[2] تمام مجموعه‌های سوخت در کارخانه تولید سوخت باقی مانده است. ایران طی نامه ۴ نوامبر ۲۰۱۳ برنامه عملیاتی روزآمد شده کارخانه تولید سوخت را به آژانس ارائه کرد که نشانگر آن است که ایران در نظر دارد تا ۸ اوت ۲۰۱۴ تعداد ۱۴۰ مجموعه سوخت هسته‌ای دیگر را برای راکتور IR-40 تولید نماید (نگاه کنید به پاراگراف ۳۳ در بالا).

۴۸. کارخانه ساخت صفحه سوخت (FPFP): کارخانه ساخت صفحه سوخت، تأسیساتی است که UF6 غنی شده تا غنای ۲۰ درصد اورانیوم U-235 را به U3O8 تبدیل می‌کند و مجموعه‌های سوخت ساخته شده از صفحات سوخت حاوی U3O8 را تولید می‌نماید.

۴۹. در ۲۰ اوت ۲۰۱۳ ایران با توجه به راستی‌آزمایی موجودی فیزیکی (PIV) در آینده نزدیک و به منظور انجام عملیات تعمیر و نگهداری، موقتاً فرایند تبدیل UF6 غنی شده تا غنای ۲۰ درصد اورانیوم U-235 به اورانیوم به شکل U3O8 را در کارخانه ساخت صفحه سوخت متوقف کرد. در روزهای ۹ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۳، آژانس یک PIV و یک DIQ در کارخانه ساخت صفحه سوخت انجام داد که نتایج آن توسط آژانس در حال ارزیابی می‌باشد. ایران آژانس را مطلع نمود که فرایند تبدیل از ۵ نوامبر ۲۰۱۳

---

1. GOV/2013/40 , para.47.

2. GOV/2013/27,para.33.

از سر گرفته شد.

۵۰. آژانس راستی‌آزمایی نمود که ایران از ۶ نوامبر ۲۰۱۳ میزان ۲۱۳/۵ کیلوگرم از UF6 غنی شده تا غنای ۲۰ درصد اورانیوم U-235 (۱۴۴/۲ کیلوگرم اورانیوم) را به فرایند تبدیل کارخانه ساخت صفحه سوخت خوراک‌دهی نموده و به میزان ۸۸/۴ کیلوگرم از اورانیوم به شکل U3O8 تولید نموده است. آژانس در همان تاریخ راستی‌آزمایی کرد که ۲۸/۷ کیلوگرم از اورانیوم در پسماند جامد و مایع قرار دارد. باقی‌مانده اورانیوم نیز که به فرایند تزریق شده بود، همچنان در فرآیند و در پسماند باقی مانده است.

۵۱. آژانس راستی‌آزمایی نموده است که در تاریخ ۶ نوامبر ۲۰۱۳ ایران یک مجموعه سوخت آزمایشگاهی و ۲۲ مجموعه سوخت از نوع رآکتور تحقیقاتی تهران را در کارخانه تولید صفحه سوخت تولید کرده‌است که ۲۰ مجموعه آن شامل مجموعه آزمایشگاهی به رآکتور تحقیقاتی تهران انتقال یافته‌است.

H ـ ابعاد نظامی احتمالی

۵۲. گزارشهای قبلی مدیر کل مسائل باقی‌مانده مربوط به ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران و اقداماتی را که لازم است ایران برای حل این مسائل انجام دهد مشخص نموده‌اند.[1] آژانس از سال ۲۰۰۲ به نحو فزاینده‌ای نسبت به وجود احتمالی فعالیت‌های آشکار نشده مرتبط با امور هسته‌ای که سازمان‌های نظامی مربوطه در آن دخیل بوده‌اند از جمله فعالیت‌های مرتبط با توسعه یک کلاهک هسته‌ای برای موشک نگرانی داشته است. ایران ملزم شده است تا به طور کامل با آژانس در زمینه همه موضوعات باقی‌مانده به‌ویژه آنها که نگرانی در مورد ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران را بالا می‌برد، همکاری نماید که این امر شامل اجازه دسترسی بدون تأخیر به همه سایت‌ها، تجهیزات، اشخاص و اسناد مورد درخواست آژانس می‌باشد.[2]

---

1. See, for example: GOV/2011/65, paras 38-45 and Annex; GOV/2011/29, para. 35; GOV/2011/7, Attachment
GOV/2010/10, paras 40–45; GOV/2009/55, paras 18–25; GOV/2008/38, paras 14–21; GOV/2008/15, paras 14–25 and Annex; GOV/2008/4, paras 35–42.

2. S/RES/1929, paras 2 and 3.

۵۳. ضمیمه گزارش نوامبر ۲۰۱۱ مدیرکل (GOV/2011/65) تحلیل مفصلی از اطلاعات در دسترس آژانس را ارائه نمود که نشان می‌داد ایران فعالیت‌هایی را اجرا کرده است که با توسعه یک وسیله انفجاری هسته‌ای مرتبط است. بنا به ارزیابی آژانس این اطلاعات روی‌هم‌رفته معتبر هستند.[1] ایران نگرانی‌های آژانس را عمدتاً به دلیل آنکه بر پایه ادعاهای بی‌اساس می‌باشد، رد کرده است.[2] آژانس از نوامبر ۲۰۱۱ اطلاعات بیشتری به دست آورده است که تحلیل مندرج در ضمیمه مذکور را بیشتر مورد تأیید قرار می‌دهد.

۵۴. موضوعات باقیمانده‌ای که در اقدامات عملی فهرست شده در ضمیمه چارچوب همکاری مورد توجه قرار نگرفته‌اند، از جمله موضوعاتی که در گزارش‌های قبلی مدیرکل به شورای حکام مشخص گردیدند، در گام‌های بعدی مورد توجه واقع خواهند شد. در این ارتباط آژانس پیگیر دریافت پاسخ ایران به سؤالات دقیق ارائه شده در مورد پارچین[3] و کارشناس خارجی[4] بوده و همچنین درخواست دسترسی به یک محل در سایت پارچین را خواهد نمود که بر اساس اطلاعاتی که آژانس از کشورهای عضو دریافت کرده، ایران در آنجا یک محفظه انفجاری بزرگ ساخته بود تا در آن آزمایشات هیدرودینامیکی انجام دهد.[5] از زمان اولین درخواست آژانس برای دسترسی، فعالیت‌های گسترده‌ای در این مکان انجام شده است که توانایی آژانس را برای راستی‌آزمایی مؤثر به طور جدی تضعیف کرده است.[6]

I ـ اطلاعات طراحی

۵۵. بر اساس مفاد موافقتنامه پادمان و قطعنامه‌های شورای حکام و شورای امنیت، ایران ملزم شده است تا مفاد کد اصلاحی ۳/۱ بخش عمومی ترتیبات فرعی موافقتنامه پادمان

---

1. GOV/2011/65, Annex,Section B.
2. GOV/2012?9, para8.
3. GOV/2012/23, para. 5.
4. GOV/2011/65, Annex, para. 44.
5. چنین آزمایشاتی نشانه‌هایی قوی از توسعه احتمالی سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد.
6. GOV/2011/65, Annex, paras 49-51

را در مورد ارائهٔ زودهنگام اطلاعات طراحی اجرا نماید.[1] ارائهٔ زودهنگام چنین اطلاعاتی، علاوه بر افزایش اعتماد در خصوص فقدان تأسیسات هسته‌ای اعلام نشده، آژانس را قادر می‌سازد تا طراحی تأسیسات اعلام شده را راستی‌آزمایی نموده و پادمان مؤثر را برای چنین تأسیساتی اجرا کند. این موضوع به‌ویژه با تأسیسات زیر ارتباط پیدا می‌کند.

۵۶. راکتورهای تحقیقاتی: همانطور که در بالا ذکر شد (پاراگراف ۳۷)، اطلاعات طراحی به روز شده برای راکتور IR-40 مورد نیاز فوری می‌باشد و از ایران خواسته شده است.

۵۷. چنانکه قبلاً گزارش شده است[2] ایران به آژانس اطلاع داده است که چهار راکتور تحقیقاتی جدید در «مرحله اولیه گزینش سایت» قرار دارند و برخی محل‌های احتمالی «تحت ارزیابی» هستند. در چارچوب موافقتنامه همکاری، ایران پذیرفته است که ظرف سه ماه اطلاعات مربوط به تمام راکتورهای تحقیقاتی جدید را در اختیار آژانس قرار دهد.

۵۸. تأسیسات غنی‌سازی: در فوریه سال ۲۰۱۰ ایران اعلام نمود که تکنولوژی غنی‌سازی لیزری را در اختیار دارد،[3] و در اوت ۲۰۱۰ اعلام نمود که ساخت ده تأسیسات جدید غنی‌سازی را در دست بررسی دارد که برای سایت پنج عدد از آنها تصمیم‌گیری شده است.[4] در چارچوب موافقتنامه همکاری ایران قبول کرده است که ظرف سه ماه در مورد هر دو این موضوعات برای آژانس شفاف‌سازی کند.

۵۹. نیروگاه‌های هسته‌ای: ایران در چارچوب موافقتنامه همکاری پذیرفته است که ظرف سه ماه اطلاعات مربوط به شناسایی ۱۶ سایت مشخص شده برای ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای را به آژانس ارائه کند.[5]

---

۱. بر اساس ماده ۳۹ موافقتنامه پادمان ایران، ترتیبات فرعی توافق شده نمی‌تواند به طور یکجانبه تغییر یابد. همچنین مکانیسمی در موافقتنامه پادمان برای تعلیق مفاد توافق شده در ترتیبات فرعی وجود ندارد. بنابراین همانطور که قبلاً در گزارش‌های مدیر کل توضیح داده شده است، کد اصلاحی ۳/۱ که در سال ۲۰۰۳ از سوی ایران پذیرفته شد همچنان به قوت خود باقیست. ایران همچنین موظف به اجرای بند ۵ اجرایی قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت (مصوب سال ۲۰۱۰) می‌باشد که طبق آن باید کاملاً و بدون هیچ شرطی موافقتنامه پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، شامل اجرای کد اصلاحی ۳/۱ را به اجرا درآورد.

2. GOV/2013/27, para. 60.

۳. نقل شده در پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۷ فوریه ۲۰۱۰، www.president.ir

۴. ایران مکان ۱۰ سایت جدید غنی‌سازی را مشخص می‌سازد، خبرگزاری فارس، ۱۶ اوت ۲۰۱۰.

5. GOV/2013/27, para. 62.

J ـ پروتکل الحاقی

۶۰. برخلاف قطعنامه‌های مربوط شورای حکام و شورای امنیت، ایران پروتکل الحاقی را اجرا نمی‌نماید. آژانس در موقعیتی نخواهد بود که تضمین معتبر درباره فقدان مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده در ایران را ارائه دهد مگر اینکه و تا زمانی که ایران همکاری لازم را با آژانس از جمله اجرای پروتکل الحاقی به عمل آورد.[1]

K ـ سایر موضوعات

۶۱. همانطور که در گزارش قبلی مدیر کل ذکر شده بود[2]، آژانس در تاریخ ۲۶ مه ۲۰۱۳ در رآکتور آب سنگین نیروی صفر واقع در اصفهان، وجود ۳۶ مجموعه سوخت نمونه را که در کارخانه تولید سوخت تولید شده بودند را راستی‌آزمایی نمود. ایران طی نامه‌ای به تاریخ ۱۸ مه ۲۰۱۳ به آژانس اطلاع داد که در نظر است این ۳۶ مجموعه سوخت نمونه برای آزمایشاتی به منظور «اندازه‌گیری برخی پارامترهای سوخت و برخی پارامترهای شبکه (lattice) آب سنگین» مورد استفاده واقع شوند. از زمان گزارش قبلی، ایران به آژانس اطلاع داده که این مجموعه‌های سوخت در قلب راکتور قرار داده شده‌اند.

۶۲. طی بازرسی انجام شده در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۳، آژانس تأیید کرد که پنج مجموعه سوخت که توسط ایران تولید شده بود و حاوی اورانیوم غنی شده تا ۳/۵ درصد و تا ۲۰ درصد U-235 بود، در قلب راکتور هسته‌ای تهران بودند.[3] در همان تاریخ آژانس مشاهده کرد که نمونه مجموعه سوخت IR-40 برای آزمایش پرتوافکنی در قلب رآکتور تحقیقاتی تهران قرار دارد.[4]

۶۳. از تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۱۳، تأسیسات تولید رادیوایزوتوپ مولیبدن، ید و زینون (MIX) هنوز از کارخانه غنی‌سازی سوخت فردو (FPFP) صفحه‌های سوختی را شامل مخلوطی از U3O8 (با غنای تا ۲۰ درصد) و آلومینیوم برای تولید ایزوتوپ‌های

---

۱. پروتکل الحاقی ایران را شورای حکام در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۳ تأیید نمود و ایران آن را در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ امضا کرد هرچند که هنوز تصویب نشده است. ایران پروتکل الحاقی را به طور موقت بین دسامبر ۲۰۰۳ و فوریه ۲۰۰۶ اجرا نمود.

2. GOV/2013/40, para. 63.

۳. در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۳، قلب راکتور هسته‌ای تهران حاوی مجموعاً ۳۳ مجموعه سوخت بود.

4. GOV/2013/40, para. 64.

مولیبدن۹۹، زینون ۱۳۳و ید ۱۳۲دریافت نداشته است.[1]

۶۴. آژانس در تاریخ ۳۰اکتبر ۲۰۱۳ راستی‌آزمایی موجود فیزیکی را در نیروگاه اتمی بوشهر انجام داد که در آن زمان رآکتور با ۱۰۰ درصد قدرت اسمی خود کار می کرد.

L ـ خلاصه

۶۵. درحالی که آژانس به فعالیت‌های راستی‌آزمایی در خصوص عدم انحراف مواد هسته‌ای اعلام شده در تأسیسات هسته‌ای و مکان‌های خارج از تأسیسات هسته‌ای اعلام شده از سوی ایران که تحت توافقنامه پادمان هستند، ادامه می‌دهد، آژانس در وضعیتی قرار ندارد که درخصوص فقدان فعالیت‌ها و مواد هسته‌ای اعلام نشده اطمینان موثقی ارائه دهد و بنابراین نمی‌تواند نتیجه‌گیری نماید که تمامی مواد هسته‌ای در ایران برای فعالیت‌های صلح‌آمیز هستند.[2]

۶۶. چارچوب برای همکاری یک گام مهم به جلو را رقم زد. ذیل چارچوب برای همکاری، آژانس و ایران موافقت نمودند در رابطه با فعالیت‌های راستی‌آزمایی که از سوی آژانس به منظور حل و فصل موضوعات جاری و گذشته انجام می‌شود همکاری بیشتری داشته باشند و ایران اقدامات عملی مقدماتی را ظرف سه ماه انجام دهد. موضوعات باقی مانده که اقدامات عملی فهرست شده در ضمیمه چارچوب، به آنها نمی‌پردازد از جمله موضوعاتی که در گزارشات قبلی مدیر کل به شورای حکام شناسایی شده‌اند در گام‌های بعدی مورد توجه قرار خواهند گرفت.

۶۷. مدیر کل همچنان اصرار دارد که موافقتنامه پادمان و سایر تعهداتش را به طور کامل اجرا کند.

۶۸. مدیر کل در پی گزارش نمودن پیشرفت‌های بیشتر از جمله در رابطه با اجرای اقدامات عملی مقدماتی به نشست بعدی شورای حکام در مارس ۲۰۱۴ می‌باشد.

---

1. GOV/2013/40,para.65.

۲. شورای حکام از اوایل ۱۹۹۲ در مقاطع مختلف چندین بار تأیید کرده است که پاراگراف ۲از (INFCIRC/153)Corr که دایر بر ماده ۲ موافقتنامه پادمان ایران است آژانس را مختار و ملزم به جستجو و راستی‌آزمایی هر دو موضوع عدم انحراف مواد هسته‌ای از فعالیت‌های اعلام شده (صحت) و همچنین نبود فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده در کشور (یعنی کامل بودن)کرده است. (به عنوان مثال بنگرید به GOV/OR.864,para.49 و GOV/OR.865 paras.53-54

ب ـ ترجمه معاهده متن گسترش سلاح‌های هسته‌ای

متن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)

ماده ۱:

هر یک از اعضا این معاهده که دارای سلاح هسته‌ای است، متعهد می‌شود از واگذاری مستقیم یا غیر مستقیم سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای و یا کنترل بر این سلاح‌ها یا ادوات انفجاری به دیگری خودداری نموده و هیچ‌یک از دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای را به هیچ طریقی در ساخت سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات افنجاری هسته‌ای و یا کسب این سلاح‌ها یا دیگر ادوات انفجاری هست‌های و کنترل بر آنها کمک، تشویق و ترغیب ننماید.

ماده ۲:

هر یک از اعضای این معاهده که فاقد سلاح هسته‌ای است، متعهد می‌شود از قبول مستقیم یا غیرمستقیم انتقال سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای و یا کنترل بر این سلاح‌ها یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای به دیگری خودداری نموده و به هیچ طریقی سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای را نساخته و کسب ننماید و در جستجو و یا دریافت کمک برای ساخت سلاح‌ها یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای بر نیاید.

ماده ۳:

۱ ـ هر یک از اعضا این معاهده که فاقد سلاح‌های هسته‌ای است، متعهد می گردد طی موافقتنامه‌ای که بر طبق اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سیستم پادمان آن مورد مذاکره قرار گرفته و منعقد خواهد شد، پادمان آژانس را صرفاً به منظور بررسی انجام تعهدات عضو مربوطه تحت این معاهده و جلوگیری از انحراف انرژی هسته‌ای از استفاده صلح‌جویانه به سوی سلاح هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای بپذیرد. دستورالعمل‌های پادمان مورد نیاز در این ماده باید متوجه مواد چشمه یا مواد شکاف‌پذیر ویژه‌ای که در یک تأسیسات هسته‌ای اصلی و یا در خارج از آن تولید، فرآوری و یا مورد استفاده قرار گرفته است، باشد.

۲ ـ هر یک از اعضای این معاهده متعهد می‌شود که مواد چشمه یا مواد شکاف‌پذیر ویژه یا تجهیزات یا موادی را که مخصوصاً جهت فراوری، استفاده یا تولید مواد

شکاف‌پذیر ویژه طراحی یا تهیه شده است به هیچ کشور فاقد سلاح هسته‌ای تحویل ننماید، مگر آن که این مواد چشمه یا مواد شکافت‌پذیر ویژه تحت پادمان مقرر در این ماده قرار گیرد.

۳ ـ پادمان مقرر در این ماده به نحوی اجرای خواهد شد که ماده ۴ این معاهده رعایت گردیده و مانع از توسعه اقتصادی و فنی اعضا یا همکاری‌های بین‌المللی در حوزه فعالیت‌های صلح‌جویانه هسته‌ای شامل مبادله بین‌المللی مواد هسته‌ای و تجهیزات فرآوری، استفاده یا تولید مواد هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه بر طبق مقررات این ماده و اصل پادمان مطرح شده در مقدمه این معاهده نشود.

۴ ـ اعضا این معاهده که فاقد سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند جهت رعایت مفاد این ماده، موافقتنامه‌هایی را به صورت انفرادی یا به اتفاق سایر اعضا بر طبق اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با آژانس منعقد می‌نمایند. مذاکرات مربوط به انعقاد این موافقتنامه‌ها در مدت یک‌صد و هشتاد روز پس از لازم‌الاجرا شدن این معاهده آغاز خواهد شد. در مورد اعضایی که اسناد تصویب یا الحاق به این معاهده را پس از مدت یکصد و هشتاد روز ارائه می‌دهند مذاکرات مربوط به انعقاد موافقتنامه حداکثر در تاریخ ارائه اسناد تصویب یا الحاق آغاز خواهد گردید. این موافقتنامه‌ها باید حداکثر هجده ماه پس از تاریخ شروع مذاکرات به اجرا گذاشته شوند.

ماده ۴:

۱ ـ هیچ‌یک از این معاهده به نحوی تفسیر نخواهد گردید که به حقوق غیر قابل انکار هر یک از اعضای آن به منظور توسعه تحقیقات، تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای جهت اهداف صلح‌جویانه بدون هر نوع تبعیض و منطبق با مواد ۱ و ۲ این معاهده، خللی وارد نماید.

۲ ـ همه اعضای این معاده متعهد می‌گردند که تبادل هر چه وسیع‌تر تجهیزات، مواد دانش و اطلاعات فنی را جهت مصارف صلح‌جویانه انرژی هسته‌ای تسهیل نموده و حق شرکت در این مبادلات را دارند. اعضا این معاهده در صورت توانایی باید انفرادی یا به اتفاق سایر اعضا یا سازمان‌های بین‌المللی در توسعه بیشتر استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌جویانه مخصوصاً در قلمرو اعضایی که فاقد سلاح هسته‌ای می‌باشند و با توجه به نیازهای مناطق در حال توسعه جهان، مشارکت نمایند.

ماده ۵:

هر یک از اعضای این معاهده تعهد می‌نماید که اقدامات مقتضی را بر طبق مفاد این معاهده و تحت نظارت شایسته بین‌المللی و از طریق دستورالعمل‌های مناسب بین‌المللی به عمل آورده و منافع بالقوه هرگونه کاربرد صلح‌جویانه استفاده از انفجارات هسته‌ای را با رعایت اصل عدم تبعیض در اختیار تمامی اعضا این معاهده که فاقد سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند قرار دهد و هزینه مورد درخواست از این کشورها بابت ادوات انفجاری مورد استفاده تا حد ممکن کاهش یافته و شامل هزینه‌های تحقیق و یا توسعه نباشد. اعضای این معاهده که فاقد سلاح هسته‌ای می‌باشند، می‌توانند بر اساس یک یا چند موافقتنامه بین‌المللی خاص و از طریق یک سازمان بین‌المللی مربوطه که نمایندگی اعضای فاقد سلاح هسته‌ای در آن به نحوی مکلفی تأمین شده باشد از این منافع استفاده نمایند. مذاکرات بر روی این موضوع پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده آغاز خواهد گردید. اعضای این معاهده که فاقد سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند، در صورت تمایل می‌توانند طی موافقتنامه‌های دو جانبه از منافع مذکور استفاده نمایند.

ماده ۶:

هر یک از اعضای این معاهده متعهد می‌گردد که با حسن نیت، مذاکرات در خصوص اقدامات مؤثر جهت توقف هر چه سریع‌تر مسابقات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای، انعقاد معاهده خلع سلاح عمومی و کامل تحت کنترل شدید و مؤثر بین‌المللی را تعقیب نماید.

ماده ۷:

هیچ‌یک از مواد این معاهده به حق گروه‌های مختلف کشورها که جهت حصول اطمینان از فقدان کامل سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو خود مبادرت به انعقاد معاهدات منطقه‌ای بنمایند، خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

ماده ۸:

۱ـ هریک از اعضای این معاهده می‌تواند اصلاحاتی را به این معاهده پیشنهاد نماید. متن اصلاحات پیشنهادی، به دولت امین معاهده ارائه می‌گردد تا به اطلاع کلیه اعضای معاهده رسانده شود در صورت تقاضای یک‌سوم اعضا یا بیشتر جهت اصلاح معاهده، دولت امین از تمامی اعضای معاهده جهت تشکیل کنفرانسی به منظور بررسی این اصلاحات دعوت به عمل خواهد آورد.

۲ ـ هرگونه اصلاحی به این معاهده باید با اکثریت آرا تمامی اعضای این معاهده شامل آرای تمامی دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای عضو این معاهده و تمامی اعضای دیگر معاهده که در تاریخ اعلام اصلاحیه پیشنهادی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عضویت دارند، مورد تصویب قرار گیرد. این اصلاحات در مورد هر یک از اعضای این معاهده که سند تصویب اصلاحیه را تسلیم نماید، از تاریخی لازم‌الاجرا می‌باشد که اسناد تصویب اکثریت اعضا معاهده از جمله تمامی کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای که از اعضای معاهده می‌باشند و تمامی اعضای دیگر که در تاریخ اعلام اصلاحیه در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عضویت دارند، تسلیم شده باشد. پس از آن، اصلاحیه در مورد سایر اعضای معاهده از تاریخ ارائه اسناد تصویب اصلاحیه لازم‌الاجرا می‌گردد.

۳ ـ پنج سال پس از لازم‌الاجرا شدن این معاهده، کنفرانسی متشکل از اعضای معاهده در شهر ژنو (سوئیس) جهت بازنگری بر نحوه اجرای معاهده مذکور به منظور حصول اطمینان از تحقق اهداف مقدمه و مفاد معاهده، تشکیل خواهد شد. پس از آن و در فواصل پنج ساله، اکثریت اعضا معاهده می‌توانند با ارائه پیشنهادی در این مورد به دولت امین معاهده، خواستار تشکیل کنفرانس مشابه دیگری جهت بررسی عملکرد معاهده شوند.

ماده ۹:

۱ ـ این معاهده برای امضا تمامی کشورها مفتوح خواهد بود هر کشوری که معاهده را قبل از آن که بر طبق بند سوم این ماده لازم‌الاجرا شود امضا ننموده باشد می‌تواند در هر زمانی به آن ملحق شود.

۲ ـ این معاهده به تصویب کشورهای امضاکننده آن خواهد رسید و اسناد تصویب و الحاق معاهده نزد دولت‌های بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و ایالات متحده آمریکا که بدین‌وسیله به عنوان دولت‌های امین تعیین می‌گردند، به امانت سپرده می‌شود.

۳ ـ این معاهده پس از تصویب کشورهایی که دولت‌های آنها به عنوان امین معاهده تعیین شده‌اند و ارائه اسناد تصویب چهل دولت دیگر امضاکننده این معاهده، لازم‌الاجرا خواهد گردید. در جهت اهداف این معاهده، کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای به دولت‌هایی اطلاق می‌گردد که تا قبل از ژانویه ۱۹۶۷ یک سلاح هسته‌ای یا وسیله

انفجاری هسته‌ای را ساخته و منفجر نموده باشند.

۴ ـ در مورد کشورهایی که اسناد تصویب یا الحاق خود را پس از لازم‌الاجرا شدن این معاهده تسلیم نمایند، معاهده از تاریخ تسلیم اسناد تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا می‌گردد.

۵ ـ دولت‌های امین معاهده، تاریخ هر امضا و تاریخ تسلیم هر سند تصویب یا الحاق و تاریخ لازم‌الاجرا شدن این معاهده و تاریخ وصول هر تقاضای تشکیل کنفرانس و سایر اعلامیه‌ها را بلادرنگ به اطلاع تمامی کشورهای امضاکننده و یا ملحق شده به معاهده خواهند رساند.

۶ ـ این معاهده توسط دولت‌های امین آن بر طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

ماده ۱۰:

۱ ـ چنانچه هر یک از اعضای معاهده تشخیص دهد حوادثی فوق‌العاده مربوط به موضوع این معاهده منافع عالیه کشورش را به مخاطره‌انداخته است این حق را خواهد داشت که در اعمال حق حاکمیت ملی خود از این معاهده کناره‌گیری نماید. این عضو باید کناره‌گیری خود را با اطلاعیه قبلی ۳ ماهه به تمامی اعضای معاهده و به شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام نماید. اطلاعیه فوق باید حاوی بیان و شرح حوادث فوق‌العاده‌ای باشد که به نظر دولت مورد اشاره، منافع عالیه کشورش را به مخاطره انداخته است.

۲ ـ بیست و پنج سال پس از لازم‌الاجرا شدن این معاهده کنفرانسی تشکیل خواهد گردید تا در مورد این که آیا این معاهده برای مدت نامعین یا برای مدت یا مدت‌های اضافی مشخص تمدید شود، تصمیم‌گیری نماید. این تصمیم با اکثریت آرای اعضاء معاهده اتخاذ می‌گردد.

ماده ۱۱:

متون انگلیسی، روسی، فرانسوی، اسپانیایی و چینی این معاهده دارای اعتبار واحد بوده و باید در بایگانی دولت‌های امین این معاهده به امانت سپرده شوند. دولت‌های امین معاهده نسخه‌های کاملاً تأیید شده این معاهده را برای دولت‌های امضاکننده یا ملحق شده به معاهده ارسال می‌دارند.

ج ـ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

متن این اساسنامه که مشتمل بر ۲۳ ماده و یک ضمیمه است در جلسه روز سه‌شنبه ششم خرداد ماه ۱۳۳۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است.

ماده اول

در تأسیس آژانس اصحاب این اساسنامه یک آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که من‌بعد در این اساسنامه به نام آژانس خوانده خواهد شد طبق مبانی و شرایط مصرحه ذیل تأسیس می‌کنند.

ماده دوم

در مقاصد آژانس خواهد کوشید تا سهم انرژی اتمی را در صلح سلامت و سعادت سراسر جهان تسریع کند و توسعه بخشد و تا جایی که بدان قادر باشد کسب اطمینان خواهد کرد که هر کمکی که به وسیله آژانس یا بنا به تقاضای آن و یا تحت سرپرستی و نظارت آن به عمل خواهد آمد برای پیشرفت هیچ منظور نظامی مورد استفاده قرار نگیرد.

ماده سوم ـ در وظایف

الف ـ آژانس مجاز است:

۱ـ تحقیق درباره انرژی اتمی و توسعه آن و استفاده عملی از آن را برای مقاصد غیرنظامی در سراسر جهان تشویق و مساعدت نماید و در صورتی که از آژانس تقاضا شده باشد جهت تأمین انجام خدمات یا تهیه مواد و وسایل و تأسیسات برای یک عضو آژانس از طرف عضو دیگر به عنوان واسطه عمل کند و نیز جهت تحقیق در انرژی اتمی و توسعه آن و استفاده عملی از آن در مقاصد غیر نظامی هم عمل یا خدمت مفیدی را انجام دهد.

۲ـ به منظور تأمین وسائل تحقیق درباره انژی اتمی و توسعه آن و استفاده عملی از آن در مقاصد غیر نظامی و از جمله تولید نیروی برق با توجه لازم به احتیاجات نواحی عقب مانده جهان طبق این اساسنامه مواد و خدمات و تجهیزات و تأسیسات ضروری را تدارک و تحویل نماید.

۳ـ مبادله اطلاعات علمی و فنی را جهت استفاده از انرژی اتمی در مقاصد غیر نظامی تسهیل کند.

۴ـ مبادله و تعلیم دانشمندان و کارشناسان را در زمینه استفاده غیرنظامی از انرژی اتمی تشویق نمایند.

۵ـ جهت حصول اطمینان بر اینکه مواد شکاف‌پذیر مخصوص و سایر مواد و خدمات و تجهیزات و تأسیسات و اطلاعاتی که به وسیله آژانس یا طبق تقاضای آن و یا تحت سرپرستی و نظارت آن تدارک شده در پیشرفت هیچ منظور نظامی مورد استفاده قرار نگیرد پادمان اتخاذ و اجرا کند و این تدبیر احتیاطی را طبق تقاضای اصحاب این اساسنامه برقراردادهای دو یا چند جانبه مشمول دهد و یا بنا بر تقاضای یک دولت هرگونه فعالیت آن دولت را در زمینه انرژی اتمی مشمول این پادمان سازد.

۶ـ برای حفظ سلامتی و تقلیل مخاطرات جانی و مالی و (از جمله درباره شرایط کار) با مشورت و عنداللزوم با همکاری مقامات صالح سازمان ملل متحد و موسسات تخصصی مربوطه آن مقرراتی اساسی (استاندارد) وضع و یا اقتباس نماید و جهت اجرای این مقررات اساسی چه در مورد عملیات خود آژانس و چه مورد عملیات مربوط به استعمال مواد و استفاده از خدمات و تجهیزات و تأسیسات و اطلاعاتی که بنا بر تقاضای آژانس یا تحت نظارت و سرپرستی آن به عمل می‌آید تدابیر لازم اتخاذ کند و نیز ترتیب مقتضی بدهد که برحسب تقاضای اصحاب و این اساسنامه و مقررات اساسی مزبور در مورد عملیات مربوط به قراردادهای دو یا چند جانبه و همچنین در صورت تقاضای یک دولت در مورد کلیه عملیات آن دولت در زمینه انرژی اتمی به موقع اجرا درآید.

۷ ـ هرگاه در یک منطقه به‌خصوص وسائل و تأسیسات و تجهیزات موجود غیر کافی و یا استفاده از آن فقط تحت شرایطی میسر باشد که رضایت‌بخش شناخته نشود هر نوع وسائل و تأسیسات و تجهیزاتی که جهت انجام اقدامات مجاز آژانس مفید باشد تهیه و یا ایجاد کند.

ب ـ آژانس ضمن انجام وظایف خود:

۱ ـ در فعالیتهای خود به قسمی عمل خواهد کرد که با هدف‌ها و اصول سازمان ملل متحد به منظور پیشرفت صلح و تعاون بین‌المللی و یا سیاست متخذه از طرف ملل متحد به منظور تحقق یک خلع سلاح تضمین شده در سراسر جهان و با سایر قراردادهای بین‌المللی که به منظور اجرای چنین سیاست‌هایی به وجود آمده است منطبق باشد.

۲ ـ برای حصول اطمینان از اینکه مواد شکافت‌پذیر مخصوصی که آژانس دریافت می‌دارد جز در مقاصد غیر نظامی به مصرف نخواهد رسید بر استعمال مواد مزبور نظارت برقرار خواهد ساخت.

۳ـ منابع و ذخایر خود را در سراسر جهان به قسمی توزیع خواهد کرد که استعمال مؤثر و تا حداکثر استفاده عموم از مصرف آن در جمیع مناطق جهان با توجه به احتیاجات مخصوص نواحی عقب افتاده جهان تأمین گردد.

۴ ـ گزارشهای سالیانه‌ای از فعالیت‌های خود به مجمع عمومی سازمان ملل و عندالاقتضا به شورای امنیت تسلیم خواهد کرد و هرگاه در حدود فعالیت‌های آژانس مسائلی پیش آید که در صلاحیت شورای امنیت باشد آژانس شورای مزبور را که مسئولیت اصلی صلح و امنیت جهان را به عهده دارد از آن مستحضر خواهد ساخت و همچنین آژانس می‌تواند اقداماتی را که طبق این اساسنامه بدان مجاز می‌باشد و از جمله اقداماتی که در بند ۳ از ماده ۱۲ پیش‌بینی شده به عمل آورد.

۵ ـ گزارشهایی را به شورای اقتصادی و اجتماعی و سایر مقامات ملل متحد در خصوص مسائلی که در صلاحیت آنهاست تسلیم می‌نماید.

پ ـ کمکی را که آژانس ضمن انجام وظایف خود به اعضای خود می‌کند مقید به هیچ شرط سیاسی و اقتصادی و نظامی یا هر شرط دیگری که مغایر با مقررات این اساسنامه باشد نخواهد نمود.

ت ـ به شرط رعایت مقررات این اساسنامه و مقررات قراردادهایی که بین یک دولت یا دسته‌ای از دولت‌ها طبق مقررات این اساسنامه یا با آژانس منعقد شده باشد آژانس فعالیت‌های خود را با توجه به حق حاکمیت دولت‌ها به عمل خواهد آورد.

ماده چهارم

در عضویت الف ـ اعضای مؤسس این آژانس عبارتند از دولی که عضو سازمان ملل متحد یا یکی از موسسات تخصصی آن بوده و این اساسنامه را در ظرف نود روز از تاریخی که برای امضا آماده می‌شود امضا و سند تصویب را تسلیم نموده باشند.

ب ـ اعضای دیگر آژانس دولت‌هایی هستند که اعم از داشتن یا نداشتن عضویت در سازمان ملل متحد با یکی از مؤسسات تخصصی آن عضویت آنها بنا به توصیه شورای حکام از طرف کنفرانس عمومی تصویب شود و سند الحاق به این اساسنامه را تسلیم نمایند. هنگام توضیح یا پذیرفتن دولتی به عضویت آژانس شورای حکام و کنفرانس عمومی درباره قدرت و تمایل آن دولت به ایفای تعهداتی که به اعضای آژانس تعلق خواهد گرفت با توجه به قدرت و تمایل آن دولت به اجرای مقاصد و اصول منشور

ملل متحد اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

پ ـ آژانس بر اصل تساوی حق حاکمیت جمیع اعضای آن مبتنی می‌باشد و برای اینکه حقوق و امتیازات ناشی از عضویت آژانس برای کلیه اعضا تأمین گردد جمیع اعضا موظف‌اند تعهداتی را که طبق این اساسنامه به عهده گرفته‌اند با حسن نیت اجرا کنند.

ماده پنجم ـ در کنفرانس عمومی

الف ـ یک کنفرانس عمومی مرکب از نمایندگان کلیه اعضای آژانس یا به صورت عادی سالیانه و یا بر حسب دعوت مدیر کل که طبق تقاضای شورای حکام یا اکثریت اعضا به عمل خواهد آمد به صورت فوق‌العاده انعقاد خواهد یافت محل اجلاس این کنفرانس مقر دائمی آژانس خواهد بود مگر اینکه کنفرانس عمومی تصمیم دیگری اتخاذ کند.

ب ـ هر یک از اعضا در این کنفرانس‌ها یک نفر نماینده خواهد داشت که می‌تواند اعضای علی‌البدل و مشاورینی همراه خود داشته باشد هزینه حضور هر نمایندگی به وسیله عضو ذی‌نفع تأدیه خواهد شد.

پ ـ کنفرانس عمومی در آغاز هر دوره اجلاسیه یک نفر رئیس و متصدیان دیگری را که لازم باشد انتخاب خواهد کرد و این منتخبین در طول دوره اجلاسیه انجام وظیفه خواهند نمود کنفرانس عمومی با رعایت مقررات این اساسنامه نظامنامه داخلی خود را وضع می‌نماید. هر عضو دارای یک رأی خواهد بود. تصمیمات مربوط به مسائلی که در بند ح از ماده ۱۴ و قسمت یک بند پ از ماده ۱۸ و بند ب از ماده ۱۹ پیش‌بینی شده به اکثریت دو ثلث اعضای حاضر و رأی‌دهنده اتخاذ خواهد شد تصمیمات مربوط به مسائل دیگر از جمله اینکه کدام مسائل یا کدام دسته از مسائل جدید باید به اکثریت دو ثلث آرا حل شود منوط به اکثریت آرا اعضای حاضر و رأی‌دهنده خواهد بود حد نصاب با اکثریت اعضا حاصل می‌گردد.

ت ـ کنفرانس عمومی می‌تواند کلیه مسائل و اموری را که در حدود این اساسنامه بوده و یا به اختیارات و عملیات یکی از مقامات پیش‌بینی شده در این اساسنامه ارتباط داشته باشد مورد بحث قرار دهد و به اعضای آژانس و شورای حکام و یا به هر دو در باب مسائل و امور مزبور توصیه‌هایی بنماید.

ث ـ کنفرانس عمومی:

۱ ـ اعضا شورای حکام را طبق ماده ۶ انتخاب می‌کند.

۲ ـ پذیرش اعضای جدید را طبق ماده ۴ تصویب می‌نماید.

۳ ـ امتیازات و حقوق هر عضو را طبق ماده ۱۹ معلق می‌سازد.

۴ ـ گزارش سالیانه شورای حکام را مورد مداقه قرار می‌دهد.

۵ ـ طبق ماده ۱۴ بودجه آژانس را بنا به توصیه شورای حکام تصویب می‌نماید و با این که بودجه مزبور را کلاً یا جزئاً به ضمیمه توصیه‌های خود به شورای حکام اعاده می‌دهد که از نو به کنفرانس تقدیم کنند.

۶ ـ گزارش‌هایی که باید به سازمان ملل متحد تسلیم شود به طوری که در قرارداد مربوط به مناسبات آژانس با سازمان ملل پیش‌بینی شده به استثنای گزارش‌های مذکوره در بند ب از ماده ۱۲ را تصویب می‌کند و یا آنرا به ضمیمه توصیه‌های خود به شورای حکام عودت می‌دهد.

۷ ـ هر قراردادی را که بین آژانس و سازمان ملل یا مؤسسات دیگر بسته می‌شود به طوری‌که در ماده ۱۶ پیش‌بینی شده تصویب می‌کنند یا آن را به ضمیمه توصیه‌های خود به هیأت اعاده می‌دهند و شورای حکام آنرا مجدداً به کنفرانس عمومی تقدیم می‌نماید.

۸ ـ قواعد و حدودی را که شورای حکام می‌تواند در حیطه آن طبق بند ج از ماده ۱۴ مبادرت به استقراض نماید و نیز شرایط قبول وجوهی که داوطلبانه به آژانس تقدیم می‌شود و همچنین طبق بند ج از ماده ۱۴ طریق مصرف وجوه عمومی مذکور در آن بند را تصویب می‌کند.

۹ ـ اصلاحات در این اساسنامه را طبق بند پ از ماده ۱۸ تصویب می‌کند.

۱۰ ـ انتصاب مدیر کل را طبق بند الف از ماده ۷ تصویب می‌نماید.

ج ـ کنفرانس عمومی صلاحیت دارد:

۱ ـ درباره هر مطلبی که شورای حکام به خصوص برای کسب تکلیف به کنفرانس عمومی احاله می‌کند اخذ تصمیم نماید.

۲ ـ موضوعاتی را برای بررسی به شورای حکام ارجاع و یا از هیأت مزبور تسلیم گزارش‌هایی را درباره هر موضوعی که به عملیات آژانس مربوط باشد درخواست کند.

ماده ششم ـ در شورای حکام

الف) شورای حکام به ترتیب ذیل تشکیل خواهد شد:

۱ ـ شورای حکام ای که به علت انقضای دوره باید کنار رود (در مورد اولین هیأت کمیسیون مقدماتی مصرحه در ضمیمه ۱) پنج نفر از اعضا را که در تکنولوژی انرژی اتمی منجمله تولید مواد اولیه از سایرین جلوتر باشند به عضویت شورای حکام منصوب می کند به علاوه از هر یک از مناطقی که ذیلاً ذکر می‌شود عضوی را که در تکنولوژی انرژی اتمی و منجمله تولید مواد اولیه جلوتر باشد به شرط اینکه منطقه مزبور نماینده بین پنج عضو مذکور در فوق نداشته باشد برای عضویت در شورای حکام معین می‌نماید.

ماده هفتم ـ در کارمندان

الف) یک مدیر کل در رأس کارمندان آژانس قرار دارد این مدیر کل را شورای حکام با تصویب کنفرانس عمومی برای مدت چهار سال تعیین می کند مدیر کل عالی‌ترین مأمور اداری آژانس می‌باشد.

ب) مدیر کل مسئول انتصابات و سازمان و انجام وظیفه از طرف کارمندان می‌باشد و تحت اختیار و نظارت شورای حکام قرار دارد. مدیر کل وظایف خود را طبق مقرراتی انجام خواهد داد که از طرف شورای حکام وضع شده باشد.

پ) هیات کارمندان آژانس آن گونه کارشناسان علمی و فنی و سایر افراد ذیصلاحیتی را که برای انجام مقاصد و وظایف آژانس لازم باشد نیز شامل خواهد بود آژانس این اصل را رعایت خواهد نمود که تعداد کارمندان دائمی آن به حداقل باشد.

ت) در انتخاب و استخدام و تعیین کیفیت کار بدین نکته توجه اساسی معطوف خواهد شد که کارمندانی واجد بالاترین میزان کاردانی و صلاحیت فنی و فضائل اخلاقی برگزیده و تعیین شوند. به شرط رعایت اصل مذکور در فوق به تشریک مساعی اعضای آژانس و اهمیت استخدام به طریقی که از لحاظ جغرافیایی مظهر وسیع‌ترین منطقه ممکنه باشد نیز توجه لازم مبذول خواهد گشت.

ترتیب و شرایط استخدام و حقوق و خاتمه خدمت کارمندان طبق مقرراتی خواهد بود که شورای حکام بنا بر مفاد این اساسنامه و همچنین با رعایت قواعد عمومی که بنا بر توصیه هیأت از طرف کنفرانس عمومی تصویب شده باشد وضع نماید.

ج) مدیر کل و کارمندان در انجام وظایف خود از هیچ مقامی غیر از آژانس نه کسب تکلیف و نه قبول دستور خواهند کرد و از هر اقدامی که ممکن است در وضع آنان به عنوان یک کارمند آژانس مؤثر باشد خودداری خواهند کرد و نظر به مسئولیت‌هایی

که در قبال آژانس دارند هیچ سر صنعتی یا اطلاعات محرمانه دیگری که در نتیجه انجام وظایف رسمی آژانس بر آنان مکشوف شده افشا نخواهند کرد. هریک تعهد می‌کند که جنبه بین‌المللی وظایف مدیر کل و کارمندان را محترم دارد و درصدد نباشد که آنان را در انجام وظایف خود تحت تأثیر قرار دهد.

چ ـ اصطلاح کارمندان در این ماده شامل مستحفظین نیز می‌گردد.

ماده هشتم ـ در تبادل اطلاعات

الف) هریک از اعضا باید اطلاعاتی را که به تشخیص خود برای آژانس مفید می‌شناسد در اختیار آن بگذارد.

ب) هریک از اعضا تمام اطلاعات علمی را که در نتیجه کمک آژانس طبق ماده ۱۱ حاصل شده باشد در اختیار آژانس خواهد گذاشت.

پ) آژانس اطلاعاتی را که طبق بندهای الف و ب این ماده تحصیل شده است جمع‌آوری می‌کند و به صورتیْ قابل استفاده در دسترس قرار می‌دهد.

آژانس جهت تشویق تبادل اطلاعات در خصوص اهمیت انرژی اتمی و استفاده‌های غیر نظامی از آن اقدامات مثبتی به عمل خواهد آورد و برای این مقصود بین اعضا خود به عنوان یک رابط عمل خواهد کرد.

ماده نهم ـ در تدارک و تحویل مواد

الف ـ اعضا می‌توانند هر مقدار مواد شکافت‌پذیر مخصوص را که مقتضی بدانند و تحت شرایطی که با آژانس مورد توافق قرار گرفته باشد در اختیار آژانس بگذارند موادی که تحت اختیار آژانس گذاشته می‌شود ممکن است بنا به صوابدید عضوی که آن را تدارک می‌کند به وسیله همان عضو و یا با موافقت آژانس در انبارهای آژانس نگاهداری شود.

ب ـ اعضا همچنین می‌توانند مواد اولیه‌ای را که در ماده ۲۰ تعریف شده و نیز مواد دیگری را در اختیار آژانس بگذارند میزان این‌گونه مواد را که آژانس طبق موافقت‌های مقرر در ماده ۱۳ قبول خواهد کرد شورای حکام تعیین خواهد نمود.

پ ـ هر عضوی میزان و صورت و ترکیب مواد شکافت پذیر مخصوص و مواد اولیه و سایر موادی را که حاضر است با متابعت از قوانین خود بلافاصله یا در طی مدت مقرره از طرف شورای حکام در اختیار آژانس بگذارد به استحضار آژانس خواهد رسانید.

ت ـ هر عضوی بنا به تقاضای آژانس از موادی که در اختیار آن گذاشته است

هر مقداری را که آژانس تعیین کند بلافاصله به عضو دیگر یا دسته‌ای از اعضا تحویل خواهد داد و نیز هر مقدار از مواد مزبور را که واقعاً برای عملیات و تحقیقات علمی در تأسیسات آژانس ضروری باشد بلافاصله به خود آژانس تحویل خواهد نمود.

ث ـ میزان و صورت و ترکیب موادی که به وسیله هر عضو در اختیار آژانس گذاشته شده می‌تواند در هر موقع با موافقت شورای حکام تغییر یابد.

ج ـ اطلاعات بدوی طبق بند پ این ماده باید طی سه ماه پس از تاریخ اعتبار یافتن این اساسنامه برای عضو ذینفع داده شود. هرگاه شورای حکام تصمیم مغایری اتخاذ نکرده باشد موادی که بدواً عرضه شده مربوط به یک دوره یک ساله خواهد بود که متعاقب سالی است که این اساسنامه درباره عضو ذینفع اعتبار می‌یابد و همچنین هرگاه از طرف شورای حکام اقدام مغایری به عمل نیامده باشد اطلاعات بعدی که نباید دیرتر از اولین روز ماه نوامبر هر سال تسلیم شود مربوط به یک دوره یک‌ساله متعاقب تسلیم اطلاع خواهد بود.

چ ـ از بابت موادی که یک عضو حاضر است در اختیار آژانس بگذارد آژانس محل و طریقه تحویل و برحسب اقتضاء صورت و ترکیب موادی که تحویل آن را از عضو مزبور تقاضا نموده تعیین خواهد کرد آژانس همچنین مقدار مواد تحویل شده را ممیزی و میزان آن را متناوباً به اطلاع اعضا خواهد رسانید.

ح ـ آژانس مسئول انبار کردن و حفاظت موادی است که در تصرف دارد و باید اطمینان حاصل کند که مواد مزبور اولاً از تغییرات جوی ثانیاً از نقل و انتقال و یا مصارف غیرمجاز ثالثاً از لطمه و انهدام منجمله خرابکاری رابعاً از تصرف قاهرانه مصون خواهد بود. آژانس در مورد انبار کردن مواد شکاف‌پذیر مخصوص باید مراقبت نماید که مواد مزبور از نظر جغرافیایی به قسمی توزیع گردد که مقادیر زیادی از آن در یک کشور یا در یک منطقه جهان تمرکز نیابد.

خ ـ آژانس در سریعترین مدتی که عملاً میسر باشد از اقلام ذیل آنچه را که لازم بداند ایجاد و وضع خواهد کرد.

۱ـ مراکز و تجهیزات و تأسیسات برای تحویل و انبار کردن و توزیع مواد.

۲ـ وسایل مادی حفاظت.

۳ـ مقررات کافی برای بهداشت یا جلوگیری از مخاطرات.

۴ـ آزمایشگاههای ممیزی برای تجزیه و بازرسی مواد دریافت شده.

۵ ـ منازل و اماکن اداری جهت کارمندانی که وجودشان برای انجام امور مذکور در فوق لازم است.

۶ـ موادی که طبق مفاد این ماده تحویل شده است به تشخیص شورای حکام و بنابر مقررات این اساسنامه مورد استفاده قرار خواهد گرفت هیچ‌یک از اعضا حق ندارد بخواهد موادی را که در اختیار آژانس می‌گذارد علیحده نگاهداری شود و یا طرح بخصوصی را جهت مصرف مواد مزبور معین نماید.

ماده دهم

در خدمات و تجهیزات و تأسیسات اعضا می‌تواند خدمات و تجهیزات و تأسیساتی را که بتواند به انجام مقاصد و وظایف آژانس کمک کند در اختیار آژانس بگذارند.

ماده یازدهم ـ در طرحهای آژانس

الف ـ هر عضوی یا دسته‌ای از اعضای آژانس که مایل به اجرای طرحی مربوط به‌تحقیق درباره انرژی اتمی یا توسعه آن یا استفاده عملی از آن جهت مقاصد غیرنظامی باشد می‌تواند کمک آژانس را در تأمین مواد شکاف‌پذیر مخصوص و خدمات و تجهیزات و وسایل و تأسیسات لازم برای این مقصود تقاضا کند. هر تقاضایی از این قبیل باید با توضیح مقصود و حدود طرح توأم باشد و اینگونه تقاضاها از طرف شورای حکام بررسی خواهد شد.

ب ـ آژانس همچنین می‌تواند بنا به تقاضای یک عضو و یا دسته‌ای از اعضا در انعقاد قراردادهایی جهت تأمین اعتبارات مالی از طرف منابع خارجی برای اجرای چنین طرحهایی مساعدت نماید و ضمن انجام چنین مساعدتی هیچ‌گونه تضمین یا قبول مسئولیت مالی درباره آن طرح از آژانس تقاضا نخواهد شد.

پ ـ آژانس می‌تواند تدارک تمام مواد و خدمات و تجهیزات و تأسیسات لازم برای هر طرح را به توسط یک یا چند عضو خود ترتیب بدهد و یا تدارک آنرا بنا بر تمام عضو یا اعضایی که تقاضا کرده‌اند کلاً یا جزئاً به عهده بگیرد.

ت ـ آژانس می‌تواند برای بررسی هر تقاضایی شخص یا اشخاص ذیصلاحیتی را به قلمرو آن عضو و یا آن دسته از اعضا که تقاضا کرده‌اند برای مطالعه طرح منظور اعزام دارد و در انجام این امر آژانس با موفقت آن عضو یا آن دسته از اعضا که تقاضا کرده‌اند

می‌تواند افرادی از کارمندان خود یا از اتباع ذی‌صلاحیت هر یک از اعضای خود را مورد استفاده قرار دهد.

ث ـ شورای حکام قبل از تصویب هر طرحی بنا بر مقررات این ماده به مراتب ذیل توجه لازم خواهد کرد.

۱ـ فایده طرح و از جمله قابل اجرا بودن آن از نظر علمی و فنی.

۲ـ کفایت نقشه‌ها واعتبارات و کادر فنی به اندازه‌ای که اجرای طرح را به صورت ثمربخشی تأمین سازد.

۳ـ پیش‌بینی مقررات اساسی بهداشت و جلوگیری از مخاطرات به قسمی که برای تماس با مواد و نقل و انتقال و انبار کردن آن و عمل و تأسیسات کافی باشد.

۴ـ عدم توانایی آن عضو یا آن دسته از اعضای تقاضاکننده جهت تأمین اعتبارات و مواد و تأسیسات و تجهیزات و خدمات لازم.

۵ ـ توزیع عادلانه مواد و منابع دیگری که در اختیار آژانس می‌باشد.

۶ ـ احتیاجات مخصوص مناطق عقب‌مانده جهان.

۷ـ مسائل مربوطه دیگر.

ج ـ پس از تصویب هر طرحی آژانس یا عضو یا دسته‌ای از اعضا آن طرح را تسلیم کرده است قراردادی منعقد خواهد ساخت و در این قرارداد:

۱ـ میزان هر ماده شکاف‌پذیر مخصوص و مواد دیگری که لازم است برای طرح تخصیص یابد پیش‌بینی خواهد شد.

۲ـ انتقال مواد شکاف‌پذیر مخصوص از محل حفاظت آن حین تنظیم قرارداد (اعم از اینکه تحت حفاظت آژانس یا عضوی باشدکه آنرا جهت استفاده در طرح‌های آژانس تدارک کرده) به عضو یا دسته‌ای که از اعضا که طرح را تسلیم نموده‌اند تحت کیفیاتی که حمل و نقل بدون مخاطره و مقررات علمی بهداشتی و صحیح را تأمین نموده باشد پیش‌بینی خواهد شد.

۳ـ شرایط و کیفیات و از جمله قیمتی که طبق آن باید مواد و خدمات و تجهیزات و تأسیساتی از طرف خود آژانس فراهم گردد معین خواهد شد و در صورتی‌که این‌گونه مواد و خدمات و تجهیزات و تأسیسات باید توسط یکی از اعضا تهیه شود شرایط و کیفیات آن به قسمی که بین آن عضو یا آن دسته از اعضا تهیه‌کننده طرح و

عضو تدارک‌کننده مقرر شد معین خواهد گشت.

۴ ـ ضمناً از عضو یا آن دسته از اعضا که طرح را تسلیم کرده است تعهد گرفته خواهد شد که اولاً از کمک پیش‌بینی شده برای پیشرفت هیچ منظور نظامی استفاده نشود ثانیاً با وجود تصمیمات مربوطه مصرحه در قرارداد طرح موضوع قرارداد مشمول پادمان مندرجه در ماده ۱۲ خواهد بود.

۵ ـ برای حفظ حقوق و منافع آژانس و عضو یا اعضای ذی‌نفع در اختراعات یا اکتشافات یا حقوق انحصاری ناشی از طرح پیش‌بینی مقتضی خواهد شد.

۶ ـ برای فیصله اختلافات پیش‌بینی مقتضی خواهد شد.

۷ ـ هر پیش‌بینی دیگر مربوط به موضوع به عمل خواهد آمد.

چ ـ مقررات این ماده در صورت اقتضا شامل هرگونه تقاضای مواد و خدمات و تأسیسات و تجهیزات مربوط به طرحی که در حال اجرا می‌باشد نیز می‌گردد.

ماده دوازدهم ـ در خصوص پادمان

الف ـ در مورد هر طرح مربوط بخود آژانس یا هر قراردادی که اصحاب ذی‌نفع در آن از آژانس اجرای پادمان را تقاضا کرده باشند آژانس حقوق و مسئولیت‌های ذیل را تا حدی که مربوط بدان طرح یا قرارداد می‌گردد دارا می‌باشد.

۱ ـ رسیدگی به نقشه تجهیزات و تأسیسات مخصوص و از جمله راکتورهای هسته‌ای و تصویب آن منحصراً از لحاظ حصول اطمینان بر اینکه نقشه مزبور موجب پیشرفت هیچ منظور نظامی نخواهد بود و با مقررات اساسی بهداشت و جلوگیری از مخاطرات منطبق می‌باشد و پادمان و تصمیمات مقرر در این ماده می‌تواند به نحو مؤثری درباره آن اجرا شود.

۲ ـ تقاضای اجرای هرگونه مقررات بهداشتی و پادمان که آژانس وضع نماید.

۳ ـ تقاضای نگاهداری و تهیه فهرست روشنی از سابقه عملیات که به سهولت امکان احتساب به مواد اولیه یا مواد شکافت‌پذیر مخصوص که جهت طرح یا قرارداد استعمال یا تولید شده کمک کند.

۴ ـ مطالبه و دریافت گزارش‌هایی درباره پیشرفت عملیات.

۵ ـ تصویب طرق اجرای عملیات شیمیایی روی مواد قابل تشعشع صرفاً (از لحاظ حصول اطمینان اینکه این عملیات شیمیایی به استفاده مواد در مقاصد نظامی منجر

نخواهد گشت و با مقررات اساسی بهداشت و جلوگیری از مخاطرات منطبق خواهد بود و نیز تقاضای اینکه مواد شکاف‌پذیر مخصوصی که به صورت یک محصول فرعی جمع‌آوری یا تولید می‌شود در مقاصد غیرنظامی و تحت تضمینات مداوم آژانس برای تحقیقات علمی یا راکتور یا اعم از موجود یا آنچه در دست ساختمان است و از طرف عضو یا اعضا ذی‌علاقه مشخص خواهد شد مورد استفاده قرار گیرد و نیز تقاضای اینکه هر گونه مازاد مواد شکاف‌پذیر مخصوص که به صورت یک محصول فرعی از آنچه برای عملیات مذکور در فوق لازم است جمع‌آوری یا تولید می‌شود به منظور جلوگیری از ذخیره شدن آن نزد آژانس به امانت گذاشته شود مشروط بر اینکه این مواد شکاف‌پذیر مخصوص که بدین نحو نزد آژانس به امانت سپرده می‌شود بنا به تقاضای عضو یا اعضا ذی‌نفع بلافاصله به آن عضو یا آن اعضا که ذی‌نفع هستند مسترد گردد تا تحت شرایط مذکوره در فوق به مصرف برسانند.

۶ـ بازرسانی که از طرف آژانس پس از مشورت با دولت یا دولت‌های دریافت‌کننده کمک معین خواهد شد. بقلمرو آن دولت یا آن دولت‌ها اعزام دارد و این بازرسان عنداللزوم برای احتساب مواد اولیه و مواد شکافت‌پذیر مخصوص تدارک شده و محصولات به دست آمده از مواد شکافت‌پذیر مخصوص و تشخیص ایفاء تعهدات مربوط به عدم استفاده برای پیشرفت منظور نظامی مندرج در قسمت ج ـ۴ ماده ۱۱ و مقررات بهداشتی و پادمان مندرج در قسمت الف ـ ۲ این ماده و نیز سایر کیفیات مصرحه در قرار بین آژانس و دولت یا دولتهای ذی‌نفع در هر موقع به هرجا و هر برنامه کار و هر شخصی که به اقتضای سمت خود با مواد و تجهیزات و تأسیساتی سروکار دارد که طبق مقررات این اساسنامه باید حفاظت شوند حق مراجعه خواهند داشت بازرسان معین شده از طرف آژانس در صورت تقاضای دولت ذینفع با نمایندگانی از مقامات آن دولت همراه خواهند شد مشروط بر اینکه در اجرای وظایف این بازرسان از این جهت تأخیر و یا از جهت دیگر ممانعتی حاصل نشود.

۷ـ در صورتی که تعهدات و مقررات از طرف دولت یا دولت‌های دریافت‌کننده کمک مراعات نشود و یا ناقص باشد و اقدامات اصلاحی نیز در مدت معقولی به عمل نیاید کمک آژانس را معلق کند یا خاتمه دهد و مواد و تجهیزاتی که از طرف آژانس یا یک عضو آن جهت اجرای طرح تدارک شده مسترد دارد.

ب ـ یک هیأت بازرسی برحسب احتیاج تشکیل دهد و این هیأت بازرسی مسئول است کلیه عملیاتی که مستقیماً به وسیله آژانس اداره می‌شود بازرسی و اطمینان حاصل کند که آژانس آن اقدامات بهداشتی و پادمان که اجرای آنرا در طرح‌هایی که منوط به تصویب یا تحت سرپرستی و نظارت آژانس می‌باشد مقرر داشته خود مورد عمل قرار داده است و نیز اطمینان حاصل کند که اقدامات کافی به عمل آمده تا مواد اولیه یا مواد شکاف‌پذیر مخصوصی که در حفاظت آژانس می‌باشد و یا در عملیات خود آژانس استعمال گشته و یا تولید شده است برای پیشرفت هیچ منظور نظامی مورد استفاده قرار نگیرد. آژانس برای جبران هر عدم مطابقت یا هر منقصتی اقدامات کافی به عمل خواهد آورد.

پ ـ هیأت بازرسی همچنین مسئولیت دارد که حساب مندرج در قسمت الف ۶ ـ این ماده را بخواهد و ممیزی کند و اطمینان حاصل نماید که تعهد مصرح در قسمت ج ـ ۴ ماده ۱۱ و مقررات مصرحه در قسمت الف ـ ۲ این ماده و نیز سایر کیفیات هر طرح به قسمی که در قرارداد بین آژانس و دولت یا دولت‌های ذی‌نفع تصریح گشته مراعات شده است.

بازرسان هر تخلف از شرطی را به مدیر کل گزارش می‌دهند و مشارالیه گزارش مزبور را به شورای حکام تسلیم می‌کند و شورای حکام به دولت یا دولت‌های دریافت کننده کمک دیگر مراجعه و تقاضا خواهد کرد که فوراً هر تخلفی که هیأت بازرسی وقوع آنرا تشخیص داد جبران کنند شورای حکام این تخلف را به کلیه اعضای شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل گزارش خواهد داد و در صورتی‌که از طرف دولت یا دولت‌های ذی‌نفع در مدت معقولی اقدامات اصلاحی به نحو اتم به عمل نیاید هیأت می‌تواند یکی از تصمیمات یک و یا هر دو را در آن واحد اتخاذ کند.

۱ ـ تقلیل یا تعلیق کمکی که از طرف آژانس یا یکی از اعضا فراهم گشته.

۲ ـ تقاضای اعاده مواد و تجهیزاتی که در اختیار یک عضو یا دسته‌ای از اعضا گذاشته شده است. همچنین آژانس می‌تواند طبق ماده ۱۹ استفاد ه از امتیازات و حقوق ناشیه از عضویت را درباره عضو متخلف معلق سازد.

ماده سیزدهم ـ در تأدیه مطالبات اعضا

جز در مواردی که بین شورای حکام و عضوی که برای آژانس مواد خدمات و تجهیزات

و تأسیسات تدارک می‌کند به صورت دیگری توافق شده باشد شورای حکام با عضو تدارک‌کننده قراردادی جهت ترتیب تأدیه بهای اقلام تدارک شده منعقد خواهد کرد.

ماده چهاردهم ـ در مقررات مالی

الف ـ شورای حکام بودجه سالیانه که متضمن برآورد مخارج آژانس خواهد بود به کنفرانس عمومی تسلیم خواهد نمود و مدیر کل برای تسهیل کار هیأت طرح بودجه را بدواً تهیه می‌نماید و اگر کنفرانس عمومی برآورد مزبور را تصویب نکند آنرا با توصیه‌هایی به شورای حکام بازمی‌گرداند و در آن‌صورت هیأت برآورد جدیدی برای تصویب به کنفرانس عمومی تسلیم خواهد نمود.

ب ـ مخارج آژانس در اقلام زیر طبقه‌بندی می‌شود:

۱ ـ مخارج اداری که عبارتند از:

اولاً ـ مخارج کارمندان آژانس به استثنای مخارج کارمندانی که به علت ارتباط با مواد و خدمات و تجهیزات و تأسیسات مصرحه در قسمت ب ۲ که ذیلاً ذکر می‌شود استخدام شده‌اند مخارج اجلاسات و مخارجی که جهت تهیه طرحهای آژانس و توزیع اطلاعات لازم است.

ثانیاً ـ مخارج اجرای پادمان و تضمینات مصرحه در ماده ۱۲ د ر مورد طرح‌های آژانس یا تضمینات قسمت الف ـ ۵ ماده ۳ در مورد هر قرارداد و یا چند جانبه و نیز مخارج نقل و انتقال و انبار کردن مواد شکاف‌پذیر مخصوص علاوه برمخارج نقل و انتقال و انبارداری مصرحه در بند ث این ماده.

۲ ـ مخارجی که در قسمت ب ۱ این ماده پیش‌بینی نشده و به مواد و لوازم و تأسیسات و تجهیزاتی ارتباط دارد که به وسیله آژانس جهت انجام وظایف مجاز آن تحصیل و یا ایجاد شده باشد و همچنین قیمت مواد و خدمت و تجهیزات و تأسیساتی که از طرف آژانس و به موجب قراردادها برای یک یا چند عضو تدارک شده است.

پ ـ شورای حکام ضمن تعیین مخارج مصرحه در قسمت ثانوی بند ب ۱ مذکور در فوق وجوهی را که طبق قراردادهای دو یا چندجانبه با آژانس از بابت اجرای تضمینات قابل استرداد باشد کسر خواهد کرد.

ت ـ شورای حکام مخارج مصرحه در قسمت ب ۱ مذکور در فوق را بنا به نسبتی که

باید از طرف کنفرانس عمومی تعیین شود تقسیم خواهد کرد و کنفرانس عمومی در تعیین این نسبت از اصول متخذه از طرف ملل متحد برای پرداخت سهمیه دول عضو در بودجه عمومی سازمان ملل پیروی خواهد نمود.

ث ـ شورای حکام متناوباً تعرفه‌ای برای مخارج و از جمله تعرفه واحدی برای اجرت انبارداری و نقل و انتقال مواد خدمات و تجهیزات و تأسیساتی که به وسیله آژانس جهت اعضا تدارک می‌شود تعیین خواهد کرد. تعرفه مزبور به قسمی تنظیم خواهد شد که عایدات کافی جهت مقابله یا مخارج و قیمت‌های مصرحه در قسمت ب ـ ۲ مذکور در فوق پس از وضع هدایای داوطلبانه‌ای که شورای حکام می‌تواند طبق بند ج به این منظور تخصیص دهد تأمین نماید.

وجوهی که به وسیله این تعرفه عاید می‌شود در اعتبار جداگانه‌ای نگاهداری خواهد شد تا بابت مواد و خدمات و تجهیزات و تأسیساتی که به وسیله اعضا تدارک شده به آنها تأدیه گردد و یا به مصرف سایر مخارج مصرحه در قسمت ب ۲ مذکور در فوق که ممکن است به وسیله خود آژانس ایجاد گردد رسانیده بشود.

ج ـ هر نوع مازادی که عواید مصرحه در بند ث برمخارج مندرج در آن بند داشته باشد و کلیه وجوهی که داوطلبانه به آژانس اهدا شود در یک اعتبار عمومی نگاهداری خواهد شد و طبق نظر شورای حکام با تصویب کنفرانس عمومی به مصرف خواهد رسید.

چ ـ به شرط رعایت قواعد و حدودی که از طرف کنفرانس عمومی به تصویب رسیده باشد شورای حکام اختیار خواهد داشت که هم به نمایندگی از طرف آژانس به استقراض مبادرت ورزد بدون اینکه هیچ‌گونه مسئولیتی از بابت قروض که با استفاده از این اختیار به وجود آمده بر اعضای آژانس تحمیل گردد و هم وجوهی که داوطلبانه به آژانس اهدا می‌شود قبول نماید.

ح ـ تصمیمات کنفرانس عمومی در خصوص مسائل مالی و نیز تصمیمات شورای حکام درباره میزان بودجه آژانس به اکثریت دو ثلث از اعضای حاضر و رأی‌دهنده اتخاذ خواهد شد.

ماده پانزدهم ـ در امتیازات و مصونیت‌ها

الف ـ آژانس در قلمرو هر یک از اعضای خود از شخصیت حقوقی و امتیازات و مصونیت‌هایی که برای انجام وظایف آن لازم باشد برخوردار خواهد شد.

ب ـ نمایندگان اعضا و همچنین اعضای علی‌البدل و مشاورین آنان و کسانی که به عضویت شورای حکام منصوب می‌شوند و اعضای علی‌البدل و مشاورین آنان و مدیر کل و کارمندان آژانس از امتیازات و مصونیت‌هایی بهره‌مند خواهند بود که برای آزادی آنان در عمل جهت انجام وظایف مربوط آژانس لازم باشد.

پ ـ شخصیت حقوقی و امتیازات و مصونیت‌هایی که در این ماده بدان اشاره شد به موجب قرارداد یا قراردادهای جداگانه‌ای که در انعقاد آن مدیر کل به نمایندگی از آژانس و طبق تعلیمات شورای حکام اقدام خواهد کرد بین آژانس و اعضا تعیین خواهد شد.

ماده شانزدهم ـ در رابطه با سایر سازمان‌ها

الف ـ شورای حکام با تصویب کنفرانس عمومی مجاز است برای ایجاد رابطه مقتضی بین آژانس و سازمان ملل متحد یا هر سازمان دیگری که کار آن بکار آژانس مربوط باشد موافقتنامه یا موافقتنامه‌هایی که رابطه بین آژانس و سازمان ملل را برقرار می‌سازد متضمن نکات ذیل خواهد بود:

۱ ـ اینکه از طرف آژانس گزارش‌های مندرجه در قسمتهای ب ـ۴ و ب ۵ ماده ۳ به سازمان تسلیم شود.

۲ ـ این که آژانس قطعنامه‌های مربوط به آژانس را که در مجمع عمومی یا یکی از شوراهای آن به تصویب رسید مورد مطالعه قرار دهد و در صورتی که تقاضا شده باشد درباره اقدامی که طبق مفاد این اساسنامه در نتیجه مطالعه قطعنامه از طرف آژانس یا اعضای آن به عمل آمده گزارشی به مقام صالح سازمان ملل تسلیم نماید.

ماده هفدهم ـ در رفع اختلافات

الف ـ هر مسئله یا اختلافی در باب تفسیر یا اجرای این اساسنامه که با مذاکره فیصله نیافته باشد طبق اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به آن دیوان ارجاع خواهد شد مگر اینکه طرفین ذی‌نفع برای رفع اختلاف به طریق دیگری توافق کنند.

ب ـ کنفرانس عمومی و شورای حکام هر یک جداگانه حق دارد بشرط اجازه مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا کند که در هر مسئله حقوقی که در حدود فعالیت آژانس پیش آید نظر مشورتی ابراز نماید.

ماده هجدهم ـ در اصلاحات و کناره‌گیری

الف ـ هر یک از اعضا می‌تواند اصلاحاتی را در این اساسنامه پیشنهاد کند. رونوشت‌های

مصدقی از متن هر اصلاحی که پیشنهاد شده از طرف مدیر کل تهیه و لااقل نود روز قبل از تاریخ رسیدگی کنفرانس عمومی پیشنهاد مزبور جهت اعضا فرستاده خواهد شد.

ب ـ در پنجمین اجلاس کنفرانس عمومی سالیانه بعد از تاریخ اعتبار یافتن این اساسنامه موضوع تجدیدنظر عمومی در مقررات این اساسنامه در دستور آن دوره اجلاسیه گذاشته خواهد شد و در صورت تصویب اکثریت اعضای حاضر و رأی‌دهنده این تجدید نظر در کنفرانس عمومی بعدی به عمل خواهد آمد و از آن به بعد پیشنهادهای مربوط به مسئله تجدید نظر عمومی در این اساسنامه می‌تواند طبق همین رویه برای اتخاذ تصمیم به کنفرانس عمومی تقدیم شود.

پ ـ اصلاحات وقتی برای اعضا الزام‌آور می‌گردد که:

۱ ـ کنفرانس عمومی پس از بررسی ملاحظاتی که از طرف شورای حکام در مورد هر اصلاح پیشنهاد شده تقدیم گشته آنرا با اکثریت دو ثلث اعضای حاضر و رأی‌دهنده تصویب کرده باشد.

۲ ـ دو ثلث از اعضا با رعایت مقررات قانون اساسی خود آنرا پذیرفته باشد قبول اصلاحات از طرف هر عضو با تسلیم سند قبول به دولتی که طبق بند پ از ماده ۲۱ امانت‌دار اسناد خواهد شد صورت خواهد گرفت.

ت ـ هر عضوی می‌تواند پس از انقضای مدت پنج سال از تاریخ اعتبار یافتن این اساسنامه در هر موقع که مایل به قبول اصلاحی در این اساسنامه باشد پس از اعلام کتبی به دولتی که طبق بند پ از ماده ۲۱ امانت‌دار اسناد است از عضویت آژانس کناره‌گیری کند و دولت امانت‌دار اسناد بلافاصله این کناره‌گیری را به اطلاع شورای حکام و کلیه اعضا خواهد رسانید.

ث ـ کناره‌گیری یک عضو از آژانس درالزامات ناشی از قراردادی که طبق ماده ۱۱ به عهده آن عضو می‌باشد یا در تعهداتی که آن عضو از لحاظ بودجه همان سال کناره‌گیری به عهده دارد تأثیری نخواهد داشت.

ماده نوزدهم ـ در تعلیق امتیازات

الف ـ هر عضوی که در پرداخت سهمیه مالی خود به آژانس تأخیر کند و مبلغی که تأدیه آن تأخیر شده مساوی یا زیادتر از مبلغی باشد که عضو مزبور ملزم به تأدیه آن در دو سال اخیر بوده است حق رأی در آژانس نخواهد داشت معذالک در صورتی که

کنفرانس عمومی تشخیص دهد که تأخیر تأدیه در اثر کیفیاتی مافوق قدرت عضو مزبور بوده می‌تواند به آن عضو اجازه شرکت در رأی بدهد.

ب ـ هرگاه عضوی در نقض مقررات این اساسنامه یا هر قراردادی که طبق مقررات این اساسنامه منعقد نموده اصرار ورزد کنفرانس عمومی می‌تواند بنابر توصیه شورای حکام به اکثریت دو ثلث از اعضای حاضر و رأی‌دهنده امتیازات و حقوق عضویت آن عضو را معلق سازد.

ماده بیستم ـ در تعاریف

در این اساسنامه:

۱ ـ منظور از اصطلاح(ماده شکاف‌پذیر مخصوص) پلوتونیوم ۲۳۹ و اورانیوم غنی شده یا چند ایزوتوپ ۲۳۵و۲۳۳ و هر محصولی که محتوی یک یا چند قلم از ایزوتوپ‌های مذکور در فوق و همچنین هرماده شکاف‌پذیر دیگر که شورای حکام به مرور تعیین خواهد کرد می‌باشد ولی اصطلاح ماده شکاف‌پذیر مخصوص شامل مواد اولیه نیست.

۲ ـ منظور از تعریف اورانیوم غنی شده با ایزوتوپ ۲۳۵ و ۲۳۳ اورانیومی است که محتوی ایزوتوپ ۲۳۵ و ۲۳۳ یا هردو به مقداری باشد که نسبت بین مجموع این دو ایزوتوپ با ایزوتوپ ۲۳۸ بیشتر از نسبت ایزوتوپ ۲۳۵ و ایزوتوپ ۲۳۸ که در طبیعت به دست می‌آید باشد.

۳ ـ منظور از اصطلاح «مواد اولیه» اورانیومی است محتوی مخلوطی از ایزوتوپ‌ها به نسبتی که در طبیعت یافت می‌شود و یا اورانیومی که مقدار ایزوتوپ ۲۳۵ آن کمتر از میزان طبیعی باشد توریوم (Thorium) و نیز تمام مواد مذکور در فوق به شکل فلز یا آلیاژ یا ترکیبات شیمیایی مواد پرعیار شده و هر نوع ماده دیگر که یک یا چند قلم از مواد فوق را با عیاری که شورای حکام به مرور تعیین خواهد نمود دارا باشد و همچنین هر ماده دیگری که شورای حکام به مرور تعیین خواهد کرد.

ماده بیست و یکم ـ در امضا و قبول و اعتبار یافتن اساسنامه

الف ـ از تاریخ ۲۶اکتبر ۱۹۵۶ امضای این اساسنامه از طرف دول عضو سازمان ملل متحد یا دول عضو هر یک از مؤسسات تخصصی آن آغاز خواهد شد و تا مدت نود روز امضا آن از طرف دول مزبور میسر می‌باشد.

ب ـ دول امضاکننده با تسلیم اسناد تصویب جزء اصحاب این اساسنامه خواهند شد.

پ ـ اسناد تصویب از طرف دول امضاکننده و اسناد الحاقی دولت‌هایی که عضویت آنها طبق بند ب از ماده ۴ این اساسنامه به تصویب رسیده نزد دولت ایالات متحده آمریکا که بدین‌وسیله به عنوان دولت امانت‌دار معین شده گذارده خواهد شد.

ت ـ تصویب یا قبولی این اساسنامه از طرف هر دولت طبق مقررات قانون اساسی آن دولت صورت خواهد گرفت.

ث ـ این اساسنامه به استثنای ضمیمه آن به محض تسلیم اسناد تصویب یا قبول از طرف ۱۸ دولت طبق بند ب ـ این ماده اعتبار خواهد یافت مشروط بر اینکه لااقل سه دولت از دولت‌های کانادا و ایالات متحده آمریکا، فرانسه، دولت متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بین ۱۸ دولت مزبور باشد اسناد تصویب یا قبولی که بعداً تسلیم شود از تاریخ وصول اعتبار خواهد یافت.

ج ـ دولت امانت‌دار کلیه دول امضاکننده را به فوریت از تاریخ تسلیم هر سند تصویب و نیز از تاریخ اعتبار یافتن این اساسنامه مستحضر خواهد داشت دولت امانت‌دار تاریخ عضویت دولی که بعدا عضویت یابند به استحضار کلیه امضاکنندگان و اعضا خواهد رسانید.

چ ـ ضمیمه این اساسنامه از نخستین روزی که برای امضا اساسنامه معین شده اعتبار خواهد یافت.

ماده بیست و دوم ـ در ثبت در سازمان ملل

الف ـ این اساسنامه به وسیله دولت امین طبق ماده ۱۵۲ منشور ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

ب ـ قراردادهای منعقده بین آژانس و یا یک یا چند عضو آن یا قراردادهای بین آژانس و یک یا چند سازمان دیگر و نیز قراردادهای بین اعضا که منوط به تصویب آژانس می‌باشد در نزد آژانس به ثبت خواهد رسید درصورتی‌که ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد ثبت این‌گونه قراردادها را الزام کرده باشد آژانس آنرا نزد سازمان به ثبت خواهد رسانید.

ماده بیست و سوم

در متون معتبر و رونوشت‌های مصدق این اساسنامه که به زبان‌های چینی و انگلیسی و فرانسوی و روسی و اسپانیایی تنظیم شده و هر متن آن علی‌السویه معتبر

می‌باشد در بایگانی دولت امانت‌دار ضبط خواهد شد و رونوشت‌های مصدقی از آن به‌وسیله دولت امانت‌دار به دولت‌های کشورهای امضاکننده و نیز به دولت‌های کشورهایی که طبق بند ب از ماده ۴ به عضویت پذیرفته شده‌اند تسلیم خواهد شد.

با توجه به مراتب مذکور در فوق امضاکنندگان ذیل که دارای اختیارات لازم هستند این اساسنامه را امضا می‌کنند این اقدام در بیست و ششمین روز اکتبر سال ۱۹۵۶ در مقر سازمان ملل انجام پذیرفت.

ضمیمه شماره یک ـ در کمیسیون مقدماتی

الف ـ در نخستین روزی که این اساسنامه برای امضا آماده می‌شود یک کمیسیون مقدماتی به وجود خواهد آمد و این کمیسیون مرکب خواهد بود از یک نماینده از هر یک از کشورهای استرالیا، بلژیک، برزیل، کانادا، چکوسلواکی، فرانسه، هند، پرتقال، اتحادیه آفریقای جنوبی، اتحاد جماهیر شوروری سوسیالیستی، کشورهای متحده بریتانیای کبیر، ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا به علاوه یک نماینده از هر یک از شش کشور دیگری که باید کنفرانس بین‌المللی تنظیم اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انتخاب نماید این کمیسیون مقدماتی تا اعتبار یافتن این اساسنامه و سپس تا زمانی که طبق ماده ۴ کنفرانس عمومی تشکیل نشده و شورای حکام انتخاب نگشته است ادامه خواهد یافت.

ب ـ مخارج این کمیسیون مقدماتی ممکن است با وامی که از طرف سازمان ملل متحد داده می‌شود تأمین گردد و کمیسیون مقدماتی با مقامات صالحه سازمان ملل برای این منظور ترتیبات لازم و از جمله ترتیب تأدیه این وام را از طرف آژانس خواهند داد و هرگاه این اعتبارات کافی نباشد کمیسیون مقدماتی می‌تواند مساعده‌هایی از دولت‌ها دریافت کند و این مساعده‌ها را می‌توان از بابت سهمیه‌ای که دولت‌های ذی‌نفع باید به آژانس تأدیه کنند کسر نمود.

کمیسیون مقدماتی

۱ ـ متصدیان امور خود را انتخاب و آئین نامه داخلی خود را تنظیم می‌نماید. بنا به ضرورت تشکیل جلسه می‌دهد و محل اجلاسات خود را معین می‌کند و کمیته‌هایی را که لازم تشخیص دهد به وجود می‌آورد.

۲ ـ یک دبیر مأمور اجرا و کارمندان لازم را منصوب خواهد کرد و حدود

اختیارات و وظایف آنان را معین خواهد نمود.

۳ ـ ترتیب اجلاس نخستین کنفرانس عمومی را که از جمله شامل تهیه دستور موقتی و طرح آئین نامه داخلی می‌باشد خواهد داد این اجلاس باید هرچه زودتر پس از اعتبار یافتن این اساسنامه به عمل آید.

۴ ـ اعضای نخستین شورای حکام را طبق قسمت‌های الف ۱ ـ و الف ۲ ـ و بند ب از ماده ۴ تعیین می کند.

۵ ـ در موضوعات مربوط به آژانس که محتاج به بذل توجه فوری می‌باشد و از جمله:

الف ـ امور مالی آژانس

ب ـ برنامه‌ها و بودجه نخستین سال آژانس

پ ـ مسائل فنی مربوط به طرح عملیات آینده آژانس

ت ـ تشکیل هیأت کارمندان دائمی آژانس

ث ـ مقر دائمی آژانس مطالعه و گزارش‌ها و توصیه‌هایی برای نخستین جلسه کنفرانس عمومی و شورای حکام تهیه خواهد کرد.

۶ ـ درباره شرایط قرارداد مربوط به مقر آژانس و نیز درباره تعیین وضع حقوقی آژانس و حقوق و تعهدات آن در قبال دولت مهماندار توصیه‌هایی به نخستین جلسه شورای حکام تسلیم خواهد نمود.

الف ـ طبق ماده ۱۶ این اساسنامه مذاکرات را به منظور تهیه طرح قرارداد سازمان ملل شروع خواهد کرد این طرح قرارداد باید به نخستین اجلاس کنفرانس عمومی و نیز به نخستین جلسه شورای حکام تقدیم شود.

ب ـ به طوری‌که در ماده ۱۶ این اساسنامه پیش‌بینی شده است در باب روابط آژانس با سایر سازمانهای بین‌المللی به نخستین جلسه کنفرانس عمومی و شورای حکام توصیه‌هایی تقدیم خواهد کرد.

منابع

الف. فارسی

۱. آیزنهاور، سخنرانی اتم برای صلح در مجمع عمومی ملل متحد، نیویورک سازمان ملل ۸دسامبر ۱۹۵۳

۲. افتخار جهرمی، گودرز، حاکمیت دولتها و محدودیت‌های منشور، مجله تحقیقات حقوقی شماره ویژه،۱۳۷۴.

۳. بهاروند، محسن، تأملی در باب حق و اجرای حق : با نگاهی به موضوع هسته‌ای ایران و توافق ژنو، مجله سیاست خارجی، انتشارات وزارت امورخارجه، زمستان۱۳۹۲

۴. بعیدی‌نژاد حمید، دریائی محمدحسن، علی‌آبادی مهدی، تحول در ساختار نظام ملل متحد، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی،۱۳۸۵

۵. بیانیه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در زمینه خلع سلاح هسته‌ای، اجلاس بازنگری معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (نیویورک،۲۰۰۵)

۶. بیانیه‌های گروه کشورهای عضو عدم تعهد در اجلاس‌های بازنگری، در سایت Com Acronym .www

۷. تخت روانچی مجید، سخنرانی در مورد دستاوردهای توافق ژنو، سایت دیپلماسی ایرانی دیماه ۱۳۹۲

۸. جزوه آموزشی بازرسان در دوره آموزشی ماه ژوئن ۲۰۰۶ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

۹. جکسون رابرت، سورنسون گئورک، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده، حسن سعید کلاهی تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳
۱۰. حسینی محمدتقی، سیر تکاملی نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان (تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی ۱۳۸۶)
۱۱. دریایی محمدحسن، استفاده‌های صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل، مجله سیاست خارجی، تهران، بهار ۱۳۸۷
۱۲. دریایی محمدحسن، خلع سلاح در تئوری‌های مختلف روابط بین‌الملل، مجله سیاست خارجی، تهران زمستان ۱۳۸۷
۱۳. دریائی محمدحسن، پنهانکاری هسته‌ای یا جنجال تبلیغاتی، همشهری دیپلماتیک آذر ۱۳۸۴
۱۴. دریایی محمدحسن، تحلیلی بر اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵ تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵
۱۵. دریایی محمدحسن، سند نهایی اجلاس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۰ تهران، وزارت امور خارجه ۱۳۶۹
۱۶. دریایی محمدحسن، نقش قدرت‌های بزرگ در فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۶
۱۷. دوئرتی جیمز و فالتزگراف رابرت، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ اول تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲
۱۸. زکریا فرید، لزوم مهار عربستان به عنوان بزرگ‌ترین چالش خاورمیانه ـ آمریکا بعد از توافق ژنو، سایت دیپلماسی ایرانی۱۶ بهمن۱۳۹۲
۱۹. سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد، تهران، دفتر ملل متحد تهران، ۱۳۸۰
۲۰. ساعد نادر، تأملی بر اصل رضائی‌بودن معاهدات در آئینه تحولات بین‌المللی و خلع‌سلاح و کنترل تسلیحات، مجله حقوقی، شماره ۳۲، سال ۱۳۸۴
۲۱. سخنرانی سفیر مالزی به عنوان نماینده کشورهای عضو عدم تعهد، اجلاس بازنگری NPT در سال ۱۹۹۵

22. www. Acronym.com

۲۳. سخنرانی نماینده ایران، کنفرانس بازنگری TPN در سال ۵۰۰۲ در کمیته سوم، (www.un.org)21/8/2005

۲۴. طباطبایی سید رکن‌الدین، روند توسعه سلاح هسته‌ای در جهان، تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان (تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۸۶) ص ۳۱۹-۲۶۴.
۲۵. عسگرخانی ابو محمد، رژیم‌های بین‌المللی تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۳
۲۶. غلام‌پور علی و رباط جزی محمدعلی، رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران، وزارت امورخارجه ۱۳۹۱
۲۷. قره‌باغیان مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه تهران، نشر نی، ۱۳۷۱
۲۸. گزارش البرادعی به اجلاس شورای حکام مارس ۲۰۰۳
۲۹. مشیرزاده حمید، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴
۲۹. مقدم جعفر، فلاحت‌راد بهمن و رحیمیان ناصر، مروری بر مقررات پروتکل الحاقی و خلاصه‌ای از نحوهٔ اجرای آن در جمهوری اسلامی ایران (تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶)
۳۰. مک کای آلوین، تلاش سازندگان عصر اتم، ترجمه احمد غریب و جمشید کمال (تهران، سازمان انرژی اتمی ۱۳۷۴)
۳۱. منشور ملل متحد، تهران دفتر سازمان ملل ۱۳۷۵
۳۲. مولائی عبادالله، گزارش اثرات منطقه‌ای توافق ژنو، تهران ، وزارت امورخارجه ۱۳۹۲
۳۳. وزارت نیرو (معاونت امور برق و انرژی)، ترازنامهٔ انرژی سال ۱۳۸۴، زمستان ۱۳۸۵
۳۴. وزارت نیرو (معاونت امور برق و انرژی)، ترازنامهٔ انرژی سال ۱۳۸۴، زمستان ۱۳۸۵

ب. لاتین

BP Amoco Statistical Review of World Energy, 2006 Edition
Food and Agriculture Organization of the United Nations - Report 2008
INFCIRC/153. Vienna, IAEA, 2003
International Labour Organization - Report 2008(New York, 1995)
Agency , Pan American Health organization annual Analysis report New york 2007
Johnson Thomas, the history of the NPT, (Washington DC, Carnegie, Carnegie endowment for peace 2000) INFCIRC/153
National strategy to combat WMD December 2002,
Non - Proliferation of Nuclear weapons Treaty _NPT - (New York, UN publication 1990)

NPT Review and extension conference, Decision on Principles and objectives, (New York, 1995)

Philip bleek, (reaffirming NSA) Arms control today March 2002.

Pilat Joseph, Reassessing security assurances, Washington quarterly, Vol 28 No 2 Spring 2005

Special Session on Disarmament I (SSODI), NewYork, UN publication, 1991

Statement of US Foreign Secretary, SSODI, New York 12 June 1978.

The United Nations, «year book of the UN. Vol 10, 1956.

Thomas Johnson, the history of the NPT, (Washington DC, Carnegie, Carnegie endowment for peace 2000)

United Nations year book of the UN, vol 21, 1967

UNSC Resolution No 255 (1968)

UNSC Resolution No 984 (1995)

William Perry, Interview with press, Ismailia, Egypt April 4, 1996.

WORLD HEALTH ORGANIZATION, International Basic Safety Standards for Protection against Ionizing Radiation and for the Safety of Radiation Sources,Safety Series No. 115, IAEA,Vienna (1996).

ج. سایت‌های مورد استفاده به عنوان منبع

http://news.google.com/news?hl=en&q=nuclear+energy&um=1&ie=UTF-8&ei=Qg7vSYCvEpqW1Af-46CJBw&sa=X&oi=news_group&resnum=1&ct=title

http://sead123.tebyan.net/viewPost.aspx?PostID=43716

http://www.dw.de%D9%86-%D9%BE%DB%8C%D8%B4-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8/a-16266752

http://www.iaea.org/OurWork/ST/NE/index.html

http://www.iranian-americans.com/persian/2013/12/1639.html

http://www.irannuclear.net/?page_id=49

http://www.Irannuclear.ir

http://www.iran.ir/fa/News/81001332

http://www.rohama.org/fa/news/9290/

http://zebu.uoregon.edu/1996/phys161.html

https://inlportal.inl.gov/portal/server.pt?open=512&objID=277&mode=2&in_hi_userid=200&cached=true.

https://inlportal.inl.gov/portal/server.pt?open=512&objID=283&parentname=CommunityPage&parentid=1&mode=2&in_hi_userid=200&cached=true

IAEA statute, Article II, www. IAEA. org

www.world-nuclear.org Nuclear Power in the World Today, World Nuclear Association, Sept. 2001

www. Acronym.com

www.iaea.org.

www.iaea.org/dbpage/images/operatio.jpg

www.prb.org

www.un.org

www.frarou.com

www.bamdadkhabar.com

www.andishe-ap-org

www.mehrnews.com